

UNIVERSAL
LIBRARY

OU_228450

UNIVERSAL
LIBRARY

OUP—881—5-8-74—15.000

OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY

Call No. ۸۹۱۳۵۷۵۹ Accession No. P163
۶۷۵

Author

۲

Title

۶۷۵

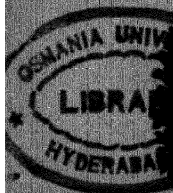
This book should be returned on or before the date last marked below

سالنامه دانش سال سی و ششم

۵۸۰۷



جلد



۱۳۱۷



۱۳۵۷

سال سیزدهم - بیست هزار جلد چاپ شد

مرکز کتب و اسناد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی)

قدس جورابچی و شرکاء

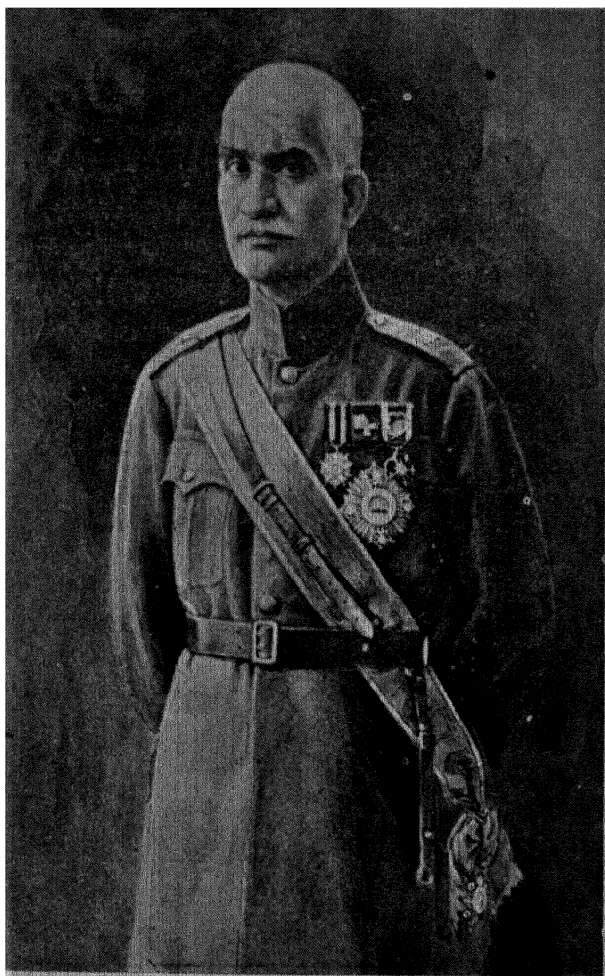
مترین و قدیمترین کارخانه بافندگی جوراب
بود در ایران مؤسسه شرکت نسبی قدس جورابچی
اعانت که با مرور زمان و اختلاف سایقه و ذوق
مشتریان روش اساسی و پسندیده این کارخانه پیشرفته
و پیوسته مبانی ترقی و توسعه و دوام آن محکمتر شده است
دستگاه ها و دستهای هنرمندان این کارخانه همیشه
بهترین تمشها و مطبوعترین رنگها و محکمترین جنسها را
بازاران ترین قیمتها در دسترس مشتریان صرفه جو و
خوش ذوق و باسلیقه خود قرار داده و در بازار انواع
جوراب و تریکو همیشه رقابت محسوس کرده است .
فروش تجارتی در کارخانه - پامنار کوچه (صدر اعظم)

تلفن ۶۰۶۹

خورده فروشی در مغازه - لاله زار

جنب کوچه (ظفر السلطنه) تلفن ۵۶۶۹

شعیر فارسی کلیمہ جامعہ عثمانیہ
حیدرآباد دکن



تمثال مبارك شاهنشاه بزرگ ایران

«آب رنگ - قلم میر مصور»



والا حضرت همايون ولا يتعهد

مندرجات قسمت اول: فهرست کل

تمثال مبارك اعلي حضرت همایون شاهنشاهی

گر اور تمثال والا حضرت همایون ولایتعهد

برند کان جوائز - خسوف کلی - بهای سالنامه صفحه ۸

بقیة تاریخچه ادبیات ایران ۷۳ - ۹

گزارش بکساله کشوری ۱۳۵ - ۷۴

فهرست جزء وقایع:

مجلس شورای ملی و فهرست قوانین مصوبه ۷۵ - ۷۴

یادداشت وقایع: دی و بهمن واسفند و بودجه ۸۸ - ۷۶

فروردین ۱۳۱۶ ۹۱ - ۸۹

خورداد و نیر ۱۰۱ - ۹۱

امرداد و شهر یور ۱۱۲ - ۱۰۱

مهر و ابان و آذر ۱۱۹ - ۱۱۲

یادداشتهای دیگر:

کشایش راه آهن - روز سوم اسفند - جشن ورزش ۱۳۵ - ۱۱۹

از کشورهای دیگر در سال ۱۹۳۷:

اسپانی ۱۴۲ - ۱۳۶

چین و ژاپن ۱۴۹ - ۱۴۳

فلسطین ۱۵۱ - ۱۵۰

آلمان - انجمن نیون ۱۵۶ - ۱۵۲

تشکیلات کشوری: دربار شاهنشاهی ۱۵۷

دفتري ریاست وزراء ۱۵۸

وزارت معارف ۱۵۹

وزارت خارجه ۱۶۳ - ۱۶۰

وزارت عدلیه ۱۶۵ - ۱۶۴

وزارت طرق ۱۶۶

وزارت مالیه ۱۶۸ - ۱۶۷

مندرجات قسمت دوم: فهرست کل

۱۳-۱	صفحه	تناسب مکعبات به هندسه مقدماتی
۶۲-۱۴	»	سالنامه ۱۳۱۷ پارس
۶۵-۶۴	»	حفظ قوای جوانی
۷۵-۶۶	»	بخش پزشکی؛ معالجات فوری امراض
۸۰-۷۶	»	طریقه بستاری از مریض
۸۳-۸۱	»	تزیین اتاقها
۸۹-۸۴	»	فرزندان مایچه خواهند شد - روان شناسی
۹۷-۹۰	»	شکار حیوانات و پوستانهای ایران
۱۰۵-۹۸	»	از بانك فلاحتی، شرکتهها
۱۰۹-۱۰۶	»	از بانك ملی؛ بازار پول - تجارت خارجی ایران
۱۲۴-۱۱۰	»	بهای کلاههای کوما کون
		قسمت تفریحی؛ يك داستان شیرین اثر «ح. م. حمید» و چند
		موضوع فکاهی با گراور و تمام لغات فرهنگستان «۱۲۴-۲۱۶»
		اعلانات باشماره آزاد و کاغذ الوان ۱۶ صفحه
		قسمت دوم سالنامه دارای ۲۳۲ صفحه و يك ضمیمه (ترانه ناز و
		آهنگ آن) و ۱۰۸ قطعه گراور است - چهار تابلو زیبا تر هنرمندان
		نامی ایران بارنگ الوان در قسمت اول و دوم سالنامه نیز ضمیمه میباشد
		که چوما قسمت اول و دوم سالنامه شامل ۴۲۸ صفحه و ۱۷۷
		قطعه گراور است باستثناء گراور اعلانات
<hr/>		
۱۶۹	صفحه	تشکیلات کشوری وزارت داخله
۱۷۰	»	» » وزارت تجارت
۱۷۱	»	» » وزارت صناعت و معادن
۱۷۲	»	» » وزارت پست و تلگراف
۱۷۴-۱۷۳	»	» » اداره کل فلاح
۱۸۴-۱۷۵	»	تشکیلات اداری شهرها و شهرستانها
		قسمت اول دارای ۱۸۴ صفحه و ۶۹ قطعه گراور است

برندگان جوایز ۱۳۱۶ سالنامه پارس

عصر روز جمعه بیست و هفتم فروردین مجلس توزیع جوایز
۱۳۱۶ در اداره سالنامه منعقد و جوایز بشرح ذیل استخراج شد
جایزه اول مشهد آقای صفر علی حقیقی ۵۰۰ ریال

جایزه دوم آبادان آقای داراب نیکزاد ۲۵۰ ریال

جایزه دوم اصفهان آقای مهدی هاشمی ۲۵۰ ریال

شماره جایزه پانصد ریالی جلد سالنامه ۱۷۶۶

جوائز یکصد ریالی : - طهران آقای محمد علی صدیقی
آقای کاظم نگهبان - شیراز آقای رضا ذو القدر - اهواز آقای
علی اکبر حکیم - عراق آقای محمد جبینی - ملایر آقای عیسی
مهدی زاده - لاهیجان خانم امیردخت صفاری - ساوه آقای محمود
احمدی یور - رشت آقای سید احمد نقیبی - قزوین آقای حسن
سرداری - تبریز آقای جمشید محیط - رضائیه آقای حسین شبانی
کرمانشاه آقای محمود نیکجوی - همدان آقای علی آقادی -
رامهرمز آقای نجفقلی کلانتری هرمزی - خور ، بیابانک آقای
ابراهیم فیروزی - بندر لنگه آقای عابدی - معماری - بروجرود خانم
اقدس رازانی - نیشابور آقای عباس ذاکر الحسینی - قوچان آقای
ابراهیم ریاضی - سقز آقای حاجی قاضی شیخ الاسلامی - کرگان
احترام خانم مهینه - مشهد آقای علی اکبر انور خواه - خرمشهر
آقای سعید کهربائی - بیرجند آقای روح الله غنی - زنجان آقای
بهرز کسمائی - شاهرود خانم بتول معانی زاده - کاشمر آقای
غلامحسین زوار - کرمان مهربی خانم شهره - بجنورد آقای
حسنگلی ساغری دوز .

خیلی تاسف داریم که برنده جایزه پانصد ریالی که شماره آن
روی جلد سالنامه چاپ شده معلوم نشد و بناچار توضیح میدهم که
دارندگان سالنامه شماره ای را که در روی جلد سالنامه چاپ شده
فراموش نکنند همینکه جوایز اعلان شد به پشت جلد سالنامه خود

خسوف کلی مرئی

در شب سه شنبه یازدهم ماه رمضان مطابق ۱۷ ابان تمام جرم قمر در عقده ذنب منخسف میشود. بدو خسوف ۶ ساعت و ۵۹ دقیقه. بدو مکث خسوف ۸ ساعت و ۱۹ دقیقه. وسط مکث ۸ ساعت و ۵۱ دقیقه. آخر مکث و بدو انجلا ۹ ساعت و ۳۴ دقیقه. آخر خسوف که تمام قرص منجلی شود ۱۰ ساعت و ۴۳ دقیقه از شب گذشته است. خسوف ۳ ساعت و ۴۴ دقیقه و مدت مکث یک ساعت و ۲۶ دقیقه است. قرص قمر از جنوب شرقی منخسف و از جنوب غربی منجلی میشود.

در تابلو نقاشی کار مهدی

محکمه یکی از اطباء قدیم مربوط بتابلو دیگری بوده و اشتباها در زیر این تابلو چاپ شده. در این تابلو شخص معمم مرحوم حاج محمد حسن معروف بکمپانی است و آنکه انگشت روی ساعت نهاده مرحوم آقامهدی ساعت ساز است که از اساتید بزرگ عصر خود بشمار میرفته

بالاخره ناچار شدیم که سال آینده

با بی نیازی از هر گونه توضیحی لا اقل دو ریال بقیمت سالنامه بیفزائیم و خوانندگان محترم با گرانی روز افزون لوازم و وسایل کار تصدیق خواهند کرد، هم‌اکنون بهای نازلی است، بنابراین سالنامه ۱۳۱۸ بیش از یکصد و بیست و دو ریال و بیست و یک از یکصد و بیست و دو ریال خواهد بود.

مراجعه و فوراً جایزه مذکور را دریافت کنند. هیچ بعید نیست اکنون که به پشت جلد سالنامه ۱۳۱۶ خود رجوع کنید شماره ۱۷۶۶ را بیابید در حالتیکه متأسفانه موقع دریافت جایزه آن منقضی شده است. عصر روز شنبه ۲۷ فروردین نیز جوایز ۱۳۱۷ پارس استخراج

و اسامی برندگان اعلان میشود

مشترکین محترم ولایات در تاریخ ۱۵ اردیبهشت بمراکز فروش سالنامه مراجعه و اعلان برندگان جوایز را مطالبه و ملاحظه کنند

محصول مرغوب داروگر

کارخانه داروگر با وسایل کامل و فعالیت کافی محصول مرغوب و بی نظیر خود را در تمام اوقات برای رفع احتیاج از اجناس خارجی در همهٔ دواخانها و مغازه های معتبر بدسترس فروش گذارده است .

صابون «نخل وزیتون» داروگر باروغن زیتون خالص ساخته میشود

صابون «دارو درما» باعطرهای مخصوص و مطبوع مخلوط میشود .

در صابونهای طبی داروگر ختوصیات بهداشتی کاملاً ملحوظ میگردد

ادوکلین های داروگر دو نوع خاص بفرمول آلمانی ورودی آماده میشود

خامیر دندان «دوراماد» با اشعهٔ رادیوم تهیه میشود

کرمهای مختلف صورت در کارخانه داروگر با ملاحظاتی دقیق طبی ساخته و پرداخته میگردد

محصول مرغوب و مطلوب و مطمئن کارخانهٔ داروگر در تمام سال برای مشتریان محترم آماده است و خانواده های بزرگ میتوانند احتیاجات سه لایه خود را با تحفیف مخصوصی بکجا از خود کارخانه نیز خریداری کنند .

دفتر تجارتخانه و کارخانه سرای رشتی - تلفن ۶۲۲۵

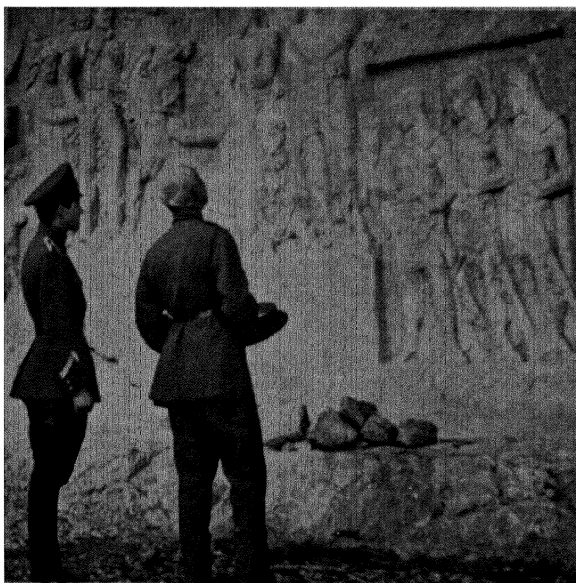


بقلم استاد بزرگ آقائی میر منصور

بقیه تاریخچه ادبیات ایران

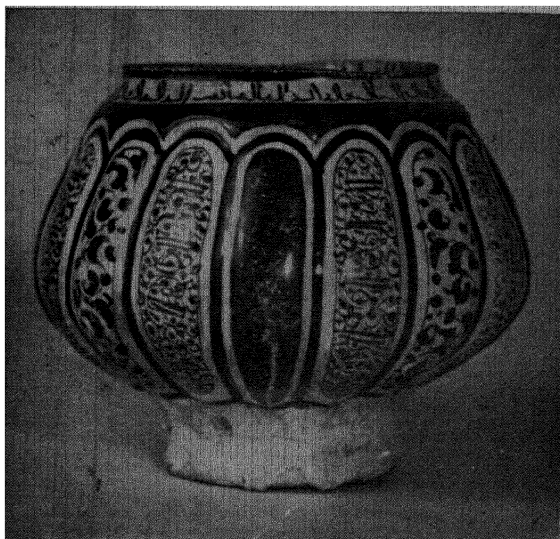
بقلم آقای سعید نفیسی

قرن هفتم در قرن هفتم یکی از ناگوارترین حوادثی که ممکن است برای ملتی پیش آید مات ایران را روی داد و آن فتنه مغول بود که در سال ۶۱۶ ظاهر شد. سیاه چنگیز خان در غره ذیحجه ۶۱۶ شهر بخارا را قتل و غارت کرد و این نخستین شهری بود که از قلمرو ایران بدست سیاهیان خونخوار نامردم مغول افتاد. سلطان جلال الدین منکبرنی آخرین پادشاه خوارزمشاهی که تا سال ۶۳۸ هم زنده بود یاری برابری با سیاه مغول نداشت و همواره در جنگ و گریز بود درین جنگها لشکریان چنگیز بتدریج تمام شهرهای خراسان و عراق را با خاک و خون کشیدند و سیاهی که حد اقل آنرا هشتصد هزار دانسته اند از بخارا اهدمان را میدان ترکنازی و قتل عام قرار دادند و چندان مصائب در ایران روی داد که در تاریخ هیچ ماتی نظیر آن نیست. این کبر و دار تا سال ۶۳۲ یعنی هشت شانزده سال کشید و درین مدت مردم دیار ماد قبیله آسایش و امان نداشتند. جمعی کثیر که کمترین شماره آنرا يك میایون و ششصد و ده هزار نوشته اند در خانهای خود بی گناه کشته شدند و شاید عده دیگر بهمین اندازه در میدانهای جنگ جان سپرده باشند و شهرهای بزرگ ایران که بیشتر آنها سابقه ششصد سال تمدن داشتند مانند بخارا و سمرقند و ترمذ و بلخ و غزنین و هرات و مرو و طوس و دامغان و ری و قم و قزوین و زنجان و همدان و مراغه و نیشابور و اصفهان با خاک و خون یکسان شدند و حتی در بعضی شهرها مانند نیشابور زنان و کودکان را هم کشتند. پس از آن تا سال ۶۵۰ باز مغول در ایران بکشتار و کشور گیری سرگرم بود و فقط درین سال که هولاً کوخان پادشاه مغول خواست در ایران پادشاهی کند و بعمل ایرانی محتاج بود امن و آسایشی درین ممالک برقرار کرد و بهمین جهت مدت



اعلیه حضرت همایون شاهنشاهی و الاحضرت ولایتعهد در تنگ چکان نقوش عصر شاپور اول را مشاهده میفرمایند

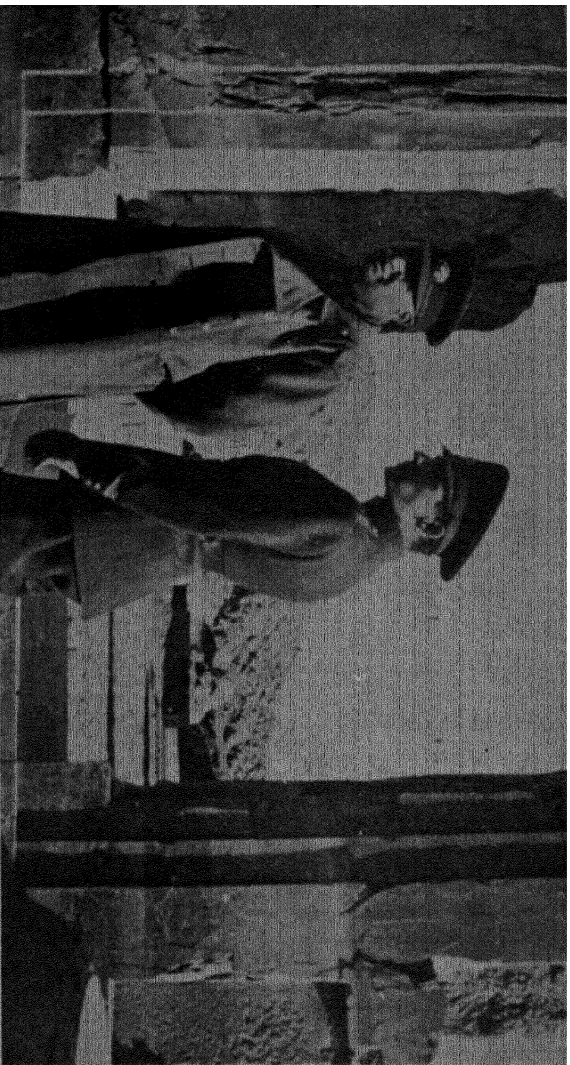
نزدیک بینجاه سال از اوایل قرن هفتم در این دار و گیر هولناک سیری شد و این حوادث رمق از مردم ایران گرفته بود و بهمین جهت ادبیات ایران تا مدتها در ضعف و انقراض بود چه عده کثیری از دانشمندان ایران در این میان کشته شدند و آنان نیز که جان بدر بردند بخارج از ایران یعنی بهندوستان و آسیای صغیر که قلمرو سلجوقیان روم بود پناه بردند و ایران از مردم تهی شد. مخصوصا ضرر بزرگی که متوجه ایران گشت این بود که در مدت چهار صد سال که از تمدن اسلامی ایران گذشته بود علوم و ادبیات باوج کمال خود رسیده بود و اگر این وقفه بیش نمی آمد قطعا بجای بالاتر میرسید چنانکه یکی چند تن از ادبا و علمای ایران که بهندوستان و آسیای صغیر



جامی از خشت خام و منقش متعلق بقرن هفتم

از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

گریختند چنان اساسی گذاشتند که مدت هفتصد سال در هندوستان در دربارهای سلاطین مسلمان مخصوصاً در دربار پادشاهان بابر و در قلمرو عثمانی در دربار پادشاهان آل عثمان باقی ماند و حتی در زمانهایی که در ایران ضعف و فتوری پدیدار می گشت در آن ممالک جبران می شد. دوره ترقی ادبیات در ایران از اواسط قرن هفتم دوباره آشکار شد و سبب آن بود که جانشینان هولاکو برای کشوربانی بایرانیان محتاج بودند و اندکی بعد در ماه محرم ۶۸۱ که تگودار بجای پدرش ابقاخان پادشاه شد با اسم سلطان احمد مذهب اسلام را پذیرفت و عنصر ایرانی بر عنصر مغول غلبه یافت و از آن بیعد مغولانی که



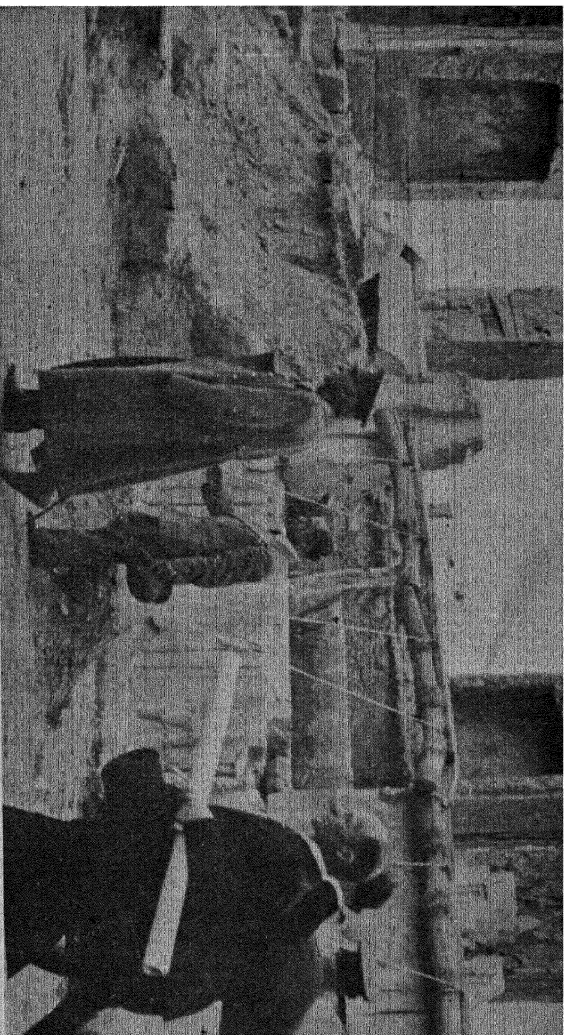
اعلیٰ حضرت همايون شاهنشاهی و والا حضرت همايون و لاينه همسر تالار آذینه تخت جه شمشیر



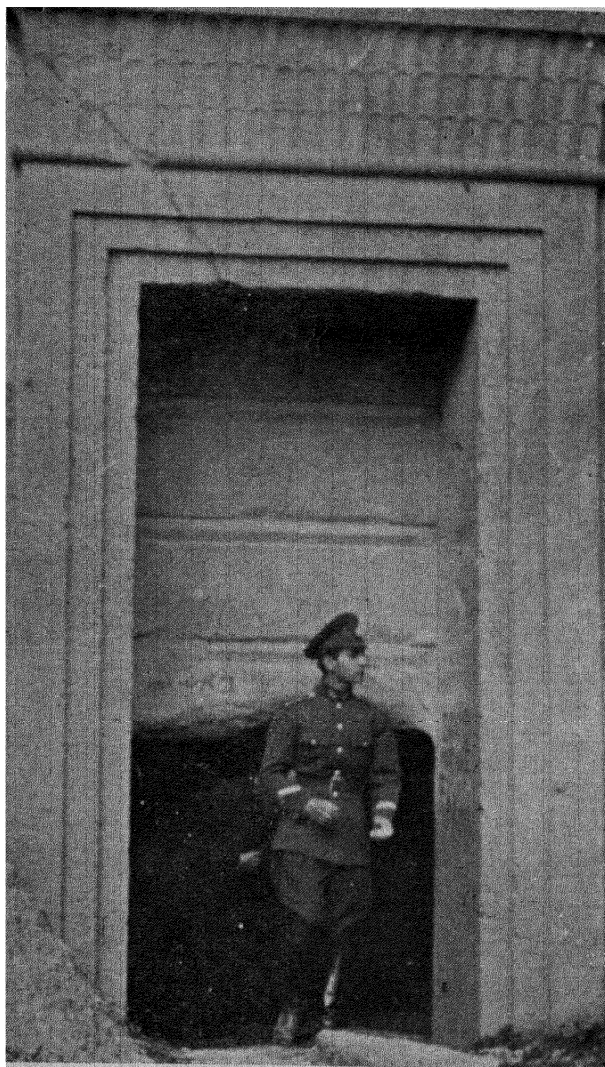
بهرام گور در شکارگاه - ضرب نقره و طلاکاری - از کنگرهٔ ساسانی - موزهٔ ایران باستان

در ایران بودند از حیث آداب و رسوم و تمدن ایرانی شدند. این تمدن مهم بواسطهٔ مساعی خواجه نصیر الدین محمد طوسی ندیم هولاء خان و خاندان جوینیمان مخصوصاً شمس الدین محمد صاحب دیوان جور و وزیر ابقاخان حادث شد. بهمین جهت است که در نیمهٔ اول قرن دوم ضعیفی در ادبیات پدیدار است و بالعکس در نیمهٔ دوم این قرن دورهٔ دوری و عظمتی ظاهر می شود و ادبا و علمائی که درین دوره دوم زندگی کرده اند چون مجدد علوم و ادبیات و محیی رسوم بوده اند مقام بسیار شامخی در تاریخ ایران دارند.

نثر فارسی در قرن هفتم - نژاد مغول همواره بتأثیر اهمیت بسیار می داده و چون مغولان پادشاهی ایران رسیدند تا



اعلیحضرت هه‌ایون شاه‌نشاھی بقسمته‌های جدیدی‌الا کشف اتخت جمشیل نشر یف فر مامیشو‌اند



والا حضرت همایون ولایتعهد عمارت خشیارشارا
تماشا میفرمایند



بشقاب نقره دارای تسمه‌های مطلا - از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

نویسان را تشویق بسیار کردند و در زمان ایشان یکی از شریف‌ترین مشاغل شغل مورخ بود بهمین جهت کتاب بسیار بنثر فارسی در تاریخ تالیف کردند و چون لازمه تاریخ نویسی سبک روان بی‌پیرایه است سبک نثر نویسی که در اواخر قرن ششم اندک اندک پیچیده و مغلق شده بود و رو به فساد می‌رفت دوباره روان و ساده شد و نثر به مراتب بیش از نظم ترقی کرد. نویسندگان بزرگ ایران در این دوره بدین قرار بودند:

۱ - ابو عمر منہاج الدین عثمان بن سراج الدین جوزجانی متولد در ۵۸۹ و متوفی در ۶۹۸ نخست در غور ساکن بوده و در ۶۲۲

۶۲۳ سفارت بسیستان رفته و سپس به هندوستان . مؤلف کتاب بسیار فصیح معتبر است با اسم « طبقات ناصری » که در ۶۵۸ تمام کرده و شامل تاریخ هندوستان است از قدیم ترین زمان تا سلطنت ناصرالدین محمود شاه از پادشاهان غوری هند .

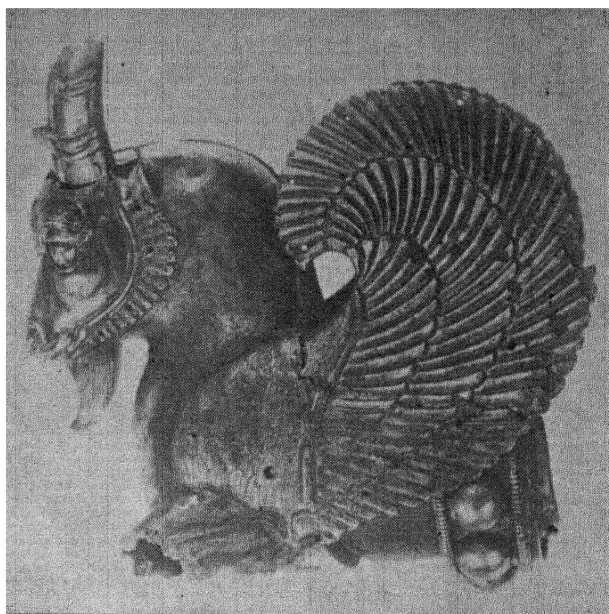
۲ - ابو الشرف ناصح بن ظفر بن سعد منشی جرفادقانی مؤلف تاریخ یمینی ترجمه کتاب ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی که تاریخ غزنویان است و برای سلطان محمود غزنوی نوشته شده و وی آنرا بنام شمس الدوله غازی بیک اید قمشر از انابیکان لرستان و بدستور وزیر او ابو القاسم علی بن حسن بن محمد بن ابو حنیفه تمام کرده .

۳ - خواجه عظامک علاءالدین بن بهاءالدین محمد بن شمس الدین محمد جوینی برادر کوچک تر شمس الدین صاحب دیوان جوینی . خاندان وی یکی از معروفترین خانوادهای وزرا و ادبای ایران است و پدران و برادر و برادر زادگان او در وزارت و دبیری و ادبیات معروفند . خود در سال ۶۲۳ متولد شد و در بیست سالگی که پدر و برادرش از عمال دربار جلال الدین خوارزمشاه بودند وارد خدمت دربار شد و بعد از آنکه برادرش بخدعت هولاء کوخان وارد شد وی نیز جزو عمال دربار مغول در آمد و در دربار ابقاخان و تگودار احمد و ارغون خان مقام رفیع داشت درین ضمن در سال ۶۵۷ که شهر بغداد جزو قلمرو مغول شد حکمرانی ایالت بغداد را بوی سپردند ولی چون تگودار احمد بیادشاهی رسید و میان وی و ارغون خان تقار بود و خاندان جوینی بارغون خان بستگی داشت در سال ۶۸۱ عظامک از حکمرانی بغداد عزل شد و پس از مدتی زندگی در انزوا در روزیکشنبه چهارم ذیحجه همان سال در آن وفات یافت . عظامک جوینی از بزرگان مورخین و نویسندگان ایران است و در نثر فارسی منتهای قدرت را داشته فقط در استعمال کلمات و جمله و ترکیبات عربی گاهی افراط کرده است . تاریخ جهان کشای که بجهان کشای جوینی معروفست مهمترین تالیف اوست که از ۶۵۰ تا ۶۵۸ طول کشیده و شامل

سه جلد است : جلد اول در تاریخ چنگیز خان و فرزندان او تا کیوک خان ، جلد دوم در تاریخ خوارزمشاهیان و جلد سوم در تاریخ اسمعیلیان الموت . گذشته از آن مؤلف رساله ایست با اسم تسلیة الاخوان که در اواخر عمر خویش و در شرح مصائب خود نوشته .

۴ - بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب از مردم طبرستان بود و کتاب تاریخ طبرستان تالیف اوست که شامل وقایع این ناحیه از ایران تا سال ۶۱۳ است که در آن سال بیابان رسیده و گذشته از آنکه قدیم ترین کتاب تاریخ طبرستانست که باقی مانده انشای بسیار فصیح دارد و فقط اندکی در کثرت استعمال لغت عرب افراط کرده است .

۵ - خواجه نصیر الدین ابوجعفر محمد بن حسن طوسی پدرش از مردم ساوه بود و در طوس اقامت داشت و وی در شهر طوس روز شنبه یازدهم جمادی الاولی ۶۰۷ وفات یافت و در جوانی بواسطه حوادث خراسان بقمستان رفت و بدر بار ملک ناصر الدین ابوالفتح عبدالرحیم ابن ابی منصور حکمران قهستان پذیرفته شد و در آنجا کتاب اخلاق ناصری و رساله سیر و سلوک را بنام او پرداخت و سپس چندی در قهستان بزندان افتاد و چون ملک ناصر الدین نزد علاء الدین محمد پادشاه اسمعیلیه الموت رفت او را بهمان حال با خود برد و وی تا انقراض این سلسله در ۶۵۵ در محبس الموت بود و چون هولاً کوخان ابن سلسله را منقرض کرد خواجه را بخدمت خود اختصاص داد و پس از آنکه مراغه را پایا بتخت خود قرار داد در صدخانه ای در آنجا ساخت و کتابخانه ای ترتیب داد و تمام کتابهای را که سیاهیان مغول ازهرجا آورده بودند و شماره آنها را از چهارصد هزار هم بیشتر نوشته اند در آنجا جمع کرد و این مؤسسه علمی بزرگ را بخواجه سپرد و جمعی از علماء را بخدمت او گماشت و وظیفه برایشان مقرر کرد و وی هم چنان مشغول تالیف و تدریس بود تا اینکه در سفری که ببغداد کرده بود روز دوشنبه ۱۸ ذیحجه ۶۷۲ در ۶۵ سالگی رحلت کرد و وی



جام نقره - بزالداری - دوره هخامنشی - از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

را در کاظمین بخاک سپردند . خواجه نصیرالدین یکی از بزرگان علمای اسلام و یکی از مشاهیر ایرانست . در زمان خویش معروفترین علمای دوران بود و در ریاضیات و حکمت و نجوم و سلوک و تصوف و کلام یکی از معتبرترین علمای اسلامست . مؤلفات او بفارسی و عربی در علوم مختلف بیش از شصت جلد کتاب معروفست و از جمله بعضی کتب عربی او در منتهی درجه شهرت می باشد . در نظم و نثر فارسی مهارت بسیار داشته و از جمله کتابهای معروف او بفارسی اخلاق ناصری در اخلاق و اوصاف الاشراف در اخلاق و سلوک و معیار الاشعار در عروض و قوافی و منشورنامه ایلخانی و تذکره آغاز و انجام و رساله سیر و سلوک و رساله هفت باب باباسیدنا و مطاوب المؤمنین هر دو در عقاید

اسمعیلیه و فصول نصیری به و رساله در جبر و اختیار و جام جهان نوا و ادب الوجیز و بیست باب اسطرلاب و رساله رمل و تذکره نصیری به و فارسی هیئت و معرفت تقویم و سی فصل و مدخل نجوم و اساس الاقتباس در منطق است و نیز کتابی در اخلاق با اسم مکارم الاخلاق بوی نسبت می دهند .

۶ - قاضی القضاة نصیر الدین یا ناصر الدین ابوالخیر یا ابوسعید عبدالله بن عمر بیضاوی قاضی شیراز که در تبریز بسال ۶۸۵ رحلت کرده از بزرگان علمای این زمان بود . پدرش عماد الدین ابوالقاسم عمر در سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد زنگی قاضی القضاة فارس بود و پس از او ابن منصب پسرش رسید و وی پس از مدتها اقامت در شیراز در اواخر عمر در تبریز زندگی میکرد و مؤلفات معروف بزبان عرب دارد که از آن جمله است تفسیر مشهوری . در زبان فارسی هم کتابی تالیف کرده است با اسم نظام التواریخ که فهرست مختصری از تاریخ ایران از آغاز تاریخ تا زمان اوست و در سال ۶۷۴ تمام کرده است .

۷ - شمس الدین محمد بن قیس رازی از مردم ری بود و مدتها در ماوراء النهر و خوارزم و خراسان می زیست و در سال ۶۱۴ که آوازه هجوم مغول در خراسان برخاست با سلطان علاء الدین محمد - ابن تکش خوارزمشاه بعراق آمد و تا سال ۶۱۷ که ابن یادشاه از لشکریان مغول می گریخت از همراهان وی بود و پس از آن در حدود ۶۲۳ از عراق بفارس رفت و بدر بار اتابک سعد بن زنگی (۵۹۹ - ۶۲۸) راه یافت و ندیم آن پادشاه شد و پس از آن در دربار پسرش ابوبکر بن سعد نیز بود و وی مؤلف کتاب معروف المعجب فی معاییر اشعار المعجم است که معروف تر بن کتاب عروض و قوافی و محسنات شعر فارسیست و نخست در ۶۱۴ در شهر مرو طرح این کتاب را ریخته و در وقایع سال ۶۱۷ از میان رفته و پس از مدتی اوراق آن بتوسط روستائیان کوه یابهای عراق بدست وی بازگشتا و سپس در فارس در حدود سال ۶۳۰ آنرا تمام کرده است و نیز سا کتاب دیگر داشته است با اسم المعرب فی معاییر اشعار العرب و الکافی



شاپورد دوم در شکار شبر-جام طلا و نقره - از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

فی العروضین و القوافی و کتاب حقائق المعجم .

۸ - سعد الدین و راوینی از مردم آذربایجان بود و در اواخر دوره خوارزمشاه هیان زندگی می کرد و با سلطان جلال الدین خوارزمشاه معاصر بود . یگانه اثری که از وی مانده کتاب مرزبان نامه است . این کتاب را مرزبان بن رستم بن شروین باوندی از ماووک طبرستان بزبان طبری نوشته بود و وی بنام خواجه ابو القاسم ربیب الدین هارون بن علی بن ظفر دندان وزیر اتابک ازبک بن محمد بن ایلدگز از اتابکان آذربایجان که جزو ملازمان وی بوده است ترجمه کرده و از کتابهای معروف زبان فارسیست ولی از حیث وفور استعمال لغات عرب ثقیل شده است .

۹ - نجم الدین ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاهرور اسدی رازی

معروف بنجم الدین دایه از مردم ری بود و در جوانی بخوارزم رفت و در سلك مریدان و شاگردان نجم الدین کبری در آمد و هم چنان در خوارزم بود تا در ۶۱۸ در فتنه مغول استاد وی کشته شد و او از آن دیار فرار کرد و عزم وطن خود داشت ولی لشکر مغول در پی او می آمد ناچار بهمدان رفت و از آنجا از راه اردبیل باسیای صغیر رفت نخست در شهر قیصریه و سپس در شهر ماطیه وارد شد و در آنجا بخدمت شهاب الدین سهروردی رسید و بوسیله او در حمایت ابوالفتح کیقباد بن کیخسرو بن قلج ارسلان از سلجوقیان روم در آمد و در شهر قونیه پایتخت اوساکن شد و در آنجا با صدر الدین قونیوی و جلال الدین باخی معاشر بود و عاقبت بس از ۳۶ سال توقف در آن دیار در سال ۶۵۴ در بغداد رحلت کرد و در بیرون شهر بغداد در مزار شیخ سری و جنید بغدادی او را بخاک سپردند. وی از بزرگان نویسندگان متصوفه ایران در قرن هفتم بود و در شعر فارسی نیز دست داشت معروف ترین کتاب او در تصوف فارسی مرصاد العباد من المبدء الی المعاد است که روز دوشنبه اول رجب ۶۲۰ در شهر سیواس تمام کرده و کتابیست در منتهای فصاحت و در اوج اهمیت، دیگر از مؤلفات او بحر الحقایق و المعانی است در تفسیر بزبان عربی و رساله عشق و عقل بفارسی و منارات السائرین الی حضره الله و مقامات الطائرین بالله.

۱۰ - شهاب الدین ابو حفص عمر بن محمد بن عبد الله بکری سهروردی متولد در سهرورد زنگان در ماه رجب ۵۳۹ از بزرگان مشایخ متصوفه ایران بود و از شاگردان و مریدان عم خویش نجیب الدین سهروردی بشمار می رفت. از وطن خود ببغداد رفت و اکثر عمر خود را در بغداد و آسیای صغیر گذراند و در آنجا سرسلسله عرفا بود و مجالس ذکر و وعظ داشت و بصحبت عبدالقادر کیلانی عارف مشهور آن زمان رسید و ریاضات بسیار داشت و چندی نیز در شهر ماطیه متوقف بود و سپس شیخ الاسلام بغداد شد و مدتی

هم درعبادان و درمکه اقامت داشته و دوتن از بزرگان شعرای ایران کمال الدین اسمعیل اصفهانی و سعدی بوی ارادت داشته اند و در سال ۶۳۲ بسن ۹۳ سالگی در بغداد رحلت کرد و مرقد او هم اکنون در محله وردیه بغداد زیارتگاه است. شهاب الدین سهروردی پیشوای سلسله ای از عرفای ایرانست که بنام سهروردیه معروف شده اند و در نظم و نثر عربی و فارسی توانائی بسیار داشته و از جمله کتب معروف او عوارف المعارفست که در سفر مکه نوشته و دیگر رشف النصایح و اعلام التقی و اعلام الهدی.

۱۱ - خواجه رشیدالدین محمد فضل الله بن ابی الخیر عمادالدوله - بن موفق الدوله علی همدانی اجناد وی از یهود همدان بودند و وی در همدان سال ۶۴۵ متولد شد و در آغاز کار بطبابت مشغول بود تا اینکه طبیب ابن‌اخان شد و پس از آن بوزارت ارغون خان و بوزارت غازان خان و الجایتو محمد خر بنده رسید ولی در زمان پادشاهی ابوسعید بهادر وزیر اوتاج الدین عایشاه در حق وی سعایت کرد که خواجه رشیدالدین محمد خر بنده را مسموم کرده است و باین جرم وی را گرفتند و دارائی او را توقیف کردند و در تبریز بسال ۷۱۸ کشتند. رشیدالدین فضل الله یکی از بزرگان علما و وزرای نیکوکار ایران بود و گذشته از فضل بسیار و منتهای قدرت در زبان پارسی بمنتهی درجه دانش دوست بود و اموال هنگفت خود را صرف خیرات و آبادانی و استنساخ کتاب و بنای مدرسه و مسجد و مریضخانه و کتابخانه کرده بود و بدرجه ای موقوفات داشته که مجموعه وقف نامها و ورقبات او خود کتاب قطور است و در تبریز یک محله تمام ساخته بود با اسم ربع رشیدی که تمام آنرا وقف کرده بود و از جمله کتابخانه بسیار بزرگ نفیسی بود و در نثر فارسی یکی از بزرگترین ادبای ایرانست و در نثر عربی نیز دست داشته. مؤلفات عمده وی بدین قرارست: جامع التواریخ شامل تاریخ عالم از آغاز خلقت تا سال ۷۰۳ که در سال ۷۰۰ با مرغان خان شروع کرده و در سال ۷۱۰

از آن فارغ شده و در تدوین این کتاب چندین نفر از مورخین ایران شرکت داشته اند از آن جمله تاریخ چین و مغولستان را از روی اسناد چینی و مغولی نوشته و بیش از آن در زبان فارسی نظیر نداشته است. جامع التصانیف شامل نظامات و قوانین و یاساهای مغول در ایران، لطایف الحقائق در اخلاق و معارف و حکم، سلطانیه در حکمت الهی، مفتاح التفسیر، رساله توضیحات در اخلاق، الاحیاء والایثار، بیان الحقایق، مکاتبات رشیدی شامل مکاتیب او.

۱۲ - فخر الدین ابو سلیمان داود بن ابوالفضل محمد بنا کتی از مردم بناکت یافناکت بود که امروز بتاشکند معروفست و از مشاهیر شعر او نویسندگان در بارغازان خان بود و در ۷۰۱ هـ ملک الشعراء لقب گرفت و برادرش نظام الدین عالی بناکتی از عرفای معروف زمان بود و وی مؤلف تاریخ معروفست باسم روضة اولی الالباب فی تواریخ الاکابر والانساب شامل تاریخ تمام عالم از زهان خلقت تا عصر مؤلف که آنرا در سال ۷۱۷ تمام کرده و خلاصه ایست از جامع التواریخ رشید الدین فضل الله که باتکلفات منشیانه نوشته است.

۱۳ - شمس الدین احمد افلاکی از شاگردان شیخ جلال الدین عارف نواده جلال الدین محمد بلخی بود و مؤلف کتابیست باسم مناقب العارفين در احوال جلال الدین بلخی و فرزندان و جانشینان وی و مشایخ این طریقه که بطریقه مولوی معروفست و در سال ۷۱۸ بتالیف آن شروع کرده و تا ۷۴۲ مشغول بوده و از حیث مطالب و روانی انشاء کتاب بسیار جالب توجهی است.

۱۴ - شهاب الدین عبدالله بن فضل الله شیرازی ماقب بوصاف - الحضرة از مستوفیان در بار پادشاهان مغول و از مختصان خواجا رشید الدین فضل الله بود و پس از کشته شدن این وزیر بپسرش غیاث الدین محمد بیوستگی داشت و در ۷۱۹ درگذشت، مؤلف کتاب مشهوریست باسم تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار معروف بتاریخ و صاف که شامل وقایع سلطنت مغول از ۶۰۶ تا ۷۱۲ است و باتکلفات



کے منظرہ زنا اثر آفاقی حس اور مسافرت



ظرف بدلیچینی قرن سیزدهم - از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

هنشیانه بسیار نوشته بحدی که از سیاق زبان فارسی بسیار دورست و در نوع خود در میان کتابهائی که در آن بکثرت لغات عرب مقید شده اند منحصر مانده است ولی در نثر فارسی قدرت وی ازین کتاب ظاهر می شود و وی در نظم فارسی و عربی نیز توانا بوده است .

۱۵ - حمدالله بن ابی بکر بن احمد بن نصر مستوفی قزوینی از خاندان معروف مستوفیان قزوین بود وجد او امین الدین احمد پس از آنکه مدتی در سلك مستوفیان بود در طریقه تصوف وارد شد و در فتنه مغول کشته شد و برادرش زین الدین محمد در وزارت خواجه

رشید الدین فضل الله نایب دیوان وزارت بود و خود نیز در سلك مستوفیان در بارمی زیست . حمدالله مستوفی از جمله شعر او نویسنده گان زبردست زمان خود بود و از تالیفات او یکی تاریخ گزیده است که خلاصه ایست از تاریخ ایران تا سال ۷۳۰ و آنرا از روی جامع التواریخ رشیدی پرداخته است . دیگر نزهة القلوب در جغرافیا و در عجایب بلدان که در ۷۴۰ مشغول تالیف آن بوده و مهمترین کتاب جغرافیا در زبان فارسیست . سوم ظفر نامه که منظومه ایست ببحر متقارب و در آن وقایع ایران رایس از استیلای عرب تا زمان خود نظم کرده و دنباله شاهنامه فردوسی قرار داده است و شامل ۷۵ هزار شعرست . دیگر تاریخ قزوین که آنرا نیز بانشای بسیار روان نوشته است .

۱۶ - شرف الدین ابوالفضل فضل الله راجی حسینی قزوینی در در بار اتابیک نصره الدین احمد بن یوسف شاه (۶۴۹ - ۷۲۷) از اتابیکان لرستان می زیسته و کتاب معروفی یر داخته است با اسم کتاب المعجم فی آثار ملوک العجم که شامل احوال بعضی از پادشاهان پیش از اسلام ایرانست و آن نیز بواسطه وفور کلمات عربی از سیاق عادی زبان فارسی دور افتاده است .

۱۷ - سید مرتضی بن داعی حسنی رازی هاقب بعلم الهدی از علمای اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران بوده و از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست و وی دو کتاب بنثر فارسی بسیار فصیح و منسجم پرداخته است یکی با اسم تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام که در رد مذاهب مختلف و اثبات مذهب شیعه است و قدیم ترین کتاب فارسی است که بحث مذاهب مختلف در آن رفته ، دیگر ترجمه فارسی انساب نامه در ترجمه احوال ائمه که اصل آنرا در سال ۶۵۳ سید ابوتراب نامی بایران آورده و وی ترجمه کرده است .

۱۸ - افضل الدین محمد بن حسن بن حسین بن محمد بن خوزه مرقی کاشانی از بزرگان علما و عرفای قرن هفتم ایران بود و در زمان خویش شهرت بسیار داشت و دانشمندان عصر همه وی را تکریم

می کردند و همواره در مولد خود ساکن بود و زمان را بدرس و بحث و تالیف می گذراند. رحات او را باختلاف در ۶۰۵ و ۶۴۱ و ماه رجب ۶۶۶ و ۶۶۷ و ۷۰۷ نوشته اند و وی مؤلف يك عده بسیار رسائل فارسی است در تصوف و سلوک که در منتهای فصاحت و شیوایی نوشته و در زبان فارسی منشی بسیار زبر دستی بوده است و در شعر فارسی و نثر عربی نیز توانا بوده و در حکمت و منطق و کلام و تصوف و اخلاق معروف ترین کس در زمان خود بوده، رسائل عمدۀ وی بدینقرار است: المفید للمستفید، ساز و پیرایۀ شاهان بر مایه، منهاج - المبین در منطق، مدارج الکمال، عرض نامه، جاودان نامه، راه انجام نامه، مبادی موجودات، رسالۀ نفس ارسطو، رسالۀ تفاعله ارسطو و رسالۀ زجر النفس یا نبوع الحیوة ادریس که هر سه را ترجمه کرده است، رسالۀ سؤال و جواب، رسالۀ چهار عنوان، شرح فصوص الحکم، آیات الصنعه عربی، مجموعه رباعیات و يك عده مکاتیب و تقریرات.

۱۹ - نجم الدین ابی بکر محمد بن علی بن سلیمان بن محمد ابن احمد بن حسین بن همة راوندی خاندان وی از خانواد های علمای عراق بودند و وی در راوند کاشان ولادت یافت و پس از قحطی سال ۵۷۰ که در اصفهان روی داد بعزم تحصیل سفر های چند در اصفهان و همدان و شهر های عراق کرد و از سال ۵۷۷ در دربار طغرل بن ارسلان سلجوقی راه یافت و سپس بخدمت سلیمان شاه بن قاج ارسلان سلجوقی مخصوص شد و بتعمیم پسران وی مامور گشت و بیشتر از بن ایام را در همدان گذرانیده و پس از انقراض سلجوقیان ایران بروم رفت و در دربار سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قاج ارسلان پذیرفته شد. وی مؤلف کتاب معروفیست در تاریخ سلجوقیان با اسم راحة الصدور و آية السرور که در سال ۵۹۹ تالیف کرده و یکی از بهترین کتب نثر فارسیست و در نهایت فصاحت و روانی نوشته است و در ضمن شعر فارسی را نیکو می گفته.

۲۰ - خواجه فقیه زاهد شیخ الاسلام ابونصر طاهر بن محمد خانقاهی سرخسی از مشایخ متصوفه اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران بوده و از احوال وی جزئیاتی بدست نیست وی مؤلف کتابیست بنثر فارسی بسیار فصیح با اسم «گزیده» در تصوف که درمتهی درجه سلاست نوشته و این کتاب بزبان ترکی هم ترجمه شده است .

۲۱ - عماد الدین زکریا بن محمود همکونی قزوینی ، ار مردم قزوین بود . نسبش با امام انس بن مالک می رسید و در جوانی بدمشق رفت و پس از تحصیل بعراق آمد و در ۶۵۰ قاضی حله شد و در ۶۵۲ قاضی واسط شد و تا آخر عمر درین مقام بود و چندی هم در بغداد می زیست و در آنجا در ۶۸۲ رحلت کرد . وی از ادبای عالی مقام زمان خود بود در نثر عربی و فارسی دست داشت و مؤلفات معروف گذاشته است از آن جمله تاریخ قاهره و کتاب آثار البلاد و اخبار العباد در جغرافیا و عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات که ظاهرا این هر دو کتاب را خود بفارسی ترجمه کرده و ترجمه فارسی آن در نهایت فصاحت و روانی است .

۲۲ - جمال الدین ابو الفضل محمد بن عمر الخالد قرشی از دانشمندان ایرانی مقیم کاشغر و پدرش حافظ بلاساعون در ماوراء سیحون بود و مؤلف ترجمه فارسی صحاح اللغة جوهریست که آنرا با اسم الصراح من الصحاح در شب سه شنبه ۱۶ صفر ۶۸۱ تمام کرده و بعد ذیلی بعرابی بر آن کتاب نوشته است با اسم ملحقات صراح که مطالب تاریخی مهم در آن بسیارست .

۲۳ - صفی الدین عبد المؤمن ارموی از فضالای اورمیه و از خوشنویسان و علمای معروف موسیقی در زمان خود بود ، در جوانی ببغداد رفته و در مدرسه مستنصریه تحصیل کرده و در ادبیات و تاریخ و موسیقی و خط معروف شده و عود را در کمال خوبی می زده است و در دستگاه مستعصم خلیفه منزلتی یافت و کاتب و مغنی و ندیم او شد .



جای عنبر و عود با نقوش مختلف
از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

و پس از فتح بغداد
بخدمت خاندان
جوینی اختصاص
یافت و از جانب ایشان
کاتب انشاء دیوان
بغداد شد ولی پس
از برچیده شدن این
خاندان چنان تهی
دست شد که در
برابر سیصد دینار
قرض مجبوس شد
و در آن حبس در
۱۸ صفر ۶۹۳ در
گذشت و هشتاد
سال عمر کرده بود
وی را مؤلفات
چندیست از آن
جمله رساله شرفیه
در موسیقی که بنام
شرف الدین هارون
پسر صاحب دیوان
جوینی پرداخته و
بهترین رساله
موسیقی قدیم
ایرانست .

۲۴ - قطب‌الدین محمود بن مسعود بن مصاح کازرونی شیرازی معروف بعلامه در سال ۶۳۴ در شیراز متولد شد و عم و پدرش طبیب بودند و وی نزد ایشان طب را آموخت و در نجوم نیز دست یافت و از جمله کسانی بود که در رصدخانه مراغه با خواجه نصیر الدین دستیاری می‌کردند و سپس بروم رفت و همدانی قاضی سیواس و ملطیه بود و از آنجا بشام رفت و در قونیه با صدر الدین قونیوی و جلال الدین باخی محصور شد و در سلسله تصوف در آمد و سپس بتهران آمد و از خاصان پادشاهان مغول شد و در آنجا بسال ۷۱۰ در گذشت و در محله چرنداب مدفون شد. وی از علمای بزرگ قرن هفتم بود و در طب و ریاضیات و نجوم و حکمت و کلام و موسیقی و هنرهای دیگر کامل بود و در ظرافت طبع معروفست، او را خال سعدی شاعر معروف ایران دانسته‌اند. در نثر و نظم پارسی و عربی مهارت بسیار داشته و کتب بسیار او در زبان عرب معروفست و از جمله کتابهای معروف او بفارسی درة التاج لغرة الدباج است که کتابی است در تمام علوم و معروف بانبان ملاقطب که برای اسحق وند امیره دباج از امرای مغرب گیلان که در فوهم حکمرانی داشته است نوشته و دیگر از مؤلفات فارسی او تحفه شاهی و نهاية الادراك است که هر دو در علم هیئت باشد و نیز کتاب زیج سلطانی را بوی نسبت داده‌اند.

۲۵ - رکن الدین علاء الدوله احمد بن محمد بیابانکی سمنانی از عرفای نامی ایران بود در ۶۵۹ متولد شد و در جوانی جزو عمال دیوان بود و پس از آن بحج رفت و در ۶۸۷ در ساک عرفا در آمد و از ۷۲۰ ببعده در خانقاهی منزوی شد و در ۷۳۶ در گذشت. علاء الدوله سمنانی مؤلف یک سلسله رسالات بسیار فصیح شیرین در تصوف بزبان فارسیست و در نظم فارسی نیز دست داشته از جمله رسائل اوست: رسالة التصوف فی آداب الخاوه، سر البال فی اطوار سلوک اهل الحال (تالیف در ۷۰۱)، ساوة العاشقین و سکنة المشتاقین. ذکر خفی المستجاب الاجر الوفی.

۲۶ - ملك الشعراء شمس الدين بن فخر الدين فخرى اصفهانی از شعرا و ادبای معروف قرن هفتم بود و در جوانی در دربار اتابک نصرت‌الدین احمد اتابک لرستان می‌زیست سپس بخدمت خواجه غیاث‌الدین محمد پسر رشید‌الدین فضل‌الله رسید و از آن پس بخدمت شیخ ابواسحق انجودرآمد و پدرش فخرالدین نیز از شعرای معروف عصر خود بوده است . شمس‌الدین فخری مؤلف چند کتابست از آن جمله معیار نصرتی در فن عروض و قوافی که در ۷۱۳ در لرستان تمام کرده و دیگر قصیده‌مضوع معروفی با اسم مخزن‌البحور و مجمع‌الصنایع که در ۷۳۲ در قم در مدح خواجه غیاث‌الدین سروده و دیگر معیار جمالی و مفتاح ابواسحق شامل عروض و قافیه و بدیع و لغت که در ۷۴۴ با اسم ابواسحق انجو در فارسی تمام کرده است و وی در عروض و قوافی و لغت و محسنات کلام در عصر خویش معروف بوده .

۲۷ - ناصرالدین عمده‌الملک منتجب‌الدین یزدی منشی رئیس - دیوان رسائل و انشای صفوة‌الدین یادشاه خانون (۶۰۱ - ۶۹۴) از سلسله قراخانی کرمان بود و پدرش در ۶۵۰ از یزد بکرمان رفت و پدر بار این سلسله راه یافت و وی اندکی بعد بکرمان رفت و در جزو عمال آن دربار شد و در جوانی در ۶۹۳ رئیس دیوان انشای رسالت شد و در کرمان اقامت داشت ، وی مؤلف کتاب معروفیست در تاریخ قراخانیان کرمان با اسم سمط‌العلی للحضرة العلیا که بتقلید عقد‌العلی نوشته و کتاب منشیانه فصیحی است که در ۷۱۶ تمام کرده .

۲۸ - شهاب‌الدین ابو سعید کرمانی از مورخین و نویسندگان قرن هفتم کرمانست که از احوال وی اطلاعی نیست و تنها اثری که از او مانده کتابیست با اسم تاریخ شاهی در تاریخ قراخانیان کرمان .

۲۹ - امیر ناصرالدین بحیمی بن مجد‌الدین محمد ترجمان معروف بابن بی‌بی پدرش از سادات کورسرخ کرگان بود و مادرش بی‌بی

منجمه دختر کمال الدین سمنانی رئیس شافعیة نیشابور بهمین جهة با بن بی بی معروف شد و از جانب مادر از نژاد محمد بن یحیی عالم مشهور خراسان بود که در فتنه غز در قرن ششم در خراسان کشته شد و مادرش در ستاره شناسی معروف بود بهمین جهة در دستگاه جلال الدین خوارزمشاه قر بی داشت و در سفرها با وی همراه بود و پس از کشته شدن ابن یادشاه ابن خانواده بدمشق رفت و علاء الدین کیقباد پادشاه ساجوقی روم ایشان را بقونیه نزد خود خواند، شوهر کاتب حضور شاه و انشاء دیوان شد و پسر نیز در همان دربار مقام مهمی یافت و در آن دربار مقیم بود. ابن بی بی مؤلف کتابیست با اسم سلجوقنامه که از ۶۸۱ تا ۶۸۴ بتالیف آن پرداخته و انشای بسیار فصیح مشیانه دارد و خلاصه ای از آن در دست است.

۳۰ - صدرالدین محمد بن اسحق قونیوی از عرفای بزرگ قرن هفتم ایران بود که در شهر قونیه زندگی میکرد و جمع کثیری از معارف عرفای ایران در سلك شاگردان و مریدان وی بوده اند و در ۶۷۳ در گذشته است و مؤلف کتابهای معروفیست در تصوف بزبان عربی و فارسی از آن جمله اعجازالبیان در تفسیر وفکوک النصوص در شرح فصوص الحکم ابن عربی و کتاب العصوص و نفحات و از جمله کتب فارسی او تبصرة المتبندی و تذکرة المنتهی است.

۳۱ - اسمعیل بن محمد تبریزی از حکمای قرن هفتم ایران بود و در بار اتابیک یوسف شاه بن الب ارسلان از غون از اتابیکان لرستان می زیست و از اعمال ابن دربار و همواره با وی همراه بود و در زبان فارسی کتبی چند در حکمت پرداخته است از آن جمله حیوة النفس و رساله نصیریة

۳۲ - قاضی سراج الدین ابو الثنايا محمود بن ابی بکر ارموی از علمای معروف آذربایجان بود که در ۵۹۴ ولادت یافت و با سیای صغیر رفت و در قونیه مقیم شد و در بار عزالدین کیکاوس بن کیخسرو بن کیقباد از ساجوقیان روم می زیست و در آن دیار در ۶۸۲ درگذشت و مؤلفات چند از او مانده است از آن جمله



ظرف نقره و طلای عهد ساسانی - از کنگره صنایع ایران در موزه ارمنستان

مطالع الانوار در منطق و لطائف الحکمه در حکمت بفارسی که در ۶۵۵ تألیف کرده است .

۳۳ - ابو القاسم عبد الله بن علی بن محمد کاشانی از مورخین معروف قرن هفتم بود و از جمله کسانی بود که در تدوین جامع - التواریخ باخواجه رشیدالدین فضل الله مساعدت میکرد و سپس خود کتاب مستقلی در تاریخ نوشت با اسم زبده التواریخ که در سال ۷۰۰ تمام کرده و وقایع تاریخ عالم را تا عصر خود رسانیده و یکی از مجلدات آنرا تاریخ الجایتو سلطان محمد خربنده نامیده است .

۳۴ - ابونصر محمد قطان غزنوی یکی از نویسندگان و علمای زبردست اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران بوده ولی از

احوال وی اطلاعی نیست و تنها کتابی از او بدستست در احوال بیغمبران بشر فارسی بسیار روان و فصیح با اسم سراج القلوب که در منتهای استادی نوشته است .

۳۵ - محمد بن علی بن حمید بن ابی بکر کوفی از نویسندگان بزرگن مقیم هندوستان بود و کتاب منهاج المسالك تالیف محمد بن قاسم ثقفی را که بزبان عرب نوشته شده و شامل تاریخ چیچ بن سیلابج و فتح سند بدست اعرابست با اسم چیچ نامه یا تاریخ هند و یا فتح نامه در زمان معزالدین محمد بن سام و ناصرالدین قباچه بفرمان عین المالك فخرالدین حسین بن ابی بکر اشعری وزیر بفارسی بسیار شیوا ترجمه کرده است .

۳۶ - بدرالدین نخشبی رومی از دبیران دربار سلجوقیان روم در قونیه بوده و مؤلف کتاب بسیار خوبیست در صنعت انشائی با اسم الترسل الی التوسل که در اول ذی حجه ۶۸۴ تدوین کرده است .

۳۷ - نصیرالدین محمد بن ابراهیم بن عبدالله سجستانی ساعتی هیکلی سیواسی معروف برمال و معزم از عامای ایران بود که در روم اقامت داشت و در هندسه و علوم غربیه و ریاضیات بسیار ماهر بود و چند تالیف درین باب برداشته است : یکی کتاب دقایق الحقایق در علوم خفیه که در اقسرا در سال ۶۷۰ تمام کرده و دیگر مونس - العوارف منظومه در معراج و معجزات و غرایب که در قیصریه بسال ۶۷۱ با اسم غیبات الدین کیخسرو دوم (۶۶۶ - ۶۸۲) از سلجوقیان روم با تمام رسانیده و در نظم و نثر فارسی مهارت کامل داشته است .

۳۸ - حسن نظامی نیشابوری از منشیان زبردست خراسان بود در اوایل عمر بغزنین رفت و سپس به هندوستان رفت و در دهلی در دربار پادشاهان هند مقیم شد و بخدهت قطب الدین ایبک و شمس الدین ایلتتمش رسید و کتاب تاج المائر را که در تاریخ این پادشاهان و از ۵۸۷ تا ۶۱۴ است در سال ۶۰۲ شروع کرد - این کتاب نیز از جمله کتابها نیست که در وفور کلمات عربی معروفست .

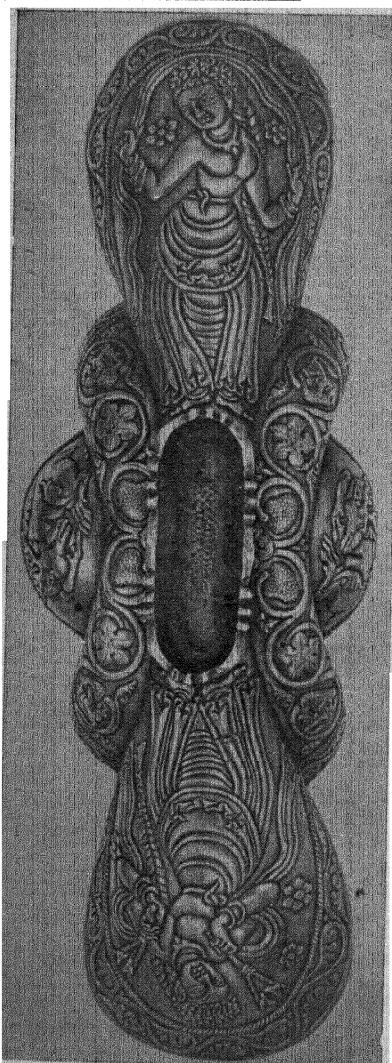
- ۳۹ - محمد بن امین الدین ابوالمکارم ایوب بن ابراهیم دنیسری نیز از منشیان و علمای مقیم روم بوده و مؤلف کتابیست با اسم نوادر- التبادر در تمام علوم که در ۶۶۹ تمام کرده است
- ۴۰ - شرف الدین محمد بن مسعود بن محمد سعودی مؤلف کتاب الکفایه فی علم الهیئة که در ۶۴۳ بتالیف آن شروع کرده و در ۶۷۲ با تمام رسانده و سپس آنرا خود بفارسی با اسم جهان دانش ترجمه کرده
- ۴۱ - حسن بن محمد نیشابوری قمی معروف بنظام صاحب کشف الحقایق در شرح زیج ایلخانی خواجه نصیر الدین طوسی از جمله علمای نجوم قرن هفتم بوده است .
- ۴۲ - محمد بن ابی عبدالله سنجر کمالی معروف بسیف منجم بایزدوی مقیم شیرازوی نیز از منجمین این عصر بود و در سال ۷۰۲ زیج اشرفی را تالیف کرده است .
- ۴۳ - محمد بن منصور از دانشمندان زمان غازان خان (۶۹۴ - ۷۰۳) بود و کتابی در معرفت جواهر با اسم جواهر نامه پرداخته
- ۴۴ - سعد الدین سعید بن محمد بن احمد فرغانی معروف بسعید فرغانی متوفی در ۶۹۱ از جمله عرفای این زمان بود و شرحی بفارسی بر قصیده تأئیمه ابن الفارض نوشته است .
- ۴۵ - نجم الدین صابن الاسلام محمود بن صابن الدین الیاس بن ستر باویك شیرازی از اطبای نامی این زمان بود و کتاب غیایمه در طب از مؤلفات اوست .
- ۴۶ - شمس الدین محمد بن علی وابکنوی از مردم وابکنه در سه فرسنگی بخارا و از بزرگان منجمین این زمان بود -- چهل سال کواکب را رصد کرد و هدیه مقیم یزد بود و سفرهای بسیار کرد و تا اوایل قرن هشتم زنده بود ، از جمله مؤلفات او زیج سلطانی است که در ۶۹۴ تالیف کرده و دیگر زیج قطبی درین دوره دو کتاب مهم دیگر نیز بفارسی تالیف شده : یکی تاریخ سیستانست که ظاهرأ اصل آن بعبری بوده و در اوایل قرن پنجم در آغاز

ساجوقیان آنرا با فارسی ترجمه کرده اند و سپس در نیمه دوم قرن هفتم مولف دیگری حوادث سیستان را با اختصار از اوایل قرن پنجم تا زمان خود بر آن افزوده و آنرا بنام مالك نصیرالدین پادشاه سیستان و پسران او رکن الدین محمود و نصرالدین در میان سنوات ۶۷۵ - ۶۹۵ تکمیل کرده است .

کتاب دوم ترجمه فارسی کتاب المتنوح از احمد بن اعثم کوفیست که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم یکی از وزرای خوارزم شاهیان مؤیدالملک قوام الدین منشی و شاعر معروف آن زمان رضی الدین سیدالکتاب امیرالشعراء محمد بن احمد بن ابی بکر بن احمد مستوفی زاوی ملقب بر رضی الکاتب را بترجمه آن مامور کرده . ولی او را مرگ در رسیده و ناتمام مانده است . و بازمانده آنرا بفرمان همان وزیر محمد بن احمد بن ابی بکر ماتریابادی بانجام رسانده است و این ترجمه در نهایت فصاحت میباشد .

شعر فارسی در قرن هفتم :

در قرن هفتم تغییر اساسی در شعر فارسی پدیدار شد ، اساساً سبک عراقی که در اواخر قرن ششم رواج کامل یافته بود بواسطه بر چیده شدن سلسله های پادشاهان ایرانی در خراسان متروک ماند و فکر تصوف که در دو قرن گذشته در میان خواص ایران رواج یافته بود در نتیجه سختی ها و بدبختی های تسلط مغول بیش از پیش تعمیم یافت و در شعر کاملاً ریشه گرفت و از سوی دیگر روز بروز از شماره پادشاهان و امرائی که شعرا را بخود جاب می کردند و مدایح ایشان را می خریدند کاسته می شد و چون شاعر معدومی نمی یافت که حق او را بگیرد و مدایح او را صلت بخشد بغزل ایلتمش رسید . . . می پرداخت و برای دلداری و آزادی خود جز تصوف و از ۵۸۷ تا ۶۱۴ داشت . بهمین جهت اکثریت شعرای بزرگ قرن نیز از جمله کتابها نیست که سروده اند و کسانی که هنوز بسبک عراقی دند با پادشاهان و امرای جزء که در پیرامون



استیلائی مغول باقی مانده بودند بمحض آنکه ایشان از میان میرفتند نا بود می شدند و دیگر کسی جای ایشان را نمی گرفت. در نتیجه نهضت خاصی در شعر ایران در قرن هفتم دیده می شود.

شعرای بزرگ ایران در قرن هفتم بدین قرار بودند:

۱ - کمال الدین اسمعیل اصفهانی

پسر جمال الدین عبد الرزاق شاعر معروف قرن ششم بود و وی از بزرگان شعرای قرن هفتم بشمارست تمام عمر خویش را در مولد خود گذرانده و مانند پدر مداح آخرین پادشاهان خوارزمشاهی و بزرگان خانواده صاعدیان بود که

ظرف نقره عهد ساسانی - از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

بیشوایان مذهب حنفی در اصفهان بودند و در آخر عمر شاهد وقایع ناکوار اصفهان بود یعنی جنگهای خوارزمشاهیان با مغول و استیلای مغول بر اصفهان در ۶۳۳ و زد و خوردهای شافعیان و حنفیان اصفهان در همان سال و کشتار مهیبی که در نتیجه آن روی داد. پس از این واقعه کمال الدین اسمعیل در گوشه ای منزوی ماند و اندکی بعد در دوم جمیدی الاولی ۶۳۵ در انزو رحلت کرد و سبب مرگ وی را چنین نوشته اند که بر حسب اتفاقی بدست مغولی کشته شد. کمال الدین اسمعیل از شعرای بزرگ ایرانست و در جزو سخن سرايان درجه دوم بشمارست. در قصیده و غزل قادر بوده و پیشوای غزل سرايان عراق در قرن هفتم شمرده می شود. دیوان وی شامل هفت هزار بیت است در اشعار خود مضامین دقیق و تازه بسیار آورده است و بهمین جهت او را «خلاق المعانی» لقب داده اند و سبک شعرای عراق را وی باوج کمال رسانده.

۲ - اتیرالدین عبدالله اومانی از مردم اومان نزدیک همدان بود و وی را از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی شمرده اند. وی اختصاص داشته است بمدح انا بیک مظفرالدین ازبک و سایمانشاه بن یرجم ابوانی پیشوای یکی از خاندانهای کرد و بهمین جهت بیشتر عمر خود را در بغداد گذرانده است و بسال ۶۶۵ در گذشته. اتیرالدین اومانی نیز از بزرگان شعرای قرن هفتم و بسبک شعرای عراق قصیده سرایی می کرد و معانی دقیق در اشعار خود بسیار می آورد و بهمین جهت در زمان خویش بسیار معروف بود، دیوان وی شامل پنج هزار بیت است و در میان آن اشعار مخصوصاً قطعات اخلاقی بسیار خوب دارد و درین سبک کاملاً استاد بوده است.

۳ - جلال الدین محمد بن بهاء الدین محمد بن حسین حسینی خطیبی بکری باخی معروف بمولوی رومی یا ملای رومی یکی از بزرگترین عرفای اسلام و از بزرگترین شعرای درجه اول ایران بشمارست. خانواده وی از خاندانهای محترم باخ بود و نسب ایشان به ابو بکر خلیفه میرسید و پدرش از سوی مادر دختر زاده سلطان علاء الدین محمد خوارزمشاه بود.

و بهمین جهت بهاء الدین ولد معروف بود و وی در سال ۶۰۴ در بلخ ولادت یافت. چون پدرش از بزرگان مشایخ عصر بود و سلطان محمد خوارزمشاه با این سلسله لطفی نداشت بهمین جهت بهاء الدین در سال ۶۰۹ با خانواده خود خراسان را ترک کرد و از راه بغداد بمکه رفت و از آنجا در الجزیره ساکن شد و پس از نه سال اقامت در ملاطیه سلطان علاء الدین کیقباد سلجوقی که عارف مشرب بود او را بیایتخت خود شهر قونیه دعوت کرد و این خاندان در آنجا مقیم شد. هنگام هجرت از خراسان جلال الدین پنج ساله بود و پدرش در سال ۶۲۸ در قونیه رحلت کرد و وی پس از مرگ پدر مدتی در خدمت سید برهان الدین ترمذی که از شاگردان پدرش بود و در ۶۲۹ بان شهر آمده بود شاگردی کرد و تا سال ۶۴۵ که شمس الدین تبریزی رحلت کرد جزو مریدان و شاگردان او بود و سپس خود جزو پیشوایان طریقت شد و طریقه ای فراهم ساخت که پس از وی انتشار بسیار یافت و با اسم طریقه مولویه معروف شد و خانقاهی در شهر قونیه بر پا کرد و در آنجا بارشاد مردم پرداخت و آن خانقاه کم کم بدستگاه عظیمی بدل شد و معظم ترین اساس تصوف بشمار رفت و از آن پس تا این زمان آن خانقاه و آن سلسله در قونیه باقیست و در تمام ممالک شرق طرفداران بسیار دارد و وی همواره با مریدان خود می زیست تا اینکه در پنجم جمادی الاخره سال ۶۷۲ رحلت کرد. جلال الدین بلخی یکی از بزرگترین شعرای ایران و یکی از مردان عالی مقام جهانست و در میان شعرای ایران شهرت وی بیای شهرت فردوسی و سعدی و عمر خیام و حافظ می رسد و از اقربان ایشان بشمار می رود و آثار وی بیسیاری از زبانهای مختلف ترجمه شده. این عارف بزرگ در وسعت نظر و بلندی فکر و بیان ساده و دقت در خصال انسانی یکی از بزرگان دنیاست و شاعری دون مقام اوست و یکی از بلندترین مقامات را در ارشاد فرزند آدمی دارد و وی را باید در شمار اولیا دانست. سرودن شعر تاحدی تفنن و تفریح و یک نوع لفافه ای برای

ادای مقاصد عالی او بوده و این کار را وسیلهٔ تفهیم قرار داده است اشعار وی بدو قسمت منقسم میشود نخست منظومه معروف اوست که از معروف ترین گنای زبان فارسیست و آنرا مثنوی معنوی نام نهاده است. این کتاب که صحیح ترین و معتبر ترین نسخهای آن شامل ۲۵۶۳۲ بیت است بشش دفتر منقسم شده و آن را بعضی باسم صیقل الارواح نیز نامیده اند. دفاتر شش گانه آن همه بیک سیاق و مجموعه ای از افکار عرفانی و اخلاقی و سیر و ساو کست که در ضمن آیات و اخبار و احکام و حکایات و امثال بسیار در آن آورده است و آنرا بخواش یکی از شاگردان خود حسن بن محمد بن اخی ترك معروف بحسام الدین چلبی که در ۶۸۳ رحلت کرده است نظم کرده و وی هنگامی که شوری و وجدی داشته چون بسیار مجذوب سفاکی و عطار بوده است بهمان وزن و سیاق منظومات ایشان اشعاری با کمال زبردستی بدیبه می سروده است و حسام الدین آنهارا می نوشته نظم دفتر اول در ۶۶۲ تمام شده و درینوقع بواسطه فوت زوجهٔ حسام الدین ناتمام مانده و سپس در ۶۶۴ دنباله آنرا گرفته و پس از آن بقیه را سروده.

قسمت دوم اشعار او مجموعهٔ بسیار قطور است شامل نزدیک صد هزار بیت غزلیات و رباعیات بسیار که در موارد مختلف عمر خود سروده و در پایان اغلب آن غزلیات نام شمس الدین تبریزی را برده و بهمین جهت بکلیات شمس تبریزی و یا کلیات شمس معروفست و در میان آن همه اشعار که با کمال سهولت می سروده است غزلیات بسیار رقیق و شیوا هست که از بهترین اشعار زبان فارسی بشمار تواند آمد

جلال الدین بلخی پسری داشته است باسم بهاء الدین احمد معروف بساطان ولد که نام وی در جای خود خواهد آمد و جانشین پدر شد و سلسلهٔ ارشاد وی را ادامه داده است و از عرفای معروف قرن هشتم بوده و او مطالبی را که در مشافهات از پدر خود شنیده است در کتابی گرد آورده و «فیه مافیه» نام نهاده است

و نیز منظومه‌ای بهمان وزن و سیاق مثنوی بدست هست که باسم دفتر هفتم مثنوی معروف شده و باو نسبت میدهند

۴ - ملك الشعراء یوربه‌ای جامی از شعرای درجه دوم قرن هفتم بود، در اوایل عمر در خراسان می زیست و خاندان وی در ولایت جام منصب قضا داشتند و وی از مداحان خواجه وجیه الدین زنگی بن خواجه طاهر فریومدی مستوفی خراسان بود و در زمانی که ارغون خان حکمران خراسان بود او را با همدوح وی بتبریز برد و در آنجا یوربه‌ارا با شعرای آذربایجان که هختصان صاحب‌دیوان جوینی بودند ملاقات و مشاعره روی داد و وی در ساک ایشان داخل شد و تا آخر عمر در آذربایجان می زیست و در اواخر قرن هفتم درگذشت . یوربه‌ای جامی در قصیده سرائی زبر دست بود ولی از شعر او جز اندکی نمانده است .

۵ - ملك الشعراء بهاء الدین احمد بن محمود قانعی طوسی، نخست در خراسان می زیست و در سال ۶۱۷ از فتنه دعول گریخت و از راه دریا به مدن و مدینه و مکه رفت و سپس بی‌غداد آمد و بی‌لاد روم رفت و در دربار سلطان علاء الدین کیقباد ساجوقی وارد شد و ملك الشعراء او شد و سپس در بار جانشینان وی عیاش الدین کیخسرو و عزالدین کیبکوس همین مقام را داشت و نزدیک چهل سال درین مقام باقی بود و در اواخر قرن هفتم درگذشت . قانعی نیز در قصیده سرائی مهارت تام داشته و از وهم جز بعضی اشعار نمانده است با آنکه مدت چهل سال شعر می گفته و وقایع پادشاهان ساجوقی روم را نظم میکرده و کتابی باسم ساجوقنامه در تقاید شاهنامه نظم کرده بود که شامل ۳۰ مجلد و ۳۰۰ هزار شعر بود و گذشته از آن کتاب کلیده و دمنه‌را هم نظم کرده بود ولی از آن همه چیزی بدست نیست .

۶ - رضی الدین ابو عبدالله محمد بن عثمان امامی هروی از دانشمندان هرات بود و پادشاهان آل کرت را مدح می گفت و سپس بکرمان رفت و مدتی پادشاهان و امرای آن دیار را مدح می گفت



غرفة ظروف برنزی قرن ۱۲-۱۳ از کنگره صنایع ایران در موزه آرمیتاژ

و بعد باصفهان آمد و باز مانده عمر خود را در اصفهان گذراند و چون در زبان و ادبیات عرب مهارت بسیار داشت در زمان خویش بسیار معروف شد و حتی بعضی از معاصرین وی را بر سعدی ترجیح دادند. وی در اصفهان در ۱۷ محرم ۶۸۶ در قصبه لنجان رحلت کرد. امامی از شعرای درجه دوم قرن هفتم ایران بود و در قصیده سرایی بسبب عراقی مهارت داشت. دیوان وی شامل نزدیک دو هزار بیت بدستست و در زبان عرب نیز مؤلفات دارد از آن جمله است شرحی که بر قصیده بایه ذو الرمه شاعر معروف عرب نوشته است.

۷ - مجد الدین همگر شیرازی از بزرگ زادگان یزد بود ولی چون بیشتر در شیراز می زیسته است بشیرازی معروف شده و خود نسب خویش را بساسانیان می رساند، مدتی در اصفهان می زیسته و سپس بفارس رفته و در خدمت اتابکان ساغری فارس زیسته و پس از انقراض این خاندان باصفهان بازگشته و از مداحان بهاء الدین محمد پسر شمس الدین صاحب دیوان حکمران اصفهان بوده است، در زمانی که در فارس بوده مدتی جزو مداحان اتابک سعد بن ابی بکر - ابن سعد بن زنگی مدوح معروف سعدی بوده و خود می گوید که سمت وزارت او را داشته است و عاقبت در اصفهان در ۶۸۶ رحلت کرده است. مجد همگر در غزل و قصیده مهارت تام داشته و از بزرگان شعرای قرن هفتم بوده است. دیوان وی شامل نزدیک هفت هزار بیت است که در آن میان اشعار لطیف بسیار دارد.

۸ - بدر الدین جاجرمی نیز از شعرای معروف قرن هفتم بود و بسبب عراقی قصاید می سرود و همواره در اصفهان می زیست و در اواخر عمر در سلک مداحان بهاء الدین محمد جوینی در آمد و بهمین جهت شمس الدین صاحب دیوان راهم مدح گفته است و وی نیز در ۶۸۶ در اصفهان در گذشته، دیوان وی شامل نزدیک چهار هزار بیت است و منظومه ای در اختلاجات سروده است.

۹ - خواجه شمس الدین محمد بن بهاء الدین محمد جوینی

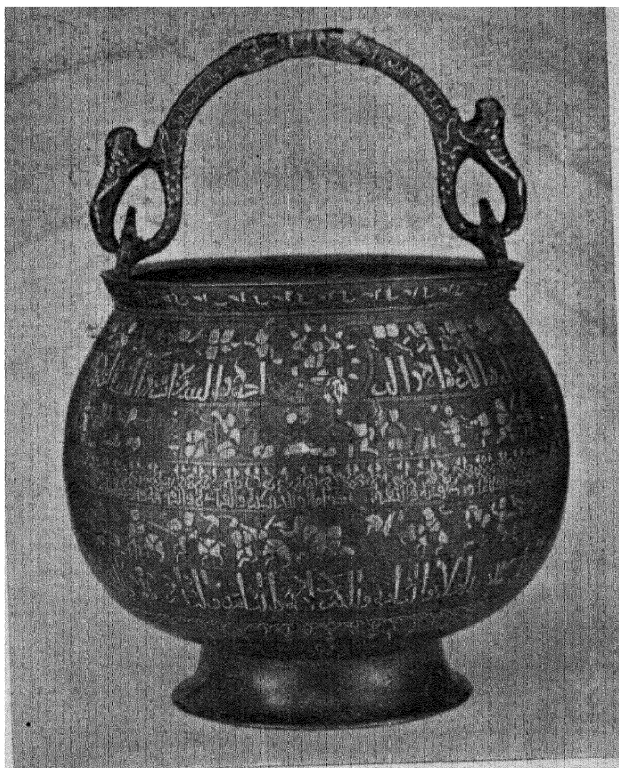
صاحب دیوان از خانواده
 معروف جوینیان
 بود که رجال بسیار
 ازیشان در اواخر
 قرن ششم و در قرن
 هفتم چه در دولت
 خوارزمشاهیان و چه
 در دولت مغول مقامات
 مهم داشته اند و همه
 دبیر و مستوفی و
 وزیر بوده اند و وی
 برادر ارشد عظامک
 جوینی است. پدرش
 بهاء الدین محمد در
 سال ۶۳۰ صاحب
 دیوان خراسان شد
 و در ۶۴۱ از جانب
 امیر ارغون نایب او
 در آذربایجان و
 گرجستان و روم
 گشت و پسرش شمس
 الدین از جوانی در
 دربار مغول بود و
 از عمال هولاکو
 خان بشمار می رفت
 و پس از فتح بغداد
 در سال ۶۵۷ حکمران



ظرف ماعلا - از کنکره صنایع ایران در موزه ارمنستان

آن ناحیه شد و در ۶۶۱ بوزارت هولاکو رسید و پس از مرگ هولاکو در زمان ابقاخان درین مقام باقی بود تا اینکه میان وی و مجد الملک یزدی که از بر آوردگان او بود نقاری در گرفت و مجد الملک بنای سعایت را گذاشت و خاندان جوینیان را بخیان متهم کرد و ابقاخان برین خانواده بدگمان شد. بهمین جهت نخست عظامک را از حکمرانی بغداد عزل کرد و درین میان ابقاخان مرد و برادرش تگودار احمد بجای او نشست و او با صاحب دیوان چندان سخت گیری نکرد تا اینکه ارغون خان بجای او نشست و درین زمان صاحب دیوان فرار کرده بود و در اصفهان می زیست و میخواست به هندوستان بگریزد و چون یابند خانواده خود بود مسمم شدند و ارغون رود دلد او را نرم سازد و با آنکه ارغون بخوش روئی او را پذیرفت پس از چندی فرمان داد که او را محاکمه کنند و قرار شد که جریمه دهد ولی مبالغی که از فروش املاک خود فراهم ساخته بود پسندیده نیفتاد و ارغون حکم کشتن او را صادر کرد و وی را عصر دو شنبه ۴ شعبان ۶۸۳ در نزدیک اهر در آذربایجان کشتند و هر کس را که از خانواده او یافتند نابود کردند. شمس الدین صاحب دیوان جوینی یکی از بزرگان تاریخ ایرانست و از حیث تدبیر و کاردانی و مروت و بزرگواری وزیر دست پروری و سخا و دانش گستری و لطف، عام مقامی نظیر مقام نظام الملک طوسی دارد و از مردان بزرگ این دیار بشمار تواند آمد. در ادبیات قرن هفتم مقام بسیار رفیعی دارد زیرا که تمام نویسندگان و شعرای بزرگ این دوره از نعم وی برخوردار شده اند و همه از وصلات گرفته وی را مدح های فراگفته اند. شمس الدین خود در نظم و نثر فارسی مهارت کامل داشته بعضی از منشآت و مکاتیب او باقیست که قدرت وی را در انشای فارسی مسلم می کند و بعضی غزلیات و قصاید و قطعات که از او مانده ثابت میکنند که از شعرای زبردست زمان خود بود.

۱۰ - فخر الدین ابراهیم بن شهریار همدانی متخلص به عراقی

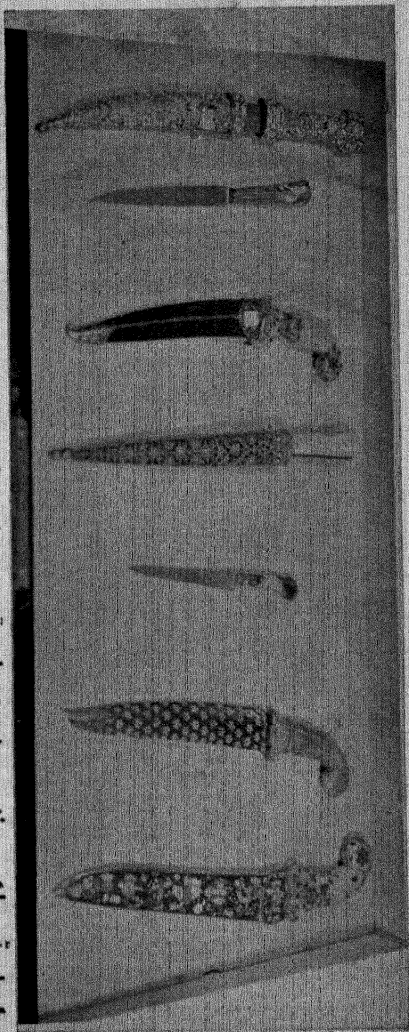


دیگچه برنز منقش و مرصع - از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

یکی از بزرگترین شعرای غزل سرای ایران و یکی از بزرگان عرفای این دیارست. در جوانی بسن ۱۷ سالگی شورتصوف در او پدید آمد و بهمراهی چند تن از درویشان از همدان آهنگ هندوستان کرد و در مولتان جزو شاگردان شیخ بهاء الدین زکریا مولتانوی عارف معروف قرن ششم جای گرفت و بیست و دو سال در خدمت او ماند و دختر او را نکاح کرد و پس از مرگ وی جانشین او شد ولی

چون مریدان دیگر زیر بار او نرفتند از هندوستان بیرون آمد و بمکه و مدینه رفت و از آنجا ببلاد روم افتاد و در شهر قونیه بخدمت صدر الدین قونیوی رسید و کتاب فصوص الحکم محیی الدین ابن عربی را که معروف ترین کتاب تصوف در آن زمان بود نزد وی درس خواند و در آن دیار معروف شد تا بحدی که معین الدین پروانه حکمران آن دیار مجذوب وی گشت و برای او در شهر توقات خانقاهی ساخت ولی پس از مرگ معین الدین وی از روم هجرت کرد و بشام و مصر رفت و شیخ الشبوح مصر شد و سپس در هشتم ذی قعدة سال ۶۸۸ در دمشق رحلت کرد و در صالحیه نزدیک قبر محیی الدین ابن العربی مدفون شد. فخر الدین عراقی یکی از شعرائست که غزل عارفانه را بسیار لطیف و طرب انگیز و سوزناک سروده است و شعر او وجد و شوق خاصی دارد و در منتهای درجه زیبایی غزل عارفانه است. دیوان قصاید و غزلیات او شامل هفت هزار بیت بدستست و بجز آن منظومه ای بر وزن حدیقه سنائی با اسم عشاق نامه برای شمس الدین صاحب دیوان سروده است. در نثر فارسی کتاب بسیار معروفی در تصوف تألیف کرده است با اسم لمعات که در نهایت شور و لطف نوشته و انشای عاشقانه بسیار لطیفی دارد و آنرا پس از درس خواندن نزد صدر الدین قونیوی نوشته و با استاد خود نموده و از او اجازت انتشار گرفته است و این کتاب از اجاه مؤلفات متصوفه در زبان فارسیست و شروع متعدد بر آن نوشته اند از آن جمله است شرحی که عبد الرحمن جامی شاعر معروف قرن نهم با اسم اشعة اللمعات بر آن پرداخته است. عراقی از دختر بهاء الدین زکریا پسری داشته با اسم کبیر الدین.

۱۱ - ضیاء الدین محمود بن جلال الدین مسعود خجندی معروف بفارسی از شعرای معروف اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بود، اصلاً از مردم خجند بود و پدرش در زمان قطب الدین محمد تکش خوارزمشاه از خجند بخوارزم رفت و در دربار خوارزمشاهیان بمقام عالی رسید تا بحدی که در زمان غیاث الدین بیراهشاه وزیر خراسان شد و پس درین سفرها با وی همراه بود و چون پدر در فتنه



اسلحهٔ سبک و خنجرهای زیبای قدیم ایران - از کنگره صنایع ایران در موزه ارمنستان

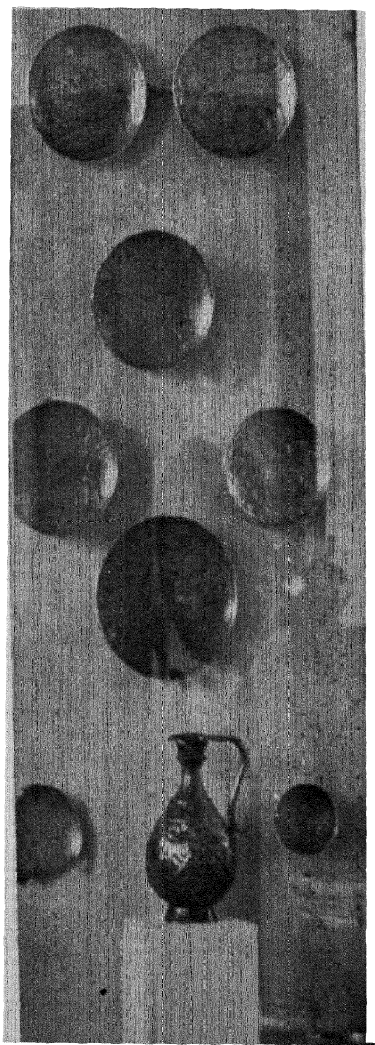
معقول گشته شد ضیاء الدین جانشین بدر گشت و بوزارت خراسان رسید ولی پس از چندی از کار وزارت کناره گرفت و چندی نیز داماد فخر رازی تحصیل علوم می کرد و سپس در سلاک متصوفه داخل شد و از مریدان نجم الدین کبری گشت و نیز گفته اند که از مریدان ضیاء الدین ابو النجیب سهروردی بود و عاقبت درهرات ساکن شد و در آنجا بسال ۶۲۳ در گذشت ضیاء الدین فارسی مرعی دانستند بوده و مولیات بسیار در تصوف و اصفیاء کلام

داشته است. از آن جمله شرحی بر محصول امام فخر رازی نوشته است. شعر فارسی را نیز نیکو می سروده است و قصاید بسبک عراقی بسیار گفته و از شعرای معروف زمان خود بوده ولی دیوان وی بدست نیست و فقط بعضی اشعار از او مانده است.

۱۲ - رفیع الدین مسعود لنبانی از مردم لنبان نزدیک اصفهان بود و همواره در آن دیار زندگی میکرد، از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه عمرش طولانی نشده و در زمان خود در میان شعرای عراق بسیار معروف بوده است و در اصفهان در سال ۶۳۰ در گذشته و همانجا مدفون شده است. وی نیز از شعرای معروف سبک عراق است و دیوان وی شامل نزدیک سه هزار بیت است که در آن میان اشعار لطیف و مضامین تازه بسیار دارد.

۱۳ - نجیب الدین جرفادقانی در جوانی بیغداد رفت و در فتنه مغول مدتی در قلعه و شاق مقیم بود و امرای آن دیار را مدح میکرد و چون رکن الدین غور سانجی برادر جلال الدین خوارزمشاه عراق و کرمان را گرفت و عماد الملک ساوجی وزیر او شد بواسطه روابطی که نجیب الدین با این وزیر داشت با او باصفهان رفت و نزد آن پادشاه قریبی یافت و جزو عمال دربار او در عراق شد و معروفست که درین موقع چون بدان منصب رسید پادشاه خلعت و جایزه نقد بوی داد و او از بانندی همت که داشت آن زر را از مجلس سلطان که بیرون می آمد بتنگ دستان داد و چون سلطان رکن الدین از عراق بری و فیروز کوه رفت و با سپاه مغول جنگ کرد و کشته شد نجیب - الدین از کار خویش استعفا جست و بوطن خویش رفت و در آنجا بود تا در آنجا بسال ۶۶۵ درگذشت. نجیب الدین جرفادقانی یکی از بهترین شعرای سبک عراقی در قرن هفتم بوده و مضامین بسیار بدیع در الفاظ رقیق دارد. دیوان اشعار وی شامل چهار هزار بیت قصیده بدست است و مثنوی بشر دهند نیز ازوست که در همان قلعه و شاق سروده است.

۱۴ - فریدالدین احوول
 اصفهانی اصل وی از
 اسفراین بود ولی چون
 مدتی در اصفهان زندگی
 کرد باصفهانی معروف
 شد، در جوانی از خراسان
 به فارس رفت و بدربار
 اتابکان فارس در آمد
 و مدتی مداح سعد بن
 ابی بکر بن سعد زنگی
 بود و در ضمن بنظام -
 الدین وزیر وی بیوستگی
 داشت و در میان وی و
 شعرای عراق و فارس
 که در آن زمان بودند
 رقابت افتاد و درین رقابت
 هر کدام قصیده ای نزد
 صدر الشریعه بخاری
 فرستادند و او امیر رکن -
 الدین میر آب را که از
 ادبای معروف زمان بود
 با امتحان ایشان گماشت
 و درین امتحان برتری
 فریدالدین ثابت شد و
 سپس وی از شیراز
 باصفهان رفت و تا آخر
 عمر در اصفهان مقیم
 بود و در اوایل قرن



ظروف طلائی دوره ساسانی از کنگره صنایع ایران

هفتم در اصفهان رحلت کرد و بعضی هم مرگ وی را در بخارا نوشته اند. فرید الدین احوال نیز از شعرای معروف قرن هفتم ایرانست که بسبک عراقی قصاید نیکومی سروده ولی بیش از دیگران بصنایع لفظی و محسنات کلام دلبستگی داشته و بهمین جهت اشعار وی بسبک قطران و رشید و طواط و عبد الواسع جبلی نزدیک تر است و در عروض و قافیه و صنایع شعری مهارت تام داشته است. دیوان اشعار وی بدست نیست و از سخنان او جز اندکی نمانده است.

۱۵ - ابو عبدالله مشرف بن مصاح سعدی شیرازی در حدود سال ۶۰۵ و ۶۰۶ هجری در شیراز متولد شده و پیش از استیلائی مغول بزم تحصیل ببغداد رفته و در مدرسه نظامیه علوم متداول زمان خود را درک کرده و از استادان معروف آن زمان مانند جمال الدین عبد الرحمن ابو الفرج بن جوزی و شیخ شهاب الدین سهروردی بهره مند شده است و در اثر این تعلیمات عارف پیبشه شده و پس از فراغت از تحصیل سفرهای چند در دیار اسلام کرده و ظاهراً باقصی نقاط افریقا رفته است و پس از مدت مدیدی بشیراز بازگشته و در دیار اتابیکان فارس منزلتی یافته و با تائبیک سعد بن ابی بکر. ابن سعد بن زنگی منتسب شده و تخلص خود را ازو گرفته و ظاهراً از همین زمان دوره شاعری او شروع شده. این اتابیک سعد پس از مرگ پدر که در ۶۵۸ اتفاق افتاد بجای او نشست ولی دوازده روز بیشتر در بن مقام نبود و چون هنگام مرگ پدر در شیراز نبود و در تفرش قم سکونت داشت موقعی که عازم بود در راه رحلت کرد ولی چون در زمان پدر اختیار کارها بدست او بود سعدی در همین دوره مداح او بوده است و ابن شاهزاده در پرورش شعرا و ادبا بسیار شایق بود و جمعی کثیر از بزرگان ادبای ایران از وی متمم شده اند. پس از برچیده شدن دستگاه اتابیکان فارس و استیلائی مغول بر آن دیار سعدی در سلاک مداحان خواجه شمس الدین صاحب دیوان و برادرش عطا ملک جوینی در آمد و پس از مصائبی که برای این



سنگ‌اب برنزی قرن هشتم - از سنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

خانواده رخ داد دیگر سعدی بممدوح دیگری اقبال نکرد و بازماندهٔ عمر خود را در پیری در خانقاهی که در شیراز داشته است بانزوا گذرانیده و قسمت اعظم از غزلیات خود را درین مدت سروده است. عاقبت در شیراز بسال ۶۹۴ در حالی که بیش از هشتاد سال از عمر وی گذشته بود رحلت کرد و در همان محل اقامت خود مدفون شد. سعدی بی شک بزرگترین شاعر ایران و یکی از بزرگترین شعرای جهانست، تا کنون هیچ کس در زبان فارسی بر روانی و لطف و سادگی و شیوایی و انسجام و فصاحت و فریبندگی الفاظ او شعر نگفته است و بهمین جهت غزلهای او در زبان فارسی بی نظیرست و چون منتهای سادگی و روانی را در ساده ترین احساسات طبیعی بکار برده بهر زبانی که ترجمه شود از زیبایی آن کاسته نمی گردد و بهمین جهت در تمام عالم معروف شده و در سلك بزرگان فرزندان آدمی در آمده

در نظم و نثر و اقسام مختلف شعر از قصیده و غزل و قطعه و مثنوی و مدح و معاشقه و حکمت و نصیحت در منتهی درجه قادر بوده و سبک انشای او در نثر فارسی همواره در هر طبقه ایران مطلوب بوده و نمونه بهترین نثر شمرده شده. کلیات نظم و نثر او شامل چندین رساله و کتاب مستقل است: غزلیات او که بهترین نمونه سبک شعر اوست و در نهایت لطف و شیوایی سروده است شامل چهار کتاب است:

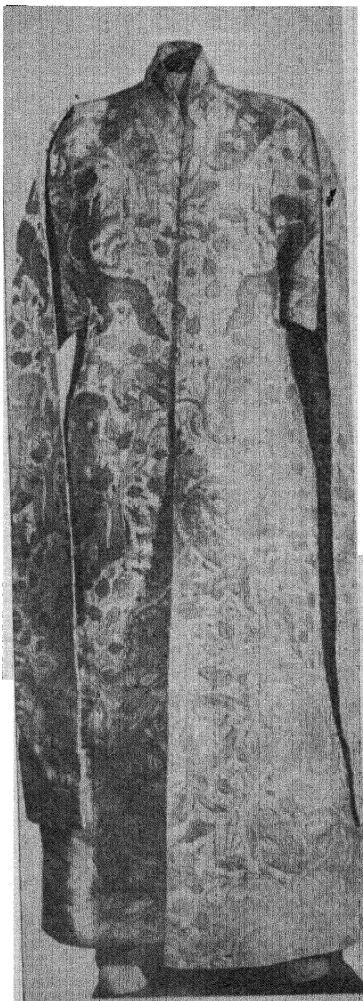
۱ - غزلیات قدیم، طبییات، بدایع، خوانیم و هر قسمتی شامل غزلیات یک دوره از عمر اوست. ۲ - بوستان یا سعدی نامه منظومه ایست بجزر متقارب تقریباً شامل دو هزار بیت که در ۶۵۵ بنام ابوبکر بن سعد نظم کرده و شامل حکایات و ابواب چند در معارف و اخلاق و حکم و سیر و سلوک و امثال است و از جمله معروف ترین کتب نظم فارسیست. ۳ - گلستان که معروف ترین کتاب نثر فارسیست و در سال ۶۵۶ بنام همان اتا بیک تمام کرده معروف تر از آنست که بحد وصف در آید. ۴ - قصاید فارسی و عربی و ترجیعات و ترکیبیات و مقطعات و ابیات یراکنده (مفردات) و رباعیات که هر یک قسمت جداگانه ایست. ۵ - رسائل مختلف نثر شامل: هجالس پنج گانه، سؤال صاحب دیوان، رسائل عقل و عشق، رساله نصیحت ملوک، مضحکات و میزان در صرف افعال عرب و در ضمن دیباچه ای بر کلیات خود نوشته که آنهم رساله جداگانه است. ۶ - منظومات مختلف شامل: مثنوی لریما، مرثیاتی، ملمعات، صاحبیه. کلیات سعدی از نظم و نثر تقریباً شامل نه هزار بیت است که علی بن احمد بن ابی بکر معروف بیستون در سال ۷۲۰ جمع کرده.

۱۶ - خواجه هماد الدین تبریزی از مشاهیر شعرای آذربایجان و یکی از بهترین غزل سرایان قرن هفتم ایران بود و با خاندان جوینیان پیوستگی تام داشت و همواره در تبریز می زیست و در آن شهر ولادت یافته و در سال ۷۱۴ در همانجا درگذشته است. دیوان غزلیات او که اشعار بسیار روان دل انگیز در میان آن هست شامل

نزدیک دو هزار بیت است
و مثنوی صحبت نامه نیز
ازوست که بنام خواجه شرف
الدین هارون پسر صاحب
دیوان جوینی سروده است .

۱۷ - امیر حسین بن

عالم بن ابو الحسن حسینی
هروی غوری فخر السادات
معروف با امیر حسینی از مردم
شهر غوزیو در کوهستان
غور بود . از بزرگان عرفا
و شعرا و نویسندگان قرن
هفتم ایران بشمارست و بیشتر
ایام خود را در شهر هرات
می گذراند و بارشاد مردم
می برداخت و از پیروان بهاء -
الدین زکریای ملتانی و
شهاب الدین سهروردی بود
و در ۷۱۸ در هرات رحلت
کرد . در نثر کتاب بسیار
معروفی در تصوف تالیف
کرده است با اسم نزهة -
الارواح که در ۷۱۱ تمام
کرده و در نظم چند مثنوی
ازو بدستست یکی زاد -
المسافرین و دیگری کنز -
الرموز که از جملة بهترین
منظومات عرفای ایرانست .



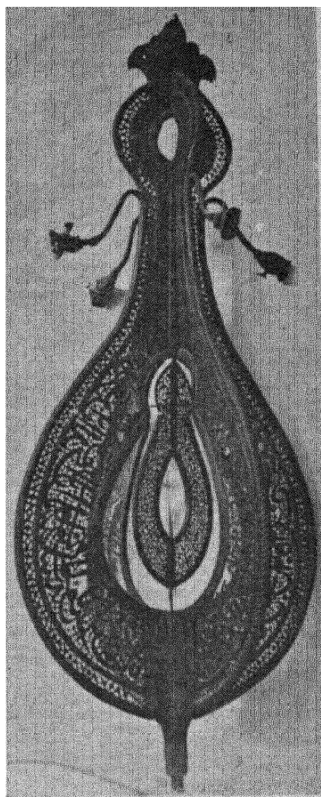
لباس ابریشمی از صنایع ظریفه بافندگی
از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

۱۸ - سعد الدین محمود بن عبدالکریم شبستری از مردم شبستر آذربایجان و از بزرگان مشایخ آن دیار بود و از علمای نامدار تبریز بشمار میرفت و اوقات خویش را در درس و بحث می گذراند و در سال ۷۲۰ در تبریز رحلت کرد. شیخ شبستری مؤلف مثنوی معروفیست با اسم گلشن راز که شروع بسیار بر آن نوشته اند و از معروف ترین کتاب های عرفای ایران است و در ماه شوال ۷۱۷ امیر حسینی هروی سؤالاتی از وی بنظم کرده و اوجواب آنها را بنظم سروده و این مثنوی را ترتیب داده است. بجز آن دو مثنوی دیگر یکی با اسم شاهد نامه و دیگر با اسم سعادت نامه سروده است و خود تصریح می کند که شاعر نبوده و این وسیله را برای اظهار مطالب خود پیش گرفته است. در نثر نیز رسائل چند در تصوف تالیف کرده از آن جمله است حق الیقین و مرآت المحققین.

۱۹ - سعد الدین نزاری قهستانی از غزل سرايان معروف قرن هفتم ایران بود و در زمان خویش شهرت بسیار داشت و از اسمعیلیان قهستان بود بهمین جهت در دیار خود منزوی می زیست و در قاین و بیرجند اقامت داشت و تخلص خود را از نام نزار بن مستنصر خلیفه اسمعیلی مصر گرفته بود که از ائمه اسمعیلیه ایران بشمار میرفت و وی در سال ۷۲۰ رحلت کرد. نزاری غزل رازوان و لطیف می سروده و دیوان وی شامل نزدیک هفت هزار بیت بدستست و نیز منظومه دستور نامه را سروده است.

۲۰ - امیر خسرو بن امیر سیف الدین محمود دهلوی پدرش لاجین نام از ترکان خطائی تر کستان بود و در استیلای مغول از بانج بهندوستان فرار کرد و در خدمت سلطان شمس الدین التمش در آمد و با امیر سیف الدین محمود شمس معروف شد و خسرو پسرش در سال ۶۵۱ در دهلی ولادت یافت و پس از مرگ پدر که در سال ۶۵۸ روی داد بسر پرستی خالش تربیت یافت و از آغاز جوانی در حمایت پادشاهان دهلی در آمد و مداح پنج تن از ایشان شد که نخستین ایشان معز الدین کبچباد (۶۸۶ - ۶۸۹) و

آخرین ایشان سلطان محمد بن تغلق (۷۲۵ - ۷۳۰) بود و در همان سال جلوس این پادشاه در ربیع الاول ۷۲۵ در دهلی رحلت کرد. خسرو دهلوی بزرگترین شاعر ایرانی هندوستانست و بهمین جهت او را سعدی هندوستان لقب داده اند. در اقسام مختلف شعر مانند مدح و غزل و مثنوی مهارت داشته ولی شاهکار او بیشتر نزل عارفانه است که الفاظ رقیق و معانی دقیق را با فکر تصوف آمیخته است و در تصوف بیرو عارف مشهور هندوستان نظام الدین اولیا بود کلیات وی از حیث نظم و نثر دارای چندین مجلد کتابهای جالب توجه است بدین



تقدیل فیلادی قرن ۱۲ - از موزه آستانه قم

قرار: ۱ - تحفة الصغر شامل

غزلیات و قصاید آغاز عمر او ، ۲ - وسط الجبوة شامل اشعار او اسط
عمر ، ۳ - غرة الکمال شامل اشعار او اخر عمر وی ، ۴ - بقیة نقیه
شامل اشعار بیری او ، ۵ - نهاية الکمال شامل اشعار آخر عمر وی ، ۶ -
مطلع الانوار در برابر مخزن الاسرار نظامی که در ۶۹۸ تمام کرده ،
۷ - شیرین و خسرو در برابر منظومه خسرو و شیرین نظامی که در ۶۹۸

تمام کرده ، ۸ - لیلی و مجنون در برابر منظومه نظامی که در همان سال تمام شده است ، ۹ - آئینه سکندری در برابر اسکندرنامه نظامی که در ۶۹۹ تمام کرده ، ۱۰ - هشت بهشت در برابر هفت پیکر نظامی که در ۷۰۱ بانجام رسانده ، ۱۱ - قران السعدین بوزن مخزن الاسرار در شرح ملاقات معزالدین کیقباد و برادرش ناصرالدین بغراخان شاه بنگاله در ۱۲، ۶۸۸ - مثنوی نهمسپهر ، ۱۳ - مثنوی مفتاح الفتوح بوزن خسرو شیرین در فتوح جلالالدین فیروز شاه از ۶۸۹ تا ۶۹۰ ، ۱۴ - منظومه خضرخان و دولرانی در شرح معاشقات این دو تن که معاصر وی بوده اند . مؤلفات وی در شعر عبارتست از : ۱ - خزائن الفتوح در تاریخ ساطان علاءالدین محمد خلجی (۶۹۵ - ۷۱۵) که با اسم تاریخ علائی نیز معروفست و تقلیدیست از تاج المآثر حسن نظامی ، ۲ - رسائل الاعجاز در فن انشاء . از این قرار خمسۀ نظامی را جواب گفته و مثنویات پنج گانه آنرا که نزدیک هیجده هزار بیت است در سه سال نظم کرده و از همین پیداست که طبع او تاجه حد روان بوده است و نزدیک صد هزار شعر از او باقی مانده و گذشته از شعر و عرفان و انشاء در موسیقی هم مهارت داشته است .

۲۱ - خواجه نجمالدین حسن بن علی سجزی دهلوی معروف بحسن دهلوی از شاگردان و مصاحبین امیر خسرو دهلوی بود و از شعرا و عرفای معروف قرن هفتم هندوستان بشمارست مدتی در برابر سلطان محمد بن غیاثالدین بلبن و مدتی نیز از مداحان علاءالدین محمد خلجی بود و در ضمن جزو هر یزدان شیخ نظامالدین اولیاء بشمار میرفت و امالی و تعلیمات مرشد و استاد خود را جمع میکرد و در سال ۷۲۷ یا ۷۳۱ در دولت آباد هندوستان و در دربار محمد - ابن تغلق شاه در گذشت . خواجه حسن دهلوی از بهترین شعرای فارسی زبان هندوستانست و غزل عارفانه رانیکومی سروده ، بهمین جهة او را نظیر حافظ در هندوستان دانسته اند و دیوان وی شامل نزدیک چهار هزار بیت در دستست .



آفتابه نلم زده قرن ۱۴ - از کنگره صنایع ایران در موزه ار میثاق.

۲۲ - سید مطهر از شعرای معروف اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هندوستان بود و از احوال وی چیزی معلوم نیست جز اینکه

از شاعران دربار تاج الدین فیروزشاه از پادشاهان بهمنی هندوستان بوده که در ۸۰۰ با سلطنت رسیده و در ۱۵ شوال ۸۲۵ در گذشته است و وی قصیده را بسبک عراقی نیکو می سروده و تشبیهات عالی و معانی دقیق داشته است و دیوان وی شامل چهار هزار بیت بدست است .

۲۳ - سید سراج الدین سراجی سگزی از شعرای معروف قرن هفتم هندوستان بود نخست در سیستان مقیم بوده و در دربار پادشاهان آل خلف می زیسته و ملک نصره الدین ابو الخطاب خسرو شاه بن بهرام شاه را مدح می گفته است و پس از کشته شدن وی و بروز فتنه مغول از سیستان گریخته و بهرستان رفته و بمکه و بمدینه رفته است و از آنجا به هندوستان افتاده و بدربار شمس الدین التمش راه یافته و جز و مداحان وزیر وی نظام الملک قوام الدین محمد بن محمد جنیدی شده است . دیوان وی شامل پنج هزار بیت موجود است و وی در بسبک قصیده خراسانی استاد کاملی بوده است و یکی از آخرین شعرائست که بدین سبک سخن گفته اند .

۲۴ - قاضی نظام الدین محمود قمری اصفهانی متخلص بقمر معروف بنظام اصفهانی یا قاضی نظام الدین از شعرای معروف عراق در قرن هفتم بوده است و در اصفهان می زیسته و مدنی هم مداح انا بیک ابوبکر بن سعدزنگی بوده است و از مختصان خاندان خجندیان اصفهان بشمار می رفته و قصیده را بسبک عراقی با الفاظ دقیق و معانی دقیق خوب می گفته است و از جمله در سرودن اشعار ملمع دست داشته و دیوان وی شامل چهار هزار بیت بدست است .

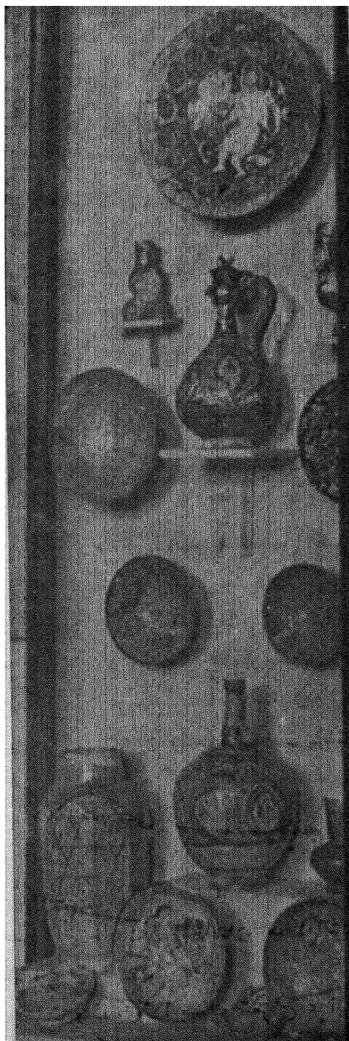
۲۵ - قاضی رکن الدین دعوی دار قمی از شعرای نامی اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بود نخست در قم می زیست و از مداحان حسام الدوله اردشیر بن حسن ملک الجبال باوندی (۵۶۷ - ۶۰۲) بود و پس از انقراض این سلسله از خدمت این خاندان منتفک شد و ظاهراً تا اوایل قرن هفتم نیز می زیست و در تبریز در گذشت . در نظم و نثر فارسی مهارت داشت و قصیده را بسبک شعرای عراق نیکو می سرود و از اشعار او جز اندکی نمانده است .

۲۶- زراشت بهرام

بن یزدی از زرتشتیان مقیم هندوستان بوده و از احوال وی اطلاع چندانی نیست در سال ۶۴۷ روایاتی را که در میان زرتشتیان رایج- بزندگی زرتشت پیامبر معروف ایران متداول بوده است با اسم زراشت نامه به بحر متقارب نظم کرده و اشعار بسیار بلند در آن میانست که مقام وی را در شاعری مسلم می‌دارد.

۲۷- اثیرالدین مفضل

بن عمر ابهری از حکمای معروف و علمای نامی قرن هفتم بود نخست در عراق و اصفهان می‌زیست و از شاگردان امام فخر رازی بود و در استیلای مغول از ایران گریخت و در بلاد روم ساکن شد و در آنجا بتعالیم و تالیف می‌پرداخت و عاقبت در ۶۶۰ رحلت کرد. اثیر- الدین ابهری در منطق و ریاضیات و نجوم و حکمت

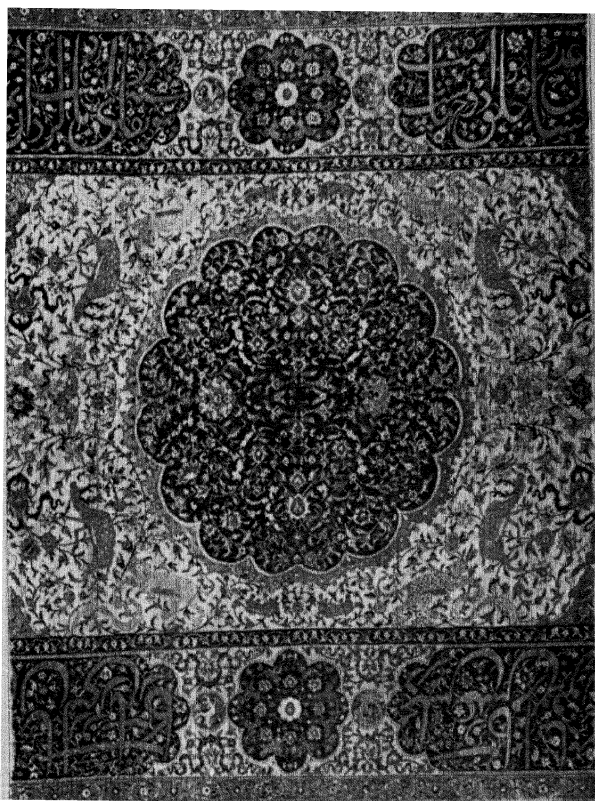


ظروف مختلف قرن ۱۲-۱۳ - از موزه ارمیتاژ

مؤلفات معروف دارد از آن جمله است کتاب ایسا غوجی در منطق و هدایة الحکمه در منطق و طبیعیات و الهیات که شرح متعدد بر آن نوشته اند و در ضمن شعر فارسی را نیکو می سروده و در اربل عمر باجمال الدین عبدالرزاق اصفهانی مشاعره می کرده است ولی از شعر او چیزی بدست نیست .

۲۸ - اوحد الدین حامد بن ابی الفخر کرمانی از عرفای مشهور قرن هفتم بود و بیشتر از ایام عمر خویش را در سفر گذرانده چنانکه مدتی از جوانی خود را در اربل گذرانده و آنجا معتقدین بسیار داشته و سپس چندی در دمشق و مدتی در بغداد بوده و جمعی کثیر از عرفای معروف آن زمان خدمت وی را درک کرده اند و وی از مریدان شیخ رکن الدین سنجاسی بود و با محیی الدین ابن العربی و شمس الدین تبریزی معاشرت داشته و فخر الدین عراقی و اوحدی مراغی و سید حسینی از شاگردان وی بوده اند و در سال ۶۳۲ پیشوائی صوفیان بغداد در رباط مرز بانیه منصوب شد و در سال ۶۳۵ یا ۶۳۶ رحلت کرد . اوحد الدین کرمانی در شعر فارسی بمساک عرفا بسیار توانا بوده و رباعیات وی در تصوف بسیار معروفست که بسیاری از آنها باسم عمر خیام معروف شده و نیز مثنوی مصباح الارواح را سروده است که یکی از بهترین منظومات عرفای ایران به شمار می آید .

۲۹ - امیر بهاء الدین مرغینانی از وزرا و منشیان و شعرای معروف قرن هفتم بود از سوی پدر از خاندان شیخ الاسلام فرغانه و از سوی مادر از فرزندان طغان خان حکمران فرغانه بود و نخست از مداحان قطب الدین انوشکین خوارزمشاه بود و تا زمان ارغون خان نیز زنده ماند و عمید الماک حبش وی را بخدمت پسر خود پیسو گماشت و وزارت بوی داد و عاقبت در سال ۶۴۹ حبش بروی بدگمان شد و او را کشت . بهاء الدین مرغینانی از شعرای معروف عصر خود بوده است ولی از شعر او جز اندکی باقی نمانده .



نمونه فرشهای قدیم ایران - از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

۳۰ - سیدقوام الدین حسین بن صدرالدین علی ذوالفقارشیروانی از شعرای معروف اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بود در اوایل عمر معاصر خاقانی و فلکی و جمال الدین عبدالرزاق بود و در آذربایجان می زیست و سپس جزو مداحان اتابیک یوسف شاه از انابیکان لرستان شد و بوسیله خواجه محمد تستری وزیر بدان در بار راه یافت و در

۶۷۹ در تبریز رحلت کرد و در مقبره الشعراء سرخاب مدفون شد . سید ذوالفقار از بزرگان شعرای این عصر بود و در فن خویش مهارت و شهرت تام داشت و مخصوصاً در ساختن اشعار مصنوع بسیار زبردست بود و از جمله قصاید مصنوع اوست قصیده ای با سم « مفاتیح الکلام فی مدایح الکرام » که معروفست و در شعر ذوالفقار تخلص میکرد و دیوان وی شامل چهار هزار بیت بدستست .

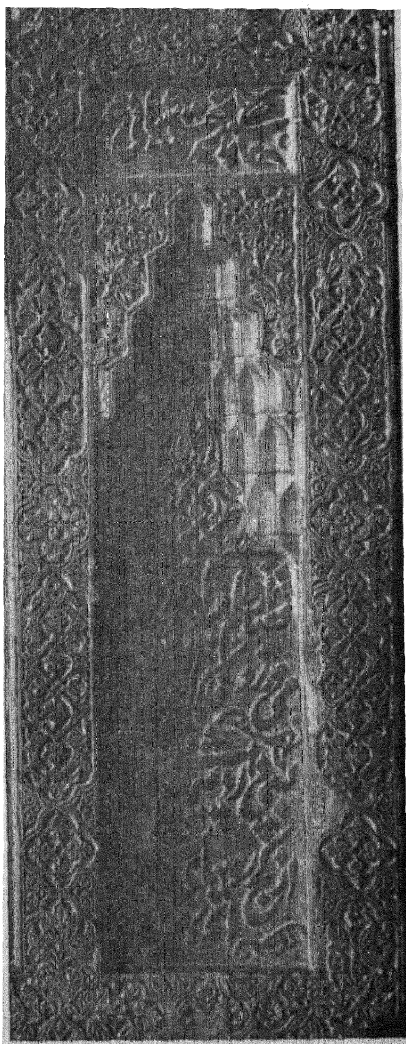
۳۱ - ملک رضی الدین بابای قزوینی از امرای محتشم قرن هفتم بوده و بخاندان جوینیان اختصاص داشته است و باتکای ایشان بحکمرانی اربل و موصل رسیده و از پروردگان شمس الدین صاحب دیوان بوده است و وی را مدح می گفته و در شعر فارسی مهارتی کامل داشته و از شعرای نامی زمان خود بشمار می رفته است ولی از اشعار او جز چند قصیده چیزی بدست نیست .

۳۲ - شیخ سیف الدین سعید بن مظفر باخرزی هلقب بشیخ العالم و معروف بسیف الدین صوفی از بزرگان مشایخ اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران بوده و وی از شاگردان نجم الدین کبری بوده و پس از شهادت وی در فتنه مغول از خوارزم باموراء النهر رفته و باز مانده عمر خود را در آن دیار گذرانده و از بزرگان عرفای خراسان بشمار می رفته و در بخارا بسال ۶۵۳ یا ۶۵۸ رحلت کرده است . وی در شعر فارسی نیز زبردست بوده و رباعیات معروفی سروده است که بعضی از آنها باقیست .

۳۳ - سعد الدین سعید هر وی از شعرای معروف در بار مغول و نخست مداح خواجه عزالدین طاهر فریومدی وزیر خراسان بوده و سپس بدربار مغول راه یافته و مداح غازان خان و الجایتو بوده و تا سال ۷۱۶ که الجایتو در گذشته نیز زنده بوده است و در ضمن بخواجه رشید الدین فضل الله وزیر اختصاص داشته و زمانی در اصفهان زیسته و هم اتابیک نصره الدین احمد از اتابیکان لرستان را مدح گفته است و در ۷۶۶ در گذشته و قصایدی بسبک شعرای عراق در منتهای

خوبی می سروده
ولی دیوان وی
بدست نیست و از
اشعار او چند قصیده
مانده است .

۳۴ - شهاب‌الدین بن
جمال‌الدین بدائینی
معروف به شهاب
مهمراه از مردم بداون
در هندوستان بوده
و از شعرای بسیار
معروف آن دیار
بشمار می رفته و
شاعر دربار رکن -
الدین فیروز بن
شمس‌الدین التتمش
معروف به فیروزشاه
(۶۳۳ - ۶۳۴)
بوده است و در دربار
ابن سلسله در دهلی
زندگی می کرده
و در شعر شهاب‌تخلص
می کرده و قصیده
را بسبک شعرای
خراسان نیکو می
سروده ولی از اشعار
او جز اندکی مانده



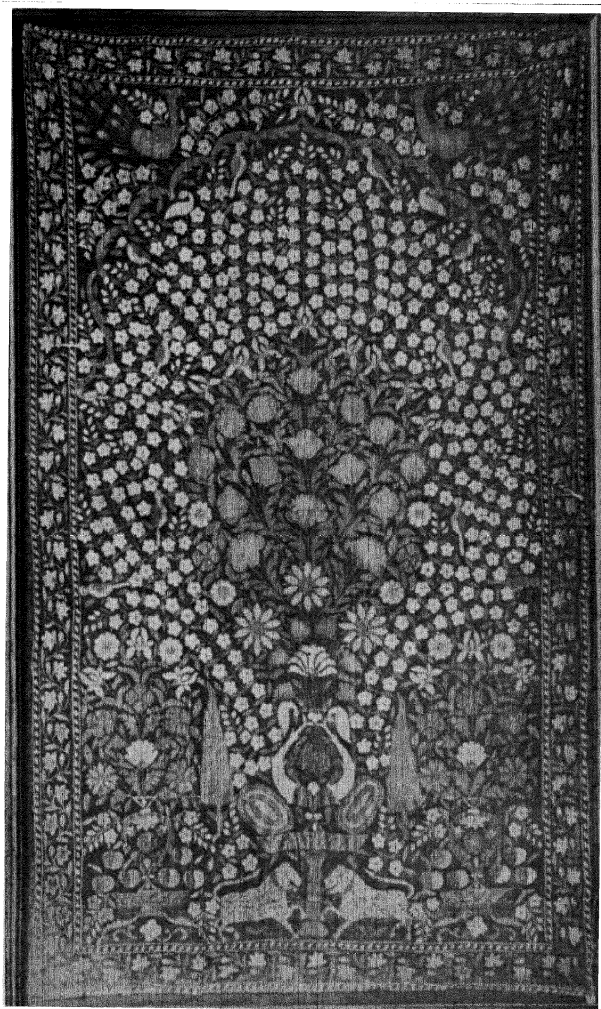
نونه حجاری های قرن ۱۵ - از کنگره منابع ایران - است .

۳۵ - خواجه حکیم عمده الملك يا فخر الملك عميدالدين لوبكى از مردم قصبه لوبك از توابع سنام در هندوستان بوده و در سال ۶۵۵ هجری ولادت یافته و تا سن ۶۰ سالگی نیز زنده بوده یعنی تا ۷۱۵ هجری زیسته است و در زمان سلطان محمد بن بلبن معروف بخان شهید و مشهور بقا آن ملك شغل مشرفی داشته است و پس از آن چندی در بند افتاده و عاقبت در همان ناحیه سنام در گذشت و همانجا مدفون شد وی نیز از شعرای بسیار معروف هندوستان بود و اشعار وی را در فرهنگها بشاهد لغات بسیار آورده اند و قصیده را بسبب شعرای آذربایجان نیکو می سروده و در شعر عمید تخاص می کرد ولی دیوان وی نمانده و بعضی از قصاید او بدستست .

۳۶ - ناصرالدین بجهای معروف بناصر شیرازی از غزل سرایان معروف قرن هفتم و از معاصرین سعدی بود اصل وی از بجه بود که قصبه ای بود از متعلقات را مجرد و در میان فارس و اصفهان ولی بیشتر در شیراز می زیست و از احوال وی جز این چیزی بدست نیست . غزل عاشقانه را بسبب شعرای عراق و فارس در منتهای خوبی می سروده و درین فن بسیار شهرت داشته است ولی از غزلیات او جز اندکی چیزی نمانده .

۳۷ - فخری غواص از شعرای هندوستان درین زمان بود ولی از زندگی او چیزی معلوم نیست بجز آنکه در دربار علاء الدین خلجی (۶۹۵ - ۷۱۶) می زیسته و فرهنگ ناهه را بنام وی نظم کرده است .

گذشته از شعرای معروف این قرن که ذکر ایشان گذشت در قرن هفتم يك عده كثیر شعرای دیگر نیز بوده اند . در میان سلسله های جزء که در ایران شهریاری داشته اند شعر فارسی رواج بسیار داشته و حتی بعضی از امرای ایرانی در آن زمان شعر می سروده اند از آن جماعه در سلسله آل کورت که پادشاهان سیستان بوده اند چند تن از امرای در شعر فارسی معروف بوده اند و از هر يك از ایشان اشعاری مانده است بدین قرار : ملك شمس الدین محمد



پارچه زرنگار قرن ۱۷ و ۱۸ از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ
ابن ابی بکر کرت (۶۴۳ - ۶۷۶) غیاث الدین محمد بن فخرالدین

(۷۰۶ - ۷۲۹) فخر الدین علی بن رکن الدین (۷۰۵ - ۷۰۶) و علاء الدین و فخر الدین محمد کورت از شاهزادگان ابن سلسله . انابیکان فارس نیز بشعر فارسی شوق مفرط داشته اند و گذشته از آنکه شعرای بسیار را پرورش داده اند خود نیز شعر می سروده اند و از چند تن از ایشان اشعاری مانده است از آن جمله از سلجوق شاه بن سلنور (۶۶۱ - ۶۶۲) و از سلف شاه بن سعد بن زنگی برادر انا بیک ابوبکر . از ملوک شبنکاره نیز ملک مظفر الدین محمد بن مبارز (۶۲۴ - ۶۵۸) نیز شعر فارسی سروده است . از پادشاهان قراختائی کرمان نیز از صفوة الدین پادشاه خاتون (۶۰۱ - ۶۹۴) هم شعر فارسی مانده است . امرای دیگر نیز در پرورش شعر جد می کرده اند از آن جمله اسپهبد شاه نصره الدین کبود جامه امیر گران که در ۶۸۹ کشته شده است و شهاب الدین سلیمان شاه بن یرجم ابوائی از امرای کرد ، از وزرای ابن زمان نیز بجز کسانی که ذکر ایشان گذشت مجد الملک بن صفی الملک ابوالمکارم بزدی وزیر ابقاخان مقتول در چهارشنبه ۸ جمادی الاولی ۶۸۳ و خواجه شرف الدین هارون جوینی بسر شمس الدین صاحب دیوان امیر بغداد مقتول در جمیدی الاخرة ۶۸۵ شعر فارسی سروده اند .

اما شعرای درجه دوم قرن هفتم که از احوال ایشان اطلاع درستی نیست و از هر يك چند بیت مانده است بدین قرارند : حکیم ابوبکر بن محمد واعظی باخی ، امام الدین ابو الفاسم بن ابوسعید رافعی قزوینی (متوفی در ۶۳۳) ، شاه زین العباد یازین العابدین عابد بیرمی لاری معروف بشاه زنده ، مظهر کجراتی معروف بمظهر هندی ، رضی الدین علی لالای غزنوی (متوفی در ۶۴۲) ، نجیب الدین ابو سعید علی بن برغش شیرازی (متوفی در شعبان ۶۷۸) ، اصیل الدین زوزنی ، ابن موفق قمی ، فخر الدین معین معروف بابن معین^۱ ، ابن زنگی شیرازی ، افتخار الدین دامغانی ، شاهفور شهری نیشابوری (متوفی در ۶۴۵) ، ابوالمحاسن (متوفی در

۶۳۵)، منوچهر بن شرفشاه معروف بابن شرفشاه، ابونصر مهنه، مسعود بن نصرتی معروف بابن نصرتی، ابن علاء، ابن خیام، جلال الدین بن حسام سرخسی معروف بابن حسام، زین العابدین علی فقیه معروف بابن فقیه، ابن عطار شیرزای، نجیشی از وزرای فارس، قاضی بهاء الدین زنجانی، بدیع الدین شیرازی، بدیع الدین فارسی، خواجه بدر الدین دامغانی، بهاء الدین خجندی، بهاء الدین یزدی، بدیعی کرمانی، بدیعی طوسی، شیخ عز الدین اسفرائینی معروف بیور حسن، تاج الدین ابو القاسم، تاج الدین بخاری، مجد الدین ترمذی، تاج الدین کرمانی، تاج الدین زکی، جلال الدین محمود شاه، سید جلال الدین جعفری، جمال الدین اشهری، جلال الدین شاه هروی، جمال الدین سمرقندی، جلال تبریزی، جمال الدین بی بصر، جلال الدین دهستانی، جمالی سمرقندی، جمال الدین همدانی، جمال الدین منشی، جلال الدین اسکندر، حاجی احمد بخاری، سید حسن نیشابوری، حمید الدین کازرونی، امیر حسن ترکمیر، حدادی، خلیل شیرازی، امام خالد، خره شاه کرمانی، خازن، امیر خسرو شاه هروی، شرف الدین خضر یزدی، امیر رکن الدین میر آب، رفیقی، رفیع الدین ابهری، رکن الدین قباھی، رکنی، زیری، زین الدین انببانی، زوزنی، سنائی، رواسی، سعد الدین ساوجی، سعد الدین احمد عزیز، سیف الدین هروی، سعد سعید نیشابوری، سعد الدین وراق، سیف الدین سمرقندی، سعد الدین خلیفه، سردوز، سراج الدین حسن شیرازی، سدید الدین اعور کرماج، سعد الدین محمد بن مؤید بن حسن ابن محمد بن حموه حموی جوینی (متوفی در عید اضحی ۶۵۰)، سلیمان شاه بن تیمور ملک، سعد الدین نظنزی، شرف الدین فضل الله قزوینی، شمس الدین عبد الکریم ابر قوهی، شمس الدین محمد خوجانی، شمس اوحدی، شهاب الدین خجندی، شمس الدین سمرقندی، صابری، صدر الدین ابهری، صدر نظامی یا صدر نظام، عبدالقادر

نائینی پارسى ، عبد الرحمن حمومى ، عز الدين علوى ، اوحد الدين عبد الله بن ضياء ، الدين مسعود بليانى كازرونى (متوفى در ۶۷۳ يا ۶۸۳) ، قطب الدين عتيقى ، صدر على شمس الكرجى ، عز الدين بابويه ، عماد الدين يوسف لر فضاونى ، عباد دامغانى ، عبد الكافى ، عدة تبريزى ، عماد الدين اكرم ، امير عز الدين يحيى ، خواجه عالم سمرقندى ، عزيز الدين ، عماد الدين حروفى ، فخر الدين قلانسى ، فخر الدين بيلانى ، فتح باخى ، فصيح الدين ، قارى ، قاضى عثمان ماكى قزوینى ، قمصرى ، قطبى ، قنابغا ، كمال الدين زنجانى ، كمال الدين ابر قوهى ، كسيل خراط ، كيتى شاه ، محمود منور ، خواجه مؤيد مهنه ، منبرى ، شرف الدين ملكى ، خواجه معين الدين حسن سكرزى معروف بچشتى ، مجير الدين دامغانى ، محمود خطاط ، مرشد الدين قاضى ، مجد الدين طيب كاشى ، مظامى ، موفق الدين يحيى ، نجم الدين هنجم ، ناصر كاشانى ، ناصحى ، نجم الدين زر كوب ، نظام الدين يحيى ، نجم الدين كاتب ، نظام الدين ، خواجه نصير اديب ، ناصر الدين عين الملك ، نور الدين بسطامى ، سيف الدين هندو ، خواجه علاء الدين هندو ، يحيى فيروز آبادى ، بزدى .

قرن هشتم در قرن هشتم ادبیات ایران نسبت بقرون گذشته و مخصوصاً نسبت بقرن هفتم اند لى تنزل كرد و سبب آن بود كه در اواسط اين قرن قدرت پادشاهان مغول ايران تخفيف يافت و سلسله هاى جزى كه بيشتر ضعيف بودند از تجزیه ممالك ايشان فراهم آمد و انقلاب و حوادث دوباره آسايش را از مردم سبب كرد و زراى مقتدر كه در قرن پيش مى زيستند و مردم را در عالم و ادب تشويق مى كردند درين قرن بوجود نيامدند ، تنها خاندانهاى بزرگى كه در پرورش علما و ادباى ايران درين زمان كوشيدند نخست خاندان آل مظفر در يزد و فارس و دوم خاندان جلاير در بغداد و عراق عرب بود ، معدلك درين دوره نيز نويسندگان و شعراى بزرگ در ايران بسيار بوده اند .

۱ - نويسندگان بزرگ

در قرن هشتم نويسندگان بزرگ ايران همان اسلوب و سبك

نویسندگان قرن هفتم را دنبال کرده اند و هم سبک روان فصیح و سلیس مورخین دوره گذشته و هم سبک مغلق بعضی از نویسندگان که در کثرت استعمال لغت عرب مبالغه می کرده اند هر دو رواج داشته است. فقط تفاوت محسوسی که درین دوره دیده می شود اینست که عرفان و تصوف از آن رواج و تداولی که در قرن گذشته داشت افتاده و بهمین جهت آثار بسیار بنثر فارسی از عرفای ایران درین دوره پدیدار نشده است. نویسندگان بزرگ این قرن بدین قرار بوده اند:

۱ - محمد بن علی بن محمد شبانکاره ای از نویسندگان بسیار زبردست قرن هشتم بود و در انشای فصیح روان سبک نویسندگان بزرگ قرن پنجم و ششم کمتر در ایران نظیر داشت و در ضمن از شعرای زمان محسوب می شد و از مداحان خواجه غیاث الدین پسر رشید الدین فضل الله بود و در حدود ۶۹۷ در یکی از مجال شبانکاره ولادت یافت و تمام عمر خود را در نویسندگی و شاعری گذرانید و در سال ۷۳۳ بتالیف تاریخ عمومی پرداخت و آنرا در سال ۷۳۵ با تمام رسانید و بخواجه غیاث الدین تقدیم کرد که از نظر ابوسعید آخر بن پادشاه مغول بگذرانند ولی بیش از آنکه این کتاب بنظر او برسد در گذشت و این کتاب در همان اوان در ضمن غارت محله ربع رشیدی تبریز از میان رفت و شبانکاره ای بار دیگر کتاب خود را از نو تالیف کرد و آنرا مجمع الانساب نامید و در سال ۷۳۵ با تمام رسانید و آن بدستست و کتابیست در منتهای حسن انشاء و انسجام. شامل تاریخ عالم از آغاز تا آخر پادشاهی ابوسعید که در ضمن تاریخ بعضی از سلسله های جز، را دارد که در کتب دیگر نیست.

۲ - معین الدین آوی جوینی از عرفا و نویسندگان قرن هشتم بود که تا اواخر این قرن هم می زیست و از شاگردان سعد الدین یوسف بن ابراهیم حموی جوینی عارف شهور بود و در زمان خود

شهرت بسیار داشت و از دو کتاب معروف مانده است یکی نگارستان که یکی از نخستین تقایید های گاستان سعدیست و آنرا در هفت باب بسال ۷۳۵ تمام کرده است و اگرچه از حیث انشاء بیای سعدی نمی رسد ولی دارای فواید تاریخی بسیار است و دیگر کتاب احسن - القصص که در شرح سوره بوسف و داستان بوسف و زلیخا نوشته است .

۳ - شمس الدین محمد بن محمود آملی از عامای شیعه و از مدرسین مدرسه سلطانیه در زمان الجایتو بود و پیوسته با عامای تسنن در معارضه بود از آن جمله با قاضی عضد الدین ایجی و تا اواخر قرن هشتم هم زنده بود و سفر های بسیار کرد و در ضمن چون در زبان فارسی و عربی مهارت داشت بهر دو زبان تالیفات می گذاشت ، از جمله مؤلفات مشهور او در زبان عرب شرح کلیات قانون ابن سیناست که در ۷۵۳ تمام کرده و شرحی بر مختصر - الاصول ابن حاجب که قاضی عضد الدین ایجی بمذاق اهل تسنن شرح کرده بود و وی بمذاق شیعه شرح نوشته و در آن عقاید قاضی عضد الدین را رد کرده است . در فارسی تالیف بسیار معروفی دارد با اسم نفایس الفنون فی عرایس العیون که شامل تمام علوم متداول و معروف آن زمانست و در سال ۷۳۶ شروع کرده و بعد از ۷۴۲ با تمام رسانیده و بنام شاه شیخ ابو اسحق اینجو بر داخته .

۴ - هندو شاه بن سنجر بن عبد الله صاحبی کیرانی بخجوانی از نویسندگان زبر دست قرن هشتم و از منشیان دربار مغول بود و در زمان وزارت صاحب دیوان جوینی وی و برادرش امیر سیف - الدین محمود از عمال دیوان بودند و از آن جمله هندو شاه در ۶۷۴ بتیابت از جانب برادر حکومت کاشان داشت و در اواخر عمر بدربار نصره الدین احمد بن یوسف شاه بن شمس الدین الب ارغون بن نصر الدین هزار اسب (متوفی در ۷۳۰ یا ۷۳۳) از اتابکان لرستان رفته و کتاب منیه الفضلاء فی تواریخ الخلفاء و الوزراء معروف بالفخری تالیف صفی الدین محمد بن علی العلوی ابن الطقطقی

را باسم تجارب السلف در سال ۷۲۴ ترجمه کرده است و ازین قرار تا اواسط قرن هشتم زنده بوده و این کتاب او یکی از بهترین نمونه های نثر فصیح منشیانۀ قرن هشتم و از بهترین کتا بهای فارسی است .

۵ - محمد بن هندوشاه منشی نخجوانی معروف بشمس منشی

یسر هندوشاه سابق الذکر بود و در زمان وزارت خواجه غیاث الدین محمد بن رشید الدین فضل الله بوی بیوستگی داشته و سپس در دربار سلطان معزالدین اویس بهادر خان ایبانی (۷۵۷ - ۷۷۷) راه یافته است و وی مانند پدر منشی زبیر دست بوده است و دو کتاب معروف از او مانده یکی صحاح العجم در لغت فارسی که باسم خواجه غیاث الدین تمام کرده و دیگر دستور الکاتب فی تعیین المراتب در فن انشا ووظایف منشیان که بنا بر دستور غیاث الدین آغاز کرده ولی در عهد سلطان اویس بیابان رسانیده است.

۶ - معین الدین علی بن جلال الدین محمد معلم یزدی از علمای حدیث و از معارف زمان امیر مبارز الدین محمد و یسرش شاه شجاع آل مظفر بود . پدرش از عمال شیخ ابو اسحق ووی از شاگردان عضد الدین عبدالرحمن بود و در سال ۷۵۵ امیر مبارز الدین محمد او را بمدرسی دار السیاده مهیدگماشت و چنان در دولت این خاندان معزز بود که شاه شجاع در دروس او حاضر می شد و گاهی نیز ماموریت دیوانی یافته چنانکه در ۷۶۰ واسطه میان شاه شجاع و برادرش شاه محمود شد و ایشان راضیح داد و در ۷۸۹ رحلت یافت و در مسجدی که خود در یزد ساخته بود مدفون شد . وی مؤلف کتابیست باسم مواهب الهیه در تاریخ آل مظفر که در سال ۷۵۷ چند جزء آنرا ترتیب داده و نزدیک اصفهان بر امیر مبارز الدین و شاه شجاع خوانده و سپس آنرا در سال ۷۶۶ یک سال پس از فوت مبارز الدین تمام کرده است . این کتاب در نهایت استادی نوشته شده ولی از فرط تکلف و کثرت استعمال لغت عرب بسیار ثقیل افتاده است و درین نوع یکی از کتب برجسته است بهمین

جهت در سال ۸۲۳ محمود کیتی آنرا ساده کرده و دنباله وقایع را تا انقراض سلسله آل مظفر بر آن افزوده است .

۷ - ضیاء الدین نخشبی از نویسندگان و عرفای عارف مشرب قرن هشتم بود که در هندوستان در شهر بداون می زیست و روزگار را بزه و عبادت می گذراند و بسال ۷۵۱ در گذشت و درین میان در دربار پادشاهان خاجی هندوستان و مخصوصا مبار کشاه خلیج (۷۱۷ - ۷۲۱) راه داشته است . وی مؤلف يك سلسله کتابهای نظم و نثر فارسیست که اغلب آنها معروفست : طوطی نامه که از زبان سانسکریت در سال ۷۳۰ بفارسی نقل کرده و آن کتاب را پس از وی محمد غدیری تهذیب کرده است و از کتابهای معروف قصص بزبان فارسیست که بزبانهای اروپائی نیز ترجمه شده . دیگر از مؤلفات اوسلک و ساوک ، جزئیات و کلیات ، عشره مبشره ، داستان معصوم شاه معروف بگلریز و لذت النساء است . وی شعر فارسی نیز می گفته و در کتابهای خود اغلب اشعار خویش را آورده است و در شعر نخشمی یا ضیاء نخشبی تخصص کرده است .

۸ - ضیاء الدین بن مؤید الملک رجب برنی از مورخین و نویسندگان زبردست هندوستانست که او را بیهقی هندوستان نامیده اند . وی در سال ۶۸۴ ولادت یافته و از مریدان نظام الدین اولیا و معاشرین خسرو دهلوی و حسن دهلوی بود و در دستگاه سلطان محمد از پادشاهان تغلقی هند (۷۲۵ - ۷۳۰) می زیست و سپس بدربار جلال الدین فیروز شاه (۷۵۲ - ۷۹۰) راه یافت . از وی سه کتاب مانده است یکی تاریخ فیروز شاهی که در ۷۵۸ تالیف کرده و وقایع سال ۶۴۴ بعد را در آن آورده و از مشهودات پدرش و پدر مادرش حسام الدین نقل کرده است و دیگر اخبار برمکیان که از کتاب عربی ابو القاسم محمد طایفی ترجمه کرده است . دیگر فتوحات فیروز شاهی که پس از تالیف تاریخ فیروز شاهی بانجام رسانیده . . . «**ذاتمام**»

گزارش یکساله کشوری

مجلس شورای ملی - در سالنامه ۱۳۱۶ صفحه ۱۰۵ فهرست قوانین مصوبه مجلس تا ۱۵ آذر چاپ شده اینک نیز فهرست بقیه قوانین مصوبه گردش دهم و فهرست قوانین گردش یازدهم قانون گذاری تا اول دیماه ۱۳۱۶ بشرح ذیل چاپ میشود :

دیماه - قانون اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات عدلیه و استخدام قضات (مصوب کمیسیون عدلیه) ششم دیماه

بهمن - قانون اعطای امتیاز نفت قسمتی از شرق و شمال شرق به شرکت نفت آمریکا و ایران ۱۵ بهمن - قانون اجازه ساختن و تکمیل راهداری لوله حمل نفت بشرکت لوله نفت ایران ۱۸ بهمن - قانون وکالت ۲۵ بهمن

اسفند - قانون راجع به متخلفین از اجرای تکالیف مقررده از قانون ثبت احوال ۲ اسفند - قانون تفریح بودجه سال ۱۳۱۴ مجلس شورای ملی ۲ اسفند - قانون اصلاح ماده ۳۴ قانون مجازات مرتکبین قاچاق (مصوب کمیسیون عدلیه) ۵ اسفند - قانون راجع بمسکوک خورد - قانون اصلاح ماده ۲۰۸ قانون اصول محاکمات جزائی و ماده ۵۷ اصول تشکیلات عدلیه ۹ اسفند - قانون بودجه سال ۱۳۱۶ کشوری ۲۳ اسفند - قانون تفسیر قسمت دوم ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق - قانون تعیین اعتبار برای خرید سهام بختیاری ها از کمیته انکیس و ایران - قانون بودجه سال ۱۳۱۶ مجلس شورای ملی ۲۷ اسفند

فروردین ۱۳۱۶ - قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۶ کشور ۲۱ فروردین - قانون اجازه اجرای لوایح قانونی پیشنهادی وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون عدلیه ۲۹ فروردین

اردیبهشت - قانون بیمه ۷ اردیبهشت - قانون اجازه استخدام دکتر هارلد تبعه دانمارک متخصص مامی شناسی ۱۴ اردیبهشت - قانون اجازه تجدید استخدام آقای ویاهام برانت متخصص ضرابخانه

ایون راجع به تعیین قیمت اتفاقی ۲۶ اردیبهشت - قانون اصلاح مواد ۱ و ۳ قانون ازدواج مصوب کمیسیون عدلیه ۲۹ اردیبهشت

خورداد - قانون اجازه استخدام آقای ژرژ دوولف تبعه باریک رانی کارخانجات ذوب آهن - قانون اجازه استخدام هنرآموزان اتباع آلمان - قانون مبادله عهود و قراردادهای و موافقتنامه های منعقد شده بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری ترکیه - قانون تصویب قرارداد مودت و حکمیت منعقد شده بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتریش - قانون دفتر اسناد رسمی ۱۵ خورداد - قانون اجازه استعراض دو ملیون ریال از بانک ملی برای تکمیل ساختمان سد تبریز اصلاح ماده ۲۷ قانون گذرنامه - قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و فائز رسمی - قانون اجازه الحاق دولت شاهنشاهی بموافقت نامه مربوط به اعلام دریائی - قانون تصویب موافقت نامه راجع باصلاح خط سرحدی بین ایران و ترکیه .

از قوانین دوره یازدهم

مهر - تصمیم راجع بابراز رای اعتماد بکابینه آقای محمودجم اول مهر - قانون اجازه تاسیس دو وزانخانه تجارت و صنعت ۸ مهر قانون اجازه اجرای لوایح قانونی وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه ۲۰ مهر

ابان - قانون تشکیلات مرکزی وزارت داخله - قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران ۱۶ ابان - قانون اجازه فروش خالصجات اطراف طهران ۲۰ ابان - قانون اجازه فروش قسمتی از جواهرات سلطنتی - قانون مالیات ارت و نقل و انتقالات بلا عوض - قانون عمران ۲۵ آبان - بودجه تفصیلی ۱۳۱۶ وزارت تجارت بودجه تفصیلی سال ۱۳۱۶ وزارت صنعت ۳۰ ابان

آذر - قانون استخدام و ایلام هانری حسابدار شرکت نفت انگلیس و ایران - قانون سه فقره اعتبار برای خرید کارخانه ذوب آهن ۷ آذر قانون تجدید استخدام آقایان و بلهلم هاز و ادوارد بلر استادان دانشگاه

یادداشت وقایع

وقایع مهمه تا اول دیماه ۱۳۱۵ در سالنامه ۱۳۱۶

چاپ شده اینک از دیماه ۱۳۱۵ گزارش يك ساله

کشوری بشرح ذیل چاپ میشود:

دیماه ۱۳۱۵ - روز سه شنبه ۲۳ دیماه اعلان انتخابات یازدهمیر کردش قانون گذاری حسب الامر ملوکانه در تمام کشور بخش شد روز یکشنبه ۲۷ دیماه لایحه اعطاء امتیاز استخراج نفت و لوا کشی در قسمتی از شمال و شرق ایران بدو کمپانی امریکائی بمجلس شورای ملی تقدیم شد که خلاصه آن در صفحه ۶۲ سالنامه ۱۳۱۶ چاپ شده است.

قبل از ظهر یکشنبه ۲۷ دیماه جناب مسیوا کبر گراف وزیر مختار جدید بلژیک در قصر گلستان بحضور اعلی حضرت همایون شاهنشاهی شرفیاب و معرفی شدند

جناب کبر گراف در پایان جنگ بین الملی در کمیسیون متار که و مذاکره بادولت آلمان عضویت داشتند و سپس از ۱۹۲۰ تا ۲۲ بشارژ دافری بلژیک در پایتخت کشور مکزیک ماموریت یافته اند و بعد بسمت منشی سفارت واشنگتن منصوب شده و از ۱۹۲۳ تا ۳۱ مقام منشی اولی سفارت بلژیک را در پاریس دارا بوده اند همچنین در کنفرانس سفر اراجع بجل اختلافات بادولت آلمان عضویت داشته و متعاقب آن تا ۱۹۳۳ شارژ دافر سفارت یکن بوده اند و در ۱۹۳۴ مقام ریاست هیئت نمایندگان بلژیک را در مسائل مالی و اقتصادی با آلمان حائز شده و از ۱۹۳۵ سمت شارژ دافری سفارت برلن را داشته و در اواخر ۱۹۳۶ بسفارت فوق العاده و وزیر مختاری در دربار دولت شاهنشاهی ماموریت یافته اند.

بهمن ماه - در جلسه یکشنبه ۲۵ بهمن مجلس شورای ملی آقای رئیس الوزراء آقای محمود بدر معاون وزارت مالیه را بمجلس شورای ملی معرفی نمودند که بعد از فوت مرحوم داور



جناب وزیر مختار بلژیک

بسب الامر اعلیه حضرت
لما یون شاهنشاهی بکفالت
وزارت مالیه منصوب شده اند
اسفندماه - در جلسه
یکشنبه ۱۶ اسفند لایحه
بودجه سال ۱۳۱۶ کشور
بمجلس شورای ملی تقدیم
شد و در جلسه یکشنبه ۲۳
اسفند بتصویب رسید .

بودجه ۱۳۱۶ کل کشور

ماده واحده - مجلس
شورای ملی بودجه سال
۱۳۱۶ کشور را (باستثناء
در آمدی که بابت حق -
الامتیاز نفت وصول و بحساب

ذخیره کشوری منظور میشود) مطابق صورت ضمیمه که از حیث
در آمد بمبلغ یک هزار و دو بیست و پنج میلیون و دو هزار و
نهد و یازده ریال (۱۲۵۰۰۰۲۹۱۱ ریال) و از حیث هزینه
به یک هزار و دو بیست و چهل و هشت میلیون و سی و هفت هزار و
سیصد و هفتاد و هفت ریال (۱۲۴۸۰۳۷۳۷۷ ریال) بالغ میباشد
تصویب و به وزارت مالیه اجازه میدهد که هزینه عمومی کشور را
اعم از حقوق و مصارف در سال ۱۳۱۶ در حدود اعتبارات مصوب
در صورت ضمیمه مطابق بودجه های تفصیلی سال ۱۳۱۵ تا حدیکه

اعتبارات مصوبه در بودجه های مزبور ضمن بودجه های ۱۳۱۶ نیز منظور شده باشد بپردازد تا وقتیکه بودجه های تفصیلی ۱۳۱۶ که باید تا آخر اردی بهشت ۱۳۱۶ بمجلس شورای ملی تقدیم گردد بکمسیون بودجه مجلس ارجاع شود و مادام که بودجه های تفصیلی از تصویب کمسیون بودجه نگذشته هزینه مزبور را مطابق بودجه های پیشنهادی و پس از تصویب کمسیون برطبق آنچه که تصویب شده است بپردازد

این قانون که مشتمل بر يك ماده و صورت ضمیمه است در جلسه بیست و سوم اسفند ماه یکهزار و سیصد و یازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

صورت ضمیمه - باب اول - درآمد

مالیات مستقیم

۱۳۰۰۰۰۰۰	مالیات بر درآمد و حق تمیر و اوراق انتقال وجه
۱۰۰۰۰۰۰۰	بقایای مالیات املاک مزروعی
۲۰۰۰۰۰۰۰	باز خرید منال خالصجات انتقالی

مالیات غیر مستقیم

۵۵۰۰۰۰۰۰	مالیات صدی سه
۷۰۰۰۰۰۰۰	مالیات نفت و بنزین
۳۶۰۰۰۰۰۰	مالیات رسومات
۱۰۰۰۰۰۰۰	مالیات ذبایح
۱۷۲۰۰۰۰۰	حق التبت وسائل نقلیه غیر موتوری
۳۵۰۰۰۰۰۰	درآمد جنگل ها
	درآمد متفرقه غیر مستقیم بانضمام درآمد مالیات
۳۱۵۰۰۰۰۰	لاتار و حراج
۲۰۰۰۰۰۰۰	بقایای مالیات حق التبت

گمرکات

۱۶۰۰۰۰۰۰۰	حقوق گمرکی قند و چای
-----------	----------------------

حقوق واردات و صادرات کمر کی سایر اجناس و
درآمد شانساری و سرب و مهر و انبار و متفرقه کمرک ۲۰۲۰۰۰۰۰۰

انحصارها

درآمد انحصار دخانیات ۱۳۰۰۰۰۰۰۰
درآمد انحصار تریاک ۸۵۰۰۰۰۰۰
درآمد انحصار قماش ۷۰۰۰۰۰۰۰
درآمد انحصار کبریت ۴۸۰۰۰۰۰۰

امتیازات

حق الامتیاز تلفن ۱۵۰۰۰۰۰
حق الامتیاز و درآمدهای دولت از شرکت شیلات باقیای آن ۲۰۰۰۰۰۰
درآمد سایر امتیازات ۸۲۵۰۰۰۰
بقایای امتیازات ۸۰۰۰۰۰
حقوق نمایندگان دولت در نفت جنوب ۲۰۰۰۰۰۰

منافع سهام دولتی

منافع سهام بانک ملی ۴۰۰۰۰۰۰۰
« « شرکت قماش ۳۵۰۰۰۰۰۰
« « نفت جنوب ۳۹۹۸۶۷۴
« « بانک صنعتی و فلاحی ۲۰۰۰۰۰۰۰
« « شرکت بیمه ایران ۸۰۰۰۰۰۰۰

خالصجات و معادن و شیلات داخلی

درآمد خالصجات ۱۵۰۰۰۰۰۰۰
درآمد معادن و خاکسرخ و عشر به معادن سطح الارضی ۲۶۰۰۰۰۰۰۰
شیلات داخلی ۷۵۰۰۰۰۰۰

درآمد انتقالی از وجوه مخصوصه

صدی سه مالیات راه و درآمدهای انحصاری قند و چای برای
مصارف وصول ۶۸۶۰۰۰۰۰
سهام معارف از مالیات راه بموجب بند (ب) از ماده ۶ اصلاح قانون
مالیات راه مصوب ۸ شهریور ۱۳۱۱ ۲۶۰۶۶۰۷

۷۲۴۱۳۰	سهم بهداری از مالیات راه
«	از درآمد بندری طبق ماده ۴ قانون اجازه اخذ
«	عوارض بندری از قراهر سیصد کیلو بار پنجاه دینار ۴۴۰۰۰۰
۱۵۰۰۰۰۰	صدی چهار قیمت پوست بره - صدوری موضوع ماده (۲) قانون ۱۴ تیر ۱۳۰۴

مطالبات دولت

۲۰۰۰۰۰۰	مطالبات
---------	---------

مجلس شورای ملی

۱۷۰۰۰۰۰	درآمد چاپخانه و باغ بهارستان
---------	------------------------------

وزارت عدلیه

۴۰۰۰۰۰۰	درآمد محاکم
۲۴	درآمد ما مورین صلح و نمایندگی یار که ها موضوع قانون ۲۴ تیر ۱۳۰۹
۱۰۰۰۰۰۰	
۱۲۰۰۰۰۰۰	درآمد ثبت اسناد و املاک
۳۰۰۰۰۰۰۰	صدی بیست و پنج درآمد ثبت اسناد و املاک
۱۳۱	درآمد حق نسبی از حق الاجرای ثبت اسناد موضوع ماده ۱۳۱ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶ اسفند ماه ۱۳۱۰
۵۰۰۰۰۰	
۱۳۹۰۰۰۰	حق السهم صاحبان محاضر رسمی
۶۰۰۰۰۰۰	درآمد فروش اوراق و دفاتر

وزارت داخله

۱۵۰۰۰۰	درآمد شهربانی
۱۶۰۰۰۰۰	درآمد گذرنامه و اقامت اتباع خارجه
۲۶۵۰۰۰۰	درآمد بهداری از قبیل درآمد ادویه مخدره و غیره
۱۰۰۰۰۰۰	درآمد حاصله از معاینه بهداری کشتیها و قرا نطینه ها
۵۰۰۰۰۰۰	درآمد ثبت احوال

وزارت امور خارجه

۷۳۰۰۰۰	شانساری
--------	---------

وزارت پست و تلگراف

۱۰۰۰۰۰۰۰	پست
۱۶۰۰۰۰۰۰	در آمد تلگراف بی سیم و با سیم
	وجهی که شرکت تلفن برای هزینه نظارت وزارت پست
۴۰۰۰۰	و تلگراف میپردازد

وزارت معارف

۸۰۰۰۰۰	در آمد شهریه آموزشگاه های غیر ابتدائی
۵۰۰۰۰۰	در آمد تمبر جواز و تصدیقنامه و غیره
۸۰۰۰	در آمد فروش کتب سالنامه و برنامه ها

اداره کل تجارت

۲۵۰۰	در آمد تمبر از قبیل تمبر درخواست پروانه تجارت
۴۵۰۰۰۰	در آمد فروش اوزان و ترمه قیمت اجناس ممنوعه

اداره کل صناعت

۳۵۰۰۰	در آمد هنرستانها
۶۰۰۰۰۰۰	در آمد کارخانه سیمان
۱۴۳۰۰۰۰۰	در آمد کارخانه قیر اندود و اشباع تراورس

اداره کل فلاحت

۲۰۰۰۰۰	در آمد مزارع امتحانیه
--------	-----------------------

گذرنامه

۱۸۰۰۰۰۰	در آمد گذر نامه
۱۵۰۰۰۰۰۰	در آمد متفرقه و مترقبه
	انتزالی بحساب ۱۳۱۶ بابت در آمد مربوطه
۱۵۰۰۰۰۰۰	بسال ۱۳۱۵

۱۲۵۰۰۰۰۲۹۱۱

جمع

باب دوم - هزینه

۵۱۷۷۴۸۰	وزارت دربار و دفتر مخصوص شاهنشاهی
۸۹۶۰۰۰۰	مجلس شورای ملی
۷۸۶۰۰۰	ریاست وزراء
	وزارت جنگ بانضمام هزینه سفر و هزینه تحصیل محصلین
	وزارت جنگ و نیروی دریائی و حقوق و هزینه مستخدمین
۲۸۳۷۲۹۹۸۰	خارجی ارتش و نیروی دریائی
۲۵۶۷۸۴۰۰	اداره امنیه
۹۷۰۰۰۰۰	وزارت داخله
۳۰۶۷۹۱۲۶	اداره کل شهر بانی
۲۴۲۷۰۰۴۰	ادار کل بهداری
۱۸۸۹۹۶۰	مؤسسه یاستور
	اعتبار فوق العاده مامورین صحتی جهت معاینه صحتی در بنادر
۱۰۰۰۰۰	وقر نظیته ها
۵۰۰۰۰۰۰	بیمارستان جدید طهران
۱۱۰۰۰۰۰۰	اداره کل آمار و ثبت احوال
	هزینه طبع اوراق و سایر هزینه معینه در تبصره قانون
۱۰۰۰۰۰۰	مصوب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۱۳
۴۰۰۰۰۰۰	نظام وظیفه
۱۹۵۴۰۰۰۰	وزارت عدلیه
۱۳۱۰۰۰۰۰۰	ثبت اسناد و املاک
۱۰۰۰۰۰۰	حق مامورین صالح و نمایندگان کی یار که ها
۲۳۶۳۱۸۰۸	وزارت امور خارجه
۱۳۰۰۰۰۰۰	کالاتران مرز
۳۶۶۱۶۱۱۰	وزارت پست و تلگراف
۵۸۱۰۸۲۵۰	وزارت معارف
۱۳۳۵۰۰۰۰۰	اعتبار هزینه مربوطه بمحصلین اعزامی بخارجه

۱۰۵۰۰۰۰	وزارت طرق
	کمک به اعتبار راه سازی در ۱۳۱۶ بضمیمه کسر
۴۰۰۰۰۰۰	اعتبار ۱۳۱۵
	کمک به اعتبار ساختن راه آهن بضمیمه کسر
۲۰۰۰۰۰۰	اعتبار ۱۳۱۵
۵۰۰۰۰۰۰	مصارف ساختمان بندر شاهپور
۳۳۰۵۰۰۰	اداره کل تجارت
۶۰۸۹۷۱۰	اداره کل صناعت و معادن
۱۸۰۰۰۰۰۰	اعتبار تکمیل و بهره برداری کارخانه سیمان
۱۸۰۰۰۰۰۰	مصارف مربوطه بکارخانه چیت سازی
	مخارج تکمیل و بهره برداری کارخانه های اشباع
۱۳۲۰۳۰۶۰	و قیر اندود
۳۴۰۴۶۸۲۵	اداره معادن
۱۲۵۰۰۰۰۰	سرمایه بهره برداری معادن زغال سنگ
۳۳۵۰۰۰۰۰	کمک به هزینه کارخانجات قند سازی
۱۰۰۰۰۰۰۰	هزینه تأسیس کارخانه گلسیرین وصابون سازی
۹۰۰۰۰۰۰	تأسیس کارخانه مسک ضد کاز
۳۰۳۲۴۱۴۰	اداره کل فلاحت
۱۰۰۰۰۰۰۰	مصارف خشکانیدن باطلاقها
۱۷۵۰۰۰۰۰	اعتبار دفع مانع
۵۰۰۰۰۰۰	اعتبار دفع سن
	وزارت مالیه بانضمام کمرکات و حصصین مالیه و دیوان
۴۴۷۹۸۳۲۰	محاسبات و هزینه مربوط باجرای قانون انحصار تجارت
۱۸۴۱۳۵۰	حقوق و هزینه مستخدمین خارجی مالیه
۴۶۵۰۰۰۰۰	انحصار دولتی تریاک
۳۹۷۰۰۰۰۰	انحصار دولتی دخانیات
۷۳۰۰۸۰	اعتبار هزینه تحصیل عواید تجارتنی قند و کبریت

۲۰۰۰۰۰	اعتبار اداری ضرابخانه
۳۱۰	شهریه ووظیفه هائی که بموجب بندسوم قانون ۲۶ اسفند ۳۱۰
۳۵۰۰۰۰۰	برقرار میشود و مصارف بقاع متبر که و عوض بهره
۲۴۰۰۰۰۰	اعتبار حقوق انتظار خدمت
	هزینه نگاهداری و ساختمان کشتار گاهها و هزینه
۳۰۰۰۰۰۰	مربوط به بازرسی بهداری روده
۱۵۰۰۰۰۰	فرع وحق العمل بانگها و هزینه انتقال وجوه دولتی
۵۱۹۰۵۰	سهم شیر وخورشید سرخ مشهد مقدس و تبریز
	هزینه مربوط بمحاکمات دولتی وکلیه اعتراضات ثبتی و
	هزینه ثبتی وقضائی ومحکومیت های ناشیه ازاعمال تصدی
	دولت وحق الحکمیة وتصفیة محکومیت هائی که دولت دارد
	یا ممکنست پیش بیاید و سایر هزینه های مربوط به
۶۶۰۰۰۰	این قبیل امور
۱۳۰۹۲۰	اعتبار نگاهداری قرق و باغات سلطنتی
۶۰۰۰۰	حقوق مفتش بانک ملی و هزینه بازرسی
۲۰۰۰۰۰	حقوق نمایندگی دولت شاهنشاهی در نفت جنوب
۱۴۹۵۸۷۶	هیئت نظارت شرکتهای بانضمام مصارف ۱۳۱۵
۹۰۰۰۰۰۰	هزینه انتفاعی کشوری
۱۰۰۰۰۰۰	حقوق و مصارف یاسبانهای دوایر دولتی
۵۰۰۰۰۰۰	خرید و ساختمان ابنیه گمرکی و دوایر تابعه وزارت مالیه
	ساختمان و پرداخت اقساط کارخانه سیگار پیچی و هزینه
۲۲۶۳۰۲۰۰	بهره برداری وسایر مصارف مربوطه بان
۲۱۳۳۰۰۰	تاسیس صید ماهی در آبهای جنوب
۴۰۰۰۰۰۰۰	مصارف ساختمان هفت انبار غله (سیاو)
۱۵۰۰۰۰۰	ازدیاد سهم دولت در سرمایه شرکت شیلات
۲۸۴۸۵۸	بقیه مصارف طبع و حمل اسکناس

۲۶۵۲۹۳۴	{	انعام بانضمام کسر اعتبار ۳۱۵-۴۸۹۲۵۶	}	اعتبار دولت
		اعتبار سری ۲۰۰۰۰۰		بانضمام کسر
		اعتبار هزینه متفرقه و غیر مترقبه		
		۱۹۶۳۶۷۸ ۲۱۵ کسر اعتبار		۱۳۱۵ اعتبار

اعتبار مستمر و غیر مستمر عمومی

۶۸۷۵۰۰۰	دیون خارجی دولت
۳۵۰۰۰۰۰	هیئت بازرسی کشوری
	کمیسیونهای سرحدی بانضمام هزینه مربوط
۱۵۰۰۰۰۰۰	بایهای سرحدی
۳۰۰۰۰۰۰۰	اعتبار عمران و اسکان
۶۰۰۰۰۰۰	دیون داخلی و تعهدات دولت
۹۰۰۰۰۰۰	تعمیر ابنیه دولتی و خرید زمین برای دولت
۳۰۰۰۰۰۰۰۰	اعتبار تثبیت نرخ غله
	اعتبار پذیرائیهای رسمی که ممکن است پیش
۸۰۰۰۰۰۰۰	آید بانضمام کسر هزینه مربوط بسال ۱۳۱۵
	مصارف مربوط باعزام مامورین و کمیسیونهای
	تقسیم اراضی و تعویض املاک و اجرای قوانین
	مربوطه باین هزینه وسایر مصارف پیش بینی
۲۰۴۰۰۰۰۰	نشده کشور
۷۰۰۰۰۰۰۰	اعتبار عام المنفعه اقتصادی
۷۴۶۴۸۰۰	خرید کشتی شن کش
	کمک باعتبار شهرداری های ولایات بانضمام
۴۶۴۰۰۰۰۰	طلب خزانه
	اقساط سد سازی تبریز موضوع قانون
۲۴۰۰۰۰۰۰	بهمن ۱۳۱۴
۱۱۱۵۱۰۰	انتخابات دوره ۱۱ مجلس شورای ملی

انتقالی بحساب ۱۳۱۶ بابت اعتبارات مربوط

بسال ۱۳۱۵ که درنه ماهه آخر سال ۱۳۱۶

تا دبه خواهد شد

۱۵۰۰۰۰۰۰

۱۲۴۸۰۳۷۳۷۷

جمع

صورت فوق ضمیمه قانون بودجه سال ۱۳۱۶ کشور

و صحیح است رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۶ کشور

ماده ۱ - حقوق ماهیانه درجه اول استادیکهزارویکصدریال است

ماده ۲ - وزارت مالیه مجاز است طلب مسلم ورسیدگی و تصدیق

شده اشخاص را از دولت که در حدود اعتبارات مصوب بمنه مربوطه

باشد در مقابل بدهی همان اشخاص احتساب ودر بودجه درآمدها

وهزینههای سال ۱۳۱۶ جمع وخرج نماید .

ماده ۳ اختیاری که بموجب ماده ۳۳ متمم قانون بودجه ۱۳۱۲

درمورد پرداخت علاوه بر حد اقل حقوق دبیرها به وزارت معارف

داده شده است درمورد هنرآموزهای هنرستانهای تابعه اداره صناعت

به رئیس آن اداره داده میشود .

ماده ۴ وزارت مالیه مجاز است علاوه بر مبالغی که در بودجه

سال ۱۳۱۶ کشور برای کمک به شهرداریهای ولایات یمش بینی

شده ازصرفه جوئیهای بودجه کشور نیز معادل ۵۸۵۰۰۰۰ ریال

به شهرداریهای مذکور کمک نماید

ماده ۵ قانون مصوب ۲۸ مهر ماه ۱۳۱۱ راجع بمعارضه خالصجات

از انقضای مدتیکه در ماده ۲۳ قانون متمم بودجه ۱۳۱۴ مقرر بوده

باتبصره ماده مذکور تا دو سال دیگر بقوت خود اقی خواهد بود .

ماده ۶ - وزارت مالیه مجاز است علاوه از ۲۰۰ ملیون ریال

اعتبار مصوب در بودجه ۱۳۱۶ کشور کسر مصارف سال ۱۳۱۶

ساختمان راه آهن را از محلهای ذیل تامین نماید :

۱۰۰۰۰۰۰۰ لیره

۱ - از محل ذخیره کشور

۲ - از محل قرضه از بانک ملی ایران ۹۰۰۰۰۰۰۰ ریال
 ۳ - از عوائد انحصار قند و شکر و چای ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال

ماده ۷ - تبصره ماده ۱۹ قانون مجازات مرتکبین قاچاق ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ مانعی میشود .

ماده ۸ - هزینه متمدانانی ثبت املاک و مستغلات دولتی فقط معادل مصرف واقعی آن تادیه خواهد گردید .

ماده ۹ - ماده ۳ از قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۱ لغو میشود و نسبت باهور قاچاقچی اجناس مشمول عوارض شهرداری نیز طبق مقررات فصل اول و ماده ۷ از قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب اسفند ۱۳۱۲ رفتار خواهد شد .

ماده ۱۰ - مجازات دارندگان آلات و ادوات تقطیر مشروبات و مواد اولیه تخمیر شده موضوع ماده ۱۶ قانون متمم بودجه ۱۳۱۴ از حیث تعقیب و اجراء تابع مقررات ماده ۷ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ خواهد بود

ماده ۱۱ - اداره کل فلاحت مجاز است با اطلاع وزارت مالیه تا میزان دو مایون ریال از یکی از بانکها بعنوان قرضه برای مصارف بهره برداری در خوزستان و غیره دریافت و از محل سود ویژه مؤسسات بهره برداری مزبور اصل و فرع آن را مسترد نماید

در صورت عدم تکافوی سود ویژه مؤسسات مزبور میزان کسری را از محل اعتباریکه برای این منظور در بودجه اداره کل فلاحت پیش بینی خواهد شد جبران و مسترد کند

ماده ۱۲ - وزارت مالیه مجاز است از لحاظ تمهیت نرخ غله در نقاطی که مقتضی بداند دواوری تاسیس و مصارف مربوطه به آن را از محل در آمد معاملات خرید و فروش غله بپردازد .

ماده ۱۳ - مواد ذیل در سال ۱۳۱۶ بقوت خود باقی هستند .
 الف - مواد ۴ - ۷ - ۱۳ قانون متمم بودجه ۱۳۱۵ (مهلت مقرر در ماده ۱۳ تا آخر اردیبهشت ماه تمدید میشود .)

ب - مواد - ۲۴ - ۲۵ - و قسمتی از جمله اول ماده ۲۷ متمم قانون بودجه ۱۳۱۴ که مربوط به مستخدمین فنی انحصار دولتی دخیانیات است .

ج - مواد ۲ - ۴ - ۶ - ۲۴ - ۲۸ متمم قانون بودجه ۱۳۱۳

د - ماده ۴ متمم بودجه ۱۳۱۲

ماده ۱۴ - مادامی که مواد ۵ - ۶ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ و قسمت

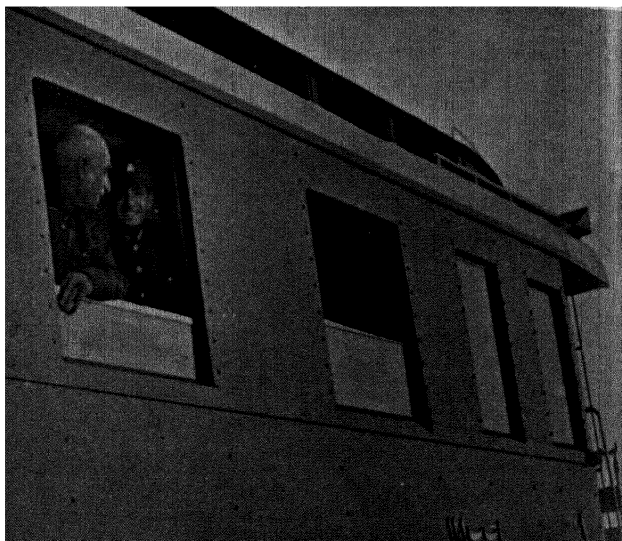
اخیر ماده ۱۵ متمم قانون بودجه ۱۳۱۵ (راجع بحذف ماده ۱۹ و تبصره ۱ ماده ۲۳ قانون مالیات بر عایدات) مانعی نشده اند به قوت خود باقی هستند .

این قانون که مشتمل بر چهارده ماده است در جلسه بیست و یکم فروردین ماه یک هزار و سیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

*

**

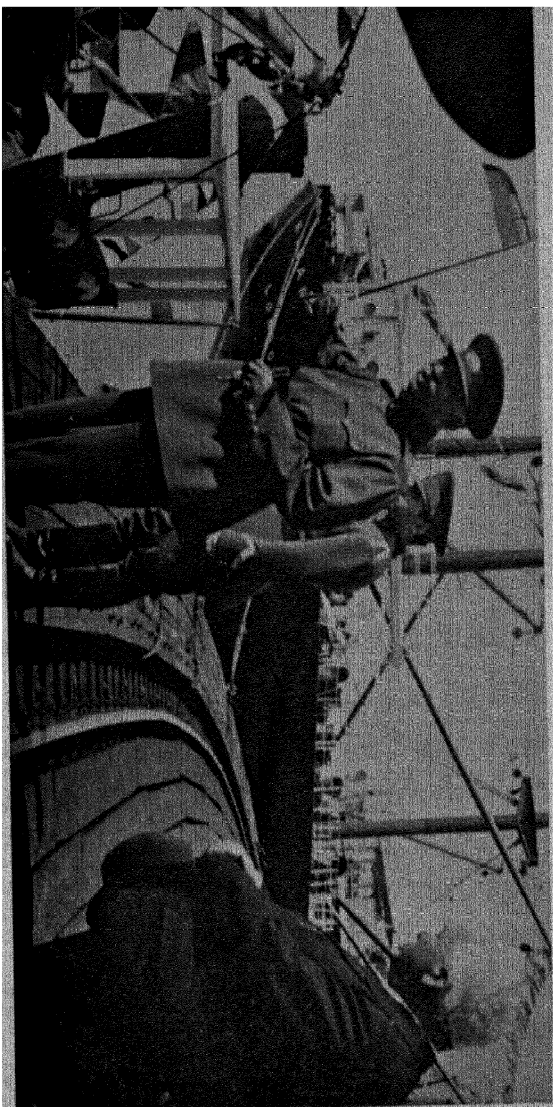
صبح روز پنجشنبه بیستم اسفند اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والا حضرت همایون ولایتعهد از تهران بصوب جنوب عزیمت فرمودند و پس از مشاهده اوضاع اقتصادی و وضع عمومی شهرهای قم ، عراق ، ملایر ، بروجرد ، خرم آباد ، صالح آباد ، اهواز خرمشهر ، بندر شاهپور ، بوشهر ، شیراز و اصفهان و بذل توجه شاهانه نسبت بانور فلاح و صناعت و تانکاید در تکمیل وسایل بشفرت و ازدیاد امور مذکور و اصلاح امور تجارت در نواحی نامبرده روز دوشنبه ۱۶ فروردین بیاتخت معاودت فرمودند - کلیه رعایا مشمول عنایات و عواطف شاهنشاهی و عموم اهالی شهرهای نامبرده از تشریف فرمائی موکب مبارک شاهنشاهی و والا حضرت اقدس ولایتعهد غرق مسرت و سعادت بودند .



ذات ملوکانه و والاحضرت همایونی در ایستگاه اهواز

فروردین ۱۳۱۶ - از روز شنبه هفتم فروردین توزیع تعرفه و اخذ آراء نمایندگان کردش یازدهم قانون گذاری شروع شد در جلسه شنبه ۱۴ فروردین هیئت رئیسه مجلس شورای ملی تجدید شد، آقای اسفندیاری بسمت ریاست و آقایان بیات و دکتر طاهری بنیابت ریاست انتخاب شدند، آقایان مؤید احمدی و یالیزی و سمیعی و آزادی بمنشی گری و آقایان ارباب کیخسرو و مرآت اسفندیاری و مخبر فرهمند بمباشرت منتخب گردیدند.

صبح روز سه شنبه ۲۴ فروردین آقای اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی بر ریاست هیئت نمایندگان کی ایران در جشن تاجگذاری اعلیحضرت زرز ششم پادشاه انگلستان از تهران عزیمت نمودند . عصر روز سه شنبه ۳۱ فروردین قراردادهای مفصله بین دولتمین ایران و ترکیه بامضاء رسید .



اعلیٰ حضرت همايون شاهزادہ و والاحضرت همايون و لایقہ در بندر شاپور

ابلاغیه

در تعقیب مذاکرات ایران و ترکیه

مذاکراتی که از چندی پیش بین دولت شاهنشاهی ایران از یک طرف و هیئت نمایندگی ترکیه از طرف دیگر جریان داشت با موفقیت خانمه یافت و بامضای قراردادهای ذیل منتهی شد :

- ۱ - قرارداد اقامت ۲ - قرارداد امنیت منطقه سرحدی و تسویه حوادث و اختلافاتی که در منطقه مزبور بظهور میرسد ۳ - قرارداد تعاون قضائی در مسائل حقوقی و تجارתי ۴ - عهدنامه استرداد مقصرین و تعاون قضائی در امور جزائی ۵ - موافقت نامه برای تنظیم طرز عمل اداره کمرکات ایران و ترکیه که در سرحد دائر خواهد شد ۶ - موافقت نامه مخصوص راجع بدائر کردن پاره خطوط تلگرافی و تلفونی بین دولتین ۷ قرارداد هواپیمائی ۸ - موافقت نامه مربوط به تسهیل و ازدیاد ترانزیت و حمل و نقل مال التجاره و مسافران طریق طرابوزان - تبریز - تهران و بالعکس ۹ قرارداد دام پزشکی ۱۰ عهدنامه تجارت و دریا نوردی .

علاوه بر قراردادهای مذکور موافقت‌هایی نیز در مسائل مختلفی که مربوط بمناقص مشترک دو کشور و اسباب مزید همکاری فیما بین است حاصل گردید - در تمام جریان مذاکرات یک محیط صدق و صفا که حاکی از روح مودت و الفت فیما بین است حکم فرما بود و نمایندگان طرفین با ایمان بازم تشدید علائق برادری دولت ایران و ترک تعاطی نظر مینمودند .

یقین است که با عقد قراردادهای جدید مناسبات دوستی و یگانگی ایران و ترکیه که نتیجه‌رای دور بین و اراده توانای دو قائد عظیم‌الشان دولت برادر است بر اساس تزلزل ناپذیری استوار و معاضدت و همکاری ایران و ترک از هر جهت بیش از پیش فراهم خواهد گردید

وزیر امور خارجه - رئیس هیئت نمایندگی ترکیه
 « سمیعی » « جمال حسنی تارای »

اردیبهشت - روز یکشنبه ۱۲ اردیبهشت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والاحضرت همایون ولایتعهد از تهران بجانب مازندران عزیمت و پس از چندروز بیابخت مراجعت فرمودند.

خورداد - ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه ۱۲ خورداد جناب مسیو بودارد وزیر مختار جدید دولت فرانسه در کاخ گلستان بحضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شرفیاب و معرفی شدند.

ساعت ۱۱ صبح چهارشنبه ۱۲ خورداد جناب کماندور لویزی وزیر مختار جدید ایتالیا در کاخ گلستان بحضور مبارک شاهنشاهی شرفیاب و معرفی شدند.

قبل از ظهر پنجشنبه ۱۳ خورداد سومین دوره نمایشگاه کالای ایران در حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی افتتاح شد - ذات ملو کانه قسمتهای مختلفه نمایشگاه را ملاحظه و ابراز مسرت فرمودند

در جلسه روز شنبه ۱۵ خورداد مجلس شورای ملی آقای رئیس الوزراء آقای علاء را بریاست اداره کل تجارت معرفی نمودند

عصر روز شنبه ۱۵ خورداد آئین نصب مجسمه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در ایستگاه راه آهن تهران از طرف شهرداری با تشریفات با شکوهی بعمل آمد.

آخرین جلسه دوره دهم قانون گذاری بریاست آقای بیات نایب رئیس تشکیل و تاگراف رئیس مجلس ملی کبیر ترکیه دائر بتصویب قراردادهای بین ممالکتین در مجلس ترکیه قرائت و پس از سخن رانی آقای دکتر طاهری نایب رئیس و نطق آقای رئیس الوزراء مجلس دو ساعت قبل از ظهر شنبه ۲۲ خورداد خاتمه یافت.

تیر ماه - قبل از ظهر روز یکشنبه ششم تیر جناب آقای دکتر رشدی ارس وزیر امور خارجه ترکیه بیابخت شاهنشاهی وارد و به قصر صاحبقرانیه که برای پذیرائی ایشان مقرر شده بود تشریف بردند و صبح دوشنبه هفتم بحضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والاحضرت همایون ولایتعهد شرفیاب شدند

بر حسب دعوتی که از وزیر خارجه دولت عراق شده بود آقای ناجی الاصلیل روز پنجشنبه دهم تیر ماه بطهران وارد شده بقصر صاحبقرانیه تشریف بردند وعصر یکشنبه ۱۳ تیر ماه عهد نامهٔ تحدید حدود ایران و عراق و حل اختلافات راجع به شط العرب در عمارت وزارت خارجه توسط جناب آقای سمیعی وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی و جناب ناجی الاصلیل وزیر امور خارجه عراق امضا و ابلاغیه ذیل نیز از طرف نمایندگان دو دولت منتشر شد:

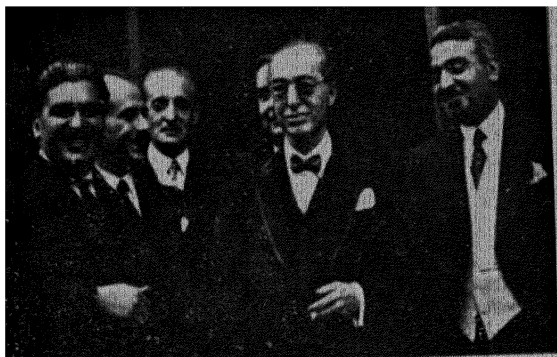
ابلاغیه

مذاکراتی که از چندی پیش بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت یادشاهی عراق راجع بسرححدات مشترك دولتین و موضوع شط العرب ادامه داشت با موفقیت خاتمه یافته ومنتهی بمقد عهدنامه سرحدی و پروتکل ضمیمه آن گردید؛

با انعقاد این عهد نامه اختلافاتی که از سالیان دراز بین ایران و عراق موجود بود مرتفع و جای نهایت مسرت است که اینک در تحت توجهات اعلیحضرت همابون شاهنشاهی ایران و اعلیحضرت پادشاه عراق دو قوائد عظیم الشان دو کشور دوست و همسایه محیط حسن تفاهم واقعی و صدق و صفا که حاکی از روح مودت و الهت فیما بین است در مناسبات دو دولت حکمفرما شده و موجبات تشیید روابط برادرانه بین دولتمتی که دارای علائق بی شمار مادی ومعنوی میباشد فراهم گردیده و زمینه همکاری دو کشور را در طریق معاضدت برای تحکیم مبانی صالح براساس متینی استوار ساخته است.

وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران سمیعی
وزیر امور خارجه دولت پادشاهی عراق - ناجی الاصلیل

آقای فیض محمدخان وزیر خارجه دولت افغانستان نیز روز چهارشنبه ۱۶ تیر به طهران وارد و صبح پنجشنبه ۱۷ به حضور مبارک شاهنشاهی شرفیاب شده ناهار را در حضور ملوکانه صرف نمودند ساعت پنج بعد از ظهر پنجشنبه ۱۷ تیر پیمان عدم تعرض بین چهار دولت ایران و افغانستان و عراق و ترکیه در کاخ سعدآباد امضا رسید.



وزراء خارجه چهار دولت پس از امضای پیمان سعد آباد

پیمان سعد آباد

یکی از طرق نزدیکی و همکاری ملل و حل اختلافات سیاسی در دنیای امروز و وصول بمقاصد عالییه اساسی مسافرتهای رجال و مردان بزرگ است بکشورهای یکدیگر تا از نزدیک موجبات تحکیم مبانی و داد و حل معضلات سیاسی زودتر و نکوتر فراهم آید

سابقا یعنی در زمان سلطه رومی ها هیچنوع وسیله و واسطه و حقوق قابل ملاحظه‌ئی در بین ملل وجود نداشت و کوچکترین بهانه و دست آویزی متوسل بجننگ میشدند ولی بتدریج قواعد و رسوم برای حفظ مناسبات و حقوق عمومی ملل معمول گردید و طرقی چند برای حل و فصل مشکلات و مناقشات سیاسی بدست آمد که از جمله چنانکه ذکر شد ملاقاتها و دیدارهای رجال سیاسی است که فصل جدیدی در حقوق عمومی بین الملل باز کرده است

همانطور که امور کلی طبیعت باقتضای زمان و مکان و اوضاع و احوال گوناگون متغیر است مقتضیات هر عصر و زمانی هم در اجتماعات بشری باعتبار طرز تفکر و تدبیر و تشخیص زمامداران و حکمفرمایان کشورها تفاوت میکند

از آغاز قرن نوزدهم موضوع دید و باز دیده‌های سیاسی یکی از ارکان اساسی امور بین‌المللی تشخیص شده و عملاً نتایج بزرگ بخشیده است چه اینکه گفتگوی ساده و مستقیم و صمیمانه بین دو نفر زمامدار در گوشه‌خالی از اغیار و دور از گیر و دار بیشتر در پیشرفت مقاصد بزرگ ملل مؤثر است و زودتر خط مشی و سیاست عمومی دو یا چند کشور را اعم از صلح و جنگ مشخص میکند

دیدار و ملاقاتهای پلومیر (بین نایب‌توان سوم امپراطور فرانسه و گنت دوکادور صدر اعظم کوهپایه‌دروز و ایتالای امروز) بیاریتس (بین نایب‌توان سوم و بیژمارک) کان (بین نایب‌توان سوم و مملکت ویکتوریا) فرانسوا فردیناند و قیصر آلمان و همچنین قیصر آلمان از البرت پادشاه متوفی بازیک - یوانکاره و ویویانی از نیکلا امپراطور روسیه در کر و نشنات و ملاقاتهای سرحدی امپراطور آلمان از امپراطور روس و ملاقات رئیس الوزراء ژایون از ادواردهفتم یکی بعد از دیگری نشان میدهد که در طول قرن گذشته شهریاران و زمامداران بزرگ دنیا بمنظور پیشرفت مقاصد عالیة مملکت داری و اخذ نتایج مطلوبه بدین تدبیر سیاسی و شاهکار دیپلوماسی متشبت میشدند و سرانجام در نتیجه هر یک ازین ملاقاتها حوادث تاریخی بزرگی بوجود می‌یوسته‌است چنانکه جنگهای فرانسه و ایتالیا بر علیه اطریش - جنگهای پروس و فرانسه - جنگهای روس و ژایون و بالاخره جنگ جهانسوز ۱۹۱۴ مولود همین دید و باز دیده‌ها و بند و بسته‌های سیاسی بوده‌است پس از جنگ بزرگ بین‌المللی هر یک از دول غالب و مغلوب برای حفظ موقعیت یا اصلاح وضعیت خود بر کمیت و کیفیت این نوع دیدارهای سیاسی افزودند و تقریباً یکی از ارکان بزرگ مملکت داری بشمار آمد. مخصوصاً در سالهای اخیر روابط سیاسی و عوالم دوستی و یکجبهتی دول و ملل صلح‌طلب غالباً از همین راه تأمین شده و بخلاف گذشته که مانند ستاره دنباله دار ظهور این قبیل ملاقاتها نشانه طوفان مهیب و حوادث خونین و وقایع اسف‌انگیز بود امروز حافظ صلح و سلامت و ضامن ترقی و سعادت ابناء بشر است

یکی از طرفداران جدی این تدبیر سیاسی آقای توفیق رشدی ارس وزیر خارجه دولت ترکیه میباشد که بر اثر همین دیدارها و ملاقاتها توانسته اند بهترین موقعیت را بکشور مترقی خودشان بدهند چنانکه مسافرتهای ایشان بدولت بالکان و روسیه و فرانسه و انعقاد قرارداد های مفید و حل مسائل بغازها و سنجاق اسکندرون یکی از بزرگترین موفقیت های سیاسی ایشان بشمار میاید همچنین تجمع چهار نفر از مردان بزرگ چهار دولت دوست و همکیش و همجوار در پابتخت شاهنشاهی ایران برای حل و عقد مسائل مختلف فیه و ایجاد یک پیمان شکست ناپذیری برای حفظ صلح و سلامت مال شرق مسبب یک ائتلاف بزرگ تاریخی و بی سابقه است

اگر یک لحظه با دقت اوراق تاریخ سیاسی مال شرق را ورق بزیم نظیر یک چنین اتحاد صمیمانه را نخواهیم یافت که چهار دولت آسیائی بکجا و بکجهت و یک رنگ لکه های اختلاف سیاسی و دویت های بی موضوع را با آب صفا و محبت که از قلوب صاف و درخشنده پیشوایان شان چشمه گرفته باشد از دامن ملت و تاریخ دولت خود بشویند و پیمانهای مفیدی به بندند که صلح و صفا و مصالح خصوصی و عمومی آنها را تامین کرده باشد، بنا بر این درین عصر فرخنده یک چنین پیش آمد بزرگ و بی نظیر مرهون دانائی و توانائی قائدین و پیشوایان بزرگ ماست که حقاً شاهنشاه عظیم الشان ایران مظهر اصلی آن میباشد و پیمان سعد آباد یکی از مفاخر برجسته عصر خجسته بهلوی بشمار خواهد آمد.

در سفر سابق آقای توفیق رشدی ارس با ایران و عقد قرارداد سرحدی ها با همسایه شمال غربی کا ملا دو ستانه و صمیمانه بود و مناقشات ممتدی که سالیان دراز دو دولت دوست و دو ملت همکیش و برادر را بمشکلات بزرگ سیاسی دچار ساخته بود بنیروی عزم و اراده دو قائد وطن پرست از میان برداشته شد

اختلافات ما با همسایه شرقی باز بر اثر وساطت و حکمیت دولت ترکیه مرتفع شد فقط کفتگوی با دولت عراق باقی بود که با وجود

و روابط حسنه بعضی مسائل سرحدی هنوز آنطوریکه باید حل و عقد نشده بود — بالاخره باراده شاهنشاه بزرگ ایران و حسن تشخیص همسایگان پیمان صلح و صفا و اتحاد و وداد صمیمانه دول آسیای غربی در قصر سعد آباد بسته شد و هر گونه اختلاف و سوء تفاهمی را از میان برداشت

اینک ابلاغیه و متن عهدنامه عدم تعرض :

ا ب ل ا غ ی ه

وزرای امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی افغانستان و دولت پادشاهی عراق و دولت جمهوری ترکیه امروز ۱۷ تیر ماه ۱۳۱۶ در قصر تابستانی سعدآباد (شمیران - طهران) بامضای پیمانی که در تاریخ (۹ مهر ماه ۱۳۱۴) دوم اکتبر ۱۹۳۵ بین عراق و ایران و ترکیه یاراف شده و دولت افغانستان نیز بعدا وفاق تام خود را با آن اعلام داشته بود مبادرت ورزیدند .

این پیمان که نتیجه مناسبات صادفانه و با صمیمیت موجوده بین چهار کشور امضاء کننده می باشد و حاکی از روح مودتی است که در روابط آنها با یکدیگر کشورهای دیگر حکمفرما است اشتراک منافع و تعاون برادرانه آنها را تثبیت میکند و اراده راسخ آنان را در استقامت از مناسبات مذکور برای تحکیم صلح عمومی بمنصه ظهور میرساند .

وزرای امور خارجه افغانستان و عراق و ترکیه در مدت توقف خود در طهران چندین نوبت با جناب آقای محمود جم رئیس الوزراء و جناب آقای عنایت الله سمیعی وزیر امور خارجه ایران ملاقات نمودند . چه در ضمن این ملاقاتها و چه در موقع مطالعه که وزرای امور خارجه چهار دولت نسبت به مسائل خاصه مربوط به منافع مشترک خود بعمل آوردند و همچنین در ضمن مطالعه مسائل راجع بوضعیت سیاست عمومی ملاحظه نمودند که بین آنها و حدت نظر کاملی حکمفرما است .

وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران سميعی
 وزیر امور خارجه دولت پادشاهی افغانستان فیض محمد خان
 وزیر امور خارجه دولت پادشاهی عراق ناجی الاصيل
 وزیر امور خارجه دولت جمهوری ترکیه توفیق رشدی اراس
 عهد نامه عدم تعرض

مقدمه

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران

اعلیحضرت پادشاه افغانستان

اعلیحضرت ملک عراق

و حضرت رئیس جمهوری ترکیه

نظر بتمايلي که از فراهم ساختن موجبات حفظ روابط و داديه و حسن تفاهم بين خود با تمام وسايل موجوده خود دارند و برای تامین واستقرار صلح و امنیت در شرق نزدیک بوسیله تضمینات تکمیلیه در حدود میثاق جامعه ملل و برای کمک بصالح عمومی و برای ایفاء بوظایفی که بموجب عهد نامه تحریم جنک مورخه ۲۷ اوت ۱۹۲۸ یاریس و عهد دیگر که در آنها شرکت نموده اند متقبل شده اند و تماماً با میثاق جامعه ملل و عهد نامه تحریم جنک موافقت دارد تصمیم نمودند که این عهد نامه را منعقد نمایند و برای این منظور نمایندگان مختار خود را بقرار ذیل:

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران: جناب آقای عنایت الله

سمعی وزیر امور خارجه ایران

اعلیحضرت پادشاه افغانستان جناب آقای فیض محمد خان

وزیر امور خارجه افغانستان .

اعلیحضرت پادشاه عراق . جناب آقای دکتر ناجی الاصيل

وزیر امور خارجه عراق

حضرت رئیس جمهور ترکیه . جناب آقای دکتر توفیق

رشدی اراس وزیر امور خارجه ترکیه .

تعیین نموده اند و مشارالیهم بعد از ارائه اختیار نامه‌های خود که بطور مرتب تنظیم شده بود در مقررات ذیل موافقت حاصل نمودند :

(ماده ۱) دول متعاهد متعهد میشوند که سیاست عدم مداخله مطلق در امور داخلی یکدیگر را تعقیب نمایند .

(ماده ۲) دول متعاهد معظمه صریحاً متقبل میشوند که مصونیت حدود مشترک یکدیگر را کاملاً محترم بشمارند

(ماده ۳) دول متعاهد معظمه موافقت مینمایند که در کلیه اختلافات بین‌المللی که با منافع مشترک آنها مربوط باشد با یکدیگر مشورت نمایند .

(ماده ۴) هر يك از دول متعاهد در مقابل متعاهد متقبل میشود که در هیچ مورد خواه بنهایی و خواه به معیت يك یا چند دولت دیگر به هیچ گونه عملیات متجاوزانه بر عایه یکدیگر مبادرت ننمایند .

عملیات ذیل تجاوز محسوب میشود .

اول — اعلان جنگ .

دوم — تهاجم بوسیله قوای مسلح يك مملکت حتی بدون اعلان جنگ بخاك مملکت دیگر .

سوم — حمله بوسیله قوای بری و بحری یا هوایی حتی بدون اعلان جنگ بخاك و یا سفاین و یا هواپیماهای مملکت دیگر .

چهارم — کمک یا همراهی مستقیم یا غیر مستقیم به تجاوز .

عملیات ذیل تجاوز محسوب نخواهد شد .

۱ — اجرای حق دفاع مشروع یعنی مقاومت در مقابل يك اقدام متجاوزانه بطوری که فوقاً تعریف شد

۲ — اقدام در اجرای ماده ۱۶ میثاق جامعه ملل

۳ — اقدام در اثر تصمیم متخذه به توسط مجمع عمومی یا شورای جامعه ملل یا برای اجرای بند ۷ ماده ۱۵ میثاق جامعه ملل مشروط بر اینکه در مورد اخیر این اقدام بر ضد دولتی بعمل بیاید که بدواً مبادرت به تجاوز نموده باشد .

۴ — مساعدت بدولتی که مورد حمله و تهاجم یا اعلان جنگ یکی از دول متعاهد بر خلاف مقررات عهدنامه تحریم جنگ مورخه ۲۷ اوت ۱۹۲۸ پاریس واقع شده باشد.

(ماده ۵) هر گاه یکی از دول متعاهد معتقد شود که ماده چهارم این عهد نامه نقض و یا در شرف نقض میباشد بلا فاصله موضوع را در پیشگاه شورای جامعه ملل مطرح خواهد ساخت .
مقررات مذکور در فوق لطمه ای بحق دولت مزبور دثر با اتخاذ

هر گونه رویه که در این موقع لازم بداند وارد نخواهد ساخت
(ماده ۶) هر گاه یکی از دول متعاهد بر علیه دولت ثالثی مبادرت به تجاوز نماید طرف دیگر میتواند بدون اطلاع قبلی این عهدنامه را نسبت بمتجاوز فسخ بنماید .

(ماده ۷) هر يك از دول متعاهد متقبل میشوند که در حدود سرحدات خود از تشکیل و یا عملیات دستجات مسلح و از ایجاد هر گونه هیئت و یا تشکیلات دیگری برای تخریب مؤسسات موجوده و یا اختلال نظم و امنیت هر قسمتی از خاک متعاهد دیگر (سرحدی یا غیر سرحدی) و یا برای وازگون ساختن طرز حکومت طرف دیگر جلوگیری نمایند .

(ماده ۸) نظر باینکه دول متعاهد میثاق عمومی تحریم جنگ مورخه ۲۷ اوت ۱۹۲۸ را برسمیت شناخته اند و به موجب میثاق مزبور تسویه یا حل هر گونه اختلاف یا تنازع قطع نظر از کیفیت یا منشاء آن که ممکن است بین آنها بروز نماید باید فقط بوسائل مسالمت آمیز بعمل آید این مقررات را تأیید نموده و اعلام میدارند که بهر طریق مسالمت آمیزی که برای این منظور فعلا بین دول متعاهد موجود و یا در آتیه موجود شود متوسل خواهند شد .

(ماده ۹) هیچ يك از مواد این عهدنامه نمیتواند بهیچوجه تعهداتی را که دول متعاهد بموجب میثاق جامعه ملل متقبل شده اند تضعیف نمایند
(ماده ۱۰) این عهد نامه که بزبان فرانسه نوشته شده و در چهار

نسخه بامضاء رسیده و هر يك از دول متعاهد دریافت يك نسخه آنرا اعتراف مینمایند برای مدت پنجسال منعقد میگردد .

در انقضای این مدت عهد نامه مزبور بجز در موردی که یکی از دول متعاهد با اطلاع قبلی شش ماه فسخ آنرا اعلام نماید برای پنج سال دیگر به خودی خود تجدید خواهد شد و این عمل مرتباً تکرار میشود تا آنکه يك یا چند دولت متعاهد فسخ آنرا با اطلاع قبلی ششماه اعلام دارند .

این عهد نامه در صورتی هم که بتوسط یکی از دول متعاهد فسخ شود بین دول دیگر معتبر خواهد بود .

این عهد نامه بتوسط هر يك از دول متعاهد بر طبق مقررات قانون اساسی آن ممالک بتصویب خواهد رسید و در جامعه ملل به توسط دارالانشاء ثبت خواهد شد و از رئیس دارالانشاء تقاضا خواهد شد که آنرا با اطلاع سایر دول عضو جامعه برساند

اسناد تصویب آن بتوسط هر يك از دول متعاهد بدولت ایران تسلیم خواهد گردید بمحض اینکه اسناد تصویب از طرف دو دولت متعاهد تسلیم شد این عهدنامه بین آن دو دولت بموقع اجرا گذارده خواهد شد و راجع بدولت ثالث وقتی بموقع اجرا گذارده میشود که دولت مزبور اسناد تصویب آنرا تسلیم نماید و به همین قسم در مورد دولت چهارم نیز رفتار خواهد شد

بمحض تسلیم هر يك از اسناد تصویب مراتب بفوریت به توسط دولت ایران بتمام امضاء کنندگان این عهد نامه اشعار خواهد شد

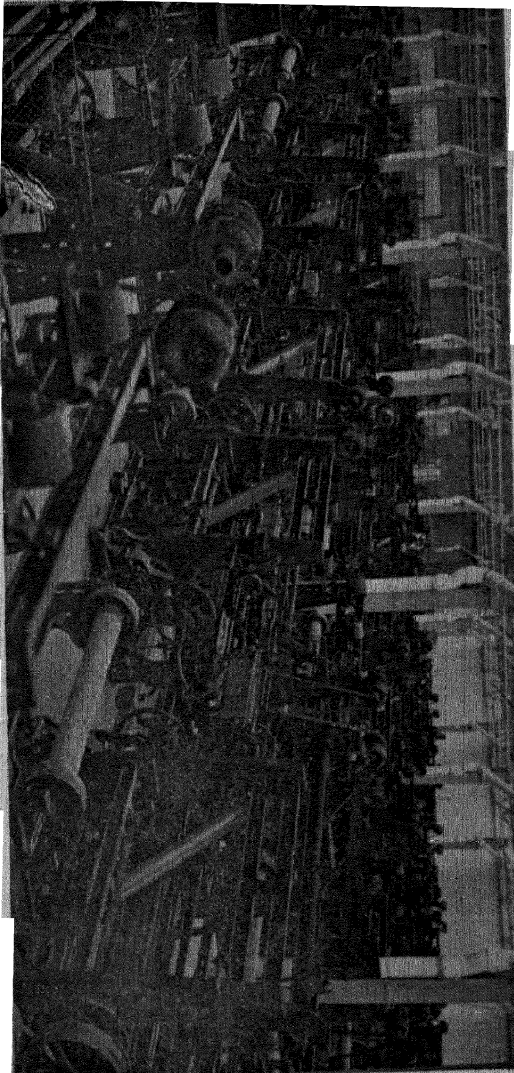
در کاخ سعدآباد (تهران) ۱۷ تیر ماه ۱۳۱۶

*

**

روز دو شنبه ۲۸ تیر ماه جناب آقای ابوالقاسم فروهر بکفالت وزارت داخله منصوب و به پیشگاه شاهنشاهی معرفی شدند .

امرداد — روز پنجشنبه ۷ امرداد آقای موسی اسفندیاری بریاست اداره کل صناعت بحضور شاهنشاهی معرفی شدند .



یت وسمت از منظره داخلی کارخانه عظیم حریر بافی چالوس

روز شنبه ۹ مرداد آقای عدل به معاونت وزارت خارجه منصوب و معرفی شدند .

روز شنبه ۱۶ مرداد کارخانه حریر بافی چالوس با حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والا حضرت همایون ولایتعهد مفتوح شد .

روز شنبه ۳۰ مرداد آقای مهدی فرخ بریاست اداره کل صناعت منصوب و بحضور همایونی معرفی شدند .

شهر یور ماه - قبل از ظهر شنبه بیستم شهریور یازدهمین دوره قانون گذاری از طرف قرین الشرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی افتتاح شد .

دو ساعت و یک ربع بظهر والا حضرت همایون ولایتعهد و در ساعت ۱۰ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با تشریفات مخصوص به عمارت مجلس شورای ملی نزول اجلال فرمودند .

حسب المعمول طبقات اعیان و رجال و صاحبمنصبان عالی رتبه لشگری و کشوری و اصناف مختلفه و نمایندگان سیاسی خارجه در جا بجا مخصوص خود قرار گرفتند و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والا حضرت همایون ولایتعهد بتالار جلسه مجلس شورای ملی تشریف فرما شده با فرمایشات ملوکانه یازدهمین دوره قانون گذاری را افتتاح و بکاخ شاهنشاهی مراجعت فرمودند .

نطق ملوکانه هنگام گشایش یازدهمین دوره تقنینیه

« با کمالی خرسندی یازدهمین دوره تقنینیه مجلس شورای ملی را »
 « افتتاح میکنیم، دوره گذشته چنانکه انتظار میرفت با حصول مقاصد »
 « مهمه بیابان رسید - اصلاحات پیش دنبال شده و کارهای تازه »
 « تری انجام گرفت که برای ترقی تربیتی و اقتصادی و اخلاقی »
 « جامعه بسیار لازم و مؤثر بود . »
 « در سیاست خارجی که پایه آن بردوستی و احترام منقأ بله است »
 « روابط ما با دول خارجه عموماً و همسایگان خصوصاً نیکو و »
 « استوار بوده است »

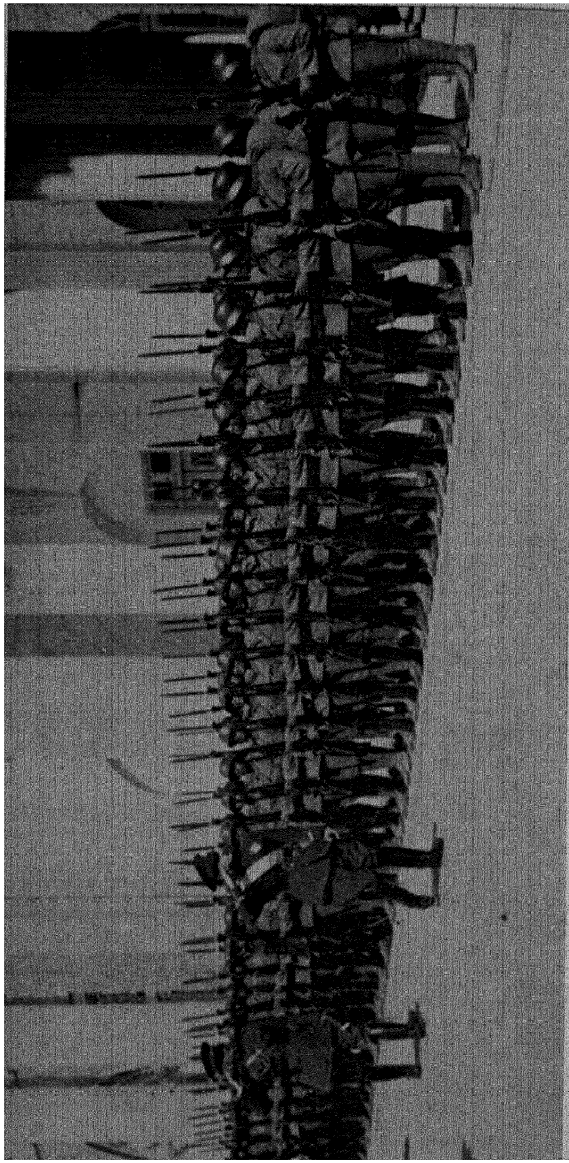
« چون اوضاع عمومی چنان ایجاب میکرد که ما نیز بیش از پیش «
 « در تحکیم بنیان صلح بکوشیم و وسائل حل مسالمت آمیز «
 « اختلافات را توسعه دهیم بنابراین پس از رفع اختلاف سرحدی «
 « با عراق دولت ما قرار دادی را که در طرح آن قبلاً توافق «
 « حاصل شده بود بادل دوست و همسایه خود افغانستان و ترکیه «
 « و عراق بنام پیمان سعد آباد منقذ نمود مانند این پیمان که در «
 « شرق بی سابقه بود یگانگی ما و دول مزبور را که از چندسال «
 « پیش رو با استحکام داشت کاملاً استوار و پایدار کرده و در این «
 « هنگام که امور عالم دچار آشفتگی است مددی بزرگ به بقای «
 « صلح خواهد نمود- در امور داخلی سیاست دولت من تعقیب «
 « روش دوره پیشین و تکمیل اصلاحات است یعنی تقویت بنیه «
 « اقتصادی و بهبودی زندگی مردم بوسیله توسعه فلاح و آبادی «
 « و استفاده از منابع ثروت طبیعی که در کشور بحد وافر «
 « وجود دارد و تعمیم تربیت بدنی که موجب نیرومندی روح و «
 « جسم است برای حصول این مقاصد هیئت دولت و نمایندگان «
 « مجلس و همه علاقمندان به ترقی کشور باید بکوشند که بیش «
 « از پیش فروغ حیات بخش تمدن در تمام شئون کشور بتابد «
 « از خداوند متعال کامیابی عموم خدمتگذاران کشور را در این «
 « راه خواستاریم »

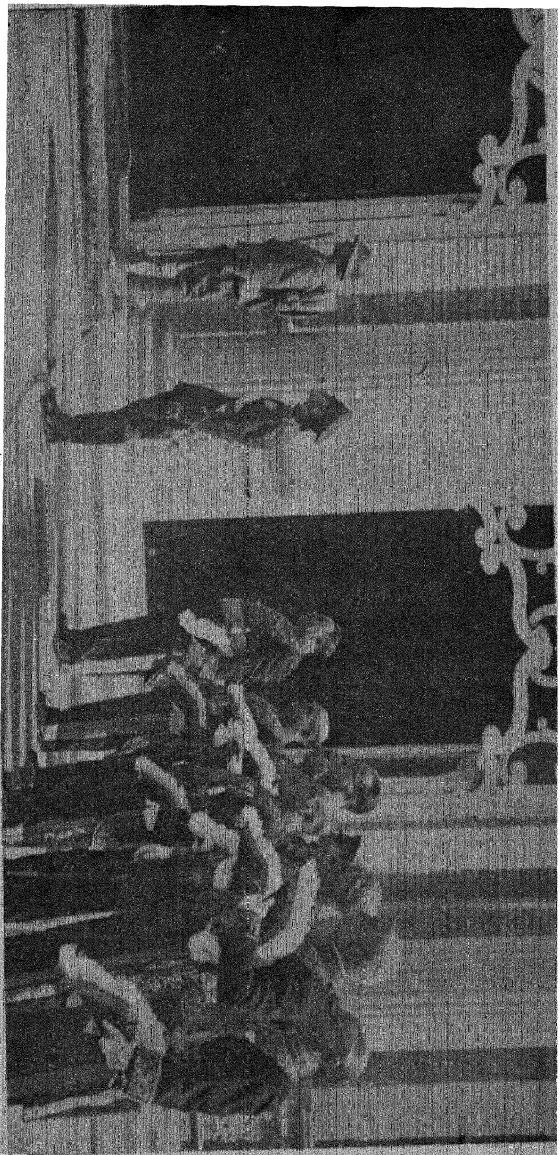
مجلس یازدهمین گردش قانون گذاری - یکساعت

قبل از ظهر مجلس بریاست سنی آقای اسفندیاری و منشی گری
 آقایان نقابت و مؤید ثابتی و ابوالفضل تولیت و عیسی هشار تشکیل
 و هیئت رئیسه موقتی بشرح ذیل انتخاب شد :

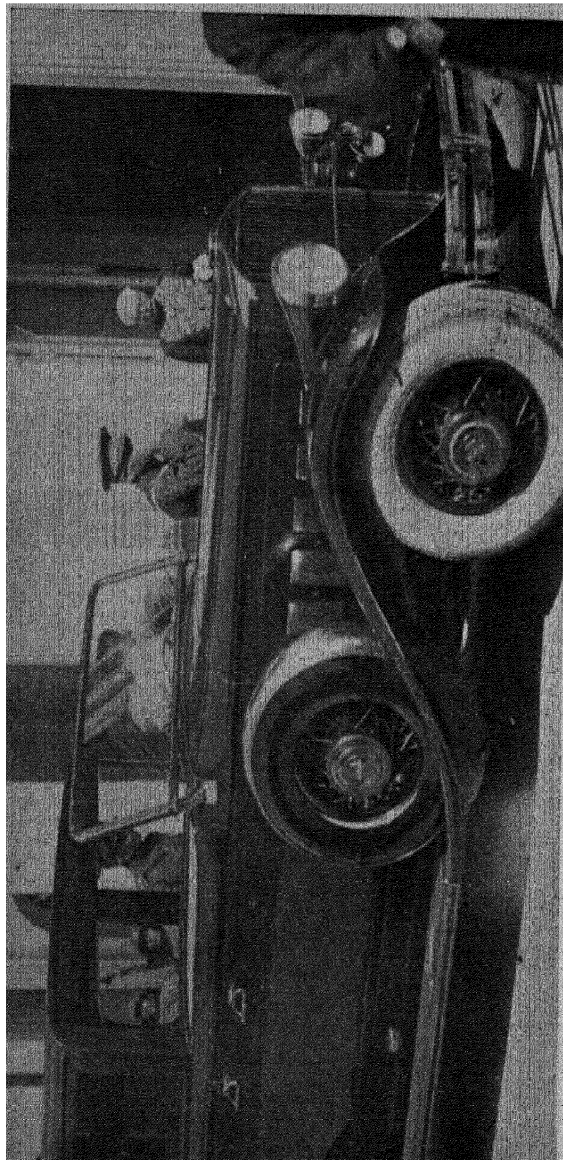
آقای اسفندیاری بسمت ریاست - آقایان بیات و دکنر طاهری
 بنیابت ریاست - سپس شعب ششگانه برای رسیدگی باعتبارنامه هاتعمین و
 جلسه ختم گردید .

تشریف فرمائی والا حضرت ہمایون ولایتیہد بمجلس شورای ملی

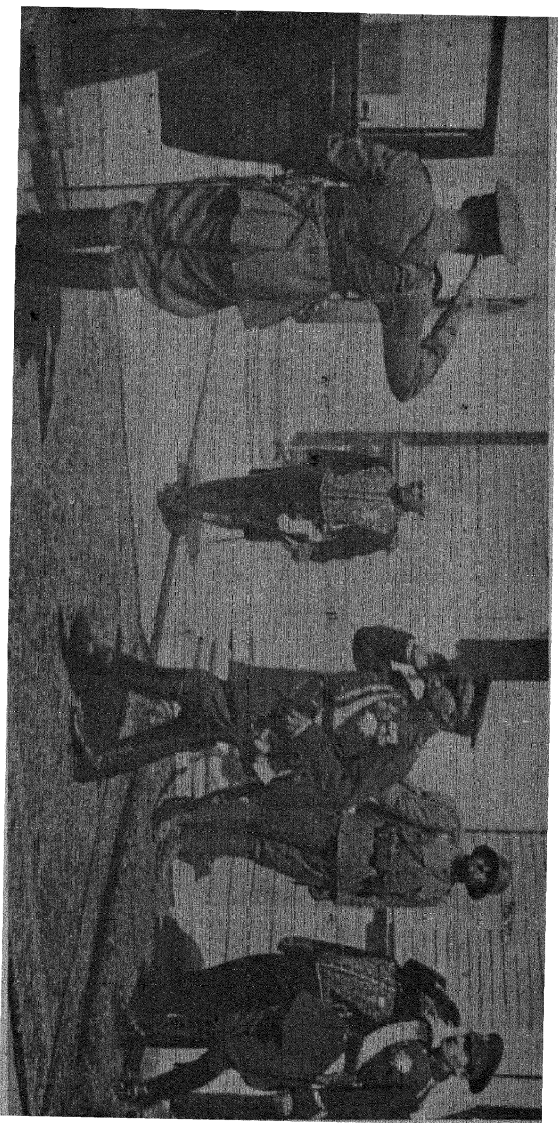




در محصرات هیون و لایعهد و هیئت دولت در انتظار مقدم مبارک شاهشاهی



تشریف فرمائی اعلیٰحضرت ہمایون شاہنشاہی بمجلس شورای ملی



اعلیحضرت هما یونشاهنشاهی ووالا حضرت هما یون و لایته عهد هینکام مر اجوت از مجلس شورای ملی

محل انتخاب	آقایان نمایندگان	محل انتخاب	آقایان نمایندگان
بروجرد	» جواد فخر طباطبائی	زنجان	آقای ابراهیم افخمی
تهران	» حبیب الله لاریجانی	رشت	» ابراهیم سمعی
فسا	» حبیب الله نوبخت	شیراز	» ابوطالب کازرونیان
تهران	» حریری طلوع	قم	» ابوالفضل تولیت
تهران	» دکتر حسن ادهم	بجنورد	» ابوالقاسم اعتصامزاده
تهران	» حسن اسفندیاری	کاشان	» ابوالقاسم نراقی
کرمان	» حسن توانا	تبریز	» ابوالحسن ثقة الاسلامی
سبزوار	» حسن علوی	آباده	» ابوالحسن رضوی
رضائیه	» حسین افشار	بروجرد	» احمد اعتبار
اصفهان	» حسین جلائی	تهران	» احمد بهبهانی
زنجان	» حسین رهبری	لاهیجان	» احمد صفاری
اصفهان	» حسین فاطمی	شیراز	» احمد قوامی
ساری	» حسین معتمد سنگ	عراق	» اسمعیل عراقی
گرگانرود	» حسین معینی	بیجار	» اسمعیل ملایری
کلیایگان	» حسینعلی دولتشاهی	کاشمر	» اسدالله زوار
سمنان	» حسینعلی قزل باغ	مراغه	» اسکندر مقدم
خوی	» حمدالله بیات ماکو	رفسنجان	» امیر ابراهیمی
بابل	» حمزه تاش	قزوین	» باقر شاهرودی
مه آباد	» حیدری	ارامنه جنوب	» جبرائیل بوداغیانس
نائین	» خانبا با طباطبائی	تبریز	» جعفر اصفهانی
خیابو	» خلیل حریری	هرآباد	» جعفر یناهی
کرمان	» دبستانی	فیروز آباد	» جعفر خواجه نوری
کردان	» دهستانی	لارستان	» جواد آزادی
تبریز	» ربیع مصدق جهانشاهی	خرم آباد	» جواد شجاع

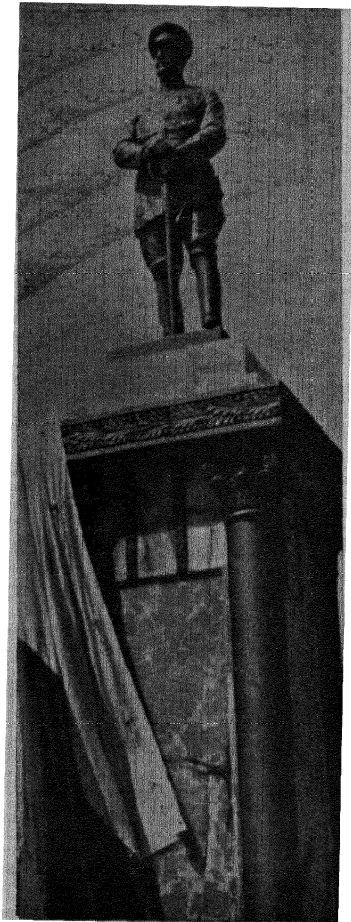
محل انتخاب	آقایان نمایندگان	محل انتخاب	آقایان نمایندگان
سر آب	آقای علی مولوی	تهران	آقای رضا طهرانتچی
طهران	» علی و کیلی	بهبهان	» سلطان، شیخ الاسلامی
فسا	» علیقلی هدایت	کاشان	» سلیم ایزدی
تبریز	» عیسی لبقوانی	ساری	» دکتر سنک
زابل	» عیسی مشار	ازامنه شمال	» سهراب ساکنیان
تبریز	» غلامحسین فرشی	بوشهر	» شکرالله صفوی
طهران	» غلامحسین کاشف	دماوند	» صادق خواجوی
شیراز	» غلامحسین ملک	تربت	» دکتر ضیاء
خرم آباد	» فتح الله گودرزی	خرم شهر	» ضیاء الدین نقابت
سنندج	» فرج الله آصف	رشت	» طالش رحمت سمیعی
قراجه داغ	» قاسم اهری	یزد	» دکتر طاهری
مشهد	» قاسم غنی	تهران	» عباس مسعودی
یزد	» کاظم جلیلی	درجز	» عبدالله شهودست
بندریهای	» کاظم مزدهی	سقز	» عبدالله ناهید
زردشتیان	» کیخسرو شاهرخ	همدان	» عبدالحسین اورنگ
چهرم	» لطفعلی معدل	طهران	» عبدالحسین نیک پور
کاسیمیان	» دکتر لقمان نهورای	طهران	» عبدالرحیم شباهنک
محللات کمره	» محسن صدر	مشهد	» عبد العالی میرزائی
شهرضا	» محسن مهدوی	کرمانشاه	» عطاء الله یالیزی
گرگان	» محسن همراز	کرمان	» عطاء الله روحی
سنندج	» محمد حبیبی	فومن	» عطاء الله سمیعی
گنبد قابوس	» محمد جرجانی	مشهد	» علی اقبال
ساوه	» محمد طباطبائی	قوچان	» علی اکبر دبیر سهرابی
ایوان کی	» محمد محیط	کرمانشاه	» علی زنگنه

محل انتخاب	آقایان نمایندگان	محل انتخاب	آقایان نمایندگان
سیرجان	« مرآت اسفندیاری	سنندج	آقای محمود کیل
ایرانشهر	« مراد ابراهیمی ریگی	بابل	« محمد تقی اسفندیاری
تبریز	« مرتضی امین	نمشابور	« محمد تقی ذوالقدر
سلطان آباد	« مرتضی قلی بیات	تبریز	« محمد تقی رفیعی
بابل	« ملکزاده آملی	شیراز	« محمد تقی شانگهای
بم	« دکتر ملکزاده	سبزوار	« محمد تقی معتضدی
دولت آباد	« ملک مدنی	دشت میشان	« محمد جواد ارگانی
طهران	« مهدی دادور	فردوسی	« محمد حسن مسعودی
شیراز	« مهدی نمازی	اردبیل	« محمد رضا اردبیلی
حضرت عبدالعظیم	« موسی جوان	خوی	« محمد رضا پارسا
مرآغه	« موسی فتوحی	اصفهان	« محمد عالی اوحدی
کرمانشاه	« موسی مرآت	تبریز	« محمد عالی تربیت
شهرکرد	« مؤید احمدی	بیرجند	« محمد عالی منصف
مشهد	« مؤید نابتی	شاهرود	« محمد قلی تاج بخش
همدان	« منصور علی قراگزلو	بوشهر	« محمود عزیزی
تبریز	« نصرالله اسکندری	شوشتر	« محمود نائیری
یزد	« نواب	زنجان	« مجد ضیائی
نجف آباد	« دکتر نیر و مند	دزفول	« مجید موقر
کرمانشاه	« هدایت الله یالیزی	ملایر نهاوند	« مخبر فرهمند
قزوین	« هدایت الله مکرم	عباسی	« مختار مشیر

*

**

عکس آقایان نمایندگان دوره یازدهم درین سال فراهم نشد که درین سالنامه گراور شود ، هر گاه در سال آینده عکس اجتماعی آقایان بدست آید در سالنامه ۱۳۱۸ چاپ خواهد شد



مجسمه شاهنشاهی در میدان مجلس

پس از افتتاح مجلس شورای ملی عموم مدعوین بمیدان مقابل مجلس حضور یافتند و مراسم نصب مجسمه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از طرف آقای رئیس الوزراء و شهردار تهران بعمل آمد.

صبح شنبه ۲۷ شهریور اولین جلسه یازدهمین دوره قانون گذاری تشکیل و پس از تصویب اعتبار نامه اکثریت نمایندگان آقای اسفندیاری بریاست مجلس انتخاب شدند

در جلسه یکشنبه ۲۸ شهریور مجلس آقایان بیات و دادور بنیابت ریاست مجلس انتخاب شدند و آقایان مؤید احمدی و یالیزی و آزادی و نبیل سمیعی بمنشی گری منتخب گردیدند

آقایان ارباب کیخسرو

وهرآت اسفندیاری و تقة الاسلامی نیز بمباشرت انتخاب شدند.

مهر ماه - در جلسه

صبح پنجشنبه اول مهر
مجلس شورای ملی آقای
محمود جم رئیس الوزراء
هیئت دولت را بشرح ذیل
بمجلس شورای ملی معرفی
کردند:

آقای مجید آهر

وزیر طرق - آقای علی اصغر
حکمت وزیر معارف - آقای
عنايت الله سمیعی وزیر خارجه
آقای متین دفتری وزیر عدلیه
آقای محمود بدر وزیر مالیه

آقای سر لشکر فضلی کفیل
وزارت جنگ - آقای فروهر



در برابر مجسمه شاهنشاهی
آقای شهردار ایراد نطق میکنند

کفیل وزارت داخله - آقای علاء رئیس اداره کل تجارت آقای
فرخ رئیس اداره کل صناعت و معادن - آقای احمد حسین عدل کفیل
اداره کل فلاحت؛

در همین جلسه نیز با اتفاق آراء رای اعتماد بدولت داده شد.

عصر دو شنبه پنجم مهر مؤسسه انحصار دخانیات و کارخانه

نوتون و سیگارت در حضور مبارک شاهنشاهی مفتوح شد

در جلسه پنجشنبه هشتم مهر مجلس شورای ملی قانون تشکیلات

دو وزارتخانه تجارت و صناعت بتصویب رسید و آقایان علاء و فر

بوزارت تجارت و صناعت معرفی شدند - آقای ابوالقاسم فروهر نیز

حسب الامر مبارک شاهنشاهی بوزارت داخله ارتقاء یافتند.



جناب آقای حسن اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی



اعلیحضرت شاهنشاهی و والا حضرت همایونی هنگام گشایش مؤسسه انحصار دولتی دخانیات

در جلسه چهارشنبه ۱۴ مهر مجلس شورای ملی انتخاب هیئت
رئیس مجلس تجدید و آقای اسفندیاری ریاست انتخاب شدند -
آقایان بیات و دادور نیز بنیابت ریاست انتخاب گردیدند - آقایان
مؤید احمدی و آزادی و سمیعی و زوار به منشی گری و آقایان
ارباب کیخسرو و مرآت اسفندیاری و مخبر فرهمند بکار بردازی
مجلس شورای ملی انتخاب شدند

نصب نخستین سنگ بنای کارخانه های آهن

ساعت سه بعد از ظهر پنجشنبه ۲۲ مهر ماه در پشت کوه بی بی
شهر بانو که محل کارخانهای آهن خواهد بود اعلیحضرت همایون
شاهنشاهی نخستین سنگ بنای کارخانهای ذوب آهن را بدست مبارک
نصب فرمودند

این نقطه جلگه وسیعی در دامنه کوه های بی بی شهر بانو و از
متملقات امین آباد است ، تا مرکز امین آباد دو کیلو متر و تا

ایستگاه ری کمی بیشتر فاصله دارد .

قسمتی که کارخانه‌ها در آن ساخته میشود و درمرکز آن اولین سنگ ساختمان نصب شد بقدر کفایت وسعت دارد بطوریکه ساختمان های کارخانه درطول دو کیلومتر وعرض سیصد متر ساخته خواهد شد و این فقط برای ساختمانهای خود کارخانه است و بناهای دیگر برای کارگران و مستخدمین و سایر احتیاجات در خارج از این مساحت ساخته خواهد شد .

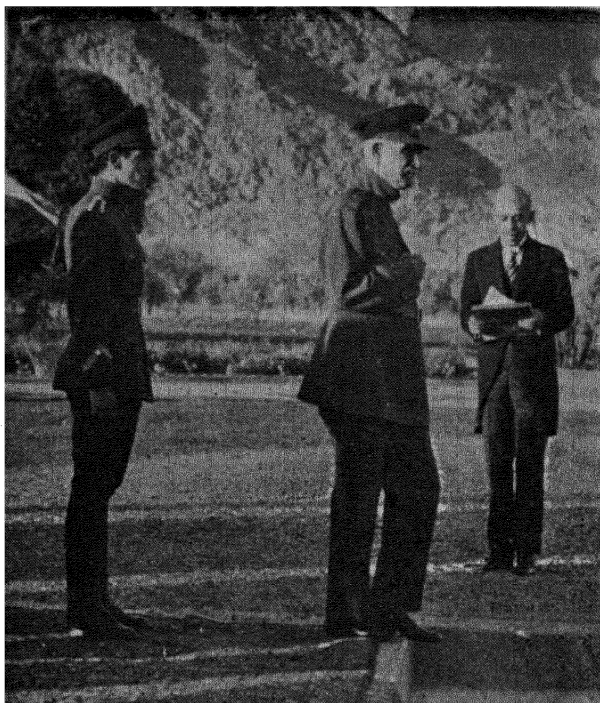
در يك سمت این محل در نزديك قسمتی که محل نصب اولین سنگ بنا بود . یوش سلطنتی وچادریهای مخصوص برای هیئت دولت و مدعوین برپا شده بود .

ساعت چهار و نیم بعد ازظهر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و الاحضرت همایون ولایتعهد تشریف فرما شدند

دریوش سلطنتی هیئت دولت و رئیس مجلس شورای ملی شرفیاب شده گزارش ها و توضیحات لازمه از طرف آقای رئیس الوزاء و آقایان وزیرصناعت ووزیرمالیه بعرض همایونی رسید و سپس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ووالاحضرت همایون ولایتعهد بمحل نصب سنگ تشریف فرما شدند و آقای وزیرصناعت مراتب ذیل را به پیشگاه مبارک شاهنشاهی معروض داشتند :

در این موقع که وسائل تاسیس کارخانجات ذوب آهن از هر حیث فراهم گردیده از پیشگاه هیارکهاو کانه استعداداردا با نصب اولین سنگ بنای کارخانه که متضمن لوحه نماینده سر فرازی ایرانیان و یادکار این عهد فرخنده خواهد بود کارکنان وزارت صناعت راقربین افتخار و مباهات فرمایند .

سپس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به محل نصب اولین سنگ تشریف فرما شده لوحه ای که بر ای نصب در زیر بنا بود تقدیم گردید و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی لوحه مزبور را در محل آن نصب فرمودند . بر لوحه فلزی مذکور شرح صفحه مقابل نگاشته شده بود :



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ووالاحضرت همایون
ولایتعهد هنگام استماع عرایض وزیر صناعت و معادن

بنام ایزد دانا

هنگام شاهنشاهی پادشاه ایران رضاشاه پهلوی
سر دودمان پهلوی کارخانهای آهن سازی بفرمان او
آغاز گردید و این نبشته به یادگار بزمین سپرده شد .

مهر ماه ۱۳۱۶ خورشیدی

پس از نصب نخستین سنک بنا جناب آقای رئیس الوزراء شرح

ذیل را بعرض مبارک رسانیدند .

از دست و زبان که بر آید کز عهده شکر بدر آید

اعلیحضرتا اهالی ایران هر قدر بخواهند از نوجوهائیکه هر روز از طرف قرین الشرف همایونی نسبت به آبادی و اصلاح کشور میشود تشکر نمایند از عهده آن بر نمی آیند ازین تربیت شاهانه هر روز نوید تازه باین کشور میرسد و کارهایی انجام میشود که هر يك از آنها جزو آمال و آرزوهای دیرینه علاقمندان این کشور بوده و امیدى بحصول آن نداشتند چند روز پیش کارخانه توتون و سیکارت مفتوح و بکار افتاد امروز نخستین سنك بنای کارخانه مهم ذوب آهن بدست مبارك نصب میشود مطابق گزارش واصله فردا راه آهن شمال ایران بشهر قم خواهد رسید اگر فدوی جان نثار بخواهد کارهایی که بامشاهانه درین چندسال اخیر شده شماره نماید از عهده ذکر يك بر هزار آن بر نخواهد آمد .

اعلیحضرتا احساسات و آرزوی ایرانیان را به این دوکلمه ادا مینمایم « شاه زنده باد »

سپس جناب آقای اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی مراتب ذیل را بعرض پیشگاه همایونی رسانیدند ؛

اعلیحضرتا عموم چاکران متشکر و مفتخریم که آنچه بنای سعادت در این کشور بر پا میشود بدست مبارك و از برکت وجود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی است .

امروز همگی بخود تبریک میگوئیم که چنین موسسه مهمی از توجهات عالیله شاهنشاهی بوجود آمده است و مسلماً این نقطه باسعادت درسایه همایونی یکی از شهرهای عالی صنعتی شده و خدمات بزرگ باین کشور خواهد کرد همه چاکران از خدا خواسته و از صمیم قلب میگوئیم « **زنده و پاینده باد شاهنشاه عظیم الشان** »

مؤکب شاهنشاهی ووالا حضرت همایون ولایتعهد در ساعت پنج بعد از ظهر بشهر مراجعت فرموده و این مراسم با شکوه که طلایعه دیگری از افتخارات این عصر همایون است با شرف پ پایان رسید .



صبح سه شنبه ۲۷ مهر
آقای شوئیکی ناکایاما
مأمور فوق العاده و وزیر
مختار جدید دولت ژاپون
در قصر گلستان بحضور
اعلیحضرت همایون
شاهنشاهی شرفیاب و
معرفی شدند

ابانماه - صبح دو شنبه
دهم ابان اعلیحضرت همایون
شاهنشاهی و والا حضرت
همایون ولایتعهد برای
حضور در اسب دوانی دشت
کرگان از تهران عزیمت
مارندران فرمودند .

آذرماه - صبح دوشنبه
۱۵ آذر آقای سردار احمد

جناب آقای سفیر کبیر افغانستان
علیخان سفیر کبیر جدید
دولت افغانستان به حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شرفیاب
و معرفی شدند

جناب آقای سردار احمد علی خان سفیر کبیر اعلیحضرت پادشاه
افغانستان در کشور شاهنشاهی بعد از انجام یک سلسله خدمات برجسته
به میهن محبوب خود در آخر سال ۱۹۲۹ میلادی بسمت وزیر مختار
دولت پادشاهی در پاریس تعیین و پس از ۱۷ ماه نیز بهمان سمت
به لندن منتقل گردیدند ، بعد از تقریباً دو سال و نیم توقف در
انگلستان در آخر سال ۱۹۳۳ به کابل احضار و بوزارت معارف
انتخاب شدند - معظم له قریب سه سال و نیم است وزارت معارف

یاد داشتهای دیگر

جشن گشایش راه آهن شمال

عصر جمعه سی ام بهمن یک جشن بزرگ ویرافتخاری در شهر تهران منعقد شد که چنین جشنی در تاریخ ایران و این شهر بی نظیر بود اهالی تهران و ساکنین پایتخت شاهنشاهی از وصول بیک آرزوی محال و یک رؤیای شیرین غرق مسرت بودند و پشاهنشاه عظیم القدر خود که یک چنین خیال محالی را بصورت وجود آورده و این حاصل پریهای اراده عالیة همایونی را باهالی ایران ارزانی میفرمودند بااهله وهوراو کف زدنهای ممتد تهنیت ودرود میسرودند

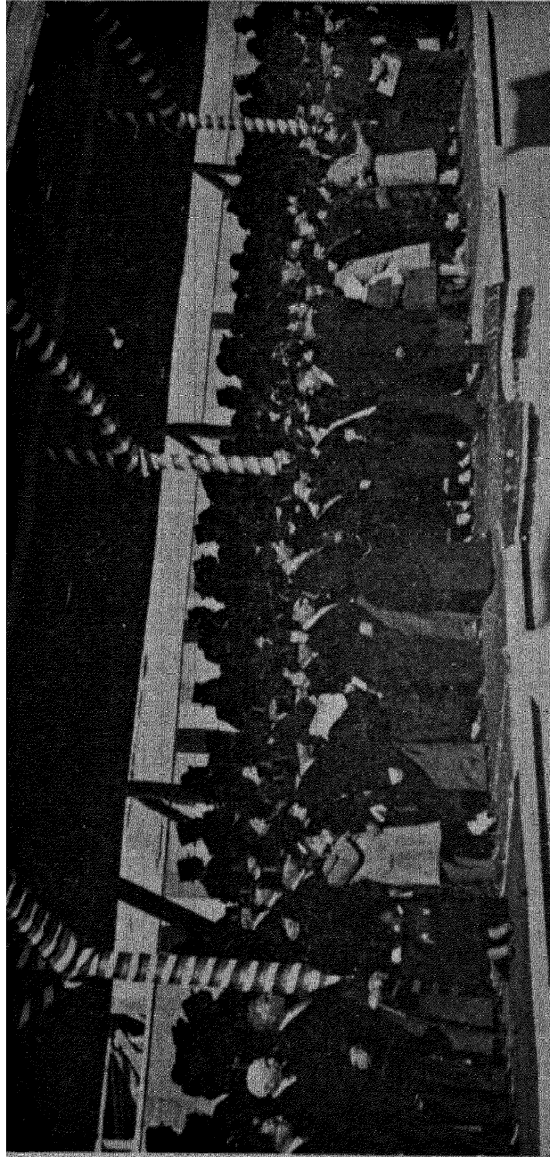
شاهنشاه بزرگ ایران و والا حضرت اقدس همایون و لایعهد برای گشایش راه آهن شمال بتالار ایستگاه تهران نزول اجلال فرمودند، والا حضرت شاهپورها نیز تشریف فرما بودند جمعیت مدعوبین عبارت از هیئت دولت، رجال و اعیان، افسران ارشدارتش، نمایندگان مجلس و رؤسای ادارات و خانمهایشان بترتیب در جایگاه خود قرار داشتند

اعلی حضرت شاهنشاهی و والا حضرت همایونی پس از چند لحظه توقف بجایگاه مخصوص سلطنتی تشریف فرما شدند و پرچم شاهنشاهی بر فراز ایستگاه راه آهن ایران باهتر از در آمد، در بنه وقع آقای آهی وزیر طرق گزارش ذیل را بخاکپای مبارک معروض داشت:

خوشبختانه به نیروی عزم و اراده اعلی حضرت همایون شاهنشاهی ساختمان قسمت مهم راه آهن سراسر ایران بیابان رسیده و امروز قطارهایی که از بندر شاه و مازندران برای شرکت در آئین انجام

را عهده دار بوده و در تاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۱۶ بسمت سفیر کبیر در دربار دولت شاهنشاهی انتخاب گردیدند

روز یکشنبه ۲۱ آذر آقای سلطان حسین رخشانی به ریاست اداره کل فلاحت منصوب و بحضور شاهنشاهی معرفی شدند.



منظره ایستگاه راه آهن تهران هنگام افتتاح راه آهن شمال

ساختمان خط شمال بطهران وارد شده اند با اعلام این حقیقت مسرت بخش برشاده‌مانی و تشکرات اهالی بایتخت و عموم مردم کشور شاهنشاهی میافزایند. گذشته از ساختمان خط شمال که بطول ۶۱ کیلومتر و دو بیست متر تمام شده است بیش از ۳۳۶ کیلومتر هم در قسمت جنوب ریل گذاری شده که جمعاً زیاده از ۷۹۷ کیلومتر از تمام مسافت ۱۳۸۷ کیلومتر بین بندر شاه تابدندر شاهپور ساخته و همه جهت قریب ۵۴۰ کیلومتر باقی است که ساختمان آنهم با کمال جدیت و نظم در جریان میباشد.

در این هنگام بمورد میدانند بشرف عرض پیشگاه مبارک برسانند که تا کنون آنچه تنها بمصرف ساختمان این خط رسیده است صرف نظر از قسمت بهره برداری و خرید وسائل نقلیه راه آهن معادل مبلغ ۸۱۰۵۸۸۰۰۰ ریال که حساب آن بکیلومتر باقتضای اختلاف قطعات از قرار هر کیلومتری حداقل ۶۰۲۴۲۰ ریال در قطعات ۱۷ و ۱۹ بوده و حداکثر کیلومتری ۵۰۶۰۰۰۰ ریال در قطعات شش تا یازده میباشد.

شماره پلهای بزرگ این خط که طول هر یک از ۱۵ متر زیادتر است ۱۰۸ عدد و بطول ۴۶۰۰ متر میباشد و ۹۴ تونل عمده نیز در این خط ساخته شده که جمعاً بطول ۲۳۴۱۰ متر میباشد، ایستگاه طهران که هنوز ناتمام است دارای ۲۰ دستگاه بناهای مختلف مهم برای کارخانها و تاسیسات دیگر خواهد بود، برای خطوط فرعی تنها در محوطه ایستگاه ۳۱ کیلومتر ریل گذاری میشود که قسمت عمده آن ساخته شده و بزودی همه بانمام خواهد رسید. جمع مخارج ساختمانها و کلیه ماشین آلات مختلف ایستگاه طهران معادل هشتاد میلیون ریال است.

در پرتو توجهات خاصه شاهانه بزودی در نتیجه اتصال خط آهن شمال و جنوب وجود شاهراه بزرگی که از دیر زمانی ملت ایران برای تجدید حیات و استوار ساختن پایه زندگی و اقتصادی خویش

به آن نیازمند بوده است موجب ترقیات بیشتر کشور و مایه فزونی سیاستگذاری عموم ملت شاه پرست ایران خواهد بود .
 خدمتگذاران صدیق و وزارت طرق در ضمن تقدیم عرض تبریک و تهنیت با کمال شکر گذاری منتهای آرزو و مایه نیکبختی خود میدانند که در اطاعت فرمان مبارک مجری نیت مقدسه خسروانه باشند .
 برای میمنت و بهر وزی آبنده راه آهن ایران از پیشگاه مبارک ماو کانه و والا حضرت هما یون ولایتعهد استدعا دارد بدست مبارک آخرین مهره خط شمال را مستحکم و بقطع نوار، عبور قطارهای شمال را اجازه فرمایند .

آخرین مهره خط آهن شمال

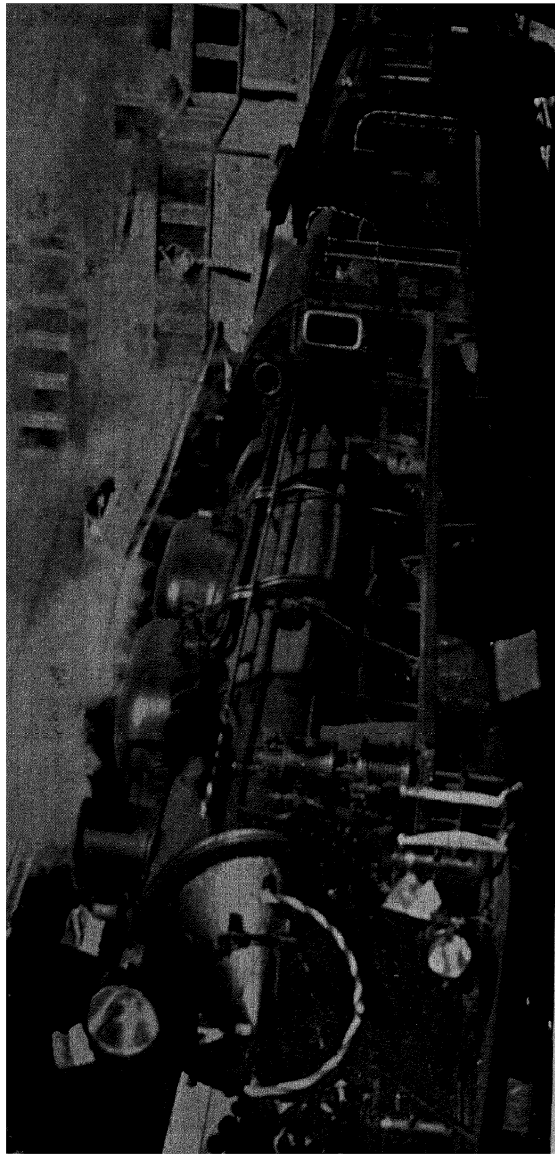
اعلیحضرت هما یون شاهنشاهی در جواب این گزارش از وصول راه آهن شمال بطهران ابراز مسرت و خوشوقتی فرمودند و سپس بداخل خط تشریف فرما شدند تا آخرین پیچ و مهره خط آهن شمال را بدست مبارکشان محکم فرمایند .
 دو مهره طلا و نیز یک قیچی طلا در جعبه زیبایی از چرم مکمل بتاج سلطنتی قرار داده شده و در یک سینی طلا بدست آقای وزیر طرق بود، جعبه را بیش آوردند، اعلیحضرت هما یون شاهنشاهی یکی از دو مهره را بدست مبارکشان روی پیچ آخرین خط شمال قرار دادند و با آچار مخصوص آن را محکم فرمودند .
 سپس آقای وزیر طرق جعبه را حضور والا حضرت هما یون ولایتعهد بردند و مهره دیگر را والا حضرت هما یونی در طرف دیگر همان خط بدست مبارکشان با آچار مزبور محکم فرمودند .
 عموم حاضرین و مدعوین در تمامی این مدت با وجد و مسرتی بی پایان به کف زدن مشغول بودند و نور شادمانی در سیمای همه میدرخشید .

گشایش خط آهن شمال

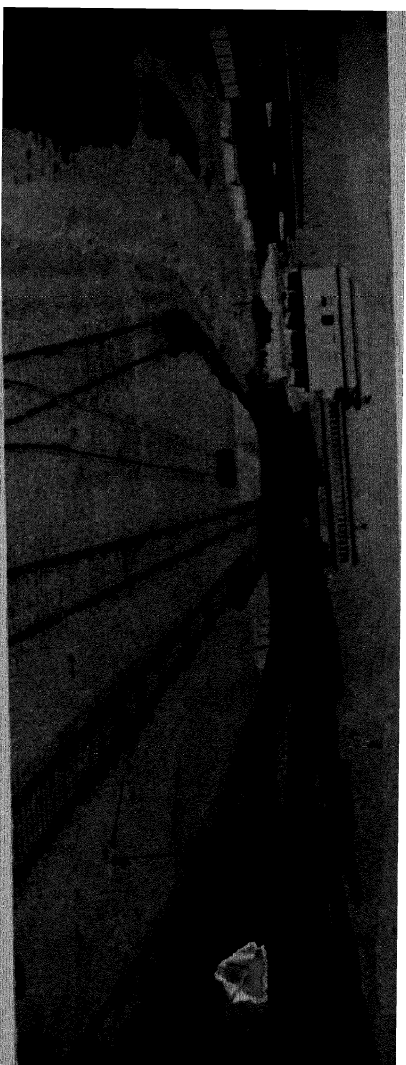
بفاصله چند متر از محلی که شاهنشاه ایران آخرین مهره خط آهن شمال را نصب و محکم فرمودند نوار سه رنگی در پیرامون خط آهن کشیده شده بود .



اعلیٰ حضرت ہمایون شاہ شاہی ہنگام نصب
آخرین مہزہ راہ آہن شمال



ورود راه آه.. شمال برای اولین بار بایستگاه تهران و عبور از پیشگاه مبارک شاهنشاهی



منظره زیبای ایستگاه راه آهن تهران

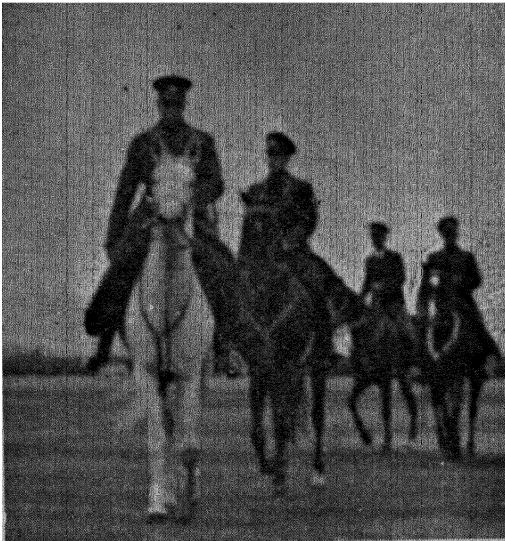
اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بمحل هذکور تشریف فرما شده نوار عبور را قطع فرمودند . درین موقع تزیین که در بیرون ایستگاه منتظر بود آهسته آهسته وسوت زنان پیش آمد و از پیشکاه مبارک شاهنشاهی بین کف زدن ها وزنده باد گفتن های مسرت آمیز حضار عبور کرد.

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی پس از انجام تشریفات و آئین گشایش راه آهن مجدداً بتالاریه براتی تشریف

در روز سوم اسفند

مشاهده شکوه و عظمت میدان جلالیه در پرتو تاملو سر نیزه سپاهیان رشید و در زیر قدمه‌های بانند و محکم و خوش آهنک آنها در مقابل اوج خروشان بخشها و گروهها و دستجات مختلفه ارتش شاهنشاهی که در سایه اراده تاجدار کامکار ایران برای تأمین قدرت و عظمت کشور و سر بانندی و سعادت ملت بوجود آمده است بقدری مسرت انگیز می باشد که هر فرد حساس میهن دوستی را بسوی خود میکشاند و این منظره پرابهت شور و غروری در دماغ افراد میهن پرست ایجاد میکند که در عین حال مزید فرّ و اقبال موجود این دستگاه عظیم را از خداوند مسئلت مینمایند درینسال میدان جلالیه ازهرسال باشکوه تر و شورانگیز تر بود هیئت دولت و نمایندگان مات، رجال و اعیان و اشراف و خانهایشان همچنین سفرا و وزراء و میهمانان خارجی از یکساعت بعد از ظهر حضور یافتند و بترتیب در جایگاه مخصوص خود قرار گرفتند

فرما شدند و پس از چند لحظه عازم مراجعت گردیدند . در جاوی درب بزرگ ایستگاه رؤسای وزارت طرق و مهندسین ساختمان راه آهن و مدیران کامیسا کس حاضر بودند . آقای وزیر هیئت رئیسه وزارت طرق را حضور مبارک ماو کانه معرفی و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نسبت به بزرگ ابراز تفقد و مرحمت و رضایت فرمودند سپس مهندسین عالی مقام ساختمان راه آهن و مدیران کامیسا کس حضور مبارکشان معرفی شدند . اعلیحضرت همایون شاهنشاهی آنها را نیز مشمول عنایات شاهانه قرار دادند و از حسن انجام وظیفه آنان نیز اظهار مسرت و رضایت فرمودند . ساعت چهار و ربع بعد از ظهر موکب ماو کانه و والا حضرت ولایتعهد و والا حضرت شاپورها در میان کف زدنهای مسرت آمیز حضار و هلهله و شادمانی عمومی بقصر سلطنتی مراجعت فرمودند .



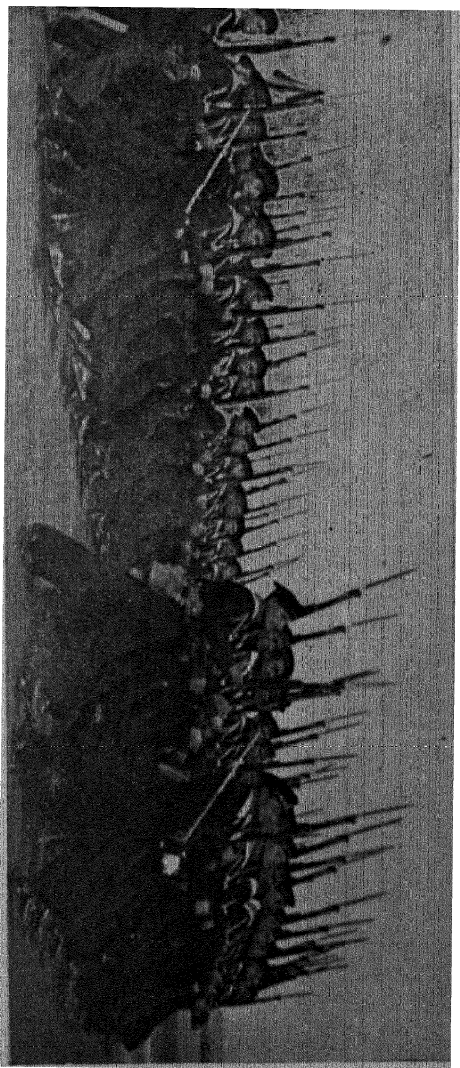
شاهنشاه بخش‌های ارتش را سواره بازدید می‌فرمایند

در شمال میدان جلالیه افسران ارشد ارتش - دانش آموزان دبیرستانها و دانشکده‌ها - دختران و پسران پیشاهنگ، دستجات پیاده سوار، توپخانه - زره پوشها و تانکا بترتیب برای زیارت شاهنشاه ایران صف آرائی کرده بودند

قریب دو ساعت بعد از ظهر والا حضرت شاهپورها شاهپور علی‌رضا شاهپور عبدالرضا - شاهپور حمید رضا - شاهپور غلامرضا - شاهپور محمود رضا و سپس والا حضرت همایون ولایتعهد تشریف فرما شدند و در انتظار مقدم مبارك پدر تاجدار خود توقف فرمودند، درین هنگام موکب مسعود ملوکانه از دور نمایان گشت و نوای مهیج سلام شاهنشاهی بلند شد، اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سواره برای سان ارتش حرکت فرمودند و والا حضرت همایون ولایتعهد نیز در رکاب



مبارک همایونی بودند، درینوقت صدای هورای سیاه وهلهله محصلین و پیشاهنگان غریب نشاط انگیزی برپا کرده و میدان جلایه را از انعکاس وطنین خود عظمت و ابهت بی یابانی بخشیده بود - اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والا حضرت همایون ولایتعهد از برابر صفوف منظم و دستجات مجتذار تشعبور فرمودند و بجایگاه مخصوص سلطنتی تشریف فرما شدند و بلافاصله رژه شروع شد - بدواً قریب هشت هزار نفر دوشیزگان و پسران پیشاهنگ



و محصلین دبیرستانها و دانشکدهها بترتیب از پیشگاه مبارک ملوکا، گذشتند و سپس رژه دستجات پیاده و نیروی دریائی و دستجات مختلفه ارتش شاهنشاهی شروع کردید، قسمتی از نیروی هوائی نیز در بین هنگام میدان چالابه رازیر شهیر خود گرفته با نظم و ترتیب جالب توجهی از پیشگاه جلال شاهنشاهی میگذشتند.

رژه مهیج و تماشاگانی ارتش نیرومند شاهنشاهی (یادگان مرکز) یکسره تا ساعت پنج بعد از ظهر ادامه داشت



اعلیٰ حضرت ہمایون شاہ شاہی و والاحضرت ہمایون
ولایت بھد و والاحضرت شاہ پورہا
ہنگام مراجعت از جلالیہ

جشن سالیانه ورزش بافتخار مولود مسعود

والا حضرت همایون ولایتعهد

عصر روز دوشنبه سوم ابان در ورزشگاه شماره یک جشن بزرگی بشرکت طبقات جوان و دانش آموزان و دختران و پسران پیشاهنگ بافتخار مولود مسعود والا حضرت همایون ولایتعهد منعقد شد - هیئت دولت و نمایندگان و رجال و اعیان و افسران ارشد ارتش و جمع کثیری از محترمین درین جشن حضور یافته بودند سه ساعت بعد از ظهر والا حضرت شاهپورها تشریف فرما شده در انتظار موکب مسعود والا حضرت همایونی توقف فرمودند هیئت دولت و افسران ارشد ارتش نیز شرفیاب و منتظر بودند

پس از چند لحظه والا حضرت همایون ولایتعهد بالباس پیشاهنگی تشریف فرما شده در جایگاه مخصوص توقف فرمودند - والا حضرت شاهپورها و هیئت دولت نیز شرفیاب شدند ، درین موقع آقای سمعی رئیس دربار شاهنشاهی و رئیس انجمن پیشاهنگی و آقای وزیر معارف که بالباس پیشاهنگی ملبس بودند برنامه جشن را به پیشگاه همایونی تقدیم داشتند و جناب آقای سمعی خیر مقدم عرض کردند سپس موزیک پیشاهنگی مراسم رژه را اعلام داشت

بدواً دوشیزگان و پسران پیشاهنگ با صفوف منظم و جالب توجه خود از پیشگاه والا حضرت همایونی عبور کرده سپس ورزش کاران دیگر که هر دسته بالباس مخصوصی ملبس بودند عبور کردند و پس از ورزش اجتماعی عده کثیری از نوآموزان که بسیار جالب توجه بود مسابقه های مختلف بین دبیرستانها شروع شد و چهار ساعت بعد از ظهر خاتمه یافت

درین موقع جناب آقای وزیر معارف گزارش سالیانه ورزش را بشرح صفحه مقابل بعرض پیشگاه والا حضرت همایونی رساندند :

بمناسبت این جشن فیروز
و روز مسعود از پیشگاه
مبارک اجازه میخواهد گزارش
مسابقه‌های ورزشی را بطور
خلاصه بعرض برساند .

مسابقه‌های ورزشی
مطابق اصول جدید از چهارده
سال قبل شروع گردید
ولی مسابقه‌های منظم ابتدا
در سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴
حسب الامر اعلیحضرت
همایون شاهنشاهی از
طرف وزارت جنگ شروع
شد برای ترویج شنا و فوتبال
انجمنهایی تاسیس گردید
که خدمات ذی قیمت نمودند
وانجمن ترویج ورزش نیز
در سال ۱۳۰۱ مسابقه‌های
شنا و فوتبال ایجاد نمود .
از سال ۱۳۱۳ مسابقه



**آقای وزیر معارف هنگام عرض گزارش های بیشتر و منظم تری بین
دبیرستانها و دانشکده‌ها معمول گشت .**

در سال ۱۳۱۴ مسابقه فوتبال بین دانشکده‌ها و مسابقه فوتبال و
والیبال و دو و پرش میان دبیرستانها برقرار شد
سال ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ در تاریخ ورزش ایران اهمیت شایانی دارد



والاحضرت همایون ولایعهد دریکی از مسابقه ها

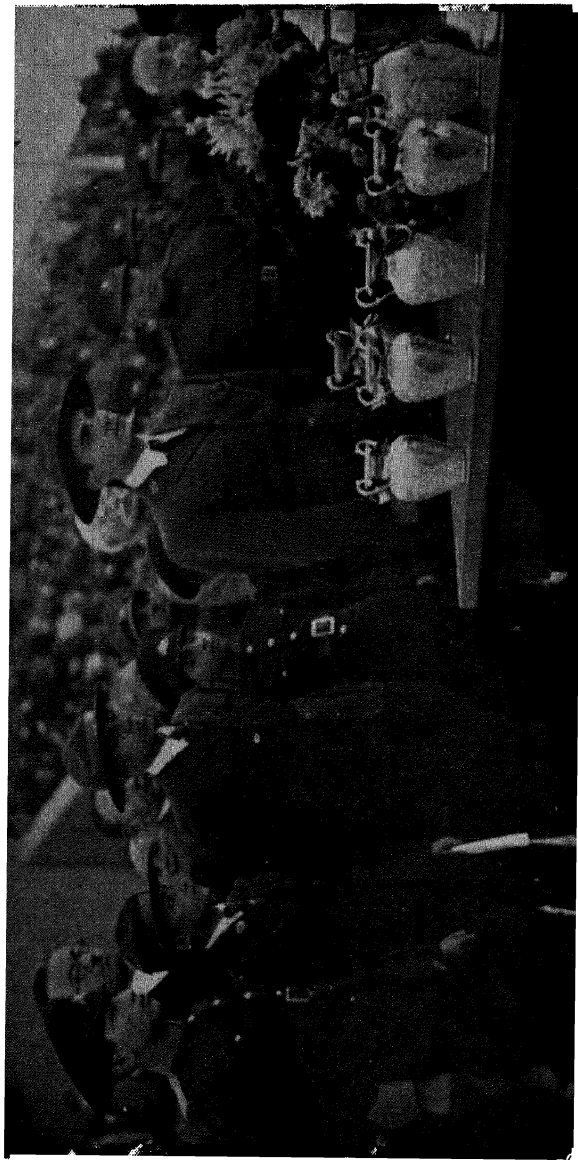
وآن شرکت والاحضرت همایون ولایعهد در مسابقه دانشکده ها وشرکت والاحضرت شاهپور در مسابقه دبیرستانهاست .

بااین اقدام عملا مشهود شد که وجود مبارک والاحضرت همایونی تاچه درجه ورزش و هنرهای بهاوانی علاقمند هستند بهین جهت درطهران و ولایات شوق وعشق فوق العاده دراین قسمت بین طبقه جوان کشور بظهور رسید اینک مرز نتیجه کوششهای سال گذشته را ملاحظه میفرمایند کنون آمار مربوط به مسابقه های ورزشی سال گذشته را به عرض میرساند :

عده ورزشکارانی که از دانشکده ها در مسابقه های رسمی شرکت جستند ۲۴۱ نفر

عده ورزشکارانی که ازبزرگسالان دبیرستانها در مسابقه های رسمی شرکت نموده اند ۷۱ نفر

عده ورزشکارانی که ازخردسالان دبیرستانها در مسابقه های رسمی شرکت کرده اند ۵۰۲ نفر



والاحضرت همايون ولايته مهد و والاحضرت شاهپورها هنگام اعطاء جوائز

از کشورهای دیگر در سال ۱۹۳۷

اسپانی - در سال ۱۹۳۷ با آنکه حوادث کونا کونا کون سیاسی در جهان بوقوع پیوست و حتی در خارج از اروپا خصوصا در خاور دور وقایعی روی داد که مدتی مدید توجه همه محافل سیاسی و دولتهای بزرگ اروپا را بخود معطوف داشت - باز میتوان گفت تقریبا یگانه باقی مانده حوادث سال ۱۹۳۶ یعنی جنگ اسپانی بطور کلی درجه اول را در وقایع سال ۱۹۳۷ حائز بود .

سال ۱۹۳۶ را جنگ اسپانی با پیشرفت کلی شورشیان به پایان رسانید و در آن موقع تقریبا نیمی از اسپانیا در دست شورشیان فرانکو بود و این شورش که در ژوئیه ۱۹۳۶ بدست ژنرال فرانکو بوقوع پیوسته بود تسلط خود را بر بیشتر اسپانیا محرز میگرد .

البته در پایان سال گذشته و نخستین روزهای سال ۱۹۳۷ چنانکه گزارش سال پیش حکایت میکند جمهوریخواهان پیشرفتهائی کرده و موفقیت هائی حاصل داشتند ولی بطور کلی باز دست شورشیان

جامه های فیروزی که در نتیجه مسابقه های مزبور امسال اعطا میشود :

۵	برای دانشکده ها
۶	برای بزرگسالان دبیرستانها
۵	برای خردسالان دبیرستانها
۱	برای دسته های ورزشی آزاد
۱۴۳	عده مدالهایی که اعطاء میشود

این بود خلاصه و نتیجه مسابقه های ورزشی سال تحصیلی گذشته و زارتمعارف و انجمن تربیت بدنی و پیشاهنگی امیدوار هستند که تحت توجهات عالییه و الاحضرت همایونی در سال تحصیلی جدید پیشرفتهای نمایان و محسوسی حاصل شود و دانش آموزان و جوانان کشور ثابت کنند که در سایه توجهات اعلا حضرت همایون شاهنشاهی قومی زنده و برومند می باشند .

قوی تر و پیشرفت آنها مهمتر بود بطوریکه امروز میتوان گفت سه پنجم تمامی خاک اسپانیا در تصرف شورشیان است یعنی تمامی سواحل اسپانیا باستثنای قسمت محدودی از سواحل مدیترانه که از آلمریا تا مرز فرانسه ممتد است بوسیله شورشیان بازرسی میشود . بطور کلی نتیجه تمامی جنگ اسپانیا را که تقریباً مدت هجده ماه از آن میگذرد میتوان در چند سطر ذیل خلاصه کرد :

بر اثر این جنگها از تمامی خاک اسپانی فقط در حدود دو پنجم یعنی دو بخش بزرگ در تحت تصرف حکومت جمهوریخواه و نیروی سرخ باقی مانده است یکی از این دو قسمت کاتالونی است و یکی دیگر اراضی وسیعی است که بین مادرید و والانس و آلمریا واقع شده است ، این دو بخش بزرگ را يك قطعه زمین خیلی وسیع بهم متصل میکنند که از « تر وئل » تا مدیترانه امتداد دارد .

این دو بخش شامل دوهزده کز بزرگ سیاسی سوق الجیشی نیروی سرخ یعنی والانس و بارسلن است که والانس را حکومت جمهوریخواه پس از محاصره و محاصره مادرید مرکز و حکومت نشین قرار داده و زارتخانه و ادارات مرکزی را بدانجا منتقل کرده و بارسلن مرکز حکومت کاتالونی است که يك نوع اتحادی با حکومت والانس دارد .

چنانکه میدانیم مبدأ شورش اسپانی و مرکز سوق الجیشی شورشیان در مراکش بوده و چون شورش آغاز یافت شورشیان در حملات نخستین تمامی استان « اندلس » را متصرف شدند و يك دسته دیگر از شورشیان در شمال کشور بحملات پرداختند و بی دربی شهرهای « ناوار » و « آراگون » و کاستیل قدیم را به تصرف در آوردند و از طرف دیگر در سمت مغرب شهر کالیس نیز بانها پیوست ، سپس شورشیان کمال جدیت را بخرج دادند که این دو قسمت را بیکدیگر متصل ساخته و بیپروزی های خود سرو صورتی بدهند بدین جهت حملاتی شروع کرده با تصرف

« باداجوز » این منظور را تأمین نموده و بعد برای آنکه نیروی سرخ از سواحل افیانوس اطلس رانده و نیز حمله از طرف شرق بغرب میسر شود در همان ماه های نخستین شهر ایرون را با جنگی سخت و بزرگ و فتحی درخشان و « سن سباستین » را با حملاتی شدید متصرف شدند و در جبهه شمال موقع و وضع خوبی بدست آوردند .

در آن اوقات بود که حوادث تولد و (طلیطاه) و محاصره مهم القصر (الکرار) پیش آمد و توجه بدان قسمت نیروی ژنرال فرانکو را از ادامه پیشرفت در جبهه شمال باز داشت زیرا در القصر عده زیادی از جوانان شجاع و افسران دانشکده افسری محصور مانده با شجاعت عجیب و فداکاری و استقامت بیمانندی با نیروی سرخ برابری میکردند، البته این قسمت برای ژنرال فرانکو گران تمام شد ولی نیروی او توانست با موفقیت رو بشهر تولد و آورده محصورین را نجات داده و شهر معروف و تاریخی مذکور را متصرف شود .

در آن موقع احتمال کلی میرفت که فتح « تولدو » آخرین ضربت را بنیروی جمهوری خواهان وارد آورده باشد و از این پس فتح مادرید و یکسره کردن کار اسپانی جمهوریخواه آسان شود . باین جهت نیروی شورشیان متوجه مادرید گردید ، در مراحل نخستین خوب پیشرفت کرد و خیلی زود بحدود مادرید رسید ولی در آنجا خود را با مقاومت سخت مواجه دید ، تیمپ بین - المللی را که دران اوان سر و صورتی بخود گرفته بود در سر راه خود دید و کمک های نیروی سرخ و ایستادگی دلیرانه و حملات نیروی جمهوری خواه را سد راه موفقیت خود یافت و بزودی بی برد که در تصور خود کاملاً براه اشتباه رفته است

ازین موقع وضع جنگ اسپانیا دگرگون شد و بر همه معلوم گردید که کار این جنگ باین زودبها پایان نخواهد یافت زیرا

نیروی سرخ مادرید را خوب نگهداشت و تا امروز هم مادرید به خوبی مقاومت کرده است .

در آغاز سال ۱۹۳۷ بیشتر حملات شورشیان متوجه مادرید بود و درین اثنا بارسان را نیز بمباران کردند . بطور کلی ماه اول سال مذکور من این بود که جمهوری خواهان جان تازئی گرفته اند زیرا غالباً با آنها بود تا آنکه در ماه فوریه شورشیان بر فعالیت خود دو چندان افزودند و مخصوصاً بیشتر مساعی خود را متوجه جنوب ساختند و بتصرف « مالا کا » همت گذاشتند و این در همان موقع بود که جمهوریخواهان نیز در طرف شمال ابراز فعالیت و پیشرفت هائی کردند که حاصل آن محاصره « اوبدو » بود .

شهر مالا کادره ششم فوریه پس از وارد آمدن تلفات زیاد بطرفین سقوط کرد و بتصرف شورشیان درآمد و در همان اوقات شورشیان بر شدت حملات خود بمادرید افزودند ، مادرید بسختی و شاید سخت تر از موقع محاصره تحت فشار شورشیان قرار گرفت ، بسیاری از محافل در آن موقع احتمال میدادند و بلکه یقین داشتند که کار مادرید خاتمه یافته است ولی ژنرال « میاجا » فرمانده نیروی جمهوریخواهان در همان موقع با کمال خونسردی اظهار میداشت « من چندان تشویشی ازین فشار ندارم و حتی اگر شورشیان همه خطوط ارتباطی مادرید را باهمه جاقط کنند جاده مشرق باز و آزاد خواهد بود و ما مغلوب نخواهیم شد »

روزهای بعد باز شورشیان دست قویتر داشتند حتی روابط تلفونی مادرید با بسیاری نقاط از جمله لندن نیز قطع شد معیناً چنانکه بزودی خواهیم دید پیشگویی ژنرال میاجا درین مورد کاملاً درست در آمد همچنانکه پیشگویی دلیرانه کلنل آراندا در مورد « اوبدو » درست بود .

کلنل آراندا که اکنون ژنرال است هنگامی که نیروی جمهوریخواهان

در نیمه دوم فوریه حملات فاتحانه خود را به « اویدو » شدت داد و در ۲۴ آن ماه شهر مذکور را متصرف شد با نیروی خود مدافع اویدو بود و در همان گیرودار در تلگراف خود بژنرال کیودولانو فرمانده شورشیان نوشته بود « من زخم بر داشته ام و پسر بزرگم کشته شد، دو پسر دیگرم سخت مجروح هستند ولی اویدو هرگز مغلوب نخواهد شد . . . » چنانکه بالاخره تسلط جمهوریخواهان بر اویدو موقتی بود و اراندا با موفقیت درین قسمت نام خود را در ردیف فاتحین ثبت کرد.

در ماه مارس ۱۹۳۷ حمله شورشیان بر مادرید باز بیش از پیش شدت یافت جنگهای سخت و خونینی در این قسمت روی داد داوطلبان خارجی هم درین جنگ وارد شده سخت کوشیدند و بالاخره رقم عدم موفقیت این حملات در گوادالاخارا ثبت شد زیرا در آن جبهه جمهوریخواهان فتح نمایانی کردند و در همان جنگ و فتح بود که عدهٔ بیشماری ایتالیا ئی بقتل رسید و سروصدای بسیار در محافل سیاسی عالم برآه افتاد

ازین پس دیگر حملات سختی بمادرید بعمل نیامد و مادرید آرام و ثابت قدم بر جای ماند پس از مارس تقریباً جنگ مهمی در اسپانی بوقوع نیبوست و زردو خوردها و حوادث مختلفه حتی وقایعی از قبیل حمله بکشتی آلمانی و بمباران موحش المر یا توسط کشتی دو بیچاند در مقابل جنگهای پیشین بقدری کوچک و بی تاثیر بود که باید گفت مدت ششماه تقریباً مزار که در جنگ روی داده بود

در ماههای آخر سال مجدداً جنگ اسپانی جوش و خروش بسیاری بخود گرفت شورشیان تقریباً تمامی فعالیت خود را در جبهه شمال امرکز دادند، حملات سخت و انتظام کامل آنها در امور سوق الجیشی بی دربی بیابا ئو و سانتاندر و خیخون را بدست آنها افکند همه جبهه های فرعی جبههٔ شمال منحصراً بیک جبهه شد و در آن يك جبهه هم در بیرامون خیخون آخرین معدنچیهای استوری از بیروان جمهوریخواهان که در کوهستان پناهنده و محصور بودند تسلیم

شدند و در اوائل ماه آخر سال جبهه شمال نیز از میان رفته تمامی سواحل شمال اسپانی بدست ملیون افتاد و فقط يك جبهه باقی ماند که از مرز فرانسه تا مدیترانه در جنوب امتداد دارد .

اما در ماه آخر جمهوریخواهان در قسمت تروئل که هم در آغاز این قسمت تذکر دادیم از لحاظ ارتباط و سوق الجیشی دارای اهمیت بسیاری است و والانس را به کاتالونی مرتبط میسازد حملات سخت کرده بر نیروی شورشیان غالب آمدند ، شهر را بر اثر فتح بزرگی متصرف شدند ، فقط يك عده از ساخاو شهر در بعضی از ساختمانها محبوس ماندند و عده مذکور بقدری استقامت کردند که نیروی کمکی شورشیان تحت فرماندهی ژنرال آراندا فاتح اویدو و چند ژنرال و افسران دیگر به تروئل رسیدند ، حملاتی سخت و خونین کردند ، چندین حمله و مقاومت جمهوریخواهان را در هم شکستند . در يك جنگ خیالی موخس . در پشت دروازه و درون شهر کشته بیشمار دادند تا ارتباطی با یادگان (ساخاو) محصور بر قرار ساختند ولی عمر این فیروزی دوام نیافت باز جمهوریخواهان حمله کردند . باز موفق شدند . شورشیان را که با وجود سرمای ۱۲ درجه زیر صفر میجنگیدند مغلوب کردند و بالاخره در تعقیب همراهی و موافقت جالب توجهی که در مورد تخلیه شهر با مردم غیر نظامی و زنان و کودکان و بیماران کردند و در تعقیب تسلیم سرهنگ فرمانده یادگان محصور و تمام آنها و تسلیم چند سرهنگ و فرمانده دیگر شهر تروئل بتصرف جمهوریخواهان در آمد و ماه زانویه با این فتح بر آنها نمودار شد ولی البته جنگ درین قسمت مثل زدوخوردهای کوچک و بزرگ پیرامون مادرید در آغاز سال جدید ۱۹۳۸ ادامه داشت .

فعلا ژنرال فرانکو در نظر دارد در صورتیکه بتواند از هنگامه تروئل موفق بیرون آید بزودی در پیرامون مادرید برای پایان دادن بمقاومت پانزده ماهه آن و تسخیر شهر مذکور نیروی

خود را تمرکز دهد و یا آنکه قسمت جنوبی جبال پیرنه را کاملاً تسخیر کند و مانع ارتباط فرانسه و قوای سرخ شود و موفقیت خود را ازین راه تامین کند.

در گیر و دار این احوال کمیته عدم مداخله در امور اسپانی که در سال گذشته در لندن تشکیل شده بود بیکار نماند کمیسیونهای فرعی آن با همه مواعقی که پیش میامد بکارهای خود ادامه میداد و میکوشید که دولتهای دیگر در امور اسپانی مداخله نکرده و طلبان خود را احضار نکنند و دو طرف جنگ را در اسپانیا بحال خود گذارند چه همه محافل مطلع و دقیق مطمئن بودند که اگر دیگران مداخله نکنند کار جنگ اسپانی و این جدال خونین زود خاتمه خواهد یافت و صالح در آنجا بزودی ظهور خواهد کرد.

روز چهارم نوامبر ۱۹۳۷ کمیته در اقدامات خود به نتیجه مهمی رسید باین معنی که دولت های عضو کمیته بانفاق آراء در خصوص احضار داو طلبان خارجی موافقت و تصویب کردند که دو کمیسیون مامور بازرسی وضع داو طلبان خارجی در خاک شورشیان و خاک جمهوری خواهان اسپانیا شده و بازرسی سواحل که پس از وقایع ساحلی ماههای پیش و کناره گیری ایتالیا و آلمان از بازرسی معلق مانده بود دوباره برقرار شود و نیز رئیس کمیته از طرف کمیته مامور شد که با حکومت سالامانک یعنی حکومت شورشیان و حکومت والانس (جمهوری خواهان) وارد مذاکره شود شاید بتواند موافقتی بین آنها بوجود آورد

البته در پیرامون حوادث اسپانی وقایع مختلف زیاد است که اگر بخواهیم بطور اشاره از آنها سخنی بمیان آوریم مطلب خیلی طولانی خواهد شد ولی در آن میانه بیک نکته دیگر نیز میپردازیم که تا حدی جالب توجه است و در آینده اسپانی مؤثر تواند بود و آن اینست که دولت انگلیس چند نفر نماینده تجارتنی مامور خاک اینست شورشیان کرده است که آنها میتوان مقدمه شناسائی عملی حکومت

شورشیان از طرف انگلیس دانست. فرانسه نیز که در سال ۱۹۳۷
 اتحادی بیش از پیش محکم و قوی با انگلستان داشته و با او در همه
 امور مهم سیاسی تشریک مساعی و همکاری دارد در برقرار ساختن
 روابط تجارتنی و اقتصادی با شورشیان از پیروی انگلیس سر باز
 نزده است.

از طرف دیگر گذشته از آلمان و ایتالیا و ژاپن که حکومت
 شورشیان را برسمیت شفاختند بعضی دولت‌های دیگر اروپائی و غیر
 اروپائی نیز در پایان سال در صدد شفاختن حکومت مذکور بوده
 اند تا وقایع سال جاری با بن صحنه بزرگ چه صورتی بدهد و کار
 اسپانیا پس از این مدت جنگ بکجا بیانجامد.

چین و ژاپن - داستان چین و ژاپن که جنگ خونین
 بین آن دو در انتهای سال ۱۹۳۷ در ماه ژوئیه در گرفت داستان
 تازه‌ئی نیست، سالیان دراز است که بین این دو کشور کشمکش
 ها و زدو خورد هائی بوقوع می‌پیوندد منتهای در تمامی این گیر و
 دار ها ژاپن قویتر و چین ضعیفتر بوده است زیرا فرمایش است که
 ژاپن در راه ترقی و تکامل افتاده و خود را هم‌دوش بزرگترین
 کشور های عالم ساخته ولی چین، آن سرزمین وسیع و عجیب و
 مملو از اختلاف پیوسته بعهد قدیم نزدیکتر از عهد جدید بوده و
 از این گذشته کمتر وحدتی در آن وجود داشته چنانکه در هر ناحیه آن
 فرمان روایان مستقلی حکومت میکنند و هر گوشه آن را سرداری
 بدست دارد.

البته از قرن‌ها پیش ژاپن داعیه کشور گشائی داشته و چنانکه
 تاریخ آن نشان میدهد مکرر نیروی ژاپن باده ها و بلکه صدها
 هزار نفر بچین حمله میکرده است ولی در این نوبت میتواند گفت
 که فکر و روح کشور گشائی موجب جنگ چین و ژاپن نشده،
 احتیاجات اجتماعی و اقتصادی از قبیل زیادی نفوس و نداشتن خاک
 کافی برای سکونت آنها و دسترس نداشتن بمواد خام و مواد اولیه

و نداشتن وسایل تهیه آن در داخله کشور و بیم در خطر افتادن منافع ژاپن در چین موجب آن شده است!

چند سال پیش ژاپن منچوری را از چین منتزع کرد و دولت مستقلمی تحت نظارت خود تشکیل داد ولی این اقدام منافع او را کاملاً تأمین نمی‌کرد و پیوسته برای تأمین منافع و مصالح اقتصادی خود لازم میدانست که از اراضی شمالی چین بهتر بتواند استفاده کند در دو سه سال اخیر ژاپون جدیت داشت که بوسائلی غیر از جنک و فتح و غلبه بتأمین منافع مذکور موفق شود ولی چندین سبب که اوضاع داخلی چین و نفوذ بین الملل سوم در ردیف اول آن بود مانع پیشرفت این منظور گردید.

در ماه های اول سال پیش بود که «اریتا» وزیر خارجه سابق ژاپن هنگامی که نطق مبسوط خود را در تفسیر عهد نامه ضد کمونیست آلمان و ژاپن ایراد میکرد در ضمن آن اظهار داشت «در آسیای شرقی کمیترین (بین الملل سوم) در نهایت شدت شروع بداخل کردن چین در آئین اشتراکی نموده سعی میکند مناسبات چین و ژاپن را بوسیله عملیات يك جبهه توده ضد ژاپونی اخلال کند در منچو کوئو و در خود ژاپن اثرات توسعه عملیات و تبلیغات اشتراکی ظاهر شده و در مقابل این اقدامات ماهرانه و مجدانه بین الملل سوم دولت ما مجبور شد سیاست داخلی کافی تر و وسائل دفاع شدید تری برای حفظ مرام ملی و ابقای ثبات در آسیای شرقی اتخاذ کند» همین سیاست و همین وسایل بزودی منجر بوقایع چین شمالی گردید.

بطور کلی چین شمالی در سال ۱۹۳۷ از ماه های اول سال پیش از پیش مغشوش بوده و پیوسته حوادث مختلفی که گاه با ژاپن و گاه با منچو کوئو و گاه با مغول و گاه با شوروی تماس داشته در آنجا بوجود می پیوست و ضمناً بدست احزاب و محافل مخالف در نقاط مذکور و حتی در نقاط دیگر چین تحریکات ضد

ژاپونی بعمل میامد تا آنجا که ژاپون کاملاً بر مراقبت و توجه خود افزود و در اوایل اوریل (سرجیاما) وزیر جنگ ژاپون سرتیب ها و فرماندهان لشکر را جمع آورده راجع باهمیت مسئله چین و تیرگی روابط روس و ژاپون (که چندی بعد منجر بحوادث سرحدی روس و منچو کو و ورود کشتی های شوروی و تصرف بعضی از جزائر ژاپن و اقدامات مجدانه ژاپن و بالاخره تخلیه انها درماه ژوئیه گردید) با آنها مذاکراتی بعمل آورده و از اینکه ملت ژاپن از اوضاع کنونی بخوبی آگاه نیست اظهار تأسف کرده اشعار داشت «نقشه دفاع ژاپن باید کشور را برای مقابله با وضعیت وخیم کنونی آماده کند و با تکثیر تسلیحات خود و منچو کو ثوردر شرق اقصی در تسلیحات موازنه ئی بوجود آورد»

بنا بر این ژاپن خود را کاملاً مهیا ساخته و با گوش و چشم باز مواظب کوچکترین جریانات چین بود، از طرف دیگر در نواحی شمالی چین اغتشاشات و هرج و مرج های داخلی و تحریکات مختلفه موجب آن میشد که حوادثی بوقوع پیوندد چنانکه در اواخر آوریل در «دایرن» از نقاط سرحدی چین و ژاپن دو کشتی بزرگ ماهی گیری ژاپونی را يك کشتی چینی مورد شلیک قرار داده خسارات و تلفاتی وارد ساخت و موجب اعتراض ژاپن بر چین شد و يك ماه بعد پس از چندین حادثه كوچك دیگر يك کشتی ژاپونی ۵۷۶ تن ظرفیت را در ساحل یرنار تورما مورین دریائی چین توقیف کردند و در اراضی سرحدی زدو خورد های مختلفی بعمل آمد تا بالاخره این وقایع و موضوعی که ذیلاً بان اشاره میشود موجب شدت اختلاف و اشتعال نایره جنگ شد

يك علت عمده بروز اختلافات شدید این بود که ژاپنی ها معمولاً بموجب ماده نهم یادداشت متحدین مورخه سال ۱۹۰۰ اجازه داشتند توسط یادگان خود همه ساله در جنوب پکن نمایشات و مانور هائی بدهند درین سال هم ما نور های بزرگ ارتشی خود را

بعل آوردند ولی چینی ها پنداشتند که نیروی ژاپون باین وسیله
 « لو کوچیاو» را مورد حمله قرار داده است
 بنا بر این یادگان چین متوقف اوانک بینک فوراً با عملیات
 ژاپونیها مقابله کرده بزد و خورد و حملات متقابله پرداختند
 البته این سوء تفاهمی بیش نبود و بفاصله اندک مدتی مرتفع و
 جنگ متار که شد و بر اثر مذاکرانی مقرر گردید که نیروی هر دو
 کشور تا مسافت معینی از حدود یکن دور باشند ولی این رفع سوء تفاهم
 و این قرار غائله را بر طرف نساخت بلکه در بخشهای دور و نزدیک
 حوادث و مخاصماتی بی دربی صورت گرفت و بیش از پیش بر خشم
 زمامداران ژاپون و تیرگی مناسبات دولتین و وخامت اوضاع شمال
 چین افزود

ضمناً مذاکرانی هم بین طرفین جریان یافت و یادداشتهایی هم
 مبادله شد ولی هر دو کشور بر سر حرفهای خود باقی ماندند ، و
 چون این حرفها بجائی نرسید زمامداران ژاپون معتقد شدند که این
 مطالب و اقداماتی که گفته میشد از طرف نیروی چین بعل آمده
 است ناشی از یک مبارزه نیرومند ضد ژاپونی است و زاین حق دارد
 و بلکه موظف است که منافع خود را حفظ کند

عمل حفظ منافع موجب آن شد که رفته رفته اینجا و آنجا جنگ و
 زد و خورد شروع شود گاه با موافقتی متار که روی میداد ولی
 بالاخره در ماه ژوئیه دولت نا نکن تصمیم گرفت که اگر وقایع و
 زد و خورد های مهمی در شمال چین روی دهد جداً بر علیه زاین
 وارد جنگ شود و از طرف دیگر در همان تاریخ ژاپونی ها معتقد
 شدند که چین شرایط متار که های پیشین را نقض کرده و از
 لحاظ عدم اعتماد به چین بتمام قنسولهای خود مقیم چین دستورهای
 لازمه را صادر کرد و بلافاصله آتش جنگ سخت در حوالی یکن شعاعه ورشد
 بعد از دهه اول ماه ژویه جنگ در گرفت و تا نوزدهم ماه
 مذکور بمحاصره یکن پیوسته سرایت و پیشرفت آن بسرعت

«تین تسن» و شهرهای کوچک دیگر را گرفته و از ماه اوت به بعد محاصره شانگهای و حوادثی که در آن بوقوع پیوست و وقایعی که موجب اعتراض دولتهای مختلف خصوصا انگلیس و امریکا گردید پیش آمد و در اواخر نوامبر و اوایل دسامبر در فاصله مدت کمی شانگهای و نانکن سقوط کرد و از آن پس نقشه زاین حرکت از شمال بجنوب و پیوستن جبهه جنوب بجبهه شانگهای بود ناگفته نماند که دولتهای اروپائی در این مورد بیکار نماندند در تعقیب پیمان نه دولتی که تمامیت چین را سابقا تضمین کرده بود بموجب مقررات همان پیمان اقدام بتشکیل انجمنی مرکب از نه دولت امضاء کننده فرارهای مذکور و دولتهای دیگر بعمل آمد مخصوصا کشور امریکا که ادامه بیطرفی را صلاح خود نمیدید در تشکیل این کنفرانس پیشقدم شد، همچنین انگلیس و فرانسه جدیدت کامل در راه آن مبذول داشتند و کنفرانس مذکور در ۱۵ نوامبر بدون آنکه زاین در آن وارد شود در بر و کسل تشکیل شد. مذاکرات مفصلی بعمل آمد. نقطه‌های بلینی ابراد شد، بالاخره حاصلی از آن برای جاوگیری از جنگ بدست نیامد و حتی چندی بعد سرگرمی دول اروپائی بمسائل اوریا موجب آن شد که يك چند قضاوای خاور دور بدون توجه و دخالت دولت های اروپائی ادامه یابد

درین اثنا زاپون اقدام بتشکیل يك حکومت موقتی برای شمال چین در شهر یکن کرده و آن را برسمیت شناخت و حکومت مرکزی چین و زمامداری مارشال چیان کای شک را فاقد تاثیر و رسمیت شمرده بتقویت حکومت موقتی مذکور پرداخت که آن حکومت نهوذ خود را تا شانگهای هم بسط داد و نیز در پایان سال گفت و شنودهایی برای مذاکره صاح و میانجیگری آلمان و دیگران بین زاپون و مارشال کای شک بعمل آمد ولی مارشال مذکور و میهن پرستان چینی همچنانکه در آغاز جنگ نیز گفته

بودند بیوسه این کلام را بر زبان داشتند که با هیچ بیسندهاد
هتار که و صلحی که بتمامیت و استقلال خاک چین لطمه وارد آورد
موافقت نخواهند کرد

بطور کلی دولت ژاپن پس از آنکه حکومت موقتی چین
تشکیل یافت منظور و مقصود خود را بدین گونه معرفی کرد که
استقلال و تمامیت چین را محترم خواهد شمرد و می خواهد
چین و منچو کوگو و ژاپون سه دولت کاملاً متحد باشند و در همه
جا همکاری و تشریک مساعی کامل داشته باشند - يك نکته دیگر
که باید بدان اشاره شود اینست که چینی ها درین جنگ اخیر و
برای دفاع از میهن خود دارای وحدتی شده اند که شاید نظیر و
مانند آنرا در تمامی تاریخ چین نتوان یافت و در سایه همین وحدت
مقاومتی سخت و دلیرانه و حیرت انگیز میکنند که کاملاً موجب
نگرانی ژاپونها شده است و بعلاوه با رویه جنگ غافلگیر و حملات
ناگهانی بادیه نشینان و اهالی بومی نقاط مختلف خسارتهای مهم
بنیروی ژاپن وارد میسازند ولی ژاپن با همه این احوال و با آنکه
نگرانی بسیار از داخله کشور و تزلزل امور اقتصادی و مالی خود
دارد بچنگ ادامه داده و تصمیم گرفته است باز هم تا اوضاع بدینگونه
باقی است ادامه دهد

تا پایان سال گذشته و آغاز سال جدید ۱۹۳۸ نیروی ژاپن
بر بسیاری از نقاط چین تسلط داشت و سواحل چین باستانی قسمتی
از سواحل جنوبی بطور کلی در محاصره نیروی ژاپن قرار گرفته بود .
پایان کار حبشه - قضیه حبشه چنانکه در گزارش سال پیش نگاشتیم
درین سال يك قضیه خانمه یافته محسوب میشد و ما فقط از لحاظ اینکه
پایان کاران نا گفته نماند وقایع بعدی را باجمال ذکر میکنیم ؛
پس از آنکه تصرف حبشه بمرحله قطعی رسید و مارشال گرازبانی
بنیابت سلطنت در آنجا تعیین شد و کار سلطنت نجاشی خانمه یافت
و ایتالیائی ها بکار عمران حبشه پرداختند باز هم در بعضی نواحی

مختلف آن وقایعی روی میداد و طغیانهای کوچکی از طرف بومیان ظاهر میشد که نیروی ایتالیا آنها را هم منهزم یا مطیع میساخت در بیستم ژانویه حرکت دستجات ایتالیائی را توسط مارشال گرازانی مرحله قطعی عملیات نظامی بایدشمرد ، این مارشال چهارستون ایتالیائی که بالغ بر بیست هزار نفر بود مامور سرکوبی راس استا کرد ، راس استا در آن موقع باده هزار نفر در قسمت شرقی ناحیه مارگریت ظهور کرده بود

البته نمیتوان گفت که تمامی خاک حبشه در دست ایتالیاست و بدست ایتالیائیه اداره میشود ، بلکه هنوز هم در بعضی قسمتهای دور دست کوهستانی آن ایتالیا نفوذ قطعی نیافته ولی مسلم است که آن قسمتها نیز امن خواهد شد .

یکی از وقایع مهم حبشه از آن پس سوء قصد بمارشال گرازانی نایب السلطنه در موقعی بود که مشار الیه بمناسبت تولد شاهزادهئی از خاندان سلطنت در ایتالیا با حضور جمعیت زیادی از محترمین بین فقرا و مساکین هدایائی تقسیم میکرد در آن موقع بومیان فرصت یافته نارسجکی پرتاب کردند و نایب السلطنه مجروح شد و متعاقب آن اغتشاشی بوجود پیوست که با اقدامات شدید و اعدام يك عده متهمین غائله رفع شد ولی همین جراحت و بعلاوه هوای ناسازگار حبشه صحت مزاج نایب السلطنه را مختل ساخت و ناچار منیجر بکناره گیری او وانتصاب دوک داوست بنیابت سلطنت حبشه گردید ، تا ماههای آخر سال نیز گاه گاه وقایعی در حبشه روی داد که حتی نیروی ایتالیا مجبور از تخلیه بعضی نقاط شد ولی بطور کلی کار حبشه خاتمه یافته و بعضی دول دیگر نیز الحاق آن را با ایتالیا برسمیت شناختند .

فلسطین - یکی از قضایای مهم سال ۱۹۳۷ قضیه فلسطین و مخالفت اعراب و یهود و مداخلات و اقدامات انگلیس است که خلاصه مفیدی از آن ذیلا نگاشته میشود :

صرف نظر از حوادث دیرین فلسطین و مخالفت بین یهود و اعراب

که بسالهای پیش مر بوط است از هنگامی که اقدامات ضد سامی در بعضی کشورها شروع شده و عده زیادی از یهودیان فلسطین مهاجرت کردند تراحمی در آنجا ایجاد شده اعراب بمخالفت برخاستند زدوخوردها و اغتشاشاتی بین اعراب و یهود بوقوع پیوست اعتصابهایی در نقاط مختلفه آن سرزمین در گرفت و جریاناتی پیش آمد که رفته رفته در ماههای اول سال وخامتی باوضاع فلسطین بخشید و سر و صدائی براه انداخت که در لندن منعکس شده تاثیر بسیار بخشید و در ماه مارس يك کمیسیون مخصوص سلطنتی بفلسطین اعزام شد تا بازرسیها و بازجوئی های دقیقی بعمل آورد و گزارش خود را بضمیمه نقشه اصلاح امور آنجا پیشنهاد کند ضمنا چون حوادث آنجا بیش از پیش رو بوخامت میرفت نیروئی بانجا اعزام و در اوائل ژوئن يك کشتی جنگی نیز بحیفا روانه شد و زدو خوردهایی در فلسطین روی داد که گاه بین اعراب و یهود و گاه بطرفیت یاسبانان انگلیسی بود

کمیسیون مخصوص سلطنتی در فلسطین - بازرسی های کامل کرده ضمن گزارش خود طرحی راجع به تقسیم فلسطین بین اعراب و یهود تقدیم داشت که مورد توجه و تصویب قرار گرفت ولی این تقسیم از طرف اعراب که قسمت کوچکتر بانها تعلق میگرفت مورد موافقت و رضایت قرار نگرفت و در بعضی محافل انگلیسی نیز مورد اعتراض شد تا آنجا که او اواخر سپتامبر « ادن » وزیر خارجه انگلستان درین خصوص نطق مبسوطی در مجلس انگلیس ایراد کرده موضوع تقسیم فلسطین را شرح داد ضمنا پیشنهاد کرد که هیئت مخصوصی هم برای رسیدگی های دقیقتر روانه فلسطین گردد

اما مخالفت اعراب نسبت با این قسمت رفته رفته بوخامت انجامیده در روز های آخر ماه سپتامبر آندروز « کمیسر انگلیس در جلیله » و ماک او اند رئیس انگلیسی شهر بانی فلسطین بدست اعراب بقتل رسید و کشتارها و حوادث خونین دیگری پی در پی وقوع یافت بطوری

که دولت قیم (انگلیس) تصمیم گرفت باین حوادث خاتمه دهد و سپس دولت انگلیس اعلامیه مفصلی در تمامی فلسطین انتشار داد و ضمن آن اشعار داشت که بر حسب اختیارات حکمران کل فلسطین و بموجب مقررات مصوبه شورای دفاع فلسطین در سال ۱۹۳۷ کمیته عالی عرب و تمام کمیته های فلسطین جزو تشکیلات غیر قانونی اعلام و حکم توقیف جمعی از روسای بزرگ تشکیلات مذکور و تبعید آنها صادر میشود و آن عده عبارت بودند از جمال افندی - الحسینی - احمد حامی پاشا - فؤاد افندی صبحا - یعقوب افندی حسینی دکتر حسین فکری افندی الخایمیدی که همه از پیشوایان بزرگ عرب بودند و نیز حاج امین افندی الحسینی مفتی اعظم از ریاست شورای عالی عرب و ریاست کمیته کل اوقاف منفصل و مورد تعقیب قرار گرفت و گفتند که مشارالیه علاوه بر تخریب کات مستقیم در اوضاع اخیر تصرفاتی در اموال وقف کرده است و نیز رئیس حزب عرب و منشی کمیته عالی اعراب و شهردار اورشلیم و رئیس تشکیلات جوانان اعراب منفصل و درین میانها یک عده دستگیر شدند، جمال افندی الحسینی فرار کرد و مفتی اعظم در مسجد عمر متحصن گردید، نیروی انگلیس مسجد را محاصره کرد و او را تحت مراقبت گرفت ولی مفتی روز ۱۱ اکتبر بالباس مبدل موفق به فرار شد و از آنجا یکسره به بیروت رفت و ناپدید گردید و پس از یک چند بلا تکلیفی دولت فرانسه با شرط اینکه اقدامات سیاسی نکند بوی اجازه داد که در لبنان بماند ولی مفتی پیش از آن اعلامیه ای در فلسطین منتشر کرده بود که بموجب آن همه اعراب دعوت بمبارزه بر علیه تعدیات وارده میشدند، درین اوقات در نقاط مختلفه فلسطین گذشته از حوادث و اغتشاشات مختلفه بین اعراب و نیروی انگلیس زد و خورد هائی هم که صورت جنگ داشت بوقوع پیوست و سال ۱۹۳۷ در آنجا باین ترتیب بی پایان رسید.

آلمان - دولت آلمان در سال ۱۹۳۷ مکرر با اقداماتی توجه تمامی ملل دنیا را بخود معطوف ساخت که در میان آنها از همه

مهم تر باید اولاً تحکیم روابط و اتحاد کامل اورا با ایتالیا (در مقابل اتحاد و تشریک مساعی کامل فرانسه و انگلیس) و ثانیاً دعاوی مستعمراتی او شمرد .

بهبودی روابط ایتالیا و آلمان که از سالهای پیش شروع شده بود درین سال به اوج ترقی خود رسید علاوه بر تشریک مساعی و هم فکری و همکاری در مورد قضایای اسپانیا و مطالب مربوطه که قسمتی را در مورد کنفرانس مدیترانه اشاره خواهیم کرد در مسائل بین المللی و مسائل داخلی خود نیز همفکر و همقدم بودند

نطقهای پیشوای ایتالیا و نطق هیتلر در کنگره نورمبرگ این وحدت نظر را کاملاً فاش و ثابت ساخت و سپس مسافرت موسولینی به آلمان در ۲۵ سپتامبر و توقف چند روزه او در آنجا و مذاکرات با پیشوای آلمان آخرین و بالاترین مرحله تحکیم روابط دو کشور بود ، این مسافرت و ملاقات بطوریکه گفته شد چند نتیجه بخشید که عبارت بود از برسمیت شناختن امپراطوری ایتالیا در حبشه - همکاری ایتالیا و آلمان بر علیه اقدامات و عملیات بین الملل سوم - برسمیت شناختن حکومت شورشیان اسپانی - موافقت ایتالیا با استرداد مستعمرات آلمان - ادامه عدم مداخله در جنگ اسپانی و نداشتن قصد تصرف هیچ قسمت از خاک اسپانی از طرف هر دو دولت - تشریک مساعی دو کشور در کلیه مسائل سیاسی بین المللی خصوصاً مسائل مربوط بحوزه دانوب و موضوع اتریش و بطور کلی تشریک مساعی معنوی دو کشور

البته هر یک از این مسائل در ماههای بعد اثراتی بخشید و بمرحله عمل رسید ، آلمان پادشاه ایتالیا را امپراطور ایتالیا و حبشه خطاب کرد . دولت ایتالیا در پیمان ضد کمونیزم که در سال ۱۹۳۶ بین آلمان و ژاپون بر علیه بین الملل سوم و تبلیغات باشو بسم منعقد شده بود شرکت جست و پیمان سه طرفه در ماه دسامبر امضا رسید و چندی پس از آن ایتالیا مثل آلمان رسماً جامعه ملل را ترک گفت

هر دو کشور حکومت شورشیان اسپانی را به رسمیت شناخته
 سفیر و نماینده بخاک شورشیان فرستادند و درین اثنا آلمان
 دعاوی مستعمراتی خود را که از مدتی پیش گفت و شنودی راجع
 بان داشت پیش کشیده سخنهایی را که از آغار سال ۱۹۳۷ شروع
 شده بود قوت داده و در تعقیب اشاره موسولینی در نطق خود باینکه
 باید مستعمرات آلمان مسترد شود فن ریبین توپ رسماً از طرف
 آلمان در لندن مسئله دعاوی مستعمراتی آلمان را طرح کرد
 و سپس لرد هالینا کس از انگلستان ببرلن مسافرت کرد اگرچه
 نتیجه این مسافرت مخفی ماند ولی مسلماً قسمت عمده آن بمسئله
 مستعمرات مربوط بود و بعد بازهم مسافرتهای شوتان و دلبوس رئیس-
 الوزراء و وزیر خارجه فرانسه بانگلستان و مسافرت دلبوس از آنجا
 بطرف اروپای مرکزی و عبور از آلمان و مذاکره با فن نورات
 وزیر خارجه آلمان تماسی باین قضیه داشت ولی بطور کلی باید گفت
 که آلمان درین سال حاصلی ازین دعاوی و اقدامات خود نگرفت و شاید
 باین زودی هم موفق نشود زیرا انگلستان ببحث درین مسئله را زود
 دانسته و معتقد است که این مطالب باید با جلب نظر تمام دول رسیده
 شود چه اینکه بسیاری از دولتها حاضر نمیشوند دست از مستعمرات
 کنونی خود بردارند و آنهارا باین عنوان که بیش از جنک بین المالی
 بالمان تعلق داشته است باو باز پس دهند

ضرری ندارد که در پایان همین قسمت اشاره کنیم که مسافرت
 دلبوس وزیر خارجه فرانسه در ماه اخیر باروپای مرکزی و بیمودن
 خط سیری که اگر روی نقشه جغرافیا کشیده شود کاملاً خطی دایره
 مانند در بیرامون المان تشکیل میدهد و مذکرانی که بازمامداران
 و وزرای کشورهای لهستان، یوگوسلاوی، رومانی، چکوسلاواکی
 و غیره بعمل آورد تأثیری مهم در سیاست اروپا و هم در نظریات
 و نقشه‌های سیاسی آلمان داشت ولی البته نمایان شدن این تأثیرات
 از مسائلی است که در ماه‌ها و بلکه سالهای بعد صورت خواهد گرفت

انجمن نیون - در سال ۱۹۳۷ چندین کنفرانس و انجمن بین چند دولت تشکیل گردید که هر يك منظوری اقتصادی یا اجتماعی یا سیاسی را تعقیب کرده نتایجی نیز کما بیش دادند ولی از این میان دو انجمن نسبت بد بگران اهمیت بسیار داشت یعنی یکی بلحاظ جلب توجه همه دنیا اهمیت داشت و آن کنفرانس نه دولت یا کنفرانس بروکسل بود که برای رسیدگی بقضایای چین تشکیل یافت و ما شرح آن و بی نتیجه ماندن آنرا در قسمت وقایع چین وزاین نگاشتیم و دیگری که شاید از لحاظ بین المللی و روابط بین دولتهای بزرگ اهمیت خاصی داشت کنفرانس نیون یا کنفرانس دولتهای مجاور دریای مدیترانه بود، این کنفرانس در تعقیب حوادثی که در کبر و دار جنک اسپانیا در دریای مدیترانه روی داده و امنیت کشتیهای تجارتي و غیر تجارتي بعضی دول را تهدید میکرد بر اثر اقدام و ابتکار انگلیس و فرانسه و مذاکرات و تصمیمات قبلی و دعوت آنها تشکیل یافت و منظور آن چنانکه دلبوس وزیر خارجه فرانسه ضمن نطقی گفته بود: تقویت مبانی حقوق بین المللی راجع بکشتی رانی در مدیترانه بود و البته خوانندگان میدانند که این کشتی رانی و امنیت آن از لحاظ ارو پائی چقدر اهمیت دارد و راهزنی هائی که در دریای مدیترانه روی داده و این امنیت را متزلزل میساخت چقدر زیان بخش و خطرناک بود، مذاکرات فرانسه و انگلیس درین خصوص از اواخر اوت و اوایل سپتامبر ۱۹۳۷ شروع شد و از آغاز دو دولت مذکور دو نکته را در نظر داشتند یکی اینکه آیا ممکن است بجریان حوادث واقعه در دریای مدیترانه که کارهای کمیته عدم مداخله در جنک اسپانی را بی نتیجه گذارده و امنیت مدیترانه را متزلزل میساخت خاتمه داد و دیگر آنکه هنگامی که وقوع حوادث اخیر در مدیترانه و سواحل اسپانی اصول عدم مداخله در اسپانی را منهدم سازد فرانسه و انگلیس چه رویه را باید اتخاذ و تعقیب کنند.

بالاخره شب پنجم سپتامبر در مقدمات کنفرانس موافقت بین فرانسه و انگلیس حاصل و دعوتنامه برای ایتالیا، شوروی، آلمان، رومانی، چکوسلواکی، آلبانی، بلغارستان، مصر و ترکیه ارسال و از آلمان هم بمناسبت شرکت در امر بازرسی بین المللی دعوت شده دولتهای مجاور دریای سیاه هم بمناسبت ذینفع بودن در مسئله عبور از مدیترانه بشرکت درین انجمن دعوت شدند.

در تعقیب ارسال دعوتنامه یونان، مصر، رمانی، ترکیه، بلغارستان اتحاد جماهیر شوروی دعوت را پذیرفتند. اما ایتالیا نپذیرفت زیرا در همان اوقات بود که دولت شوروی یادداشت شدیدالحنی با ایتالیا فرستاده و بر ضد حملانی که در دریای مدیترانه به کشتی های او وارد آمده بود سخت اعتراض کرد و زیر دریائی های ایتالیا را به ارتکاب این حملات متهم ساخت و ایتالیا در جواب آن یادداشت اتهامات را وارد ندانست و شوروی باز آنرا تایید کرد و خسارت و جبران طلبید و ایتالیا که از آغاز هم قصد شرکت در کنفرانس نداشت باین بهانه متوسل شد که شوروی باین وسیله میخواهد مانع از حضور ایتالیا در کنفرانس و مانع از حصول موفقیت کنفرانس شود و باین جهت ایتالیا حاضر بشرکت در کنفرانس نیست

آلمان نیز همینطور پاسخ داد یعنی هر دو پاسخ خود را با جاب نظر و توافق یکدیگر تنظیم کردند.

چون چنین شد بر حسب پیشنهاد هائی که داده شد مقرر گردید کنفرانس بدون توجه باین رد دعوتها تشکیل شود و همین طور هم عمل شد؛ روز دهم سپتامبر اولین جلسه کنفرانس در «نیون» که شهر کوچکی در شمال ماری می باشد تشکیل یافت و پس از نطقها و گفت و شنودها و مذاکرات بیمانی تهیه شد و روز ۱۲ سپتامبر باهضاء رسید که خلاصه مفاد پیمان بشرح ذیل بود:

در مقدمه پیمان قید شده بود که امضا کنندگان آن بدولت جمهور یخواه اسپانیا یا شورشیان عنوان متخاصم اطلاق نمیکنند و

از کتابهای سودمند

مخصوصاً برای خانمها - بالاخص دخترانی که طالب ازدواج هستند و خانمهایی که بشوهران جوان و اطفال شیرین خود علاقمند میباشند . — فواید بسیار خواهند برد اگر :

کتاب ازدواج و اندرزهای طبیی و صحیحی آقای دکتر یحیی شهر دار را خریداری و مطالعه کنند
این کتاب حقا از کتابهای خواندنی است و مخصوصا بخوانندگان سالنامه پارس مطالعه این کتاب مفید توصیه میشود .

کشتی های طرفین حق ندارند در وسط دریا رفت و آمد کرده کشتی ها را مورد بازرسی قرار دهند ولو آنکه طبق مقررات جنگ دریائی رفتار کنند و خلاصه مقررات قرار داد عبارت بود از : هر کشور تاهمین امر بازرسی در آبهای ساحلی خویش را عهده دار خواهد شد . امضا کنندگان قرار داد متعهد میشوند در تمام قسمت های دریای مدیترانه امر بازرسی را تامین کنند . هر زیر دریائی که طبق قواعد مشروحه در اعلامیه منتشره از لندن در سال ۱۹۳۶ رفتار نکنند راهزن دریائی محسوب خواهد شد . هر زیر دریائی که یکی از کشتی های تجارتي را مورد حمله قرار دهد بوسیله کشتی جنگی دولتی که کشتی تجارتي متعلق بان میباشد غرق خواهد شد ولو آنکه زیر دریائی مزبور طبق قواعد انسانیت مشروحه در اعلامیه ۱۹۳۶ لندن رفتار کرده باشد . امر نظارت مخصوصا از طرف ناوگان فرانسه و انگلیس عملی خواهد شد و برای اجرای این امر دولتین رزم ناو و ناوشکن بکار خواهند برد این قرار داد ضمیمه می نیز داشته و طبق آن راه هائی که باید کشتی ها از آن عبور کنند و از حمایت بین المللی استعانت جویند تعیین گردید سپس قرار گذاشتند که مفاد قرارداد بایتالیا نیز اعلام و در خواست همکاری از وی شود ایتالیا در جواب این اعلام اظهار

تشکیلات دربار شاهنشاهی

۱۵۰۱

۱۶۲۰۱۲

جناب آقای حسین سمیعی رئیس دربار شاهنشاهی

« نظام قراکزلو رئیس تشریفات سلطنتی

آقای جهانگیر مراد رئیس باغات سلطنتی

« سرگرد کاوسی رئیس دائره شکاربانی

« یوسف شکرانی رئیس دفتر دربار شاهنشاهی

« امیر دولو رئیس دائره چادرخانه

« توفیقی رئیس سراپدار خانه

« ابوالفتح اتابای رئیس کاراز و اصطبل

دفتر مخصوص شاهنشاهی

جناب آقای حسین شکوه رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

آقای رحیم هیراد رئیس رمز دفتر مخصوص شاهنشاهی

پیشکاری ولایتعهد

جناب آقای دکتر مؤدب نفیسی پیشکار ولایتعهد

آقای علی ایزدی متصدی دفتر

اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

آقای حسن سهیلی رئیس اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

« حسین شیبانی رئیس دائره املاك شاهنشاهی

« نورالدین (فتح اعظم) رئیس دائره حسابداری

« عبد الله نعیمه رئیس دفتر اداره حسابداری

داشت که به بازرسی در قسمت محدود دریای « تیرنیم » که در

ضمیمه قرارداد ذکر شده رضایت ندارد و نساوی می خواهد .

بعداً فرانسه و انگلیس از ایتالیا رسماً دعوت کردند که در بازرسی

دریای هدیتیرانه شرکت کند .

البته این کنفرانس چنانکه در آغاز گفتیم نتایج مطلوبی بخشید

و در تعقیب همین کنفرانس و نتایج حاصله از آن بود که یکچند اسپانی

یعنی هر دو طرف جنگجوی آن خود را تقریباً تنها یافتند ! .



جناب آقای محمود جم رئیس الوزرا

تشکیلات دفتر ریاست وزرا
 ۱۴۱۹۱
 ۱۶۲۱۰۲۵

جناب آقای یحیی دبیا معاون ریاست وزراء

آقای ابراهیم دادمرز رئیس دفتر ریاست وزراء

آقای عبدالحمید ملک الکلامی - آقای محیی الدین صفا حائری - آقای

برومند - آقای فتح الله معیری - آقای غلامحسین حامد - آقای علی

روحانی - آقای ابوالقاسم قلمزن - آقای سید رضا نصر - آقای تقی

قوامزاده - آقای شکر الله حجازی - آقای احمد منصف تهرانی - آقای

ابوالقاسم هدايت - آقای شمس الدین و کیلی - آقای صمد هوشیار

تشکیلات وزارت معارف

۱۱۱۱۷
۱۶۱۰۲۲



(تشکیلات مرکزی وزارت معارف عبارتست از :
حوزه وزارتی - مدیریت کل ادارات حسابداری - اوقاف - تعلیمات مرکزی و امتحانات کارگزینی - تعلیمات عالیہ - بازرسی - دفتر وزارتی - تربیت بدنی و پیشاهنگی - تعلیمات ولایات - دبیرخانه شورای معارف - باستان شناسی - تعلیمات اکابر - موسسه مردم شناسی انطباعات و دائره آمار)

جناب آقای حکمت وزیر معارف

- جناب آقای دکتر ولی الله نصر مدیر کل وزارت معارف
آقای محمد برزین رئیس اداره حسابداری
« ابوالقاسم فیوضات » « کل اوقاف »
« ابراهیم شمس آوری » « تعلیمات مرکزی و امتحانات »
« حسن فرزاد » « کارگزینی »
« دکتر مهدی وکیل » « تعلیمات عالیہ و دبیرخانه دانشگاه تهران »
« محمد یزدانفر کفیل اداره بازرسی »
« حسین فرهودی رئیس اداره دفتر وزارتی »
« توماس گیسن » « تربیت بدنی و پیشاهنگی »
« مهدی ایرانی » « تعلیمات ولایات »
« حبیب الله مظفری » « دبیرخانه شورای عالی معارف »

تشکیلات وزارت خارجه

۴۳۷۴۲

۳۲۳۳

جناب آقای مصطفی عدل
 معاون کل جناب آقای محسن
 رئیس مدیر کل امور سیاسی
 جناب آقای موسی نوری
 اسفندیاری مدیر کل امور
 اداری - آقای جمفر
 یا کنظر رئیس دفتر
 وزارت - آقای ابوالحسن
 بهنام مدیر شعبه رمز و عضو
 مقدم اداره دفتر وزارت
 آقای عبدالحسین انصاری
 رئیس تشریفات - آقای
 مسعود معاضد رئیس اداره
 امور قنسولی - آقای محمود
 صلاحی رئیس کارگزینی
 ومحاكمات اداری - آقای
 مهدی فروبار عضو مقدم



جناب آقای سمیع وزیر خارجه

آقای حسین کی استوان بازرس وزارت - آقای علی معتمدی رئیس
 اداره یکم سیاسی - آقای رضا صفی نیا عضو مقدم - آقای دکتر
 حسین قدیمی مدیر دائره جامعه هلال - آقای عبد الصمد علی آبادی

رئیس اداره باستان شناسی

کفیل اداره تعلیمات اکابر

رئیس مؤسسه مردم شناسی

کفیل اداره کل انطباعات

رئیس دایره آمار

آقای دکتر فرهمندی

« اسدالله فحیم »

« یرفسور هاز »

« عبدالله رهنما »

« فتحعلی خواجه نوریان »

مدیر دفتر محرمانه - آقای حسین پاشا نوائی رئیس بایگانی
 آقای حسن زندی عضو مقدم اداره دوم سیاسی - آقای محمدحسین
 نجم عضو مقدم اداره مستشاری - آقای حسین زنجانی عضو مقدم
 اداره سوم سیاسی - آقای سیف الدین بهمن مدیر دائره تنظیمات
 آقای عبدالحسین صدیق اسفندیاری مدیر دائره اقتصادیات - آقای
 عبد الرحیم ارفع مدیر دایره گذر نامه - آقای حسن کریمی مدیر
 دائره ثبت احوال - آقای غلامعلی صمصامی مدیر دایره احوال
 شخصیه - آقای غلامعلی اردلان عضو مقدم اداره اطلاعات

نمایندگان و مأمورین دولت شاهنشاهی در خارجه

سفیر کبیر شاهنشاهی در کابل جناب آقای علی اکبر بهمن

» » » در آنکارا » خلیل فهمی

» » » در مسکو » انوشیروان سپهبدی

وزیر مختار شاهنشاهی در لندن » علی سهیلی

» » » در برلن » نادر آراسته

» » » در رم » محمد ساعد مراغه

» » » در بروکسل » تقی نبوی

» » » در بالکان » محمد علی مقدم

» » » در استکهام » اسد بهادر

» » » در بغداد » مظفر اعلم

» » » در ورشو » حمید سیاح

» » » در قاهره » جواد سینکی

نمایندہ دائمی » در جامه مال (زنو) » عبدالله بهرامی

دبیرستانها و دانشسراهای شهرستانها که در سال ۱۳۱۶

ساختمان آنها بپایان رسیده و رسماً افتتاح شده است .

۱ - دبیرستان فردوسی بندر بهاوی ۲ - دبیرستان خسروی خوی

۳ - دبیرستان سعدی اصفهان ۴ - دانشسرای دختران کرمان

ضمناً برای دانشسرای پسران مشهد عمارت جدیدی خریداری

شده و ساختمان سالن دانشسرای دختران تبریز هم در سال جاری

بپایان رسیده است .

مستشار سفارت شاهنشاهی در توکیو آقای علیمحمد شبیبانی	
شارژدافر	» در برن
مستشار و شارژدافر	» در پاریس
ژنرال قنصل شاهنشاهی در استانبول	»
»	» در بیروت
»	» در قزاقستان
»	» در بادکوبه
»	» در هندوستان
متصدی ژنرال قونسولگری در هامبورگ	»
»	» در هرات
»	» در عشق آباد
قنصل شاهنشاهی در بمبئی	»
»	» در کراچی
»	» در چخانسور
»	» در بغداد
»	» در کربلا و نجف
»	» در سلیمانیه
»	» در خانقین
»	» در ازمیر

تعلیمات اکابر - در سال تحصیلی جاری علاوه بر تأسیس ۱۷۰۰ کلاس اکابر ۲۱ باب دبیرستان شبانه نیز برای تکمیل تحصیلات کسانی که موفق بادامه تحصیلات خود نشده اند در نقاط مختلف کشور تشکیل گردیده و علاوه از اول مهر ماه برای تعقیب تحصیلات کسانی که دارای گواهینامه شش ساله ابتدائی نیستند اقدام بتاسیس ۱۱۸ کلاس پنجم و ششم ابتدائی شده در این کلاسها در آخر آبان ۱۳۱۶ - ۲۳۰۵ نفر شاگرد از طبقات مختلف تحت تعلیمات ۱۵۹ آموزگار در مرکز و کاپیه حوزه های معارفی مشغول تحصیل میباشند.

« هاشم مکرم نورزاد	» در فاسطین	»
« عبدالله ممتاز	» در نخجوان و ایروان	»
« فریدون راده‌یر	» در باطوم	»
« محمد فهیمی	» در بصره	»
« محسن وافی	» در طرابوزان	»
« محسن اتابکی	ویس قنسول شاهنشاهی در دمشق	
« عباس رفعت	» در کویته	»

سفرا و وزراء مختار خارجه در تهران

S. Exc. M. Mehmet Euis Aka gen	سفیر کبیر ترکیه
S. Exc. M. Alexei Tchernikh	سفیر کبیر شوروی
S. Exc. Sardar Ahmad Ali Khan	سفیر کبیر افغانستان
S. Exc. M. Stanislas Hempel	وزیر مختار لهستان
S. Exc. M. le Dr. Andreas Tosrup Urbye	وزیر مختار نروژ
S. Exc. M. Jurgis Baltrusaitis	وزیر مختار لیتوانی
S. Exc. M. Ove Engell	وزیر مختار دانمارک
S. Exc. M. le Baron Aarno Yrjo-Koskinen	وزیر مختار فنلاند
S. Exc. M. Charles Buchberger	وزیر مختار اتریش
S. Exc. M. Khalid Suleyman	وزیر مختار عراق
S. Exc. M. le Dr. Hans Smend	وزیر مختار آلمان
S. Exc. M. P. A. van Buttingha Wichers	وزیر مختار هلند
S. Exc. M. Grégoire Constantinesco	وزیر مختار رمانی
S. Exc. M. Abdol Rahman Azzam Bey	وزیر مختار مصر
S. Exc. M. Hugo Von Heidenstam	وزیر مختار سوئد
S. Exc. M. Horac. James Seymour	وزیر مختار انگلیس
S. Exc. M. Egbert Graeffe	وزیر مختار بلژیک
S. Exc. M. Albert Bodard	وزیر مختار فرانسه
S. Exc. M. Luigi Petrucci	وزیر مختار ایتالیا
S. Exc. M. Shoichi Nakayama	وزیر مختار ژاپون

تشکیلات وزارت عدلیه $\frac{۲۱۸۹۰}{۱۶۷۱۰۱۶}$

جناب آقای محمد سروری
معاون وزارت عدلیه

دفاتر اختصاصی

آقای محمود بهرامی رئیس
کل دفتر وزارتی - آقای
تقی بهنام رئیس دارالانشاء
آقای محمد مجلسی رئیس
بازرسی کل کشور و دفتر
محرمانه - آقای داود پیرنیا
رئیس دفتر کل بازرسی و
تشکیلات و کلاه

اداره امور قضائی

آقای جواد عامری مدیر
کل امور قضائی - آقای
محمد علی بوذری رئیس
اداره نظارت - آقای حبیب



جناب آقای متین دفتری وزیر عدلیه

آموزگار رئیس قسمت رویه قضائی - آقای حسین معینی رئیس بازرسی
آقای کریم رستگار رئیس دفتر شکایات - آقای عزیز الله سلجوقی
رئیس دبیرخانه - آقای جمال الدین اخوی رئیس اداره حقوقی
آقای غلامحسین وثیقی رئیس مشاوره حقوقی - آقای علی سیاسی
رئیس اداره فنی - آقای دکتر جلال عبده معاون و رئیس مطبوعات
کتابخانه و رئیس پارک و کلاه

اداره کل امور اداری

آقای کاظم مظاهر مدیر کل امور اداری

آقای باقر شریفی رئیس اداره بازرسی امور ادارات - آقای محمود مقومی رئیس اداره حسابداری - آقای محمدمہر یار رئیس اداره کارگزینی

دیوانعالی تمیز

جناب آقای نصر اللہ تقوی رئیس

آقای شفیع جہانشاہی رئیس شعبہ دوم - آقای حسن فلسفی رئیس شعبہ سوم - آقای محمد قمی فاطمی رئیس شعبہ چہارم - آقای عبدالحسین صدری رئیس شعبہ پنجم - آقای صادق بروجردی شگرف - آقای حسین رضوی مستشاران شعبہ (۱) آقای محمود دفتری مستشار شعبہ (۲) آقای محمدعلی بامداد و آقای عبدالرحیم رهنما مستشاران شعبہ (۳) آقای اسد اللہ ممقانی و آقای مرتضی نجم آبادی مستشاران شعبہ (۴) آقای محمد جوان و آقای حسن مشکان طبسی مستشاران شعبہ (۵) آقای ابوالحسن حائری زاده و آقای علی ہیئت و آقای دکتر جلال قاضی مستشار
محکمہ انتظامی - آقای محمد عبدہ رئیس
 آقای عبدالمہدی طباطبائی و آقای مہدی آشتیانی عضو

پارکہ تمیز - جناب آقای محمد رضا وجدانی مدعی العموم
 آقای محمد رضا ابروانی - آقای علی حائری شاہ باغ - آقای ابوتراب مولوی - آقای دکتر محمود افشار - آقای احمد زنجانی و آقای دکتر حسن عظیمی و کیل عمومی

محکمہ استیناف مرکز - آقای عبد العالی لطفی رئیس
 آقای غلامرضا گرکانی رئیس شعبہ (۲) آقای علی اکبر موسوی زاده رئیس شعبہ (۳) آقای احمد ہدایتی رئیس شعبہ (۴)
 آقای حسین نقوی رئیس شعبہ (۵) آقای باقر طایعہ رئیس شعبہ (۶)
 آقای مرتضی قمی دادبان رئیس شعبہ (۷) آقای مرتضی ویشگانی رئیس شعبہ (۸)

پارکہ استیناف مرکز - آقای رضی عمید مدعی العموم استیناف

۱۴۸۸۰

۱۶۷۹۲۲

تشکیلات وزارت طرق

۱ - حوزه وزارتی

جناب آقای مجید آهی وزیر طرق

» د کتر محمد سجادی معاون کل

۲ - ادارات مرکزی

آقای محسن مدحت رئیس اداره دفتر وزارتی

» مهندس عباس ورنوس کفیل مؤسسه راه آهن دولتی ایران

» « تیمور ملک اصلانی رئیس اداره بازرسی

» « جعفر افشار رئیس اداره کل طرق

» اسکندر یاسدار کفیل اداره حسابداری

» مهندس پرویز بهمن رئیس اداره نظارت ساختمان راه آهن

» نصرت الله دولنداد کفیل اداره بنادر

» محمود دره رئیس اداره کارگزینی

» یاسیار ۲ اشرفی کفیل اداره پاسبانی راه آهن

دیوان جزا ۱ - آقای ضیاء الدین کیا نوری رئیس - آقای کاظم

شهیدی رئیس شعبه (۲) آقای یوسف جوادی مدعی العموم

مجاکم بدایت مرکز - آقای احمد امامی رئیس - آقای

حسن خشکبانی رئیس شعبه (۲) - آقای احمد اشتهاردی رئیس

شعبه (۳) - آقای امرالله سپهبدی مبصر رئیس شعبه (۴) - آقای د کتر

حسن امامی رئیس شعبه (۵) - آقای مهدی وحدت رئیس شعبه (۶)

آقای یحیی طباطبائی رئیس شعبه (۷) - آقای عمادالدین مظهری

رئیس شعبه (۸) - آقای عبدالله معقول رئیس شعبه (۹) - آقای

موسی کوردزی رئیس شعبه (۱۰)

پارک بدایت طهران - آقای غلامعلی فرهت مدعی العموم

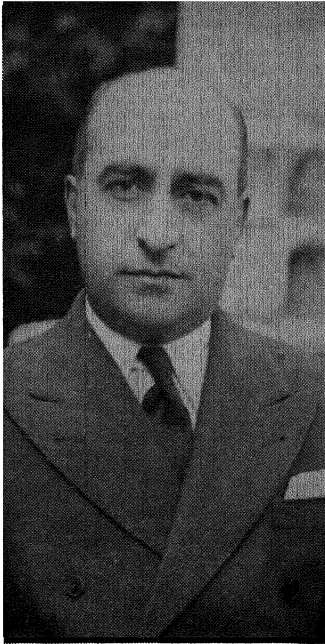
آقای د کتر محمد حسین ادیب یزشک قانونی

محکمه شرع - آقای سید محمد رضا افجه رئیس

مجاکم صلح - آقای مرتضی سرمد رئیس

تشکیلات وزارت مالیه

۴۷۴۹۷
۱۶/۱۰/۱۹



جناب آقای محمود بدر وزیر مالیه

جناب آقای الهمیار صالح معاون
« عباسقلی گلشائیان »
مدیر کل - جناب آقای محمد
علی وارسته مدیر کل
آقای عبد الحسین بهنیا
رئیس اداره دفتر وزارتی
آقای حسن روستا کفیل
اداره کل بازرسی - آقای
دکتر مرتضی آرموده کفیل
اداره آمار و اطلاعات
آقای علی اکبر وثیقی کفیل
اداره حقوقی

۲ - خدمات

اختصاصی وزارت مالیه

آقای منوچهر منوچهریان
رئیس اداره کارگزینی
آقای عبد الحمید حمیدی
رئیس اداره حسابداری

آقای عبد العظیم فروغان رئیس اداره کارپردازی

۳ - ادارات وصول

کفیل اداره کل گمرک	آقای دکتر علی امینی
رئیس « نفت و امتیازات	« نصرالله جهانگیر
» « مالیات غیر مستقیم	» منوچهر نیک بی
کفیل « مالیات بر درآمد	» غلامحسین فروهر

رئیس انحصار تریاك	آقای مصطفی قلی رام
» اداره درآمد معادن	» فضل الله صهبا
كفیل » خالصجات كل کشور	» سید نور الدین استوان
رئیس » خالصجات خوار	» د کتر تقی بهرامی
» » خالصجات ورامین	» حبیب الله شبیانی
» » نظارت وصول درآمد	» محمد نجم آبادی

۴ - ادارات حسابداری کشوری

رئیس اداره خزانه داری كل	آقای شمس الدین سبکبار
» » بودجه	» موسی شبیانی
كفیل » حسابداری معوقه	» عبدالله عون جزایری

۵ - ادارات قضائی

رئیس دیوان كل محاسبات	جناب آقای شمس الدین جلالی
» » مدعی العموم دیوان محاسبات	» مصطفی کاظمی
رئیس دیوان محاکمات	آقای حسن ناصر
» » مدعی العموم دیوان محاکمات	» محمد رضا منصور

۶ - سایر خدمات عمومی کشوری

رئیس اداره تثبیت نرخ غله	آقای لقمان نفیسی
كفیل کمیسیون ارز	» محمود زریمان
رئیس اداره نقاعد کشوری	» محمد علی گرکانی
» اداره خرید جنس ارتش	» احمد هرمزد
» » صادرات و واردات	» ابوالفتح اعتصامی
» » تعویض املاك	» سید منیر الدین احمدی
» » ضرابخانه	» ابوالحسن آق اولی
» » واریسی و تعقیب قاچاق	» اسدالله داودی

۷ - بازرسهای دولت در بانکها

بازرس دولت در بانک ملی ایران	آقای عبدالحسین هزیر
» » در بانک فلاحتی و صنعتی ایران	» د کتر تقی نصر

تشکیلات وزارت داخله

۱۷۷۵۱
۱۶۲۳ ر ۱۰ ا ۱۶



مدیر کل وزارت داخله و رئیس
اداره کل مرکزی جناب
آقای احمد فریدونی - کفیل
اداره کل امور کشور
آقای حسین نواب - کفیل
اداره کل بازرسی - آقای
فتح الله کلانتری رئیس اداره
کل امور شهر داریهما
آقای مهندس غلامعلی
میکده - رئیس اداره کار
گزینی آقای فخرالدین وفا
رئیس اداره دفتر وزارتی
آقای محمد علی شکوه
کفیل اداره حسابداری
آقای علی اصغر مقدم - کفیل
اداره عمران و اسکان آقای
محمد علی قوامیان - کفیل

اداره تابعیت و آمار آقای جناب آقای فروهر وزیر داخله

دکتر محسن نصر - کفیل اداره سیاسی آقای دکتر فتح الله جلالی
کفیل اداره تبلیغات آقای علی اصغر حجازی

روز ۳ شنبه پنجم بهمن آقای بهرامی شهردار طهران بریاست
اداره کل آمار و ثبت احوال و آقای سر تیب هوشمند بجای ایشان به
شهرداری تهران منصوب و معرفی شدند - بدین جهت چاپ تشکیلات
ادارات نامبرده بسالنامه ۱۳۱۸ مو کول میشود .

تشکیلات وزارت تجارت

جناب آقای حسین علاء وزیر تجارت

« « صادق وثیقی معاون

آقای عبدالعزیز کسلانتری رئیس اداره دفتر وزارتی - آقای ناصرقلی آفاخانری رئیس اداره بازرسی - آقای احمد ناصر رئیس دایره کارگزینی - آقای ابوالحسن ابتهاج رئیس اداره نظارت بر شرکتهای - آقای احمد معزی رئیس اداره پروانه ورود - آقای هادی انصاری رئیس دبیرخانه پروانه ورود - آقای محمد رضا خرازی رئیس دایره درخواست و سهمیه - آقای عبدالله نصر رئیس دایره ثبت تصدیقات صدور - آقای هادی سیاح سیانلو رئیس اداره آمار عهود و اطلاعات تجارتنی - آقای فرخ دین یارسای رئیس دایره نشریات و تبلیغات تجارتنی - آقای تقی اعتصام رئیس اداره صادرات و واردات - آقای جلیل وافی رئیس دایره شوروی و تهااتر آقای اسدالله شاهین نوری رئیس اداره حسابداری - آقای ابوالقاسم صدر رئیس اداره سنک و اندازه - آقای علی اکبر بهپور رئیس دایره اطاقهای تجارت و ثبت تجار و علامات صنعتی و تجارتنی

مأمورین خارجه

آقای علیمحمد اوپسی نماینده تجارتنی ایران در شرق (مرکز بمبئی)
آقای محمود عامری نماینده تجارتنی ایران در امریکا

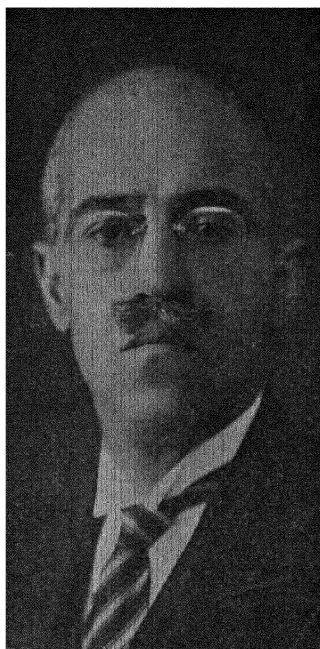
مأمورین داخله

آقای عبدالله نجات نماینده در کمرک طهران - آقای حسن فاطمی نماینده در کمرک خرمشهر - آقای محسن نجم آبادی نماینده در کمرک مشهد - آقای اسدالله آزمون نماینده در کمرک زاهدان

تشکیلات وزارت صناعت و معادن

۳۱۲۰۷

۷۵۸۷



جناب آقای محمد علی مجد
 معاون - آقای یحیی نجم
 آبادی مدیر کل اداره امور
 مرکزی - آقای دکتر
 محمد هوتمن، دفتر و دار-
 الترجمه - آقای نصر الله
 شیبانی باز رسی - آقای
 خسرو افخمی، کارگزینی
 آقای یحیی نجم آبادی
 امتیازات و امور حقوقی -
 آقای دکتر ابوالقاسم شیخ
 تعلیمات

اداره کارخانها

آقای منصور خمسی کار
 خانهای قند - آقای سعدالله
 درویش، چغندر کاری -
 آقای نصر الله شریفی،

جناب آقای فرخ وزیر صناعت و معادن

کارخانهای نساجی - آقای
 مهندس رضا شهیدی، کارخانهای سیمان - آقای عیسی یانس، رنکری
 فنی - آقای محمد حسین بیکاری، کارخانهای امور فلاحتی و شیمیائی -
 آقای مهدی عزیز بیکلو، صنایع ملی و آمار - آقای علیقلی سیاهی
 فنی و نظارت ساختمانها .

اداره حسابداری

آقای مصطفی ناصر کفیل حسابداری صنایع و دانشکده و هنرستان

تشکیلات وزارت پست و تلگراف ۱۵۵۹

۱۶۱۸۱۸

جناب آقای محمد حکیمی معاون وزارت پست و تلگراف
 آقای حجازی رئیس اداره بازرسی - آقای محمود محمود رئیس
 اداره کارپردازی - آقای محمد ناصری رئیس اداره حسابداری -
 آقای حسن فرشید رئیس اداره دفتر وزارتی - آقای ابراهیم
 نجومی رئیس اداره آمار - آقای ونسان در استیانیان رئیس
 اداره مرکزی تلگراف - آقای بشیر فرهمند رئیس اداره اطلاعات
 آقای محمد حسن یا کدامن رئیس اداره کارگزینی - آقای حسن
 حجازی رئیس اداره مرکزی پست - آقای دکتر داریوش رئیس
 اداره تلگراف بی سیم - آقای دکتر کورس رئیس اداره امور
 تلفن - آقای قاسم اشراقی رئیس اداره سیم کشی و تعمیرات -
 آقای اسمعیل نجومی رئیس اداره تلگراف تهران - آقای عیسی
 یارسا رئیس اداره پست تهران .

و بودجه وزارت خانه - آقای غلامحسین قویمی کفیل حسابداری
 کارخانهای قند - آقای مصطفی ناصر موقناً کفیل حسابداری سایر
 کارخانهای دولتی - آقای حسین فرزین کفیل حسابداری سیمان
 آقای علی اکبر الهامی کفیل حسابداری معادن - آقای اواکیان
 کفیل حسابداری اداره نوغان - آقای عزت الله علائی کارپردازی
 معادن - آقای هاشم صبح کارپردازی هنرستانها و وزارتخانه
اداره معادن - آقای مهندس علی زاهدی اداره کل معادن - آقای
 عباس زاهدی بهره برداری - آقای حبیب الله شهردار ذوب فلزات
 آهن و مس - آقای مصطفی معتمدی اکتشافات - آقای ابو الحسن
 فهیمی متصدی دارالتجزیه و غیره .

مؤسسات صنعتی و معادن ولایات - آقای تقی رهبر
 سواحل بحر خزر، شاهی - آقای جواد عبیدی خراسان، مشهد -
 آقای کاظم سیاح سیانلو اصفهان و یزد و کرمان - آقای رضا فهیمی
 فارس و بنادر، شیراز .

تشکیلات اداره کل فلاحت

$\frac{۲۹۲۳۸}{۱۶۱۰/۲۰}$



تشکیلات مرکزی
 معاون فنی اداره آقای، احمد
 حسین عدل - معاون اداری
 آقای محمود غفاری - رئیس
 اداره دفتر، اکمل آقای
 ابو الحسن خطیبی - کفیل
 اداره باز رسی آقای حسین
 اعتماد مقدم - رئیس اداره
 کارگزینی آقای عبدالله
 عدل اسفندیاری - رئیس
 اداره حسابداری آقای
 ابو القاسم حسامی - رئیس
 اداره آمار و ترجمه آقای
 حسین مدحت - رئیس اداره
 اطلاع و انتشار آقای
 دکتر مرتضی گل سرخی
 رئیس اداره دام پزشکی

آقای دکتر عبدالله حامدی **جناب آقای رخشانی رئیس کل فلاحت**

- رئیس اداره آبیاری و سدسازی امور فلاحتی ولایات آقای محمد بیات
- » پنبه و تفنیش صحنی نباتات و دفع آفات نباتی آقای محمد حسین فرشی
 - » جعفر کاری و املاک استیجاری آقای مصطفی زاهدی
 - » کفیل دفع ملخ و سن آقای نیکلابطرسیان
 - » رئیس تشویق و تبلیغات فلاحتی آقای علی اکبر هروی
 - » کفیل معرفه الجوا آقای هادی تاج بخش
- تشکیلات اداره کل فلاحت در حومه تهران - مؤسسات و مدارس

علمی وفنی و دارالتجزیه های فلاحتی کرج (آقای ابراهیم مهدوی کفیل
 مؤسسه سر مسازی و مطالعات دام پزشکی حصارک آقای دکتر لونی دلمی
 رئیس اداره دام پروری (حیدر آباد) آقای دکتر اتوبدر که
 » کارخانجات شیمیائی و سمسازی کرج آقای آرمناک کارایتیان
 » مؤسسه چغندر کاری و املاک استیجاری کرج آقای حسین درویش
 » مؤسسه چغندر کاری و املاک استیجاری و رامین آقای علیرضا قره گز لو

تشکیلات فلاحتی اداره کل فلاحت در ولایات

- کفیل اداره فلاحت خوزستان آقای علی اسکوئی
- رئیس » فلاحت فارس آقای جعفر مدنی
- رئیس » فلاحت آذربایجان شرقی آقای مجید کنجوی
- رئیس » فلاحت آذربایجان غربی آقای علیمحمد سبحانی
- کفیل » فلاحت خراسان آقای محمد تائبی
- رئیس » فلاحت مازندران و کجور آقای جلیل هاشم زاده فلاح
- رئیس » فلاحت لاهیجان و رشت آقای ابوطالب سمیعی
- رئیس » فلاحت گرجان و دشت آقای غلامحسین پیر زاده
- رئیس » فلاحت شاه آباد غرب و پشتکوه آقای جعفر صفائی
- رئیس » فلاحت و خالصجات سیستان آقای حسن دیبائیان
- کفیل » فلاحت اصفهان آقای رسول رضی زاد
- رئیس » فلاحت مکران آقای محمد علی وثوق
- رئیس » فلاحت لرستان و بروجرد آقای عماد اشرف
- رئیس » فلاحت تنکابن آقای کاظم فاطمی
- رئیس » فلاحت کرمان آقای سیف الله اقلیدی
- رئیس » فلاحت همدان آقای حسن شیبانی
- رئیس » فلاحت عراق آقای ابراهیم باربد
- رئیس » فلاحت قزوین و سیادهن آقای یوسف امیر پرویز
- کفیل » فلاحت آستارا آقای محمد حسن تیموریور
- کفیل » فلاحت ولایات ثلاث آقای حاجی والا نژاد
- رئیس » فلاحت ساوه و زرند آقای محمود شایسته

از تشکیلات اداری شهرها و شهرستانها



خراسان - مشهد :-
 آقای نیر الدین پیر زاده
 پیشکار مالیه خراسان - آقای
 غلامعلی هدایت رئیس استیناف
 خراسان - آقای عبد الله
 آقا زاده رئیس شعبه ۱ -
 آقای محسن گنابادی
 رئیس شعبه ۲ - آقای علی
 فاضل کاشانی رئیس بدایت -
 آقای حسن نبوی رحیم زاده
 رئیس شعبه ۲ بدایت -
 آقای جواد شجیعی رئیس
 شعبه ۳ - آقای محمد اخوت

مشهد - آقای صفر علی حقیقی
 مدعی العموم استیناف
 آقای امیر امیر شاهی برنده جایزه اول سالنامه ۵۰۰ ریال

مدعی العموم بدایت - آقای صادقی نژاد کفیل معارف خراسان - آقای
 محمد ابرجمند کفیل پست و تلگراف خراسان - (فروشنده منحصر
 سالنامه پارس کتابخانه زوار)

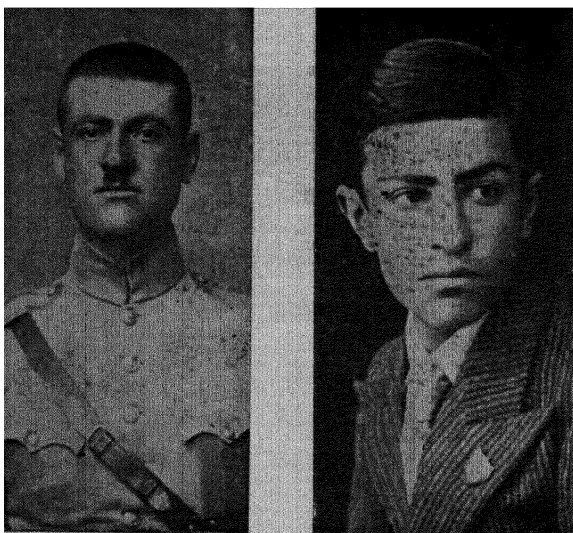
آذربایجان شرقی - تبریز :- آقای شمس الدین نخعی
 پیشکار مالیه آذربایجان شرقی - آقای باقر رسا خورکامی رئیس
 استیناف - آقای نصیر الدین خواجوی رئیس شعبه ۲ - آقای سعید
 سراج میر رئیس شعبه ۳ - آقای عباس طباطبائی رئیس بدایت -
 آقای محمد نجمی رئیس شعبه ۲ - آقای مهدی زاور رئیس شعبه ۳
 آقای حسین جهانگیر مدعی العموم استیناف - آقای موسی سرابندی

مدعی العموم بدایت - آقای حسن ذوقی رئیس معارف و اوقاف
 آقای والی زاده جوانشیر رئیس پست و تلگراف (**فروشدگان**
سالنامه پارس : کتابفروشی سروش - آقای عبدالله موزع -
 کتابفروشی فرهودی - کتابفروشی علمیه - آقای حاجی اسمعیل
 کتابفروش - آقای حاجی محمود حقیقت - کتابفروشی امید
 کتابفروشی خورشید هلال - کتابفروشی ادبیه - کتابفروشی
 سعادت - شرکت چاپ کتاب)

آذربایجان غربی - رضائیه : آقای فضل الله فخیم پیشکار
 مالیه آذربایجان غربی - آقای صالح صالح رئیس بدایت - آقای
 حسین فتحی مدعی العموم - آقای باقر شهنائی کفیل معارف و
 اوقاف - آقای جعفر نبوی کفیل پست و تلگراف (**فروشدگان**
سالنامه پارس : آقای حاجی یحیی فرمانی - آقای سید باقر حجازی
 کتابفروشی تمدن - آقای ربیع انصاری) .

فارس - شیراز - آقای رکن الدین احمدی پیشکار مالیه
 فارس - آقای حشمت الله قضائی رئیس استیناف فارس - آقای سلیمان
 ضیاء ابراهیمی رئیس بدایت - آقای سراج الدین صدوقی رئیس
 شعبه ۲ - آقای علی انصاری جابری مدعی العموم استیناف - آقای
 حسین معظمی مدعی العموم بدایت - آقای علی ریاضی رئیس معارف
 و اوقاف - آقای محمد علی سیروس رئیس پست و تلگراف

(**فروشنده منحصر سالنامه پارس کتابخانه معرفت**)
اصفهان - آقای مهدی منصور پیشکار مالیه - آقای مرتضی
 نهاوندی رئیس استیناف - آقای فتح الله فرزاد رئیس بدایت -
 آقای محمد صادق ابراهیمی رئیس شعبه ۲ - آقای محمد حسن برهانی
 رئیس شعبه ۳ - آقای محمد مهدی شاهرخ مدعی العموم استیناف
 آقای تقی برزین مدعی العموم بدایت - آقای سید تاج الدین امام
 زاده رئیس معارف و اوقاف - آقای عبدالحسین درخشان کفیل
 پست و تلگراف - (**فروشدگان سالنامه پارس** : کتابفروشی



اصفهان - آقای محمد هاشمی
برنده جایزه دوم سالنامه
ابادان - آقای داراب نیکزاد
برنده جایزه دوم سالنامه

اقبال - کتابفروشی سعدی - کتابفروشی فردوسی - کتابفروشی کمالی

کیلان - رشت : - آقای حسن مشیری رئیس مالیه کیلان

آقای صدرالدین نخعی رئیس بدایت - آقای اسدالله مصباح مرجانی

رئیس شعبه ۲ - آقای حسین توکلی رئیس شعبه ۳ - آقای علی

اصغر دادرس مدعی العموم - آقای محمد ملکزاده رئیس معارف

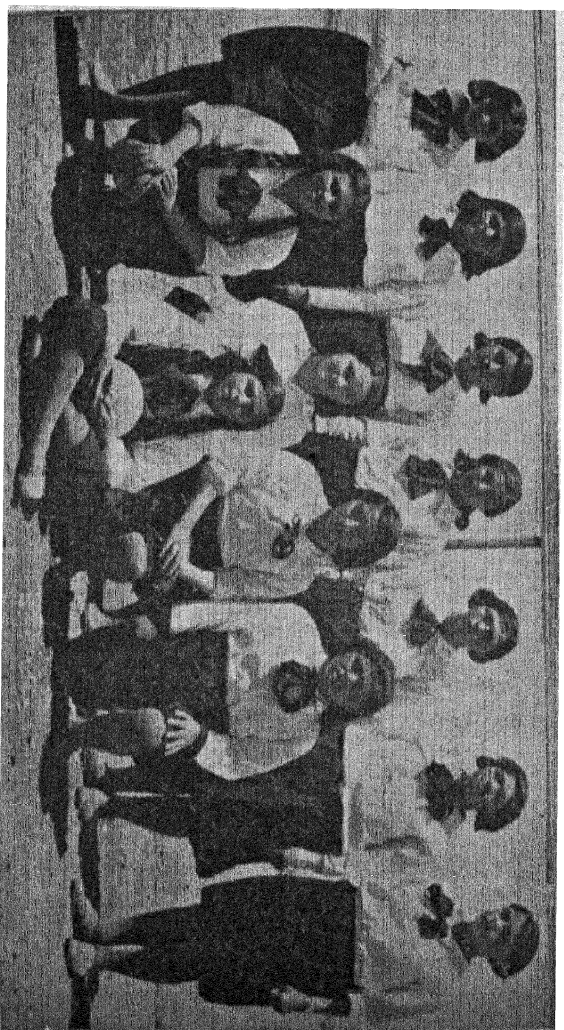
و اوقاف کیلان - آقای محمد مخاطب رفیعی کفیل پست و تلگراف

(فروشندهگان سالنامه پارس، کتابفروشی احمدی - کتاب

فروشی ارشادیه - کتابفروشی اقبال - شرکت سهامی دبیرستان

آقای خلیل دیبائی - آقای داود حقیقت - کتابفروشی توکل - کتاب

فروشی کاوه - کتابفروشی اخلاقی - کتابفروشی تجدد)



پنجمه از دوستیزگان دانش آموزان دانشسرای شاهدخت مشهد آماده ورزش

مازندران - ساری - آقای حسن عزیززاده رئیس مالیه مازندران -
 آقای عبد الرسول هاشمی رئیس بدایت ساری - آقای حسین بیدارمدعی -
 العموم . آقای مهدی رهبر کسروی رئیس معارف و اوقاف مازندران
 آقای مصطفی سیروس پور رئیس پست و تلگراف مازندران
(فروشندگان سالنامه پارس - دواخانه نظامی - کتاب
فروشی زمانی)

اهواز - آقای اسمعیل میر سپاسی رئیس مالیه اهواز آقای
 یوسف جمال ناظر امور مالی خوزستان - آقای فتح الله وزیر زاده
 اخگر رئیس استیناف خوزستان - آقای محمد رشیدی کودرزی
 رئیس بدایت - آقای احمد معاون زاده مدعی العموم بدایت - آقای
 علی اکبر مهران رئیس معارف و اوقاف خوزستان - آقای
 ابو الحسن بیروز رئیس پست و تلگراف خوزستان - **(فروشندگان**
سالنامه پارس کتابفروشی صافی)

کرمانشاه - آقای حسن جمهری رئیس مالیه - آقای فضل الله
 اشتیانی رئیس استیناف - آقای احمد عاصم رئیس شعبه ۲ - آقای
 علی مصطفوی رئیس بدایت - آقای علینقی هبه الله رئیس شعبه ۲
 بدایت - آقای محمدعلی ممتاز مدعی العموم استیناف - آقای عباس
 علی فرید مدعی العموم بدایت - آقای ابراهیم یارسا رئیس معارف
 و اوقاف - آقای احمد بهرامی رئیس پست و تلگراف **(فروشندگان**
سالنامه پارس کتابفروشی ناصری) .

کرمان - آقای جواد کنجی رئیس مالیه - آقای عبد الحمید
 غیاثی رئیس استیناف - آقای اسدالله نظامی نراقی رئیس بدایت
 آقای جلال دادگری مدعی العموم استیناف - آقای عبد العظوف
 ریاحی مدعی العموم بدایت - آقای ید الله مایل توپسرکانی رئیس
 معارف و اوقاف - آقای محمد مهدی ظهیر او بهی رئیس پست و تلگراف
فروشندگان سالنامه پارس - آقای خدایار خسرو آبادیان
 آقای اسکندر فروهری) .

آقای دکتر محمود زوین

که پس از تکمیل تحصیلات و فراغت از تحصیلات طبیبی در دانشکده طب طهران و اخذ مدال درجه اول برای تکمیل رشته های مختلف طبیبی مخصوصاً قسمت جراحی بارویا اعزام شده بودند اخیراً بطهران معاودت کرده اند - آقای دکتر محمود زوین در مدت هفت سال^{۱۳۲۸}



تحصیلی در دانشکده ها و مریض خانهای لیون و پاریس قسمت های مختلف طبیبی را با موفقیت کامل تحصیل و تکمیل کرده و در اکثر مراحل ادوار تحصیلی خود رتبه اول را حائز بوده است، امید داریم امثال ایشان حاصل زحمات خود را در طریق خدمت بکشور خود خالصانه تقدیم کنند و نیز هم میهنان بتوانند از وجود این قبیل عناصر مفید مستفید شوند .

همدان - آقای مجید زاده رئیس مالیه - آقای صادق نراقی پور رئیس بدایت - آقای ساسان خواجه نصیری مدعی العموم - آقای ابوالقاسم شکرانی رئیس معارف و اوقاف - آقای علی نویدی کفیل بست و تلگراف (فروشندگان سالنامه پارس : دواخانه اتحاد - آقای ضیاء خرازی - آقای حاجی اسدالله کتاب فروش - آقای سیدعلی خوانساری - آقای عباس مروج - آقای محمد کاظم کاغذچی - سیگار فروشی هاشمی محیط) .

بروجرد - آقای علی اکبر امیر وفائی رئیس مالیه - آقای حسین برنو رئیس بدایت - آقای عمادالدین منصور مدعی العموم - آقای غلامحسین فرخ زادر رئیس معارف و اوقاف - (فروشندگان سالنامه پارس :

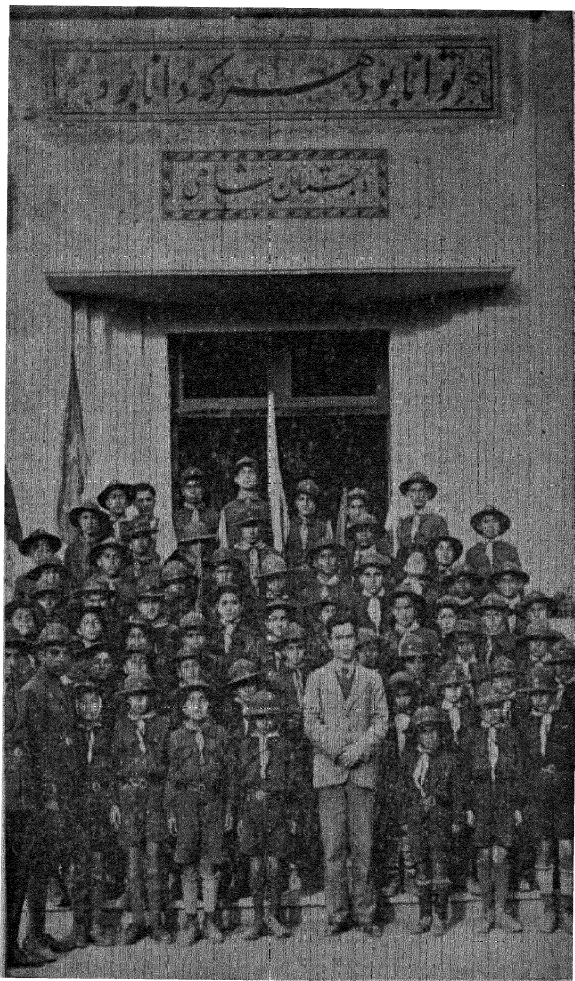
آقای سید احمد ضیائیان - آقای مرتضی اخوان احمدی (عراق - آقای عبدالله سعید وفا رئیس مالیه - آقای ابوالقاسم فقیه زاده رئیس بدایت - آقای محمد جودی مدعی العموم - آقای احمد دیبانی رئیس معارف و اوقاف - آقای غلام علی ملک نصری رئیس پست و تلگراف - (فروشندگان سالنامه پارس : کتاب فروشی توکل - کتابفروشی فردوسی)

یزد - آقای عبدالله وزیری تبار رئیس مالیه - آقای حسین عاصمی رئیس بدایت - آقای مهدیقلی شاهرخی مدعی العموم - آقای محمد مهدی راد سرشت رئیس معارف - اسدالله مخبر حکمت رئیس پست و تلگراف (فروشندگان سالنامه پارس : کتابفروشی گل بهار - آقای سید علی محمد صحاف - آقای سروش سروشی آقای کیخسرو کدخدا)

قم و محلات - آقای موسی امیری رئیس مالیه - آقای حسین معصومی رئیس بدایت قم - آقای حسن داودی مدعی العموم - آقای اسدالله سرمندی رئیس معارف و اوقاف - آقای غلام علی اربابی رئیس پست و تلگراف - (فروشندگان سالنامه پارس : آقای شیخ مهدی کتابفروش)

کاشان - آقای مرتضی فرساد رئیس مالیه - آقای محمد علیم مروستی رئیس بدایت - آقای یوسف کسرائی مدعی العموم - آقای رضا فرجاد آزاد رئیس معارف و اوقاف - آقای عزت الله فرهور رئیس پست و تلگراف - (فروشندگان سالنامه پارس : دواخانه خرم - آقای رضا مدنی)

گرمگان - آقای جواد اژیر رئیس مالیه - آقای غلامعلی لاریجانی رئیس بدایت - آقای ابوالقاسم قرشی مدعی العموم - آقای حشمت الله دهش رئیس معارف و اوقاف - آقای محمد شامبیانی رئیس پست و تلگراف - (فروشندگان سالنامه پارس : آقای حاج اسمعیل علانی آقای ولی الله مهدی نژاد خرازی - آقای اسمعیل داودی اداره مالیه)



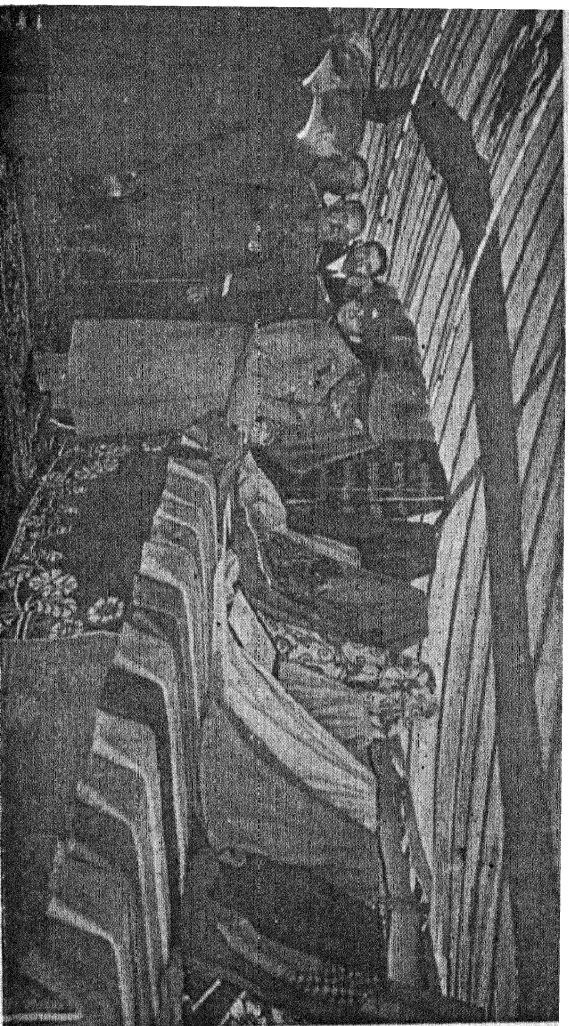
دسته پیشاهنگان دبستان شاهی

کردستان - آقای محمود آسا رئیس مالیه - آقای حسین صدر -
 الاشرافی رئیس بدایت - آقای محمد باقر جناب مدعی العموم - آقای
 حسین شکیبا رئیس معارف و اوقاف - آقای عزیز الله حکمت رئیس
 پست و تلگراف - (**فروشنده سالنامه پارس**: آقای لطف الله فلسفی)
شاهرود - آقای محمد آجودانی رئیس مالیه - آقای حسین
 میراحمدی رئیس بدایت - آقای علی اصغر کشا ورز مدعی العموم - آقای
 محمد حسین قدوسی رئیس معارف و اوقاف - آقای غلامعلی باختری
 رئیس پست و تلگراف - **فروشندگان سالنامه پارس**: آقای حاجی
 محمد کاظم اخیانی - آقای غلامحسین و عباس برادران بقائی)
بوشهر - آقای احمد ظلی رئیس مالیه - آقای کاظم دست
 غیب رئیس بدایت - آقای احمد جدی مدعی العموم - آقای علی
 نقی صحت زاده رئیس معارف و اوقاف - آقای احمد فرزانهگان
 رئیس پست و تلگراف - (**فروشنده سالنامه پارس**: کتاب
 فروشی رهنمائی)

بندر عباس - آقای عزیز الله مینا کفیل مالیه - آقای محمد
 امین رئیس بدایت - آقای علی صدیق ساوجی مدعی العموم - آقای
 امیر بشیر فرهمند رئیس پست و تلگراف - (**فروشنده سالنامه
 پارس**: آقای مهدی ناظم پور)

مالایر - آقای عبد الله کامکار کفیل مالیه - آقای نصر الله دولت
 آبادی رئیس بدایت - آقای غلامحسین معظمی مدعی العموم - آقای
 محمد باقر جدلی رئیس معارف و اوقاف - آقای احمد صدری رئیس
 پست و تلگراف - (**فروشنده سالنامه پارس**: آقای حاج
 شیخ حسن کتابفروش)

زنجان - آقای مصطفی مستوفی رئیس مالیه - آقای اسد الله
 نهارندی رئیس بدایت - آقای یعقوب و کیلی مدعی العموم - آقای
 حسینعلی اکبر نیا رئیس معارف و اوقاف - آقای حسن آگاه رئیس
 پست و تلگراف - (**فروشنده سالنامه پارس** - کربلائی
 عبد العلی سیکار فروش)



اعلیحضرت ہمایون شافہشاہی از محصول کارخانہ کارونی در اصفہان تمجید میفرمایند

یکی از کارخانجات بزرگ ایران

کارخانه ریسندگی و بافندگی اصفهان که در سال ۱۳۰۴ بهمت و مجاهدت شادروان مرحوم حاجی محمدحسین کازرونی تأسیس شده امروز بصورت يك شهر بزرگ صنعتی درآمده و دارای دو هزار نفر مزدور و صنعتگر هنرمند میباشد و سالیانه متجاوز از يك میلیون متر پارچه و پتو در دسترس هم میهنان خود میگذازد .

عکس صفحه مقابل هنگام تشریف فرمائی ذات مبارک شاهنشاهی به غرفه مخصوص کارخانه وطن (در خارج شهر اصفهان) میباشد که پارچه های بافت کارخانه مورد توجه مخصوص ملوکانه قرار گرفته و بدقت ملاحظه و تشویق میفرمایند .

برای خرید

لولاجات و یراق و قفل جات درب و غیره
میخ جات و پیچ مهره، طور یجات
اهنی، بعضی ادوات و ابزار جات
نجاری و آهنگری، لوازم باغبانی
و بعضی لوازم حمام، شیر جات و
غیره، کافذهای دیواری برای تزئین
اطاق و راهرو؛ بشرکت نسبی علی
اکبر و حاجی محمد باقر لولاگر
خیابان سپه نزدیک گذر تقی خان

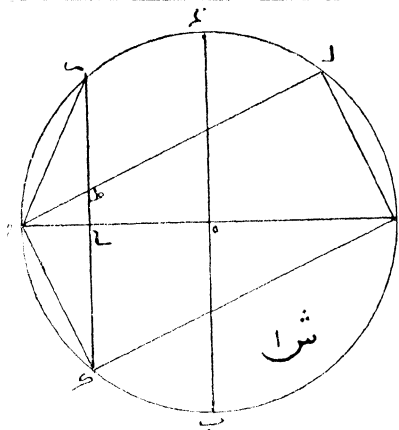
مراجعه فرمائید تهران - شماره تلفن ۶۴۵۴

تناسب مکعبات به هندسه مقدّماتی

یکی از مکاشفات آقای ذوالفقون در علوم ریاضی

مستفاهم تناسب مکعبات مدتها نظر علماء بزرگ ریاضی و مهندسین اقدمین را مانند موسی بن یونس و عبد الجلیل سجزی و ابوسهیل کوهی و ابن هیثم مصری بخود جلب کرده و عده کثیری از حکماء متاخرین نیز مانند کالوا ایطالیائی و هادامار فرانسوی توانسته بودند فقط بقطم مخروطات یعنی قطع زائد و مکافی (همپیربل و یار ابل) بعضی از آنها را حل کنند چنانکه هادامار فرانسوی حکیم معاصر در کتاب خود مسائل زیادی را که از جمله مسئله تناسب مکعبات میباشد مینویسد و این گونه مسائل مهندسه مقدّماتی یعنی بخط مستقیم و دایره حل نمیشود» اخیرا هم توسط مسیولنگ معلم ریاضی دانشسرای عالی کتبا از هادامار فرانسوی استفسار شده و ایشان در جوابی که توسط مسیولنگ ارسال داشته است نظریه خود را تایید کرده و چنین مینویسد که «حل تناسب مکعبات مهندسه مقدّماتی ممتنع است» خوشبختانه همانطور که عصر کنونی برای ملت ایران دو باره مظاهر تمدن قدیم این ممالک را زنده کرده است امروز توسط آقای ذوالفقون که یکی از علماء بزرگ ریاضی ایران میباشد این مشکل غیر قابل حل نیز کشف شده و یک درس نوینی بمعارف دنیا میدهد. ما با کمال مسرت خوشوقتیم که سالنامه پارس میتواند در پرتو انوار درخشنده معارف امروزه ایران ناشر یک چنین کشف مهم و درس نوینی باشد که قطعا در محیط معارف دنیا و تمدن امروزه بشر اثر بزرگی خواهد داشت اینک موضوع مذکور با قضایا و اشکال آن بشرح ذیل طبع می شود:

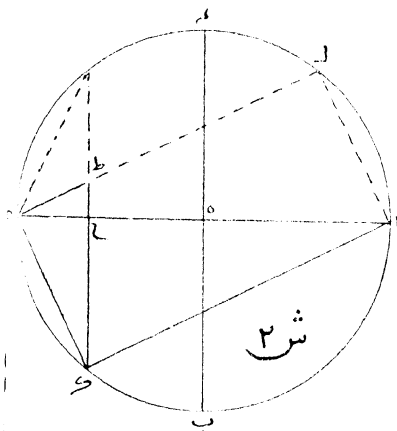
قضیه اول - چون در دایره مرسومه بر مرکز و دو قطر عمودی a و b د محیط کنیم مستطیل $اک$ $ح$ $ل$ را و از رأس زاویه $ک$ عمود $کی$ را بر قطر $ا$ $ح$ مرور دهیم تا قطع کند



قطر ا ح را بر نقطه ح
وضلم ل ح را بر ط و
دایره را بر ی و وصل
کنیم ی ح را کوئیم
چهار زاویه ک ا ح و
ل ح ا و ح ک ی و ح
ی ک متساویند

برهان - دوضاع
ل ح و ا ک متوازی‌اند
و ا ح قاطع هر دو پس
دو متبادله ک ا ح و ل

ح ا متساویند و همچنین دو قوس ی ح و ک ح متساوی و متقابلند
پس دو زاویه ک ی ح و ی ک ح این دو زاویه متساویند و دو
زاویه ک ا ح و ک ی ح چون متقابلند با قوس مشترک ب ح متساویند
و چون این تساویها را جمع کنیم چنین میشود
ک ا ح = ل ح ا = ح ک ی = ح ی ک فهو الهطوب



قضیه دویم
در شکل سابق این چهار
خط ط ح : ح ح : ح ک
ا ح یک سلسله مقادیر
متناسبه متوالیه اند

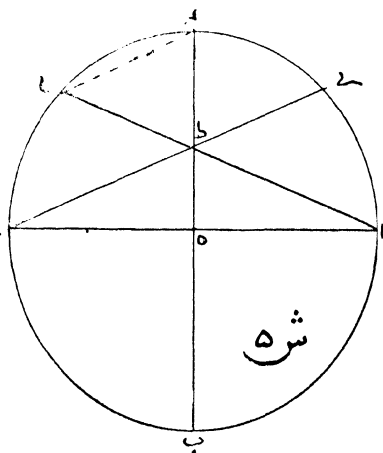
برهان - درمئات
قائم الزاویه ط ح ک خط
ح ح عمود است بر ط
ک و تر زاویه قائمه و
واسطه هندسی است بین
دو قطعه ط ح و ح ک

پس نسبت ط ح به ح ح مثل نسبت ح ح به ح ک و همچنین درمئات

اول بحکم اشتراك بر قوس ب - د متساویند و دو زاویه ب و ط در مثلث متساوی الساقین ب م ط متساویند بنا بر این این دو مثلث متشابه اند

قضیه پنجم

دایره ثنی بر مرکز ه و دو قطر عمودی ا ح و ب د مرسوم است و از نقطه ا طرف قطر ا ح رسم کنیم خطی مثل ا ح ک کیف اتفق و وصل کنیم ح د را و از نقطه ه طرف دیگر همان قطر خط ح ی را موازی ح د رسم کنیم

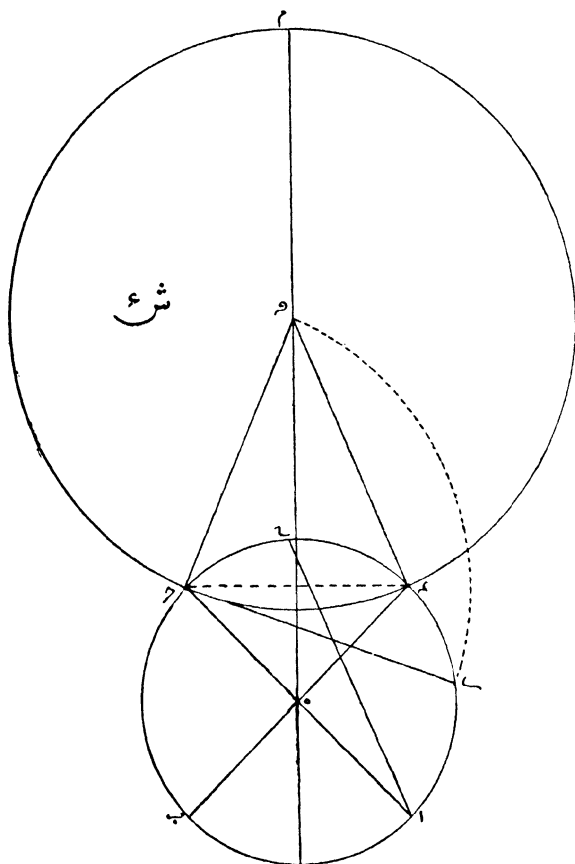


گوئیم زاویه ی ط ا ح حادثه بین دو خط ا ح و ح ی مساوی است بانصف قائمه

برهان - چون خط ح ی موازیست با ح د دو تقابله ی ط ا و د ح ی مساویند ولی زاویه محیطیه د ح ا باز زاویه مرکزی د ه ا مشترکند در قوس ای د بنابراین مقیاس زاویه ا ح د نصف قائمه است پس زاویه ا ط ی نیز نصف قائمه است و هوالمطلوب

تعمیه - نظر با احتیاج ما در قضایای بعد باین دو خط و برای تعیین و تشخیص اصطلاحاً خط ا ح را خط اول و خط ح ی را خط ثانی گوئیم

قضیه ششم - دایره ثنی بر مرکز ه و دو قطر عمودی ا ح و ب د و خط اول ا ح و خط ثانی ح ی مرسوم است تنصیف کنیم زاویه قائمه مرکزی د ه ح را بخط غیر محدود ه م و بشعاع ح ی رسم



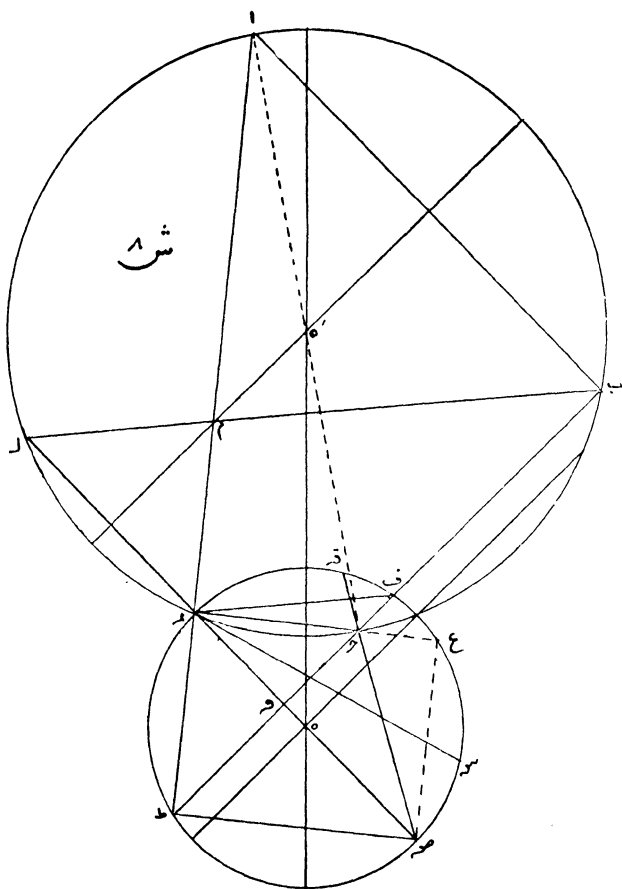
کَنیم قوسی ناقطع کنند هم را بر نقطه ن و وصل کنیم ن ح را و رسم
 کنیم بر مرکز ن بشعاع ن ح دایره ح د م را گوئیم اولاً این
 دایره بر دو نقطه ح و د یعنی بر دو طرف قطر ح ا و د ب مرور
 نموده و ثانیاً شعاع این دایره مساویست با خط ثانی ح ی
برهان - در مثل قائم الزاویه ده ح خط ه ن عمود است بر وتر د ح و
 تنصیف نموده آنرا بر ر بنا بر این دو خط ن ح و ن د دو مایل

دایره را بر نقطه ل و وصل کنیم ک ل را و فرود آوریم عمود ن ط را بر منصف وتر ح ل گوئیم اولاً دو قوس د ک و ح ل متساویند و دو خط ک ل و د ح متوازی و ثانیاً مثلث قائم الزاویه ن ط ه متساوی الساقین است

برهان - اولاً در مثلث قائم الزاویه د ه ح زاویه د مساویست با زاویه ح و مقیاس زاویه د مساویست با نصف قوس د ح بعلاوه قوس د ک و مقیاس زاویه ح مساویست با نصف قوس د ح بعلاوه ح ل و چون این دو جمله را که متساویند در قوس مشترک د ح حذف کنیم دو قوس د ک و ح ل متساوی باشند و ثانیاً در مثلث ن ط ه زاویه ط قائمه است و زاویه ه نصف قائمه پس زاویه ن نصف قائمه و مساوی باشد با زاویه ه و مثلث متساوی الساقین است و هوالمطاب

قضیه هشتم - دایره ص ط د بر مرکز ه و خط اول ص ه و خط ثانی د س مرسوم است و بشعاع خط ثانی رسم میکنیم قضیه ۶ دایره اب ح را بر مرکز ه تا قطع کند خط اول را بر نقطه ح و فرود آوریم بر قطر ص د عمود ح ن را و امتداد دهیم از طرفین تا تقاطع کند دایره ص ط در ابرو نقطه ف و ط و دایره اب ح را بر دو نقطه ب و ح و وصل کنیم اب و ب ل و ا ح و ح د و همچنین قطر ر ح را موازی ب ط - توضیح - اوضاع خطوط و زوایا و مثلثات متساوی الساقین ا م ب و د م ل و ب م ط و زوایای قائمه اب ط و ح د اول ن ب که در دایره اب ح است در قضیه چهارم مبرهن شده حال میخواهیم روابط این اوضاع را با مستطیلی که در دایره ص ط د محاط میشود بنمائیم بعبارة آخری میخواهیم دو قضیه اول و چهارم را با هم ترکیب کنیم چون امتداد دهیم خط د ح را تا تلاقی کند دایره را بر ع و وصل کنیم ص ع و ص ط را گوئیم ذو از بعة الاضلاع د ط ی ص ع قائم الزوایا و متوازی الاضلاع است (مستطیل)

برهان - زاویه ا د ح بر قطر ا ح از دایره اب ح قائمه است (قضیه ۴) پس ع د عمود است بر د ط و زاویه ص ط د و همچنین زاویه



سه ع د چون بر قطر ص د واقعند هر دو قائمه اند و خط ص ط عمود
 است بر ط د و موازیست با ع د و خط ص ع عمود است بر ع د
 و موازیست با ط د و مقیاس زاویه ص د ص مساویست با نصف مجموع دو
 قوس ص د و دل و قوس ص د ل مقابل است. زاویه محیطیه با از منات متساوی
 اساقین ب م ط قضیه ع پس زاویه ع د ص مساویست با زاویه ط ب م

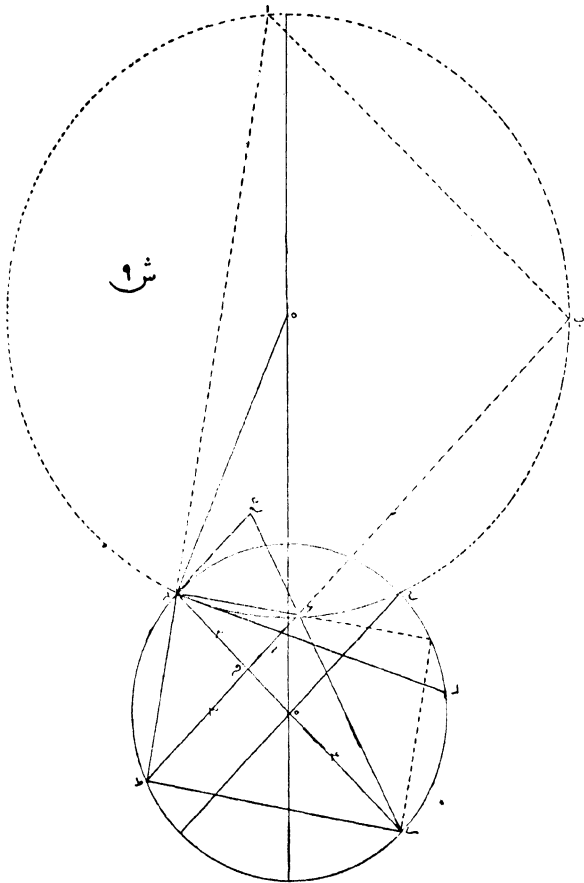
و زاویه ب ط م و بحکم توازی مساویست با زاویه د ص ط و چون قوس ف د مساویست با قوس د ط زاویه ط ف د مساویست با زاویه ف ط د مساویست با زاویه ط ب م بقا بر این خط ف د موازیست با خط ب م و همچنین در دو مثلث ص ن ط و ب ن ل زاویه ن در هر دو قائمه است و زاویه ن ص ط مساویست با زاویه ن ب ل و زاویه ن ط ص مساویست با زاویه ن ا ب یس این دو مثلث متشابه اند

تنبیه - روابط اوضاع خطوط و زوایای این دو دایره مارادالات کنند بر اهی که سلسله مکعبات را بهر نسبت که بخواهیم بتوانیم رسم کنیم از این جهت مابین شکل را مرآت المکعبات نام نهیم

اصل موضوع - صدر مقاله خامسه اقلیدس « و اذا تناسب ثلث مقادیر علی الولاہ کانت نسبت الاول الی الاخیره هی نسبتہ الی الثانی مثناة بالتکریر و کذا لک فی الاربعہ مثلثہ و علی قیاسہ المقادیر - المتسقة فی النسبة »

ترجمه - هر گاه متناسب شد سه مقدار متوالی نسبت اول بمثلث مساوی است بانسبت مربع اول بمربع ثانی و مربع ثانی بمربع ثالث و اگر چهار مقدار متناسب متوالی باشد یس نسبت اول بمربع اول مساویست بانسبت مکعب اول بمکعب ثانی و مکعب ثانی بمکعب ثالث و مکعب ثالث بمکعب رابع و بر این قیاس هر قدر سلسله مقادیر متناسبه متوالیه متزاید شود (رجوع شود بتصاعد هندسی)

قضیه نهم - در تناسب مکعبات - عمود ع د را بر نقطه د طرف قطر دی از دایره مرسومه بر مرکز ه چنان رسم کنیم که نسبت عمود ع د بقطر دی مثل نسبت مفروضه م به ن باشد وصل میکنیم ی ع را تا دایره را بنقطه م قطع کند و فرض میکنیم ی م خط اول و رسم کنیم خط ثانی دل را (قضیه پنج) و رسم کنیم بر مرکز ه بشعاع ه د مساوی خط ثانی دل دایره ا ب ح را تا هرور کند بر دو نقطه د و ح (قضیه ۶) و قطع کند خط اول ی م را بر نقطه ح و از این نقطه فرود آوریم عمود ح ن را بر ی ح و امتداد دهیم



تا تلافی کنند ابره را بر نقطه ط و وصل کنیم ی ط و ط در او امتداد دهیم
 د ح را تا ک و وصل میکنیم ی ک را تا رسم شود مستطیل ی ط
 د ک (قضیه ۸) گوئیم نسبت مکعب ح ن (۱) بمکعب دن (۲) مساویست
 با نسبت مکعب د ن (۲) بمکعب ط ن (۳) و مساوی است با نسبت
 مکعب ط ن (۳) بمکعب ی ن (۴) و مساوی است با نسبت ح ن

(۱) به ی ن (۴) و مساوی است با نسبت مفروضه م به ن برهان - اولاً در مستطیل د ط ی ک (قضیه ۲) در مثل قائم الزاویه ح د ط خط دن عمود است بر وتر ح ط و واسطه هندسی است بین دو قطعه ح ن و ط ن پس نسبت ح ن به دن مثل نسبت دن است به ط ن $\frac{ح ن}{دن} = \frac{دن}{طن}$

و همچنین در مثل قائم الزاویه د ط ی خط ط ن عمود است بر وتر د ی و واسطه هندسی است پس نسبت دن به ط ن مثل نسبت ط ن است به ی ن $\frac{دن}{طن} = \frac{طن}{ین}$ و چون این دو جمله را جمع کنیم یک

$$\frac{طن}{ین} = \frac{دن}{طن} = \frac{ح ن}{دن} \quad \text{سلسله متناسبه متوالیه میشود باینصورت}$$

و تا بیا در دو مثل قائم الزاویه ع د ی و ح ن ی زاویه د ون در هر دو مثل قائمه است و زاویه ی مشترک پس این دو مثل متشابه اند و نسبت دن به ن ی مثل نسبت ع د است به د ی مثل نسبت مفروضه م به ن $\frac{ح ن}{نی} = \frac{ع د}{دی} = \frac{۴}{ن}$ و چون در جمله تناسب سابقه ح ن جمله

اول و ی ن چهارم است و بنا بر اصل موضوع که نسبت اول بچهارم مساویست با نسبت بین مکعبات آن مقادیر متوالیا نتیجه چنین میشود که نسبت ح ن به ی ن مساوی است با نسبت مکعب ح ن بمکعب دن و مساویست با نسبت مکعب دن بمکعب ط ن و مساویست با مکعب ط ن بمکعب ی ن و مساویست با نسبت مفروضه م به ن **تعریف** - نسبت بین دو مقدار عبارت است از مقداری که

چون آنرا در مقدار اول ضرب کنیم حاصل ضرب مقدار اکثر باشد و چون مقدار اکثر را بر آن قسمت کنیم خارج قسمت مقدار اقل خواهد بود - فرض میکنیم آن دو مقدار را ک ول و قدر نسبت

$$\text{بین آن ع پس چنین میشود باینصورت } ک \times ع = ل \quad \frac{ل}{ع} = ک$$

قضیه دهم — در هر سلسله از مقادیر متناسبه متوالیه که نسبت اول بچهارم مفروض باشد اولاً حاصل ضرب مکعب اول در قدر نسبت مکعب ثانی باشد و در مربع نسبت مکعب ثالث و در مکعب نسبت مکعب رابع و ثانیاً مکعب حاصل ضرب دو مقدار مطلقاً مساویست با حاصل ضرب دو مکعب آن دو مقدار

برهان، فرض میکنیم آن چهار مقدار متناسبه متوالیه عبارت باشند از k^3 و l^3 و m^3 و n^3 و مقدار نسبت را نیز e فرض میکنیم

$$\begin{matrix} 3 & 3 \\ k \times e = & l \end{matrix}$$

$$\begin{matrix} 3 & 3 \\ l \times e = & m \end{matrix} \quad \text{بنابر قضیه نهم}$$

$$\begin{matrix} 3 & 3 \\ m \times e = & n \end{matrix}$$

و هرگاه مقادیر را نسبت بمقدار اول بسنجیم چنین میشود

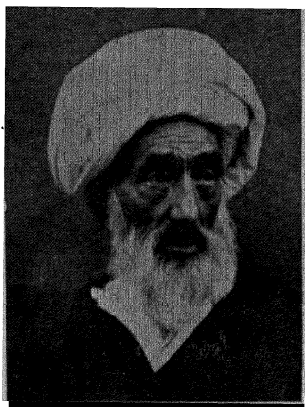
$$\begin{matrix} 3 & 3 & & 3 & 3 \\ k \times e = & l & & k \times e = & l \\ 3 & 2 & 2 & 3 & 3 \\ & & \times & & \\ m = e \times & k & & m = e \times e \times & k \\ 3 & 3 & 3 & 3 & 3 \\ & & \times & & \\ n = e \times & k & & n = e \times e \times e \times & k \end{matrix}$$

و ثانیاً چون $n = e \times k$ و بنابر تساوی اخیر $k = e \times n$

لازم میآید که مکعب حاصل ضرب دو مقدار مساوی باشد با حاصل ضرب دو مکعب آن دو مقدار و هوالمطابوب حبيب الله «ذوالفنون»

* *

دفتر سالنامه پارس منتظر وصول نظریه اهل علم است و به بهترین نظریه و انتقاد يك جائزه قابل داده میشود



مستخرج معظم آقای ذوالفنون

تحویل شمس بافق طهران

یکساعت و ۵۴ دقیقه قبل از ظهر دو شنبه ۱۸ محرم

* *

تحویل در ولایات ، آذربایجان یکساعت

و ۳۴ دقیقه و ۲۰ ثانیه - اصفهان یکساعت و

۵۶ دقیقه - بروجرد و ارستان یکساعت و ۴۳

دقیقه - خوزستان یکساعت و ۴۴ دقیقه و ۴۰

ثانیه - خراسان دو ساعت و ۲۸ دقیقه - رشت

یکساعت و ۵۹ دقیقه و ۲۰ ثانیه - فارس یکساعت

و ۵۰ دقیقه و ۲۰ ثانیه - کرمان دو ساعت و ۱۴

دقیقه و ۱۳ ثانیه - کرمانشاه یکساعت و ۳۵ دقیقه

و ۲۰ ثانیه - عراق عرب یکساعت و ۲۵ دقیقه

فروردین - محرم

ایام	روز	تاریخ	اذان صبح
	د	س	

۲ شنبه - ۱ - ۱۸ - ۱۰۳۲

عید نوروز - سلام رسمی
۳ روز تعطیل

۳ شنبه - ۲ - ۱۹ - ۱۰۳۰

۴ شنبه - ۳ - ۲۰ - ۱۰۲۸

۵ شنبه - ۴ - ۲۱ - ۱۰۲۵

جمعه - ۵ - ۲۲ - ۱۰۲۳

شنبه - ۶ - ۲۳ - ۱۰۲۱

۱ شنبه - ۷ - ۲۴ - ۱۰۱۹

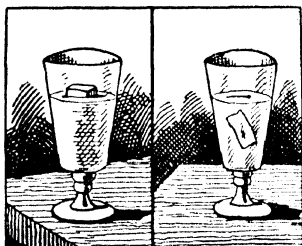
۲ شنبه - ۸ - ۲۵ - ۱۰۱۶

یاد داشته‌های سودمند

مسائل تفریحی

هر گاه طبیعت قند و کیفیت ساختمان آن را در نظر بگیریم باید قبول کنیم که در آب حل میشود ولی میتوانیم با تفنن عامی قند را در روی آب بگذاریم که بخلاف طبیعت خود با آب مقاومت کند و روی آب بایستد و آب نشود!

هر گاه قند را در کمی محلول کلودیوم فرو برید در آب فرو میرود و آب نمیشود!



همچنین این قبیل تفننات منحصر بقند نیست و در باره اشیاء دیگر نیز میتوان اعمال کرد مانند میخی که بخلاف طبیعت خود بر روی آب ایستاده و فرو نمیرود

باید باملابت ورق کاغذ سیگاری روی آب کیلاس قرار دهید و بلافاصله میخ کوچکی روی آن بگذارید بتدریج کاغذ مذکور رطوبت کشیده در آب فرو میرود ولی میخ

فروردین - محرم

ایام	۱۳۰۷	۲۰	اذان صبح
	۲۰	۲۰	د س

۲ شنبه - ۹ - ۲۶ - ۱۰۱۴

۴ شنبه - ۱۰ - ۲۷ - ۱۰۱۱

۵ شنبه - ۱۱ - ۲۸ - ۱۰۹

جمعه - ۱۲ - ۲۹ - ۱۰۷

شنبه - ۱۳ - ۱ - ۱۰۴

صفر

سیزده عید - تعطیل

۱ شنبه - ۱۴ - ۲ - ۱۰۲

۲ شنبه - ۱۵ - ۳ - ۹۵۹

۳ شنبه - ۱۶ - ۴ - ۹۵۷

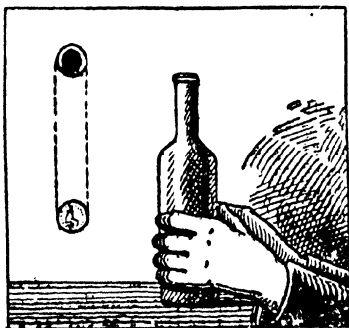
بعلم بی عمل مغرور مشو که بی ارزش تراز درخت بی ثمر است

یاد داشتهای سودمند

فروردین - صفر

بر اثر هوای مختصری که بین آن و کاغذ وجود داشته بر روی آب ایستاده فرو نمیرود. همچنین هر گاه سنجاق نازکی را با چربی آلوده کنید و با هستگی روی آب بگذارید آن نیز فرو نخواهد رفت

یک شیشه خالی که دهانه آن مساوی با محیط دایره یک یول سیاه یا سفید باشد روی میز بگذارید و یول سیاه سبک وزن بر روی دهانه آن قرار دهید و چند قطره آب روی آن بچکانید که هوای خارج نتواند داخل شیشه شود آنوقت روی صندلی نشسته شیشه مذکور را در وسط دود دست بگیرید حرارت دستها هوای داخل شیشه



را گرم میکند و وقتی میخواید از سوراخ

ایام	روز	اذان صبح
۴ شنبه - ۱۷ - ۵	د	۹ ۵۴
۵ شنبه - ۱۸ - ۶	د	۹ ۵۲
۷ جمعه - ۱۹ - ۷	د	۹ ۴۹
۸ شنبه - ۲۰ - ۸	د	۹ ۴۷
۹ شنبه - ۲۱ - ۹	د	۹ ۴۴
۱۰ شنبه - ۲۲ - ۱۰	د	۹ ۴۲
۱۱ شنبه - ۲۳ - ۱۱	د	۹ ۳۹
۱۲ شنبه - ۲۴ - ۱۲	د	۹ ۳۷

یاد داشته‌های سودمند

در وردین - صفر

شیشه خارج شود بول سیاه را به حرکت
میاورد و تا زمانی که هوای سرد بر حرارت
دستهای شما غلبه نکرده است این بازی
شعبده‌امیز دوام خواهد داشت

دستمالی را بگیرد و بقدر چند سانتیمتر
از سجاف حاشیه آن بشکافید و یک چوب
کبریت در آن پنهان کنید سپس چوب
کبریتی در وسط دستمال نهاده در برابر
دوست خودتان از هر طرف روی هم نهاده
تا کنید و ضمن تا کردن متوجه باشید که چوب
کبریت داخل سجاف دستمال در کدام



طرف قرار گرفته آن جهت دستمال را که
چوب مذکور محسوس است به رفیق خود
بدهید و بگوئید آنرا با فشار دست از وسط
بشکنند و سپس دستمال را باز کنید با کمال
تعجب ملاحظه میشود چوب کبریتی که
در وسط دستمال بوده و رفیق شما تصور

ایام
اذان صبح
د س

شنبه - ۲۵ - ۱۳ - ۳۴ - ۹

جمعه - ۲۶ - ۱۴ - ۳۲ - ۹

شنبه - ۲۷ - ۱۵ - ۳۰ - ۹

۱ شنبه - ۲۸ - ۱۶ - ۲۸ - ۹

۲ شنبه - ۲۹ - ۱۷ - ۲۶ - ۹

۳ شنبه - ۳۰ - ۱۸ - ۲۴ - ۹

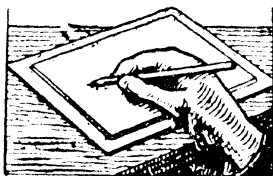
۴ شنبه - ۳۱ - ۱۹ - ۲۲ - ۹

سر بلندتی و افتخار بکمال است نه بهمان و جمال

یاد داشته‌های سودمند

کرده است که آنرا شکسته سالم و دست نخورده باقی مانده است .

هر گاه بخواهید مطالب عاشقانه یا شوخی را بنحوی بطرف خود برسانید که دیگران از آن مطاع نشوند باید کاغذ را در آب یا کمی بزیند و سپس روی صفحه مسطحی از قبیل سنگ یا آئینه بهن کنید



و يك ورق کاغذ خشک دیگر روی آن بیاندازید و باامداد محکم بفشار روی کاغذ خشک مطاب را بنویسید در نتیجه کلمات روی ورقه مرطوب منقوش میشود بعد ورقه را خشک کنید هر وقت آن صفحه را در آب فرو برند مطاب آن قابل قرائت میشود

دستمال سفره خود را چهار تا کرده روی میز بگذارید سپس چاقوئی وسط دستمال نهاده يك لای آن را بطور سه گوش بر روی دو

اردیبهشت - صفر

ایام	۱۳۱۷	۱۳۱۸	اذان صبح
	۹	۱۰	۱۱

۵ شنبه - ۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۹

اربعین - تعطیل

۲ - ۲۱ - ۱۷ - ۹

۳ - ۲۲ - ۱۵ - ۹

۴ - ۲۳ - ۱۳ - ۹

تاجگذاری

۵ - ۲۴ - ۱۰ - ۹

۶ - ۲۵ - ۸ - ۹

۷ - ۲۶ - ۵ - ۹

۸ - ۲۷ - ۳ - ۹

شهادت امام رضا (ع)

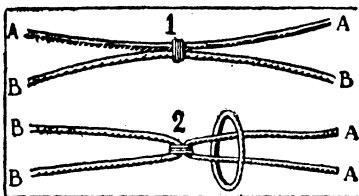
مصاحبی اخذار کن که از او نگویند نه از وی دوری جویند

یاد داشتهای سوده‌مند

از دیلم‌شست - صفر

لای سمت دیگر دستمال بر گر دانید بقسمی که لااقل يك سانتیمتر حدود دولاى مذکور بزرگتر باشد درینموقع دستمال را از طرف سه لای تاشده لوله کنید همینکه لوله مذکور را دوباره باز کنید چاقو بجای آنکه در لای دستمال باشد بر روی دستمال ظاهر میشود

دورشته نخ محکم را بطوریکه در نقشه نمره ۲ ملاحظه میشود بهم به بندید که بصورت



نقشه نمره ۱ در آید و معلوم نباشد که هر دو سر از وسط یکی است و از دیگری جداست درینحال از دوستان خود خواهش کنید که هر يك حلقه انگشتری خود را بهر يك از دو سر نخ مذکور که میخواهند بیاندازند و پشت هر حلقه هم بطوریکه در نقشه نمره ۳ ملاحظه میشود نخ را گره بزنند و دو نفر آنها هر يك يك سر نخ را در دست بگیرند شما دستمالی روی نخ انداخته در زیر

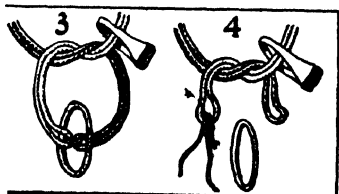
ایام	روز	تاریخ	اذان صبح
جمعه	۹	۲۸ - ۹	۹ ۱ ۲۸
شهادت امام حسن - تعطیل			
شنبه	۸	۲۹ - ۱۰	۸ ۵۹ ۲۹
رحلت حضرت رسول (ص)			
شنبه ۱	۸	۳۰ - ۱۱	۸ ۵۷ ۳۰
شنبه ۲	۸	۱ - ۱۲	۸ ۵۴ ۱
ربیع الاول			
شنبه ۳	۸	۲ - ۱۳	۸ ۵۲ ۲
شنبه ۴	۸	۳ - ۱۴	۸ ۵۰ ۳
شنبه ۵	۸	۴ - ۱۵	۸ ۴۸ ۴
جمعه	۸	۵ - ۱۶	۸ ۴۶ ۵

بغیر اهل فضل و معنی دل مبند که تو نیز چنان شوی

یاد داشته‌های سودمند

اردیبهشت - ۱۶

دستمال نخ‌ی را که در وسط دو رشته بسته
اید باز کنید مانند نقشه نمرة ۴ نخ از وسط
ازاد شده حلقه‌ها یکی بعد از دیگری از نخ



خارج میشود در حالتیکه دوسر نخ را دوستان
شما هنوز محکم در دست نگاه داشته‌اند!

$$۸ \times ۸ = ۶۵ !$$

آنچه تا کنون خوانده و شنیده شده ۸×۸
میشود ۶۴ ولی بموجب حساب نقشه ذیل
 ۸×۸ میشود ۶۵! باید هر بعضی رسم کنیم
که هر ضلع آن چهار سانتیمتر باشد و آن
را به ۶۴ خانه میایمتری قسمت کنیم و بعد
مربع مذکور را بدو مثلث a و b که در قسمت
بالای نقشه قرار گرفته و دو چهار ضلعی c و d
قسمت کنیم بدین ترتیب دیگر هر بعضی وجود
ندارد بلکه این مجموعاً یک مستطیلی شده است
درینموقع اگر خانهای جدول را که ۸×۸
بوده شماره کنیم خواهیم دید که ۶۵ خانه است
و در اولین نظر هیچگونه اشکالی هم بر آن

ایام	روز	اذان صبح
		س
شنبه	۱۷-۱۶	۸ ۴۴

۱ شنبه	۱۸-۱۷	۸ ۴۲
--------	-------	------

۲ شنبه	۱۹-۱۸	۸ ۴۱
--------	-------	------

۳ شنبه	۲۰-۱۹	۸ ۳۸
--------	-------	------

۴ شنبه	۲۱-۲۰	۸ ۳۶
--------	-------	------

۵ شنبه	۲۲-۲۱	۸ ۳۴
--------	-------	------

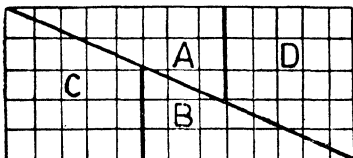
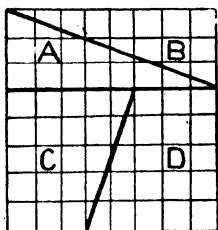
جمعه	۲۳-۲۲	۸ ۳۲
------	-------	------

شنبه	۲۴-۲۳	۸ ۳۰
------	-------	------

پیوسته در پی سلامت نفس و آزادگی باش تا در همه کار بخوار باشی

یاد داشتهای سودمند

وارد نیست و چنان ظاهر میشود که حقیقتاً باید
 $8 \times 8 = 64$ باشد در صورتیکه این فقط ناشی



از يك اشتباه علمی است که هر قدر هم مقیاس
 بزرگتر شود فاحش تر خواهد شد!

باغ وحش اقلیدس

قارئین محترم اطلاع دارند که اقلیدس یکی
 از فحول علماء هندسه در یونان باستان بوده
 نقشه ذیل از تفریحات و تفننات خود اقلیدس
 میباشد که روزی یکی از دوستانش بجهت خرسی
 باو تقدیم میکند و سپس روباهی آورده و
 بعد لاک پشت و سنجابی هم بانها ضمیمه میکند
 یعنی چهار حیوان نا سازگار را يك جا با اقلیدس
 میدهد درین موقع اقلیدس برای نگاهداری

ردیله‌بشت - ع ۱

ایام	روز	سه	اذان صبح
	۱	۲	۳
۱ شنبه - ۲۵ - ۲۸	۸	۲۸	۱
۲ شنبه - ۲۶ - ۲۹	۸	۲۶	۱۵
۳ شنبه - ۲۷ - ۲۹	۸	۲۴	۱۶
۴ شنبه - ۲۸ - ۲۹	۸	۲۲	۱۷
مولود حضرت رسول - تعطیل			
۵ شنبه - ۲۹ - ۳۰	۸	۲۰	۱۸
جمعه - ۳۰ - ۳۱	۸	۱۸	۱۹
شنبه - ۳۱ - ۳۱	۸	۱۶	۲۰

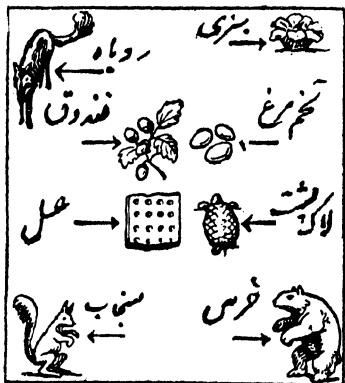
در هر دیار بخوی مردم آن کار بند تا گرفتار بند نشوی

یادداشتهای سودمند

خورداد - ۱ ع

آنها در فضای مرعی چهارمزل درجوار هم برای حیوانات مذکور آماده کند که

ایام	روز	افان صبح
۱	شنبه	۸ ۱۴ ۲۱



۲	شنبه	۸ ۱۲ ۲۲
---	------	---------

۳	شنبه	۸ ۱۰ ۲۳
---	------	---------

۴	شنبه	۸ ۹ ۲۴
---	------	--------

۵	شنبه	۸ ۸ ۲۵
---	------	--------

جمعه	۶	۸ ۶ ۲۶
------	---	--------

شنبه	۷	۸ ۵ ۲۷
------	---	--------

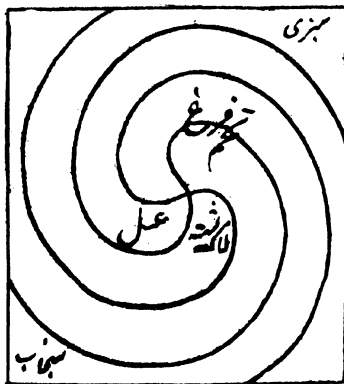
۱	شنبه	۸ ۳ ۲۸
---	------	--------

هر يك باخوراك خود در کنار دیگری جای گیرد بدون آنکه آسیبی بدیگری برساند این نقشه برای اقلیدس فقط دو اینجا بود حال این دو اینجا را بر طبق نقشه ذیل در نظر بگیرید در عین حال غذای حیوانات را هم متوجه باشید که تخم مرغ مخصوص روباه و سبزی برای لاک پست و عسل برای خرس و فندق برای سنباب است . حیوانات را با خورا کشان درمجلسی قرار دهید که هم نزدیک هم باشند و هم نتوانند بیکدیگر دست یافته آسیبی برسانند .

بی مطالعه و دقت بکاری اقدام مکن که هر چه باشد موجب ندامت شود

یادداشتهای سودمند

ذیلاً نقشه اقلیدس بنظر خوانندگان میرسد و ممکن است راه های دیگری هم داشته



باشد که خوانندگان ما خواهند یافت .

بازی ورق

یکدسته ورق را دو قسمت کنید یکی از طاق و یکی از جفت بد بطریق که تمام خالهای جفت را با صورتهای تمام رخ یک دسته کنید و تمام خالهای طاق را باصورت های نیم رخ یکدسته دیگر و هر دو دسته را بگذازید نزد رفیق خود و از اطاق خارج شوید و بگوئید که یک ورق از هر دسته که بخواهند برداشته بدسته دیگری بگذارند و سپس داخل شوید و ملاحظه کنید کدام ورق طاق یا جفت است که بدسته دیگر

خورداد - ۲ ع

ایام	خورداد	ره	اذان صبح
	-	-	د س

۲ شنبه - ۹ - ۲۹ - ۲ - ۸

۳ شنبه - ۱۰ - ۱ - ۸

ربیع الثانی

۴ شنبه - ۱۱ - ۲ - ۷

۵ شنبه - ۱۲ - ۳ - ۷

۶ شنبه - ۱۳ - ۴ - ۷

۷ شنبه - ۱۴ - ۵ - ۷

۱ شنبه - ۱۵ - ۶ - ۷

۲ شنبه - ۱۶ - ۷ - ۷

بکاری که مربوط بتو نیست دخیل مشو که زیان خواهی برد

یک داشته‌های سودمند

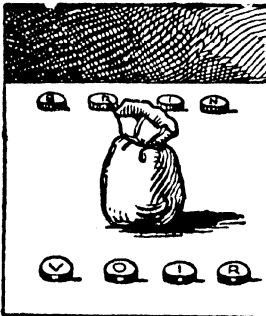
خورداد - ع ۲

داخل شده همان ورق را نشان بدهید موجب
حیرت دوستان شما خواهد شد .

بازی با حروف

برای هر بازی کننده یک سری از مجموع
حروف الفبا لازم است که در ظرفی ریخته
در مقابل بازی کنندگان قرار دهند .

هر یک از آنها یک حرف از ظرف حروف
برمیدارند و مکلفند که آن را حرف اول
کلام با معنایی قرار دهند و برای تشکیل
آن کلمه با سرعت حروف دیگران را از



ظرف حروف برداشته کلام را در مقابل
خود بنویسند - هر کس زودتر و بهتر
و کم حرف تر و پر معنی تر کلام خود را
انتخاب کند و بنویسد بازی را برده است
این سرگرمی در عین حال سرعت انتقال

ایام

۳ شنبه - ۱۷ - ۸ | ۵۱ | ۷

۴ شنبه - ۱۸ - ۹ | ۵۰ | ۷

۵ شنبه - ۱۹ - ۱۰ | ۵۰ | ۷

جمعه - ۲۰ - ۱۱ | ۴۹ | ۷

شنبه - ۲۱ - ۱۲ | ۴۸ | ۷

۱ شنبه - ۲۲ - ۱۳ | ۴۷ | ۷

۲ شنبه - ۲۳ - ۱۴ | ۴۷ | ۷

۳ شنبه - ۲۴ - ۱۵ | ۴۶ | ۷

عیب جوئی و پرده دری کار مردمان عاقل نیست

یادداشتهای سوئدمند

خورداد - ع ۲

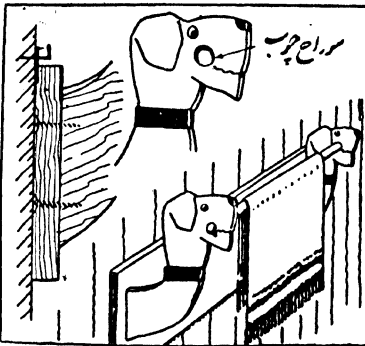
وقریحه اطفال و ذوق اشخاص را تحریک و تقویت میکند.

ایام	خورداد	۲	۱۹	اذان صبح
		د	س	

جای دستمال بچه‌آزه

برای ایجاد مسرت در اطفال و وسایل عدیده باید بکار برد از جمله آنست که برای جای دستمال و حوله اطفال در اطاق يك تخته بعرض ۲۰ یا ۳۰ سانتیمتر و طول در گاه اطاق یا روشویی بوسیله حلقه و میخ باید

۴ شنبه	۲۵-۱۶	۴۶	۷
۵ شنبه	۲۶-۱۷	۴۶	۷
جمعه	۲۷-۱۸	۴۶	۷



سراج چوب

۶ شنبه	۲۸-۱۹	۴۵	۷
۱ شنبه	۲۹-۲۰	۴۵	۷
۲ شنبه	۳۰-۲۱	۴۵	۷
۳ شنبه	۳۱-۲۲	۴۵	۷

آویخت و بطوریکه در نقشه ملاحظه میشود از هر حیوانی که دوست دارند یا مقبول باشد سر چوبی بسازند و در طرفین تخته آویخته با میخ نصب کنند و در حالیکه سوراخی از دهان حیوانات باز کرده باشند يك چوب گردی از آن بگذرانند و در دو سر چوب

توانائی خویش را در راه خدمت بخلق صرف کن تا نتوان نشوی

یاد داشتهای سودمند

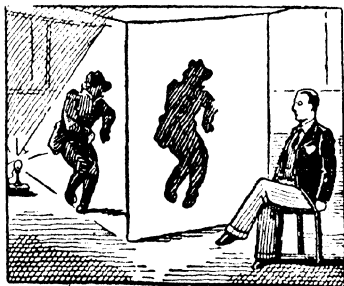
تیر ماه - ع ۲

مذکور هم میتوان یک چوب کرد یا کلوله
فلازی نصب کرد و حوله اطفال را بر روی
آن آویخت که موجب مسرت و سرگرمی
و درعین حال دل بستگی اطفال بنظافت باشد

سینمای بچگانه

این بازی سابقا در خارجه هم معمول بوده
و باید آن را مقدمه پیدایش سینما دانست
درین بازی شخص بازی کننده باید با دقت
مراقب بازی باشد.

یک یارچه سفیدی در وسط اطاق به نحوی
باید آویخت که اطاق را بدو قسمت منقسم
کند و یکی از بازی کن ها باید طوری در



پشت این پرده بنشیند که تمام صفحه یارچه
را مشاهده کند درعین آنکه نتواند پشت
پرده را به بیند

ایام	روز	اذان صبح
۴ شنبه - ۱	۲	۷ ۴۵

۵ شنبه - ۲	۲	۷ ۴۵
------------	---	------

جمعه - ۳	۲	۷ ۴۵
----------	---	------

۴ شنبه - ۴	۲	۷ ۴۵
------------	---	------

۱ شنبه - ۵	۲	۷ ۴۵
------------	---	------

۲ شنبه - ۶	۲	۷ ۴۶
------------	---	------

۳ شنبه - ۷	۲	۷ ۴۶
------------	---	------

۴ شنبه - ۸	۲	۷ ۴۶
------------	---	------

نکوئی با بدان کردن چنانست که بد کردن بجای نیک مردان

یادداشت‌های سودمند

تیر ماه - ج ۱

در یس یرده بازی کن دیگر به نحوی قرار خواهد گرفت که بین آن و یرده شمع یا چراغی روشن باشد شخصی که در پشت یرده نشسته باید آن بازی کننده را از سایه او که در روی یرده منعکس میشود تشخیص دهد که کیست و این تشخیص کارسهای نیست چه اینکه بازی کننده مذکور سعی خواهد کرد نیم رخ خود را تغییر داده با حرکات مختلف اسباب اشتباه بیننده را فراهم کند مخصوصاً آنکه بازی کن مذکور با زرنگی و چابکی خود را با بازی کنهای دیگری که در کنار اطاق منتظرند بنوبت بازی کنند عوض میکند بنا بر این تشخیص بازی کننده بسیار مشکل است و این يك بازی سرگرم کننده و شیرینی خواهد بود

مکالمه بچگانه

برای سرگرمی و تفریح اطفال پرستاران و مادران مهربان و خوش ذوق باید وسایل مختلف فراهم کنند از جمله آنکه با اطفال بیاموزند که با مبادله کلامهای مختلف مدنی خود را مشغول کنند و در يك نقطه نشسته باشند مثلاً کلامی انتخاب کنند که با حروف سه یا چهار کلام دیگر قابل مبادله باشد بدین طریق که حروف آخر کلام اول

ایام	روز	ن	اذان صبح
شنبه - ۹ - ۱	۷	۴۷	۷
جمعه - ۱۰ - ۲	۷	۴۷	۷
شنبه - ۱۱ - ۳	۷	۴۸	۷
شنبه - ۱۲ - ۴	۷	۴۹	۷
شنبه - ۱۳ - ۵	۷	۵۰	۷
شنبه - ۱۴ - ۶	۷	۵۰	۷
شنبه - ۱۵ - ۷	۷	۵۱	۷
شنبه - ۱۶ - ۸	۷	۵۲	۷

گناهکار و اقمی را بقوت خود گذار که بنای گناهکاری نگذاری

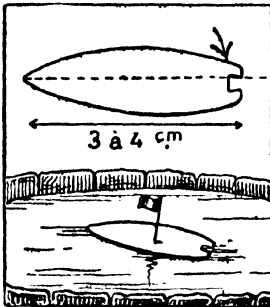
یادداشت‌های سودمند

تیر ماه - ج ۱

حرف اول کلام دوم و حرف آخر کلام دوم
حرف اول کلام سوم و حرف آخر کلام سوم
سوم را حرف اول کلام چهارم قرار دهند
در صورتیکه حرف آخر کلام چهارم حرف
اول کلام اولی باشد مثل: **بزم - مال - لب**
که در تبدیل سه کلمه حاصل میشود بهمین
طریق ممکن است ساعتها اطفال خود را
باخته و مسرت سر گرم کنید بدون آنکه
ناچار باشید پیوسته آنها را از حرکات غیر
ارادی خودشان بازدارید و موجب کدورت
خاطر آنها شوید

کشتی بچگانه

باید از یک ورق کاغذی که با اوراق نازک
قلع توام باشد (مثل لعاف قوطی چای) یک



زرورق کوچکی برید که طول آن از ۳
تا ۴ سانتیمتر باشد و سپس ظرفی را از آب

اگر بیکناهی را گرفتار دیدی در خلاصیش بکوش تا در خلاصی تو بکوشند

ایام	۱۲	۱۳	اذان صبح
	۳	-	د س

جمعه	۱۷-۱۹	۷۵۲
------	-------	-----

شنبه	۱۸-۱۰	۷۵۴
------	-------	-----

۱ شنبه	۱۹-۱۱	۷۵۶
--------	-------	-----

۲ شنبه	۲۰-۱۲	۷۵۷
--------	-------	-----

۳ شنبه	۲۱-۱۳	۷۵۸
--------	-------	-----

وفات حضرت فاطمه

۴ شنبه	۲۲-۱۴	۸
--------	-------	---

۵ شنبه	۲۳-۱۵	۸
--------	-------	---

جمعه	۲۴-۱۶	۸
------	-------	---

یادداشتهای سودمند

تیر ماه - ج ۱

بر کنید و آن را در آن ظرف بگذارید
 و اطفال کوچک خود را سرگرم کنید
 در شکافی که آخر این کشتی قرار میدهند
 و در نقشه مشاهده میشود باید يك قطعه
 کافور که از دو تا سه میلیمتر قطر آن
 باشد بدان نصب کرد در نتیجه کشتی را
 آهسته آهسته در آب حرکت میدهد و
 هر وقت خواستید از حرکت کشتی جلو
 گیری کنید بدون آنکه دست بکشتی
 زده باشید سوزنی را با چربی آلوده کنید
 و در مقابل کشتی در آب فرو برید کشتی
 فوراً متوقف میشود و برای آنکه ثانیاً
 حرکت کند مسیر آنرا تغییر بدهید . و
 چنانکه مشاهده میشود ممکن است بپرق
 کوچکی هم بر آن مزید کنید و با هم
 بزورق متصل نمایند .

کشتی دیگر

کشتی دیگری نیز بشکل ذیل برای سر
 گرمی اطفال میتوان ساخت ولی باید در
 جریان آب انداخت یا اگر در آب را کد
 باشد آب را در عقب کشتی بپرق آورد
 طریق ساختمان آن این است که قطعه‌ئی
 از چوب کاج باید گرفت که در آب نپوسد

ایام

اذان صبح	۱۱	۱۰	۹
د س	-	-	-
۸	۴	۱۷-۲۵	

۸	۶	۱۸-۲۶	شنبه ۱
---	---	-------	--------

۸	۷	۱۹-۲۷	شنبه ۲
---	---	-------	--------

۸	۸	۲۰-۲۸	شنبه ۳
---	---	-------	--------

۸	۱۰	۲۱-۲۹	شنبه ۴
---	----	-------	--------

۸	۱۱	۲۲-۳۰	شنبه ۵
---	----	-------	--------

۸	۱۲	۳۱-۳۱	جمعه
---	----	-------	------

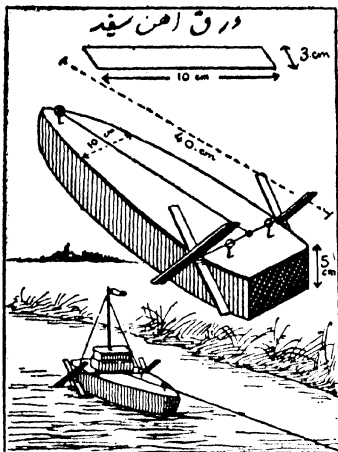
با دشمن دوست دوستی مکن که دوست خود را دشمن خویش ساخته‌ئی

یادداشت‌های سودمند

امرداد - ج ۱

و بطریقی که در نقشه ملاحظه میشود بهر اندازه که محل نظر است برید و با میخ

ایام	۱۰	۱۱	۱۲	اذان صبح
	-	-	-	د س



های ریز بهم وصل کرد در جاو و طرفین کشتی نیز دو حلقه به بیج نصب میکنند که رشته از آنها گذرا نیده در کنار آب بدرخت یا حائل دیگری به بندند .

اسب آقا کوچولو

هر آقا کوچولوئی که ذوق اسب سواری دارد و متأسفانه بجهانی نمی تواند اسب داشته باشد باید در حضور خودش اسبهای بسازید که وسیله سرگرمی کم خرجی برای طفل فراهم کرده باشید

شنبه - ۱ - ۲۴ - ۱۴

شنبه ۱ - ۲ - ۲۵ - ۱۶

شنبه ۲ - ۳ - ۲۶ - ۱۸

شنبه ۳ - ۴ - ۲۷ - ۲۰

شنبه ۴ - ۵ - ۲۸ - ۲۲

شنبه ۵ - ۶ - ۲۹ - ۲۴

شنبه ۶ - ۷ - ۱ - ۲۶

جمادی الثانی

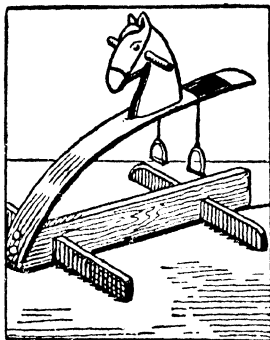
شنبه ۸ - ۲ - ۲۸

تلخهای زندگی را بیاد خاطرات شیرین آن تحمل کنید

یادداشتهای سودمند

امرداد - ج ۲

اسب را بطریق ذیل باید ساخت ؛
قبلا باید يك تیغه فنری یا يك قسمت فنر
شكسته بی مصرف ساعت یا بالاخره بقطعه



فنر محکم فراهم کرد - در يك سر فنر
باید دو سوراخ قرار داد که به يك تخته
میخ شود بطوریکه در نقشه ملاحظه میشود
قطعه چوبی که فنر مذکور بدان نصب
میشود باید قدری بلند تر از تیغه فنر باشد
ولی دو قطعه ضامین کوچکتر خواهد بود
که به تخته اصای میخ شده است و نیز به
طوریکه در نقشه ملاحظه میشود سوراخی
از بنا گوش اسب باید باز کرد که يك
چوب مدور از آن گذشته و در دو طرف
سراسب بجای افسار بدست اطفال بدهند
دو رکاب نیز به رشته بسته و روی فنر

ایام	روز	اذان صبح
۱ شنبه - ۹ - ۳	۲	۸ ۳۰
۲ شنبه - ۱۰ - ۴		۸ ۳۲
۳ شنبه - ۱۱ - ۵		۸ ۳۴
۴ شنبه - ۱۲ - ۶		۸ ۳۶
۵ شنبه - ۱۳ - ۷		۸ ۳۸
جمعه - ۱۴ - ۸		۸ ۴۱
چشم مشروطیت - تعطیل		
شنبه - ۱۵ - ۹		۸ ۴۳
۱ شنبه - ۱۶ - ۱۰		۸ ۴۵

سائیکه بخدا متوسل هستند از هیچ پیش آمدی ناراضی نخواهند بود

آکھی شایان توجه

شرکت طبع کتاب - اولین مؤسسه ایست که تمام هم و منظور خود را صرف خدمت بعالم معارف و مطبوعات کشور قرار داده و هشتمین سال تاسیس آن میباشد که در انجام این منظور مقدس از بذل همه گونه سعی و کوشش کوتاهی نکرده است .

شرکت طبع کتاب - علاوه از آنکه متصدی چاپ و نشر تمامی کتب دبستانی وزارت جابله معارف میباشد دوره کتب کلاسی دبیرستانها و یک سلسله مطبوعات عام المنفعه حاضر نموده و برای چاپ این قبیل تالیفات نیز آقایان مؤلفین محترم میتوانند بتوسط این شرکت آثار خودشان را چاپ و بموقع انتشار در تمام کشور بگذارند .

شرکت طبع کتاب - که مرکز آن تهران میباشد در تمام نقاط کشور نماینده گان زیاد دارد و همچنین در انجام سفارشات مطبوعاتی از تمام نقاط برای مشتریان محترم حاضر است .

شرکت طبع کتاب - انتظار دارد در اثر تشویق و تقدیر وزارت جلیله معارف و افراد معارف پرور خدمات خود را ادامه داده و بیش از پیش قدم های مهم و بلندی در خدمت مطبوعات ایران بردارد

هدیه ایران شرکت طبع کتاب :

محمد مهدی زاده کتابچی - حسین سرورش

آگاهی

تاریخ حیات پیغمبر اسلام - ترجمه از تالیف
کارلیل فیلسوف انگلیسی قیمت ۴ ریال

شرح زندگانی روحی حسین بن علی ع
تالیف آقای ابو عبدالله زنجانی قیمت ۵ ریال

روش من - دستور ه دقیقه ورزش در روز -
آخرین تالیف ژ . پ . مولر - و نتیجه زحمات
و تجربیات این عالم شهیر ورزش که بطور خلاصه و
بدون احتیاج با دوات ورزش برای همه مردم تنظیم
شده با ۴۶ تصویر و سه تابلو قیمت ۵ ریال
در کتابفروشی سروش تبریز بفروش میرسد

يك ركن اساسی و مهم بنا

دروینجره های خوب و محکم و زیباست
که هر گاه دارندگان ساختمانهای محکم و باشکوه
ازین ركن بزرگ غفلت کنند بنای گران قیمت خود
را هر قدر هم بزرگ باشد کوچک و سبک کرده اند
برای تهیه در و پنجره خوب و محکم و زیبا فقط
بکارخانه نجاری ثابت رجوع کنید که هم مطابق
نقشه و هم در سر موعد تحویل خواهد داد

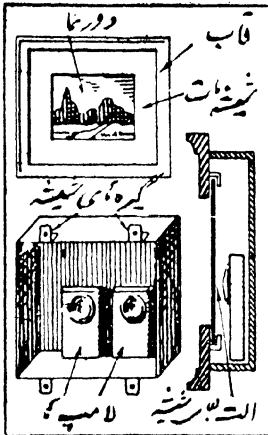
آخر خیابان سپه - شماره تلفن ۸۷۸۷

یاد داشتهای سودمند

فاصله که لازم باشد روی چوب نصب کرده
 طفل را بر آن سوار میکنند در عین حال
 برای جاب نظر و توجه اطفال این اسب
 را هر روزی یا هر هفته و ماهی میتوان بیک
 رنگ قشنگی در آورد

شهر فرنگ خانگی

اگر بخواهید برای اطفال خود یک جمعه
 شهر فرنگ همیشه در خانه آماده داشته باشید
 بطریقی که در نقشه ذیل ملاحظه میشود یک
 جمعه کوچکی بسازید که اضلاع آن ۳ یا ۴
 سانتیمتر قطر داشته باشد و کاملاً محکم



باشد صفحه مقابل آن را شیشه مات بگذارید

مرداد - ج ۲

ایام	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
------	---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----

شنبه - ۱۹-۲۰ - ۶ ۹

شنبه - ۲۰-۲۶ - ۸ ۹

مولود حضرت فاطمه (ع)

شنبه - ۲۱-۲۷ - ۱۰ ۹

جمعه - ۲۲-۲۸ - ۱۲ ۹

شنبه - ۲۳-۲۹ - ۱۴ ۹

شنبه - ۲۴-۳۰ - ۱۶ ۹

شنبه - ۲۵-۳۱ - ۱۸ ۹

مشاخره با نا اهل و جاهل دل را محروح میکند

یادداشتهای سودمند

شهریور - ج ۲

و در وسط جعبه دو چوب بکف جعبه نصب کنید که آلت بندی شده و بتوانید شیشه عکس را در وسط آن قرار دهید

ایام	روز		اذان صبح
	۱	۲	
۳ شنبه - ۱ - ۲۶	۲۱	۹	

در وسط تخته عقب این جعبه دو لامپ کوچک الکتریک با بد نصب کرد که سیم آن از داخل جعبه وصل شده و دارای تکمه کوچکی باشد که در خارج جعبه کار گذارده شده است تا هر وقت شیشه عکس را برای تماشای خود میگذارید یا فیلم عکس را بین دو شیشه قرار داده در جای خود میگذارید چراغ را روشن کنید تا منظره از شیشه و فیلم بشیشه مات مقابل منعکس شده اسباب سر گرمی اطفال باشد

۴ شنبه - ۲ - ۲۷	۲۳	۹	
-----------------	----	---	--

۵ شنبه - ۳ - ۲۸	۲۵	۹	
-----------------	----	---	--

۶ جمعه - ۴ - ۲۹	۲۷	۹	
-----------------	----	---	--

۷ شنبه - ۵ - ۳۰	۳۰	۹	
-----------------	----	---	--

این لامپ ها را با قوه های خشک و چراغهای جیبی هم میتوان نصب و سهولت استفاده کرد

۸ شنبه - ۶ - ۱	۳۲	۹	
----------------	----	---	--

بازی با مهره

بطوریکه در نقشه ذیل ملاحظه میشود يك بازی مشغول کننده را با ورزش مخصوصی میتوان توام کرد بدین طریق که سه مهره را روی میز روی هم قرار میدهند و از دور با يك قطعه بول سفید یا بول سیاه مهره زیرین را میزنند که دو مهره دیگر

رجب

۲ شنبه - ۷ - ۲	۳۵	۹	
----------------	----	---	--

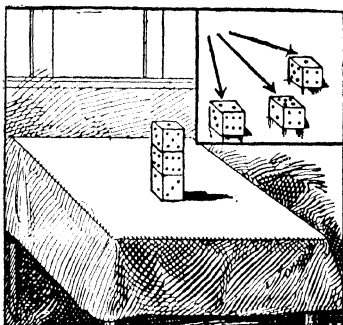
۳ شنبه - ۸ - ۳	۳۷	۹	
----------------	----	---	--

امانت را اگر ردگانی انجام وظیفه و اگر از دست بدهی خیانت محسوبست

یادداشت‌های سودمند

هر یور - رجب

روی میز پراکنده شود هر گاه شماره مهره‌ها رقم ۱۰ را نشان دهد بازی کننده باخته و نوبت بدیگری میرسد و یا نتواند با قطعه یول مهره زیرین را بزند باز بازی



نوبت دیگری است و الا هر چند عددی که متوالی با متناوب روی مهره‌ها ظاهر شود بحساب برد بازی کننده محسوب میشود تا شماره آن بصد برسد در عین حال هر کس زودتر بحد نصاب رسید بازی را برده است میز بازی باید در گوشه اطاق قرار گیرد که از دو جهت بتوان بازی کرد بدون آنکه یول یا مهره‌ها بزمین بریزد این یک بازی فوق‌العاده شیرین و مشغول کننده است که در عین حال هم ورزش ملایمی است

ایام	روز	تاریخ	اذان صبح
			د س

شنبه - ۹ - ۴	۹ ۴۰
--------------	------

شنبه - ۱۰ - ۵	۹ ۴۲
---------------	------

شنبه - ۱۱ - ۶	۹ ۴۵
---------------	------

شنبه - ۱۲ - ۷	۹ ۴۷
---------------	------

شنبه - ۱۳ - ۸	۹ ۵۰
---------------	------

شنبه - ۱۴ - ۹	۹ ۵۱
---------------	------

شنبه - ۱۵ - ۱۰	۹ ۵۵
----------------	------

شنبه - ۱۶ - ۱۱	۹ ۵۷
----------------	------

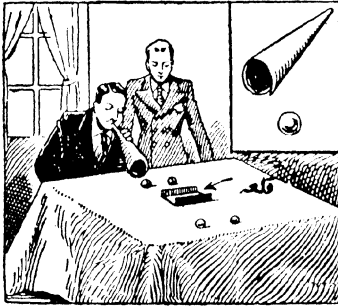
بگفتار و کردار خود معرور مشو که غرور منادی بدبختی است

شهر یور - رجب

یادداشت‌های سودمند

بیلیارد بادی

بطوریکه در نقشه ذیل ملاحظه میشود بازی بیلیارد را بادهان و تنفس هم میتوان انجام داد مثلاً هر بازی کننده بی یک بوق مقوایی دارد و وبایک نفس قوی و شدید مهره خود را که آن نیز از مقوایافاز سبک مجوفی ساخته شده بجانب مهره طرف میراند تا آنجا که بانفس دوم گلوله طرف را از روی میز بیاندازد و مهره خود را بداخل تخته بی که باد و ضاع



باریک وسط میز قرار گرفته جای دهد - بازی کننده نباید مستقیماً گلوله خصم را از میز بیاندازد مگر بواسطه گلوله خود همچنین بازی کننده فقط میتواند برای منظور خود بدور میز حرکت کند ولی نمیتواند روی میز خم شود یا بدست خود تکیه کند مهره

ایام	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	افغان صبح
------	----	----	----	----	----	----	----	----	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---	-----------

۵ شنبه - ۱۲-۱۷ - ۱۰

جمعه - ۱۳-۱۸ - ۱۰ ۲

شنبه - ۱۴-۱۹ - ۱۰ ۵

۱ شنبه - ۱۵-۲۰ - ۱۰ ۷

۲ شنبه - ۱۶-۲۱ - ۱۰ ۱۰

۳ شنبه - ۱۷-۲۲ - ۱۰ ۱۲

۴ شنبه - ۱۸-۲۳ - ۱۰ ۱۴

۵ شنبه - ۱۹-۲۴ - ۱۰ ۱۷

قبل از آنچه کاری لاف کنزاف مزن که ممکن است خجل شوی

یاد داشتهای سودمند

هائمی که از روی میز رانده شود تا پایان بازی دوباره روی میز نخواهد آمد مگر وقتی که خارج از اصول بازی از روی میز بخارج پرتاب شده باشد در اینصورت صاحب مهره حق دارد مهره مذکور را دوباره روی میز بکار بیاندازد و برنده بالاخره کسی است که توانسته باشد مهره های طرف را از روی میز ریخته و مهره های خود را در جمعه وسط میز جای داده باشد

۲۲ رییور - رجب

ایام	۱۱	۱۲	اذان صبح
	۱۱	۱۲	د س
جمعه	۲۰-۲۵	۱۹-۱۰	

شنبه	۲۱-۲۶	۲۱-۱۰
------	-------	-------

۱ شنبه	۲۲-۲۷	۲۲-۱۰
--------	-------	-------

۲ شنبه	۲۳-۲۸	۲۳-۱۰
--------	-------	-------

۳ شنبه	۲۴-۲۹	۲۴-۱۰
--------	-------	-------

۴ شنبه	۲۵-۳۰	۲۵-۱۰
--------	-------	-------

۵ شنبه	۲۶-۳۱	۲۶-۱۰
--------	-------	-------

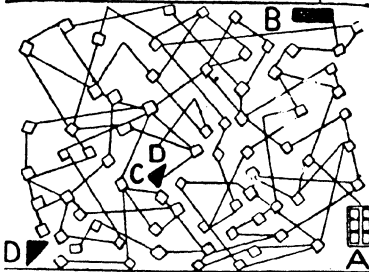
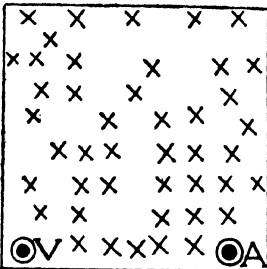
راه پر رنج و پر خطر

در یکی از روزهای خوب بهاری عازم دیدار یکی از دوستان خوب خود هستی دلی میخواستید دست خالی بدیدن این دوست نرفته باشید و چون خیلی هم مشکل بسند است باید برای تهیه يك هدیه بسندیده و مقبولی تمام مغازه های شهر را جستجو کنید از نقطه (۷) که منزل شماست تا نقطه (۸) که منزل دوست شما خواهد بود درین فاصله بطوریکه در نقشه ملاحظه میکنید این علامتها × همه مغازه های آراسته و فشنگی است که اشیاء خوب و مطابوب در آنها یافت میشود بقا برین از نقطه حرکت تا منزل دوست خودتان تمام این مغازه ها را گردش میکنید در صورتیکه

طمع سبب بدبختی و ذلت و بخشش سرمایه سعادت است

یادداشتهای سودمند

برای انجام منظور دوبار از يك راه عبور نكنید هدیة مطلوب را بدست خواهید آورد



شب مهتاب و فرح افزائی است بادوست خود بگردش میر وید و سابقه دارد که در خط سیر شمایک نقطه خطرناکی (علامت b در نقشه) وجود دارد که باید از آن دوری کنید پس از محل (a) که اول خط سیر شماست درین راه وارد میشوید و دوست خود تا آنرا تا نقطه (d) مشایعت میکنید و بعد تنها از

مهر ماه - رجب

ایام	۱۰۳۳	۱۰۳۳	۱۰۳۳	اذان صبح
	۱۰۳۳	۱۰۳۳	۱۰۳۳	دس

جمعه - ۱ - ۱۰۳۳۲۷

مبیت - سلام رسمی - تعطیل

شنبه - ۲ - ۱۰۳۵۲۸

۱ شنبه - ۳ - ۱۰۳۸۲۹

۲ شنبه - ۴ - ۱۰۴۰۱

شعبان

۳ شنبه - ۵ - ۱۰۴۱۲

۴ شنبه - ۶ - ۱۰۴۴۳

۵ شنبه - ۷ - ۱۰۴۷۴

جمعه - ۸ - ۱۰۵۰۵

زندگی را در بیست و چهار ساعت روز و شب منظم کن تا از آن لذت ببری

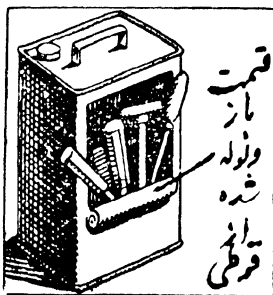
یادداشتهای سودمند

۳۰۰ ماه - شعبان

خط (c) داخل میشود و بدو بمنزل خود که علامت
d نقطه مقابل a میباشد مراجعت میکنید بدون
آنکه از آن راه خطر نالک عبور کرده باشید

ساختمان جعبه ابزار

برای صاحبان اتومبیل یا میکانیسمین ها لازم
است که همواره يك جعبه كوچك برای
ابزارهای دستی خود در دسترس داشته باشند
بنا بر این بر طبق نقشه ذیل يك ظرف روغنی



را باز کرده داخل آن را با حلبی خانه بندی
میکنند که هر نوع ابزار دستی کوچکی را
میتوان در آن نهاد و در موقع ضرورت
بسهولت و سرعت از آن استفاده کرد

قالب گیری اشیاء سربی و قلعی

قبلا باید شیئی را که در نظر است از موم
ساخت و در يك قوطی حلبی قرار داد

ایام	۱۰/۹	۱۰/۸	اذان صبح
شنبه - ۹ - ۶	د	س	

شنبه ۱ - ۱۰ - ۷ ۱۰۵۴

شنبه ۲ - ۱۱ - ۸ ۱۰۵۶

شنبه ۳ - ۱۲ - ۹ ۱۰۵۹

شنبه ۴ - ۱۳ - ۱۰ ۱۱۱

شنبه ۵ - ۱۴ - ۱۱ ۱۱۳

شنبه ۶ - ۱۵ - ۱۲ ۱۱۶

سرانجام امور را از آغاز بنکر تادر آخر کار دچار پشیمانی نشوی

مهر ماه - شعبان

یاد داشتهای سودمند

ودور آن را بادوغ آب کچ نرم و ماسه نرم مخلوط بر کرد و سپس شینی هومی را از وسط آن برداشت در صورتیکه خارج کردن آن از وسط دوغ آب مذکور مشکل باشد باید قوطی را روی آتش گرفت همینکه گرم شود موم آب و از آن خارج میشود سپس برای امتحان ممکن است دوباره با موم آب



کرده قالب را بر کرد اگر شینی بطور دلخواه قالب شده بود آنوقت با سرب با قلع آب کرده قالب را بر کنید و شینی مطابوب را بدست آورید

قرصیم مجسمه گچی

بطوریکه در نقشه ذیل مشاهده میشود یک میخک چوبی باید آماده کرد که مقداری

ایام	مهر ماه	شعبان	اذان صبح
	۱۳	۱۶	۱۱

شنبه - ۱۳-۱۶ | ۱۱ ۸

شنبه ۱ - ۱۴-۱۷ | ۱۱ ۱۰

شنبه ۲ - ۱۵-۱۸ | ۱۱ ۱۲

مو اود حضرت حجة - ۷ طویل

شنبه ۳ - ۱۶-۱۹ | ۱۱ ۱۴

شنبه ۴ - ۱۷-۲۰ | ۱۱ ۱۷

شنبه ۵ - ۱۸-۲۱ | ۱۱ ۱۹

جمعه - ۱۹-۲۲ | ۱۱ ۲۰

شنبه - ۲۰-۲۳ | ۱۱ ۲۲

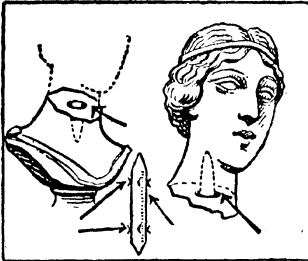
به هیچ چیز عادت مکن که ترک آن هر قدر ناچرز باشد جانکاه است

یادداشت‌های سودمند

سهر ماه - شعبان

میخ ریز بان فرو کرده باشید و سوراخی در قسمت شکستگی مجسمه باز کنید که چوب

ایام	۳	۲	۱	اذان صبح
	۳	۲	۱	داس



۱ شنبه - ۲۴ - ۲۱ - ۱۱۲۵

۲ شنبه - ۲۵ - ۲۲ - ۱۱۲۷

۳ شنبه - ۲۶ - ۲۳ - ۱۱۲۹

مذکور را در آن سوراخ بگذارید سپس بادوغ آب کچ آن سوراخ را پر کنید در حالتیکه کمی صمغ عربی در کچ داخل کنید

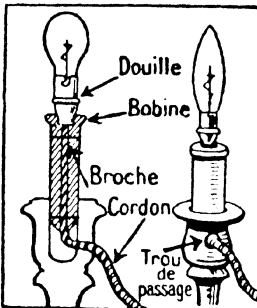
۴ شنبه - ۲۷ - ۲۴ - ۱۱۳۲

شمعدانهای الکتریکی

در غالب خانها شمعدانها وسه شاخها و جارها و چهل چراغهای زیادی یافت میشود که

۵ شنبه - ۲۸ - ۲۵ - ۱۱۳۴

جمعه - ۲۹ - ۲۶ - ۱۱۳۶



شنبه - ۳۰ - ۲۷ - ۱۱۳۸

در بن عصر بصورت سابق قابل استفاده نیست

کسب معاش کن بقرا لکان نه بعد طمع که در طلب بسیار از نصیب کم نیز بار مانی

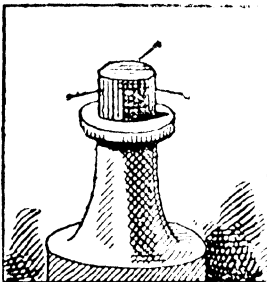
ابانماه - شعبان

یادداشت‌های سودمند

هر گاه بترتیب بالا آنها را بمشعل های الکتریکی مبدل کنند بسیار زیبا و تماشایی و قابل استفاده و بس گرانبها خواهد بود بدینصورت که باید گذرانندسیم الکتریک را از جای شمع و سر بیج لامپ بدان وصل کرد و بجای شمع لامپهای سفید یا الوان در آن نهاد که هنگام شب فروغ و شکوه مخصوصی بسالن پذیرائی می بخشد

تشخیص ادویه در تاریکی

غالباً دواسازها و عکاسها و گراورسازها در تاریک خانه شیشه های عذیده با ادویه مختلفه دارند که هنگام استعمال اکثر دچار اشتباه میشوند که گاه کادبی نهایت خطرناک و مضر واقع میشود یک دستور خیلی ساده



این مخاطرات را بکلی دور میکنند و آن این است که بر روی چوب پنبه های سر شیشه

ایام	روز	تاریخ	اذان صبح
۱ شنبه	۱ - ۲۸	۱۱۴۰	د س
۲ شنبه	۲ - ۲۹	۱۱۴۲	
۳ شنبه	۳ - ۱	۱۱۴۴	
رمضان			
۴ شنبه	۴ - ۲	۱۱۴۶	
مواد و الاحضرت ولایتهد تعطیل مدارس			
۵ شنبه	۵ - ۳	۱۱۴۸	
جمعه	۶ - ۴	۱۱۵۰	
شنبه	۷ - ۵	۱۱۵۲	
۱ شنبه	۸ - ۶	۱۱۵۴	

در سخط و غضب بهیچکاری اقدام مکن که حاصلش تلخ است

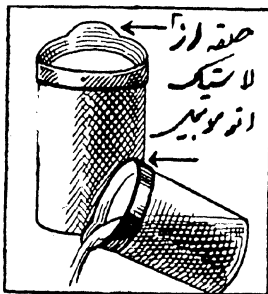
یادداشتهای سودمند

بانماه - رمضان

یونز یا میخ سر بهن و سرگرد و سنجاقهای باوری و زنجیر دار فرو برند و هر یک را بجافظه بسپارند که متعلق بکدام دو است و چون زیاد نیست بزودی علائم مذکور ملکه شده درهوقع است. مال اشتباه و خطری ایجاد نخواهد شد

ریختن مایعات از شیشه

گاه گاه برای ریختن مایعات از شیشه بشیشه دیگر ایجاد زحمت میشود و مقداری از آن نیز از دست میرود بایدهیک قطعه لاستیک را حلقه و از برید و نوکی بدان داد و بانخی محکم بدهانان شیشه بست درینصورت مایع را



بشیشه دیگر میتوان ریخت بدون آنکه قطره از آن بریزد و هر قدر هم مایع فاسد کفنده باشد لاستیک را بزودی خراب نخواهد کرد

ایام	ایران	اذان صبح
۹ - ۷	۱۱۵۶	د س

۲ شنبه - ۹ - ۷ - ۱۱۵۶

تغییر ساعت

۳ شنبه - ۱۰ - ۸ - ۱۱۵۷

۴ شنبه - ۱۱ - ۹ - ۱۱۵۹

۵ شنبه - ۱۲ - ۱۰ - ۱۲۱

۶ شنبه - ۱۳ - ۱۱ - ۱۲۳

شنبه - ۱۴ - ۱۲ - ۱۲۵

۱ شنبه - ۱۵ - ۱۳ - ۱۲۶

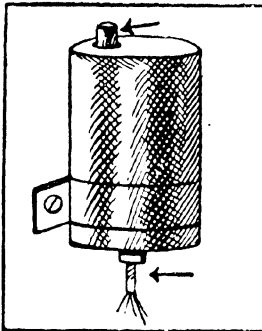
سهم و خلق خوش نمک گفته و کردار است هیچگاه ترش رو و بی نیک مباش

یادداشتهای سودمند

ابانماه - رمضان

صابون مایع

هر گاه بخواهید بالای روشویی خود وسیله داشته باشید که صابون مایع را بمقدار لازم در دست شما بگذارد و به سهولت دست و صورت خود را شستشو دهید ممکن است یک قوطی حبابی بشکل ذیل بسازید که در زیر آن یک لوله قرار داشته باشد که بمجرد اشاره دست و فشار بداخل قوطی صابون از



آن خارج شود - این قوطی را ممکن است با زنجیر در بالای روشویی نصب کنید و هر چند روز یکمرتبه مقداری صابون در آن بریزید .

تشخیص تخم مرغ تازه

نقشه ذیل آلتی است برای امتحان تخم

ایام	روز	تاریخ	اذان صبح
	د	س	

۲ شنبه - ۱۶-۱۴ | ۱۲۸

۳ شنبه - ۱۷-۱۵ | ۱۲۱۰

۴ شنبه - ۱۸-۱۶ | ۱۲۱۲

۵ شنبه - ۱۹-۱۷ | ۱۲۱۳

جمعه - ۲۰-۱۸ | ۱۲۱۵

شنبه - ۲۱-۱۹ | ۱۲۱۷

ضربت خوردن حضرت امیر - تعطیل

۱ شنبه - ۲۲-۲۰ | ۱۲۱۸

۲ شنبه - ۲۳-۲۱ | ۱۲۲

شهادت حضرت امیر - تعطیل

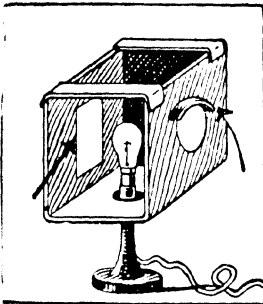
دوست هم اسرار تو را فاش خواهد کرد زنهار بهیچکس اظهار راز مکن

یادداشتهای سودمند

بانماه - رمضان

مرغ تازه که تر کیب شده از يك مقوای ضخیم ۵۰ در ۲۰ سانتیمتر و تا شده -

درته این مقوا سوراخی است برای قرار دادن يك لامپ الكتر يك و روی يك یا به كوچك چوبی قرار گرفته است يك چراغ كوچك ده شمعی برای این كالا کافی است در يك طرف مقوا سوراخ بیضی شكلی برای جای دادن تخم مرغ باز میکنند و در



طرف دیگر يك قطعه حلبی سمید براق نصب میکنند که نور را منعکس کند بالاخره تخم مرغ را در سوراخ مذکور نهاده چراغ را روشن میکنند و این واسطه می توانند تخم تازه را از کهنه و فاسد تمیز دهند البته این امتحان در جای کم نوری بعمل آید نتیجه بهتر خواهد بود

ایام	روز	تاریخ	اذان صبح
			د س

۳ شنبه - ۲۴ - ۲۲ | ۱۲۲۱

۴ شنبه - ۲۵ - ۲۳ | ۱۲۲۳

روز عزا - تعطیل

۵ شنبه - ۲۶ - ۲۴ | ۱۲۲۴

۶ شنبه - ۲۷ - ۲۵ | ۱۲۲۶

شنبه - ۲۸ - ۲۶ | ۱۲۲۷

۱ شنبه - ۲۹ - ۲۷ | ۱۲۲۸

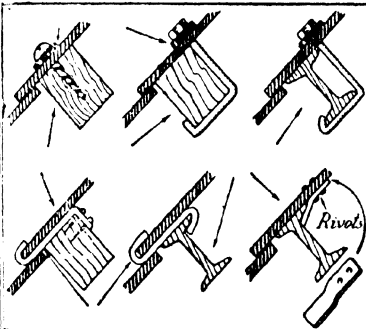
۲ شنبه - ۳۰ - ۲۸ | ۱۲۳۰

مال پرستان را بخيال خود گذار که دوست پرست نخواهد شد

آذر ماه - رمضان

باد داشتهای سو دهند

پوشش کر کرده ای
 از آهن های کر کرده ننی که برای
 درب غاب مغازه ها ساخته میشود برای
 پوشش بام و سقف کارازها و انبار نیز
 میتوان استفاده کرد
 نهایت اینکه باید زبر کار سبکی از چوب
 داشته و با میخ ها و پیچ های محکمی
 نصب کنند که هر وقت بخواهند بتوانند
 سهولت از بامی دیگر و از محلی به
 محل دیگر نقل دهند. در اینصورت از
 شیروانی های معمولی نیز محکم تر و باصرفه تر
 خواهد بود
 نقشه ذیل چندین قسم طریقه نصب آهن



های مذکور را نشان میدهد که هم میتوان
 بر روی چوب قرارداد و هم بر روی حائل
 های آهنی انداخت .

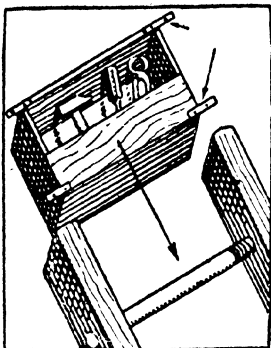
ایام	آذر ماه	رمضان	اذان صبح
۳ شنبه - ۱	۲۹	۱۲۳۱	د س
۴ شنبه - ۲	۳۰	۱۲۳۲	
۵ شنبه - ۳	۱	۱۲۳۴	
شوال عید فطر - تعطیل			
جمعه - ۴ - ۲	۲	۱۲۳۵	
شنبه - ۵ - ۳	۳	۱۲۳۶	
۱ شنبه - ۶ - ۴	۴	۱۲۳۷	
۲ شنبه - ۷ - ۵	۵	۱۲۳۸	
۳ شنبه - ۸ - ۶	۶	۱۲۳۹	

برای فرزندان خود فقط علم و کمال بکنارید که ملک و مال زوال پذیر است

یاد داشتهای سودمند

جعبه ابزار در فرد بام

وقتی که کارگر بر روی فرد بام ایستاده و بر روی دیوار یا لب بام برای سیم کشی یا رنگ کاری یا نجاری یا کتیبه سازی کاری دارد باید ابزارها یش در دسترس باشد بنا بر این بر طبق نقشه ذیل جعبه کوچکی تدارک میکنند و ابزار را در آن



میگذارند و بعد بقسمی که نقشه نشان میدهد آنرا در وسط دو پایه فرد بام در هر یک از خانهای آن که نزدیکتر بدست باشد قرار میدهند همینکه به پایه دیگر خواستند بالا بروند یا پایین بیایند جعبه را از جای خود برداشته بهر جا که بخواهند دوباره نصب میکنند

ذرمه - شوال

ایام	اداره	روز	اذان صبح
	۷	د	س

۴ شنبه - ۹ - ۷ - ۱۳۴۰

۵ شنبه - ۱۰ - ۸ - ۱۳۴۱

۶ شنبه - ۱۱ - ۹ - ۱۳۴۲

۷ شنبه - ۱۲ - ۱۰ - ۱۳۴۳

۸ شنبه - ۱۳ - ۱۱ - ۱۳۴۴

۹ شنبه - ۱۴ - ۱۲ - ۱۳۴۵

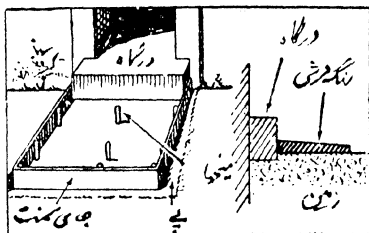
۱۰ شنبه - ۱۵ - ۱۳ - ۱۳۴۶

تاب کس مکوی و گر کوئی آشکار مکن که خود اسباب دشمنی بی سبب است

یاد داشتهای سودمند

آذرماه - شوال

فرش سمنتی
در مقابل دربهای بزرگ
 سطح مقابل دربهای بزرگ عمارات بیلاقی را میتوان بطریق ذیل سمنت کرد که هیچگاه برف و باران منظره آن را خراب نکند و در موقع عبور اسباب زحمت نباشد سطحی را که برای اینکار در نظر گرفته میشود باید حفر کرد و خاک آن قطعه را بمق ۲۰ سانتیمتر برداشت و سپس بفواصل مختلف میخ های آهنی در وسط گودال مذکور فرو کرد و بعد از هاسه و شن درشت



و یک چهارم سمنت مخلوطی ساخت و در آن ریخت و آن را با یک کوبه چوبی یا آهنی کوبید و سپس با هاسه ریز و دو چهارم سمنت بقطر چهار سانتیمتر روی آن یک صفحه نازکی کشید و ماله زد در همین حال هم باید بدان شیب داد که آب باران و برف روی آن باقی نماند

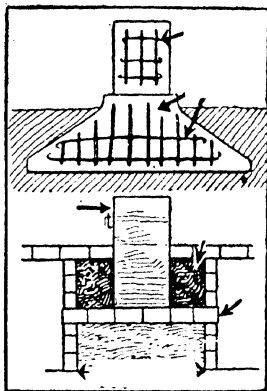
در مصائب تحمل و توکل داشته باش که آنچه رفته باز نگردد

ایام	۱۳	۱۴	اذان صبح
	۱۳	۱۴	د س
۴ شنبه - ۱۶-۱۴	۱۲	۱۴	۶۱
۵ شنبه - ۱۷-۱۵	۱۲	۱۵	۴۷
جمعه - ۱۸-۱۶	۱۲	۱۸	۴۸
شنبه - ۱۹-۱۷	۱۲	۱۹	۴۸
شنبه - ۲۰-۱۸	۱۲	۲۰	۴۹
شنبه - ۲۱-۱۹	۱۲	۲۱	۴۹
شنبه - ۲۲-۲۰	۱۲	۲۲	۵۰
شنبه - ۲۳-۲۱	۱۲	۲۳	۵۰

آذر ماه - شوال

یاد داشتهای سودمند

سمنت کاریهای ارزان و محکم
 کسانیکه میخواهند بنا های کوچک و سبکی ایجاد کنند و بی ریزی های بزرگی نداشته باشند بطریق ذیل میتوانند پایه های بنا را بر مبنای مستحکمی قرار دهند.
 بطوریکه در نقشه ذیل ملاحظه میشود سطح زمین را بیک نسبت لازمی که کمتر از یکمتر عمق نخواهد بود حفر میکنند و با مخلوطی از شن درشت و ماسه و یک چهارم سمنت پر میکنند در حالیکه مقداری آهن کهنه و زنگ زده که بهتر از آهن صیقلی و نو با سمنت ترکیب خواهد شد



در آن قرار داده باشند این پی مانند آنست

ایام	۱۳	۱۲	اذان صبح
	۳	۲	د س

۵ شنبه - ۲۴ - ۲۲ - ۱۲۵۰

جمعه - ۲۵ - ۲۳ - ۱۲۵۱

شنبه - ۲۶ - ۲۴ - ۱۲۵۱

۱ شنبه - ۲۷ - ۲۵ - ۱۲۵۱

۲ شنبه - ۲۸ - ۲۶ - ۱۲۵۱

۳ شنبه - ۲۹ - ۲۷ - ۱۲۵۱

۴ شنبه - ۳۰ - ۲۸ - ۱۲۵۱

هنگام ناخوشی از مراجعه بطیب خوب و خرید دو از دو اخانه معتبر غفلت نکنید

یادداشتهای سودمند

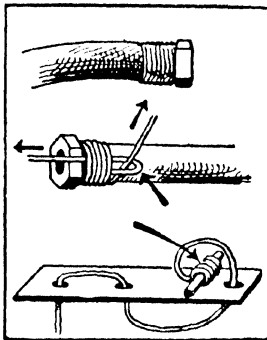
دی ماه - شوال

که پنج متر زمین را حفر کرده با مقدار کمتری آهک شفته ریزی نموده باشند مخصوصاً در زمین های خاکری و سست این عمل بینهایت مفید است .

تعمیر لوله های سوراخ شده

هر گاه لوله آهنی سوراخ شده باشد و اصلاح اساسی آن بسهولت میسر نشود و همچنین نخواهند لوله مذکور را عوض کنند ممکن است بطریق ذیل لوله را بهم وصل کنند .

یک قطعه آهن روی سوراخ میگذرانند و بتونه میزنند سپس با یک مفتول آن قطعه آهن را با لوله بهم می پیچند بطوریکه انتهای مفتول در آخرین پیچ زیر رشته



های مفتول قرار گیرد و برای اینکه مفتول بسهولت دور لوله به پیچد باید یک

ایام	۳	۳	۳	۳	۳
روز	۳	۳	۳	۳	۳
شنبه - ۱	۱۲۵۱	۲۹	۱		

جمعه - ۲	۱۲۵۱	۳۰	۲		
----------	------	----	---	--	--

شنبه - ۳	۱۲۵۱	۱	۳		
----------	------	---	---	--	--

ذیقعه

شنبه - ۴	۱۲۵۱	۲	۴		
----------	------	---	---	--	--

شنبه - ۵	۱۲۵۱	۳	۵		
----------	------	---	---	--	--

شنبه - ۶	۱۲۵۱	۴	۶		
----------	------	---	---	--	--

شنبه - ۷	۱۲۵۱	۵	۷		
----------	------	---	---	--	--

شنبه - ۸	۱۲۵۰	۶	۸		
----------	------	---	---	--	--

اولین جمله پس بطریق خوب رجوع کنید باینک یا دو نسخه معالجه میشوند

یادداشت‌های سودمند

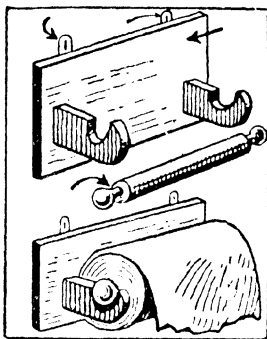
دی ماه - ذیقعدہ

قطعه تخته را بطوریکه در نقشه ملاحظه میشود سه سوراخ کرده و مفتول را به طریقی که ترسیم شده از آن بگذرانند که مانند گیره آهنی مفتول را محکم نگاه دارد و مجال دهد که رشته آن دور لوله محکم پیچیده شود هر گاه این عمل را با دقت انجام دهند میتوان مطمئن شد که لوله مذکور مدت دیگری هم قابل استفاده است.

ایام	۳	۱۱	اذان صبح
	۳	۱۱	دس
جمعه	۷-۹	۱۲۵۰	
شنبه	۸-۱۰	۱۲۵۰	
شنبه ۱	۹-۱۱	۱۲۴۹	
شنبه ۲	۱۰-۱۲	۱۲۴۹	
شنبه ۳	۱۱-۱۳	۱۲۴۸	
شنبه ۴	۱۲-۱۴	۱۲۴۷	
شنبه ۵	۱۳-۱۵	۱۲۴۷	

سپل و نظایف و ارزان

غالب کسبه اجناس خود را در کاغذهای کثیف می پیچند و این عمل هم دور از نظافت است و هم وقت کاسب را برای پیچیدن اجناس و اشیاء تلف میکند، مطابق نقشه ذیل دو میخک چوبی بایند ساخت و



در يك صفحه چوب کوبید و سپس بقطعه

و از آن در خانه معتد و مشهور دوا بخرید هر قدر هم گران باشد ارزان است

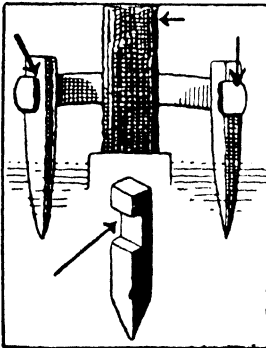
دی ماه - ذیقعدہ

یاد داشتہای سو دمنند

چوب دیگر تراشید و صاف کرد و دوسر آنرا بقدری که باید درین دو شاخه قرار گیرد ناز کمتر کرد و روی میخکها استوار ساخت و کاغذ های نازک بدور آن پیچید و در دسترس خود گذارد تا در موقع احتیاج همینکه سر کاغذ را بگیرند چوب به خودی خود میچرخد و کاغذ بقدری که لازم است باز میشود. در عین حال هم با صرفه تر و ارزاتر از کاغذ های دیگر است و هم وقت کاسب را کمتر تلف میکند و مشتری نیز راغب تر میشود.

شمع های چوبی

گاه گاه شمع هائی برای نگهداری بعضی سقفهای شکسته یا طاقهای بزرگ



در وسط یک انبار یا بانک کار از میز تند به مجرد

ایام	روز	تاریخ	اذان صبح
	د	س	

جمعه - ۱۶ - ۱۴ - ۱۲۴۶

شنبه - ۱۷ - ۱۵ - ۱۲۴۵

۱ شنبه - ۱۸ - ۱۶ - ۱۲۴۵

۲ شنبه - ۱۹ - ۱۷ - ۱۲۴۴

۳ شنبه - ۲۰ - ۱۸ - ۱۲۴۳

۴ شنبه - ۲۱ - ۱۹ - ۱۲۴۲

۵ شنبه - ۲۲ - ۲۰ - ۱۲۴۱

جمعه - ۲۳ - ۲۱ - ۱۲۴۰

یکی از این دو اخانه های نامی در میدان (مخبر الدوله) همیشه تاپاسی از شب دائر است

یاد داشتهای سود مند

دی ماه - ذی قعدة

مختصر تکان سختی از باد در میرود و خطر ناک میشود خوب است درین موقع با میخهای چوبی و تسمه آهنی شمع مذکور را مهار کنند بطریقی که در نقشه ملاحظه میشود میخهای چوبی یا آهنی را ۲۰ سانتیمتر در زمین مینشانند و بوسیله یک تسمه آهنی بشمع متصل میکنند بدین طریق دیگر اسباب خطر نیست و محکم بجای خود باقی خواهد ماند

ایام	۳	۱۳	اذان صبح
	۳	۱۳	دس

شنبه - ۲۴-۲۲ | ۱۲۳۹

شنبه ۱ - ۲۵-۲۳ | ۱۲۳۸

شنبه ۲ - ۲۶-۲۴ | ۱۲۳۷

شنبه ۳ - ۲۷-۲۵ | ۱۲۳۶

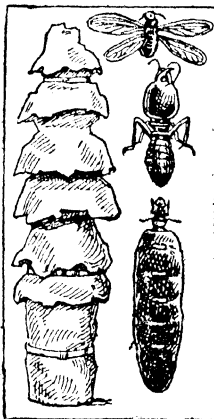
شنبه ۴ - ۲۸-۲۶ | ۱۲۳۵

شنبه ۵ - ۲۹-۲۷ | ۱۲۳۴

جمعه - ۳۰-۲۸ | ۱۲۳۳

لانه بزرگ

لانه که در سمت چپ کابشه ملاحظه میشود



۵ متر ارتفاع دارد
یعنی ۱۰۰۰ برابر
طول حشره ایست
که آنرا ساخته .
برج مشهور ایفل
فقط ۱۸۷ برابر
طول قامت معمار
خود میباشد و اگر
برج ایفل را بهمان
نسبتی که بین لانه

فوق و حشره مزبور برقرار است بنا میگردند
میباشد ۱۶۰۰ متر باشد

با دقت بسیار در خیابانهای دیگر نیز دواخانهای خوب و معتبر میتوان یافت

باد داشتهای سوئد مند

همن - ذیقعدہ

کار فیل



بشر فیل ها را
بمعاونت خود
گرفته و چنانکه
در این کراور
ملاحظه میشود
حمل چوبهای
بزرگ و سنگین ر
در نقاطی که

وسائط نقایه نمیتواند عبور کند بعهده
او گذارده است

مارگیران

هر جا که مارگیران بازی میکنند در
هندوستان، افریقای شمالی یا جای دیگر
مانند آنست که همه از يك شخص تعلیم
گرفته اند، ایشان دارای زنبیلهائی
هستند که شاگردانشان حمل مینمایند
و يك نی، يك تنبک، يك چوب دست
با خود دارند.

افسونگر در روز بازار در میدان
عمومی مهر که بر پا میکنند و از نی خود

ایام	روز	تاریخ	اذان صبح
شنبه - ۱		۱۲۳۱۲۹	د اس
شنبه - ۲		۱۲۳۰۱	
ذیحجه			
شنبه - ۳		۱۲۲۸۲	
شنبه - ۴		۱۲۲۷۳	
شنبه - ۵		۱۲۲۶۴	
شنبه - ۶		۱۲۲۴۵	
جمعه - ۷		۱۲۲۳۶	
شنبه - ۸		۱۲۲۱۷	

يك ورزش مختصر در هر صبح نشاط و فروغ حیات را در شما تجدید میکند.

یاد داشته‌های سودمند

صداهائی که هر لحظه شدید تر میشود خارج مینماید و یکی از معاونین تنبک او را بصدا در میاورد مردم بشکل دایره بدور او جمع میشوند .

ناکمان مار گیر زمبیل خود را نشان داده و بدور سرش میچرخاند مار سر خود را بیرون آورده مانند اینکه می خواهد خود را بروی مار گیر اندازد



و این شخص بانی خود لحنی آهسته و شیرین مینوازد و در اثر آن مار بی حرکت میشود آنگاه مار گیر بیچپ و راست خود را حرکت میدهد و مار

همن - ذیحجه

ایام	روز	تاریخ	اذان صبح
شنبه	۹ - ۸	۱۲۲۰	د س

شنبه	۱۰ - ۹	۱۲۱۸
------	--------	------

شنبه	۱۱ - ۱۰	۱۲۱۷
------	---------	------

عید قربان - تعطیل

شنبه	۱۲ - ۱۱	۱۲۱۵
------	---------	------

شنبه	۱۳ - ۱۲	۱۲۱۳
------	---------	------

جمعه	۱۴ - ۱۳	۱۲۱۲
------	---------	------

شنبه	۱۵ - ۱۴	۱۲۱۰
------	---------	------

ورزش برای اشخاص بی سابقه فقط در روزهای اول قدری مشکل بنظر میرسد

یاد داشتهای سود مند	بهمن - ذیحجه																				
<p>نیز مثل او حرکت میکند مار گیر خرد را بعقب میکشاند مار نیز او را تعقیب میکند و هر دو بدینوجه دور دایره که از تماشاچیان خالی است میگردند تا اینکه مار داخل زنبیل بشود</p>	<table border="1"> <tr> <td>ایام</td> <td>روز</td> <td>تاریخ</td> <td>اذان صبح</td> </tr> <tr> <td></td> <td></td> <td>۱۵-۱۶</td> <td>د س</td> </tr> <tr> <td colspan="2"></td> <td>شنبه ۱</td> <td>۱۲۸</td> </tr> </table>	ایام	روز	تاریخ	اذان صبح			۱۵-۱۶	د س			شنبه ۱	۱۲۸								
ایام	روز	تاریخ	اذان صبح																		
		۱۵-۱۶	د س																		
		شنبه ۱	۱۲۸																		
<p>نوع دیگر</p>	<table border="1"> <tr> <td colspan="2"></td> <td>شنبه ۲</td> <td>۱۲۶</td> </tr> </table>			شنبه ۲	۱۲۶																
		شنبه ۲	۱۲۶																		
<p>ماری را آزاد میکنند مار گیر او را گرفته و بدور گردنش گردانده و خود را برای گزیدن او حاضر میکند آنگاه بازو و بینی و گردنش را تسلیم مار مینماید و خونی که از زخمهایش جاری میشود قطع نمیکند برای اینکه پول هنگفتی از تماشاچیان بدست آرد عمایات فوق بالاخص در اعیاد هندوها انجام میگیرد</p>	<table border="1"> <tr> <td colspan="2"></td> <td>شنبه ۳</td> <td>۱۲۵</td> </tr> <tr> <td colspan="2"></td> <td>شنبه ۴</td> <td>۱۲۳</td> </tr> <tr> <td colspan="4">غیب تدبیر - سلا - رسمی - تعطیل</td> </tr> <tr> <td colspan="2"></td> <td>شنبه ۵</td> <td>۱۱۱</td> </tr> <tr> <td colspan="2"></td> <td>جمعه</td> <td>۱۱۵۹</td> </tr> </table>			شنبه ۳	۱۲۵			شنبه ۴	۱۲۳	غیب تدبیر - سلا - رسمی - تعطیل						شنبه ۵	۱۱۱			جمعه	۱۱۵۹
		شنبه ۳	۱۲۵																		
		شنبه ۴	۱۲۳																		
غیب تدبیر - سلا - رسمی - تعطیل																					
		شنبه ۵	۱۱۱																		
		جمعه	۱۱۵۹																		
<p>حفظ درختهای میوه در زمستان</p> <p>در فصل زمستان باغبانها باید برای حفظ درختهای میوه بدستور ذیل عمل کنند غالباً روی پوست درخت را شسته میگیرند و شیره درخت را میمکند و درخت را خشک مینمایند و همچنین روی بعضی درختهای دیگر را خزه و مواد دیگر پوشانیده و</p>	<table border="1"> <tr> <td colspan="2"></td> <td>شنبه</td> <td>۱۱۵۷</td> </tr> <tr> <td colspan="2"></td> <td>شنبه ۱</td> <td>۱۱۵۶</td> </tr> </table>			شنبه	۱۱۵۷			شنبه ۱	۱۱۵۶												
		شنبه	۱۱۵۷																		
		شنبه ۱	۱۱۵۶																		

باید همت کرد و چند روزی پی در پی نورزش و گردش صبحانه پرداخت

یادداشت‌های سودمند

همن - ذی‌حجه

زمینه را برای نفوذ حشرات آماده میکنند
 باید پوستهای کهنه درخت را پاک کرده
 و بعد با آب آهک غلیظی بشویند این عمل
 بسیار خوب است ولی برای بعضی حشرات
 چندان مؤثر نیست و باید محلول مؤثری
 برای دفع آنها بکار برد محلول ذیل را با
 دقت کامل باید تهیه کرد .

ابام
 رجب
 ذی‌حجه
 اذان صبح
 د س

۲ شنبه - ۲۴-۲۳ | ۱۱۰۴

۳ شنبه - ۲۵-۲۴ | ۱۱۰۲

۴ شنبه - ۲۶-۲۵ | ۱۱۰۰

۵ شنبه - ۲۷-۲۶ | ۱۱۴۸

جمعه - ۲۸-۲۷ | ۱۱۴۶

شنبه - ۲۹-۲۸ | ۱۱۴۴

۱ شنبه - ۳۰-۲۹ | ۱۱۴۲

سولفات دو کوپر ۲ کیلو گرم - آهک
 مرده ۳ کیلو گرم - شیری که سرشیر و
 کره آن گرفته شده باشد یک لیتر - آب صد
 لیتر - اول سولفات را در ۳۰ یا ۴۰ برابر وزن
 خودش آب حل کنید . برای این عمل
 باید ظرف چوبی یا گلی بکار برد زیرا
 ظروف فلزی در تحت تاثیر سولفات خراب
 شده محلول را هم فاسد مینماید - سولفات
 اگر نرم باشد فوراً آب میشود اگر درشت
 باشد باید در کیسه ریخته روی آب نگاهداشت
 تا حل شود بعد باید آب آهک را درست
 کرد اگر آهک سنگ باشد باید ابتدا آنرا
 کشت بدین طریق که روی آن کم کم آب
 میریزند تا حرارتش تمام و بشکل گردد

اگر یک هفته مرتباً ورزش کنید دیگر همیشه برای شما توفیق اجباری است

یادداشت‌های سودمند

اسفند - ذیحجه

شود سپس دو لیتر آب و یک لیتر شیر بی کره روی آن میریزند پس از آن آب آهک را آهسته و با احتیاط در حالتیکه ظرف محلول سولفات را دائما حرکت میدهند روی سولفات میریزند پس از صاف کردن محلول مایه آبی رنگی حاصل میشود که باید فوراً آن را استعمال کرد که اگر بماند بپس از ساخته شدن رنگ آن سبز باشد فاسد شده قابل دفع حشرات نیست هر گاه درخت خیلی کثیف باشد باید مابعد را خیلی غلیظتر تهیه کرد.

مثلاً ۳ کیلو سولفات دو کویر و پنج کیلو آهک را در ۱۰۰۰ کیلو آب حل و مصرف نمایند محلول دیگری که برای دفع حشرات مفید است و بوسیله علمای فن تجربه شده نیز ذیلاً نگاشته میشود

سولفات دو کویر ۲ کیلو - آهک مرده کوپیده ۴ کیلو - فقط یا روغن اتومبیل ده لیتر - آب ۹۰ لیتر

ساختن این محلول خیلی دقیق است و احتیاط زیاد لازم دارد اول باید سولفات

ایام	۱۳۱۷	۱۳۱۶	ذات صبح
------	------	------	---------

۲ شنبه - ۱ - ۳۰ - ۱۱۴۰

۳ شنبه - ۲ - ۱ - ۱۱۳۸

محررم ۱۳۵۸

۴ شنبه - ۳ - ۲ - ۱۱۳۶

کودتای ۱۲۹۹ - تعطیل

۵ شنبه - ۴ - ۳ - ۱۱۳۴

جمعه - ۵ - ۴ - ۱۱۳۲

شنبه - ۶ - ۵ - ۱۱۳۰

۱ شنبه - ۷ - ۶ - ۱۱۲۸

۲ شنبه - ۸ - ۷ - ۱۱۲۶

گفت پیغمبر باصحاب کبار تن مپوشنید از باد بهار

یادداشت‌های سودمند

اسفند - محرم

را در ۲ لیتر آب حل کرد بعد در ظرف دیگر آب آهک را بقدرع کیاو آهک در ۵ لیتر آب گرم ترتیب داد وموقعیکه آب آهک گرم است نفت وروغن را کم کم در آن ریخت و دائما با چوب آرا بهم زد درینوقت جسم جامدخاکستری رنگی آماده میشود که باید آنرا پس از مخلوط کردن تمام روغن و نفط مقررده با آب نرم وحل کرد و بعد این محلول را روی محلول سولفات ریخته دهمما آن را تکان داد و بهم زد طبقه دیگر نیز آنست که محلول فورمول را گرفته دو در صد با آب حل کرد و با اسباب مخصوص روی درخت یاشید .

این عمل باید در آواخر زمستان انجام شود - برای درخت سیب باید در اول زمستان محلول ادلی را بکار برد و بعد مجددا در بهار چند روز قبل از گل دادن نیز آن را استعمال کرد ولی در دفعه دوم باید مقدار سولفات دو کویر آن کمتر باشد برای درختهای هسته دار مخصوصا کلابی

ایام	روز	تاریخ
۳ شنبه - ۹ - ۸	۱۱۲۲	اذان صبح ۷:۰۰ ۵ ۳
۴ شنبه - ۱۰ - ۹	۱۱۲۰	
تاسونا - تعطیل		
۵ شنبه - ۱۱ - ۱۰	۱۱۱۹	
شهادت سیدالشهداء - تعطیل		
۶ جمعه - ۱۲ - ۱۱	۱۱۱۶	
روز عزا - تعطیل		
۷ شنبه - ۱۳ - ۱۲	۱۱۱۴	
۸ شنبه - ۱۴ - ۱۳	۱۱۱۲	
۹ شنبه - ۱۵ - ۱۴	۱۱۱۰	

کلیچه ا برگ، درختان میکند با تن و جان شما آن میکند

یاد داشتهای سودمند	اسفند - محرم			
<p>باید در اول زمستان بکمرته آن را با محلول اولی شست و بعد یکدفعه دیگر با همان محلول در بین باز شدن جوانه‌ها و شکفته شدن کلها درخت را شستشو داد ولی در دفعه دوم باید مقدار سولفات نصف دفعه اولی باشد</p> <p>هرس کردن درخت مو</p> <p>قبلاً باید دانست که درخت مو وقتی که بر گهای آن میریزد مرکب از سه قسمت است ، - تنه ، شاخهای اصلی ، سرشاخه ، این سرشاخه ها دارای دگمه هائی هستند که شاخه‌های بارور درخت مو را تشکیل میدهند برای آنکه درخت مو میوه زیاد و خوب بدهد باید شاخه های کهنه یکساله را از نزدیکی شاخه اصلی برید و این عمل در اواخر زمستان لازم است برای بریدن سرشاخه باید باستثناء گره کوچک ته شاخه دو گره دیگر را هم گذاشت و از آن به بالا قطع کرد زیرا گره بالائی محل دادن میوه و گره پائینی محل روئیدن سر شاخه سال جدید و باقی زیادی است علاوه بر هرس کردن مواعمال دیگری</p>	ایام	اسفند	محرم	
	ازان صبح د س	۹	۱۵-۱۶	۱۱ ۸
	شنبه	۱۵-۱۶	۱۱ ۵	۱۱ ۵
	شنبه	۱۷-۱۸	۱۱ ۳	۱۱ ۳
	جمعه	۱۸-۱۹	۱۰ ۱	۱۰ ۱
شنبه	۱۹-۲۰	۱۰ ۵	۱۰ ۵	
شنبه	۲۰-۲۱	۱۰ ۵	۱۰ ۵	
شنبه	۲۱-۲۲	۱۰ ۵	۱۰ ۵	
شنبه	۲۲-۲۳	۱۰ ۵	۱۰ ۵	

مخصوصاً کسالتهای تابستان و پائیز را باید در صبحهای زمستان و بهار جبران کرد

جدول تطبیق ظهر تهران

با ایالات ایران و پایتختهای ممالک دنیا

خط نصف النهار	وقت	پایتختهای ممالک و شهرهای بزرگ	خط نصف النهار	وقت	پایتختهای ممالک و شهرهای بزرگ
۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱	۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱		۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱	۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱	
۱۰۴۳۰	۱۵۳۱	سیدریه روسیه ایرکوتسک			ایران
۵۰۱۰	۱۱۵۳	قفقازیه - باذکوبه	۵۱۲۰	۱۲	تهران
۶۴۴۲	۱۲۵۱	ترستان - بخارا	۵۹۵۰	۱۲۳۴	مشهد
۳۵۵۸	۱۰۵۶	شامات - بیروت	۵۴۳۲	۱۲۱۲۴۸	گرگان
۲۲۰	۸۴۳	فرانسه - پاریس	۵۳۵	۱۲۷	ساری
۶	۸۳۴	انگلیس - لندن	۴۹۳۵	۱۱۵۳	رشت
۱۳۵۶	۹۲۸	آلمان - برلن	۴۶۲۵	۱۱۴۰۲۰	تبریز
۱۳	۹۲	ایطالی - رم	۵۱۵۰	۱۲۲	اصفهان
۴۲۹	۸۵۱	بلژیک - بروکسل	۵۲۴۰	۱۲۵۲۵	شیراز
۸۸	۹۰۵	سوئیس - برن	۵۶۳۰	۱۲۲۰۴۰	کرمان
۴۲۳	۸۵۰	هلند - لاهه	۴۰۰	۱۱۵۰۴۰	شوشتر
۱۸	۹۴۵	سوئد - استکهلم	۴۶۴۰	۱۱۴۱۲۰	کرمانشاه
۱۱۳۴	۹۱۹	نروژ - اسلو	۳۳۱۸	۱۰۴۶	ترکیه - آنقره
۳۵۵	۸۴۸	اسپانی - مادید	۴۵	۱۱۳۳	عراق - بغداد
۹۲۳	۹۱۰	پرتغال - لیسبون	۴۰۵۰	۱۱۱۶	عربستان - مکه
۱۶۴۴	۹۴۰	اطریش - وین	۶۹۳۴	۱۳۱۰	افغانستان - کابل
۳۸۸	۱۱۰۶	روسیه - مسکو	۸۹۱۴	۱۴۳۰	کلکته
۲۴۴	۱۰۰۹	یونان - آتن	۶۷۳۰	۱۳۳	کراچی
۷۴۱۰	۳۳۰	آمریکا شمالی نیویورک	۷۳۱۸	۱۳۳۶	تبتی
۷۹۳۵	۳۱۵	مرکزی - باناما	۱۰۶۴۵	۱۶۳۰	چین - پکن
۳۱۶	۵۳۹	جپانی - توکیو	۱۰۴۲۰	۱۷۵۴	ژاپون - توکیو
۳۲	۱۰۴۱	افریقا - مصر			

حفظ قوای جوانی

زنان و مردان چهل ساله را میتوان گفت که تازه جوان هستند زیرا درین مرحله از عمر جوانی و نشاط و تمام قوای حیوانی بحد کمال میرسد و لذت بخش تر از دوران باوغ تجلی میکند بنا برین مخصوصاً خانمها و آقایان چهل ساله بیشتر از جوانهای نورسیده ازین دوره عمر استفاده میکنند بشرط آنکه بتوانند این مواهب گرانبها را در جسم و جان خود حفظ کنند تا در سن شصت و هفتاد سالگی هم از قوه جوانی و بنیه حیوانی خود استفاده کرده باشند که درینصورت میتوانند مطمئن شوند تا پایان عمر طبیعی هم فروغ حیات در چشم و چهره آنها باقی و نمایان خواهد بود بنا بر این لازم است که خوانندگان چهل ساله سالنامه یارس دقیقاً بدستورات ذیل توجه کنند :

آنچه باید دانست آنست که بطور عادی بنیه زندگی و قوه سعی و کوشش از چهل سالگی به بعد رو بضعف میگردد و باید مام موجبات حفظ بنیه حیوانی را در همین اوقات فراهم ساخت که دردی با سیر عادی و طبیعی مقاومت کند ، بزرگترین چیزی که بل از هر چیز محل توجه است قلب میباشد که تاثیر سن در آن بیش از سایر اعضاء رئیس نفوذ میکند .

کارگران مخصوصاً متخصصین فنی بمرور از قوای بعضی از عضلات خود میبکاهند و بعضی دیگر میفزایند مثلاً آهنگران بازوی محکمی دارند و برزگران میچها و یا های زورمند همچنین سایر افرادی که حمت جسمی دارند هر یک عضو خاصی را قوی کرده و از قوای اعضای دیگر کاسته اند آنها یکصنف مخصوصی هستند که از با تا فرق یک نسبت ضعیف و نا توان میباشد (تشخیص این صنف را بهوش خوانندگان خود حواله میدهیم که بدفتر سالنامه یارس نیز معرفی کنند) خلاصه همینکه سن بچهل میرسد عدم تعادل محسوس میشود

بازویا ساق یا یا هر يك از اعضا،

ديگر كه نسبت بسايرين قوتی

دارند در مقابل ضعف طبیعی

مقاومت میکنند ولی اعضا، ديگر

بضعف و سستی تسایم میشوند مثل

سینه تنگی میکنند، ستون فقرات

میل بخمیدگی دارد، کمر و

زانو هنگام راه رفتن احساس

خستگی میکنند همین عوارض و

تجارب تاخ است که در هر

جامعه بطریق افراد را بوزش

و پرورش جسمی و روحی

تشویق کرده اند

اینك دستور: كسانیک

میتوانند وسایل انجام این منظور

را بهتر فراهم کنند قبلا باید چن

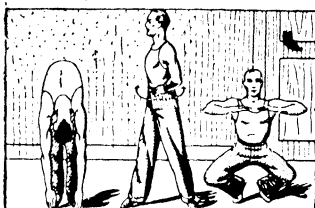
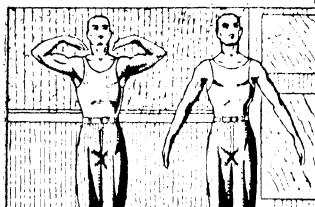
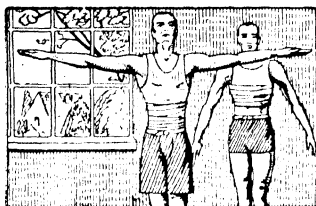
روزی بماساژ بپردازند و در عین

مالش تن باید نفسهای عمیق

بکشند سپس صبحها همینکه

از خواب برخاستند در جریان

هوای لطیفی دهان را ببندند



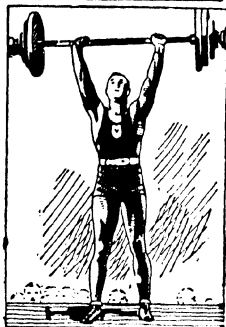
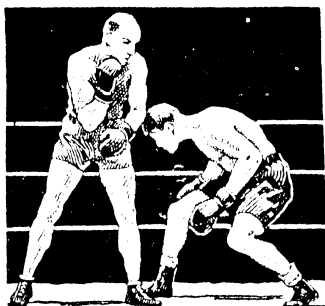
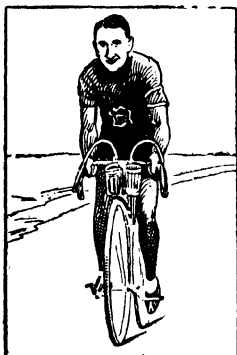
نفس عمیقی بکشند و از هوای آزاد بقدر پنج دقیقه استنشاق کنند

بدین طریق که هوای لطیف را تا هر چند ثانیه که مقدور باشد باید

دروبره نگاهداشت. هنگامی که نفس میکشید دستها را بهوا بلند کنید و

همینکه بیرون میدهید دستها را بطرفین یا تین بیاورید و سپس ستون

فقرات را بجاو و عقب و راست و چپ حرکت دهید و منحنی کنید بعد



شانه‌ها را بطرفین حرکت دهید همچنین
تهی گاه را بچپ و راست بگردانید و بعد
آرنج و زانو و بازو را بنوبت و گاهی
با هم باز و تا کنید .

این حرکات باید هر یک تا شش مرتبه
تکرار شود و هر صبح باید لا اقل یکبار
ساعت بطول انجامد بعد با آب ولرم استحمام
کنید و چند دقیقه در رختخواب بپارامید
و سپس به صرف صبحانه بپردازید و همه روزه
این عمل را تکرار و تمدید کنید .

مثلاً به پیچید یک بند محکمی بدور
شکم تا در نتیجه هنگام تنفس عضلات سینه
ورزش کنند و روز بعد سینه را بپندید
تا جدار شکم در انقباض و انبساط افتد و
از جریان خون بیشتر استفاده کند و در
عین حال باید متوجه باشید که همیشه از
دهان نفس بکشید

صبحها و عصرها تا حدود یکساعت باید پیاده راه رفت و در
چهار وهله مختلف بدون قید در ساعت مقرر تا حدود ده مرتبه باید

بخش پزشکی

معالجات فوری امراض کوچک

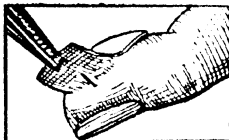
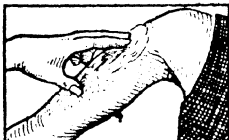
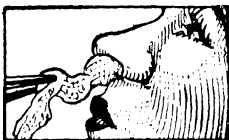
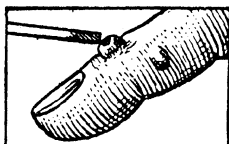
آزمایش در علاج مفلوج

در سالنامه ۱۳۱۶ راجع به علاج فلج بوسیله زنبور عسل شرحی دستور داده شده بود اینک مشروحه آقای محمد حسن فرهمند دارای شناسنامه ۲۰۴ از اهالی آباده که راجع به معالجه طفل مفلوج خود نوشته در مقدمه بخش بزاست شکی امسال برای اطلاع و استفاده قارئین سالنامه چاپ میشود.

آقای مؤلف سالنامه یارس

من لم یشکر الخلق لم یشکر الخالق بالاتر و بزرگتر نتیجه که این جانب محمد حسن فرهمند ما مور صاحب آباده از خربداری سالنامه یارس و مطالعه آن گرفته ام این است که بعرض میرسانم؛ فرزندی دارم بسن ده ساله و فعلا قریب چهار سال است که فالج گردیده و اعصاب او سست و قادر بحرکت نبود چند فقره بشیر از و اصفهان نزد یز شکها برده استعمال نمودم فایده بدست نیامد عاقبت در سالنامه یارس طرز معالجه اینگونه مرض را بوسیله نیش زنبور عسل دیدم که دستور داده شده بود — قرب چهارصد

در هوای خوب نفس عمیق کشید در نتیجه اجرای این دستور مختصر و مفید حالت مزاجی و نشاط طبیعی روز بروز بیشتر و بنیه حیاتی در جسم و جان محسوس تر خواهد شد کم کم باید خود را عادت بدهید بیک دویدن مختصر که تا حدود دوست متر باشد ولی باید قدم را متوسط برداشت و همچنین عادت کنید ببازیها و ورزشها و پرشها و مخصوصا چیزیکه از همه بیشتر توصیه میشود شنا کردن یا یارو زدن است در آب در خاتمه تذکر میدهم کسانیکه اتومبیل خود را سد راه ورزش و گردش قرار میدهند باید بدانند که از همه بیشتر محتاج با اجرای این دستور مفید میباشند



زنبور برای گزیدن و فرو نمودن نیش در بدن آن طفل معصوم آورده و اقدام نمودم قبل از شروع در رختخواب خوابیده و نمی توانست باندازه یکقدم از جا حرکت نماید حالیه که این اقدام را در ظرف سه ماه است نمودم با عصاره حیاط منزل که ه متر است راه میرود و خیلی از این نیش مسرورم و لازم دانستم مراتب شکر گزاری خود را بعرض برسانم .

دفع زگیل - هر صبح و عصر يك چوب کبریت را در محلول اسید کرومیک فرو برید و بروی زگیل بزنیید پس از چندی زگیل خواهد ریخت

قرمزی چشم و ورم پيله - روزی دو مرتبه محلول گلسیرین را در يك قاشق قهوه خوری آب مقطر گل سرخ بریزید و به چشم بچکانید اثر نیکو میدهد

سگسگه - اگر فواق شدید بود باید شکم را بوسیله تا کردن یاها تا کرد و چندین مرتبه تکرار کنید یا يك قاشق سوب خوری قند پودر شده یکبار به بخورید بدون آب ولی باید مراقب بود که درین حال نفس ناکهانی نکشید والا اگر سرفه عارض شود زحمت شدیدی ایجاد خواهد کرد

استخوان در گلو - غالباً برای

اطفال چنین دست میدهد که استخوان و تیغی در گلو گیر میکنند که نه پائین رفته و نه بالا میاید بیهوده مضطرب و پریشان نشوید با خون

سردی باید بدفع آن پرداخت بهترین
 معالجه برای رفع آن اینست که يك
 پرمرغ را در دهان ببرید و تحريك
 کنید تا حالت قی دست دهد و اگر
 باز خارج نشود با پائین نروديك
 قاشق سرکه قوی غرغره کنید و
 سرکه را در بیخ گلو قدری نگاهدارید
 قطعاً رفع میشود

آفتاب زدگی - برای اشخاصی
 که در هوای خشک و آسمان صاف
 زیر اشعه شدید آفتاب حرکت میکنند
 ومدتی مداومت میدهند يك نوع
 سوختگی بر اثر اشعه بنفش ظاهر
 میشود باید فقط يك پرده نازکی
 کره نازره روی آن کشید یا وازلین
 استریلیزه مالید

تیغ در دست و پا - غالباً در
 باغ یا مزارع تیغی کوچک بدست
 یا پا فرو میرود و بسیار زحمت
 میدهد هر گاه سر آن ظاهر باشد
 باید بوسیله يك انبرك کوچک آن را

بیرون کشید اگر ظاهر نباشد یا نوک آن خیلی کم بیرون است و
 بدست نمیاید باید با سریش و آرد لیه خمیری ساخت و از این خمیر
 ۴ ساعت روی موضع گذاشت و سپس با انبرك آن را گرفت و کشید
 تیغ بهسولت خارج میشود

خراش تیغ خود تراشی - خراشی که روی پوست با تیغ
 خود تراش ظاهر میشود گرچه خطرناک نیست ولی چون خیلی زیاد



از بیکزادگان ایل اورامان

درین سالنامه نیز چند نمونه از البسه قدیم
 چاپ میشود



خون از آن جاری شود ایجاد
رحشت میکند يك ورق كاغذ
سیگار با آب دهان تر کنید
و بروی آن بگذارید گرچه
مبنای علمی ندارد ولی نتیجه
خوب و فوری میدهد و اگر
بعضی نخواهند چنین کنند
و منظور یادوای دیگری بزنند
بخلاف انتظار اصلاح خراش
مذکور خیلی بطول میانجامد
خون مرده و سیاه شده
غالباً در اثر يك تکان یا يك
فشار ناگهانی يك خراشهایی
در انساج حادث میشود بدون
آنکه پوست پاره و جراحت
ظاهر شود این عارضه هر گاه
خفیف باشد و فقط بقسمت‌های

از خوانین زادگان ایل هفتلنگ

زیر پوست وارد شود اثرش اینست که پوست رنگ اصلی خود را از دست داده و بنفش میشود و این بر اثر فاسد شدن خون است درینموقع برای رفع آن باید کمی رسوائی از آب نمک دار یا منظور ارنیک چندین بار روی موضع گذاشت اگر ضربت شدید باشد و یا بقسمت‌های داخلی سرایت کرده باشد درینصورت باید فوراً بطیب رجوع کرد

خون رفتگی - گاهی در اثر بعضی حوادث بیجهت خون زیادی از انسان خارج میشود مثل خون دماغ این حالت در صورتیکه تکرار نشود چندان قابل توجه نیست و دوایش اینست که يك یا دو قطره از پروکلوراهن در يك کیلاس آب ریخته و بدماغ بکشند همچنین

با آب تازه که قدری سر که داخل
باشد نیز خون دم-اغ مخته-صر موقوف
میشود یا يك شیشی سردی روی
کردن بین شانہ ہا بگذارند

بریدگی - وقتیکہ از

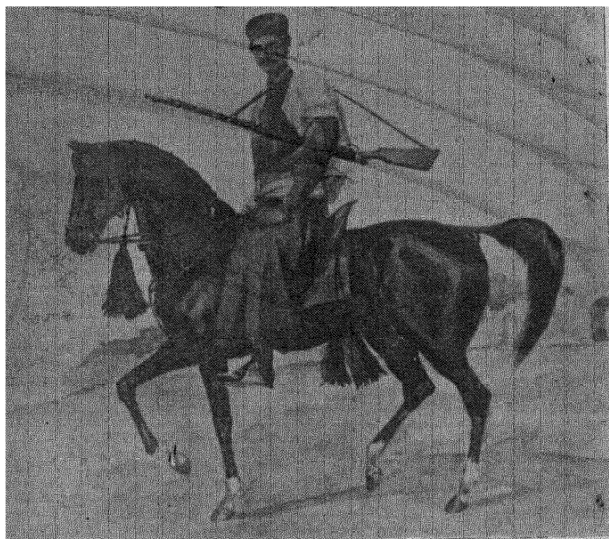
سوراخ شدن عضوی خون زیاد
جاری شد فوراً باید بطیب رجوع
کرد ولی تا آمدن طبیب ہم بیکار
نباید نشست بلکه باید عضو مجروح
و خون آلود را در آب سرد
گذاشت و هر قدر ممکن است دقت
کرد کہ خون قلب باین عضو
هجروح شدہ سرایت نکند و از آن
جاری نشود بدین طریق کہ هر گاہ
شریان یارہ باشد باید قدری بالای
آن را با یک رشته بست و اگر بریدگی
رک باشد باید قدری زیر آن را بست
و چنانکہ جراحات مختصر باشد آن
را فوراً بشوئید با آب پر کارور آهن
یا آب زاج دار و بعد از قطع خون
یک قطعه تافته روی زخم بگذارید



از افراد عشایر کلهر

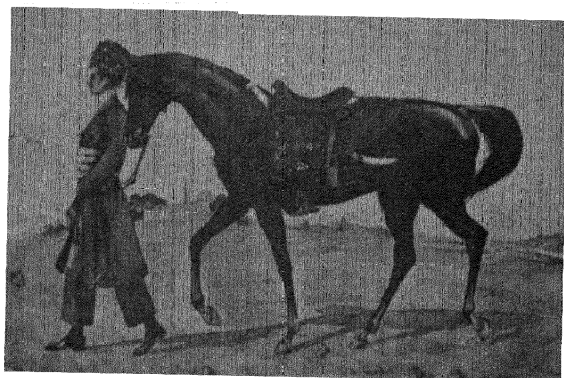
سوختگی - وقتی شدید باشد و ایجاد کلهها و تا و لها می بکند

اولین کاری کہ باید انجام داد اینست کہ آن را از هوا محفوظ
داشت بدین منظور آن را باید یوشانید با یک ورقه روغن یا کره
تازه و روی آن باید گذاشت پنبه لطیف و سپس با تنظیم پاکی
آن را می بندند اگر سوختگی خفیف باشد باید کمپرسهای آب تازه



از افراد ایل خمسه شیراز

فصل بفصل کرد تا درد و سوزش آن بکلی از بین برود
توجه خون بدماع - این حالت عبارت از تهاجم قابل ملاحظه
 خون است بمغز درین حال رشته های خونی مغز متورم میشود و
 غالباً ایجاد امراض خطرناک میکند که خفیف ترین آنها حالت غش
 می باشد تا قبل از ورود طبیب باید بوسیله راحت کردن و کندن
 لباسهای سنگین و ضخیم و تفک جریان خون را آزاد گذاشت و
 سپس روی تخت خواب باید بخوابد بطوریکه سرش کمی بالا واقع
 شود و در پیشانی اش باید کمی یخ بگذارند یا کمپرس آب سرد مکرر
 کنند و خیلی لازم است ساق پای مریض را با پارچه آغشته بالکل
 یا سرکه بمالند بر اثر این اقدامات خون از دماغ منحرف و بطرف
 اعضای سفلی بدن منحرف و متوجه میشود - یکی از آثار مرض فوق
 غش است که بعکس حالت فوق جریان خون بدماع نمیرسد در این

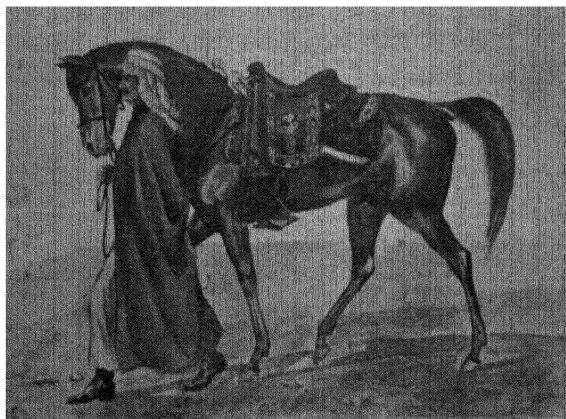


از افراد عشایر کلهر و سنجایی

صورت هم مریض موقتاً از هوش می‌رود و رنگش پر بنده و سفید می‌شود باید صورت مریض را آب تازه پاشید و سر که یا امانیاک تند یا اتر بدماغش نزدیک کنند و هر گاه هیچیک از این ادویه در دسترس نباشد قدری گاه گل تازه بدماغش بگذارند

سکته - وقتی شدیداً خون متوجه دماغ می‌شود رشته‌های خونی در اثر فشار شدید هجوم خون بمغز قطع می‌شود در بنموقع خون دفعه بمغز ریخته اختلالات عظیمی ایجاد می‌کند و این حالت را حمله سکته گویند که غالباً منجر بفالج می‌شود در بنموقع باید سعی کنید که خون بقسمتهای سفلی بدن توجه کند برای این کار لازم است مریض را در جائی بخوابانید که هوا گیر باشد و پیوسته بخ روی سرش بگذارید و با آب سرد کمپرس کنید و زانوهای او را شدیداً بمالید و نیز باد کش در قسمتهای سفلی بدن بنمائید تا آنکه خون کاملاً از جریان شدید بمغز منصرف شود

مسموم شدن - مسمومیت بچند طریق ممکن است ایجاد شود یکی بواسطه مواد مهلك معدنی از قبیل فسفور - اسید سولفوریک و بعضی نمکهای مسی و غیره دیگری توسط نباتات زهر آلود از قبیل



شو کران و بلادن و دیزیتال و بعضی قارچهای خیلی مهلك که غالباً شناخته نمیشود و گاهی هم ممکن است بواسطه غذاهای مانده و فاسد شده پیش آید همچنین غالباً بواسطه تریاک مسمومیت ایجاد میشود و معالجات مر بوط بطبیعت سمومات است - تا قبل از ورود طبیب باید حالت قی در مسموم ایجاد کرد تا زهر در خون تحلیل نرود و این خود قدم بزرگی است در راه نجات مریض از مرگ قطعی برای این منظور باید آب ولرم بمریض خورانید و با یر مرغ کلوی مریض را تحریک کنید اگر این اقدامات ساده تأثیر نکرد باید دوسانتی گرم امتیک در یک کیلاس آب ولرم بمریض خورانید و هر ده دقیقه به ده دقیقه این عمل را تکرار کرد و نیز شیر فراوان و آب البومینز مسموم بدهند (آب البومینز عبارتست از شش سفیده تخم مرغ در یک لیتر آب)

خفگی - خفگی هم بانواع مختلف ظهور میکند مثلاً آوبختگی از طناب یا خفه شدن در آب یا با دست کسی را خفه کنند یا بر اثر تنفس مواد سمومی از قبیل اکسید دو کاربون - یا گاز چاه های

عفن که سم واقعی است بهر صورت بایستی در اولین دقیقه شخص مسموم را بهوای آزاد بکشند و بعد لباسهایش را بیرون آورند و نحوی بخوابانند که سینه و سر مریض بالا باشد و اگر دسترس به بالش نباشد لباسش را تا کیندوز بر سر و سینه اش بگذارید که قدری بالا قرار گیرد چنین مریضی نفس نمیکشد و باید بوسائل ممکنه و تنفس مصنوعی متوسل شد بنا بر این بتناوب روی شکم و سینه مریض فشار مختصری بدهند و از بالای سر مسموم دست و بازوهایش



از عثایر ساوجبلاغ و سردشت

را بطرف سرش بلند کنند و سپس یا این بیاورند و پیوسته تکرار کنند در نتیجه کم کم مسموم بحالت تنفس میاید - هر گاه این وسایل نتیجه نداد باید با احتیاط هوا داخل ریه مسموم کنند خواه بوسیله دهان خواه بوسیله دم بطوریکه ریه مریض از هوا یرشود درین حال باید بسینه مریض فشار بدهند تا هوای دمیده شده خارج شود این عمل را آنقدر باید تجدید کرد تا مسموم خود بحال آمده و تنفس کند در عین آنکه اعاده تنفس را در مریض ایجاد میکنند لازم است جریان خون را هم بوسیله مالشهای قوی در تمام اعضاء بدن منظم کنند

مخصوصاً در قسمت‌های پائین بدن - این مالشها با پارچه آغشته بالکل باسر که انجام میشود در صورت نداشتن الکل باسر که باید با ماهوت پاك كن مالش داد چیزی که در مرض اختناق باید مورد توجه قرار گیرد طول زمان است که نباید پرستاران از آن ما یوس شوند زیرا خیلی از مسمومین بحال نمی آیند مگر پس از چند ساعت اهتمام دائمی و خستگی ناپذیر که چه بسا مسمومین ممکن بوده است معالجه شوند اگر چند ساعت در تحت رسیدگی واقع میشدند

دقت در امراض مسریه - مدتی چنان متصور بوده است که امراض مسریه از قبیل طاعون و وبا و دیفتری و آبله و سرخک و حصبه سرایت میکنند از مریضی باشخاص دیگر ولی امروزه ثابت شده است که این امراض خود بخود شیوع پیدا میکنند و از طریق هوا و آب سرایت میکنند و میکروب آنها با سرعت نگفتنی در جسم مریض زیاد میشود در این احوال باید اشخاص خود شان و منزلشان را نظیف و پاکیزه نگاهدارند و دستها و صورت را همیشه با آب فنیك دار بشویند همچنین باید گاه-گاه آبی اسید فنیك در منازل بپاشند مخصوصاً در منزلی که مبتلایان با امراض مسریه ساکنی دارند و مجاری آبها و مستراح را باید با آب کلورور دو زنگک باسولعات دوفر با اسید فنیك ضد عفونی کرد و از حیث خوراك و غذا خیلی باید دقت کرد که خیلی ساده و بی مخلفات باشد و آب را قطعاً بجوشانند و هنگام بروز این قبیل امراض مسریه چیزی که بیشتر توصیه میشود اینست که شخص نباید خود را در بیم و هراس فوق العاده بیاندازد زیرا بطوریکه بتجربه رسیده است غالباً درین قبیل مواقع ترس و ضعف نفس و وسواس اشخاص موجب شده است که هرچه از مرض فرار کرده اند بیشتر بدان نزدیک شده اند .

طریقه پرستاری از مریض

ممکن است شما بکنفر
پرستار دیلمه و تعلیم یافته
نباشید ولی در عین حال
برای پرستاری بکنفر مریض
یا مجروح دستیار یا معاون
طبیعی واقع شوید اگر چنین
اتفاقی برای شما دست دهد
لا اقل باید دستورات ذیل را
دیده باشید.

اولین وظیفه شما آنست
که يك حصار صحی در
اطراف مریض ایجاد کنید
بطوریکه از هر حیث وضعیت
مریض تحت نظر دقیق شما
منظم و مرتب باشد و الا
عمل بهترین طبیب و اثر

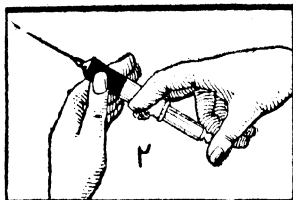


از بیکرآدکان سقر و بله

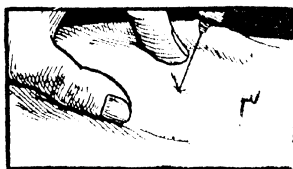
بترین دوا خنتی و بی نتیجه خواهد بود
اطاق مریض - اولین کار پرستار مخصوصا در مواردی که
مریض رنجور است اینست که اطاق را از اشیاء زیادی و بی مصرف خالی
کنند و هر گونه وسیله کثافت را از آن محل دور سازد و با اصطلاح مریض
درین حالت معالجه میخواید نه مبل و زینت و قشنگی اطاق و
پرده های رنگارنگ چه اینکه هزارها ازین اثاثیه با یکدقیقه رنج
مریض برابری نمیکند کسمیکه رنج میبرد فقط سلامتی میخواید
و بستگان او نیز جز سلامتی او بچیز دیگری متوجه نیستند



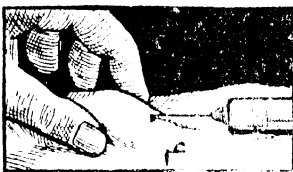
پس اسبابهای زیادی را که اسباب
کثافت هوا و پریشانی حال مریض
میشود باید فوراً از اطراف مریض
دور کرد و کف اطاق باید با بفرش
یا مفرش از چیزی باشد که قابل



شسته شود است از جمله چیزی که قابل
ملاحظه میباشد آنست که دواها
ولو از مریض چنانکه معمول است
در اطراف مریض جمع نباشد
بلکه باید روی یک میز کوچکی



در چند متر فاصله از مریض قرار
داد که بیوسته در دسترس باشد
همچنین باید دانست که موقع
نظافت اطاق مریض فقط صبح



است زیرا درین موقع مریض هر
قدر رنجور باشد تخفیفی در حالت
او حاصل شده و برای انجام این
کارها حوصلهٔ مریض وفا میکند

و نیز گاه گاه باید پنجرهٔ اطاق را باز کرد که نور و هوا داخل
شود و این فکر که پنجرهٔ اطاق مریض باید بسته باشد یک موضوع
خیلی دور از مصلحتی است زیرا باز کردن پنجره برای هیچ مریضی
مضر نیست فقط باید ملاحظه کرد که مریض در جریان هوا واقع
نشود حتی وقتی هم که مقتضی نباشد باید پنجره را باز کنند و مقابل
مریض یک پاراوان بگذارند

در هوای سرد باید اطاق مریض را حتی المقدور با آتش هیزم
گرم کرد و اگر مقدور نباشد و بخواهند بازغال گرم کنند باید

هوای اطاق بوسیله بخار آب
تلطیف شود .

هنگام شب - شبها

اطاق مریض با یک نور
خیلی ملایمی داشته باشد
با چراغهای اباژوردار یا
شمعهایی که در لاله میگذارند
زیرا نور شدید اسباب زحمت
و درد سر مریض است - تخت
خواب مریض را در اطاق
باید طوری قرار داد که از
هر طرف بدن دسترس داشته
باشند و نیز بهتر آنست
که تخت خواب مریض فازی
باشد ولی بدون فنر - پوشش
مریض بسته به وضعیت احوال
مریض است ضمناً باید روی
تخت مریض یک پارچه رنگ
شده یا مشمع انداخت و



یکی از افراد اهل ترکمن

هنگامیکه این پارچه ها را عوض میکنند نباید مریض را از جای خود
حرکت داد هر گاه لازم شود که چیز گرمی در رختخواب مریض
بگذارند باید شیشه های آب گرم و کیسه آب گرم باشد و الا
آجر گرم کرده را در یک پارچه نظیفی پیچیده میگذارند .

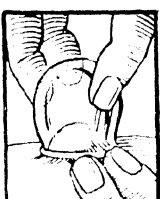
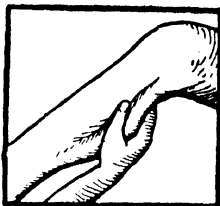
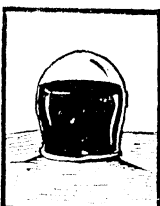
تذقیفات - یکی از وظائف سخت پرستارنگاهداری مریض است
همیشه در حال نظافت و در ساعات مناسب مخصوصاً صبحها باید دست و صورت

و دهان مریض را بشوید و بسر مریض شانه بزند و بوهای نامطبوع مریض را بوسیلهٔ ادکلن از مریض دور کنند البته این تمظیفات تا حدی است که حالت مریض اجازه میدهد

همچنین پرستار تمام حالات مختلف مریض را در نظر گرفته و در ۲۴ ساعت باد داشت کرده بطیب میدهد مثلا خواب پریشان یا بیخوابی - هذیان - خفقان - غش - سرفه - قی و بهم خوردگی های سخت و هر نوع یش آمد و تغییر حال که در اثر هر يك از ادویه و تزریقات حاصل میشود باید به طبیب اطلاع دهد مخصوصا نبض و حرارت مریض را با کمال دقت یادداشت و حفظ کنند چه اینکه يك بالا رفتن ناگهانی تب یا سقوط ناگهانی حرارت و بی نظمی و سرعت نبض کمک فوری طبیب را ایجاب میکند و برای ملاحظات دقیق طبی لازم است که مراتب فوراً به اطلاع طبیب معالج برسد .

غذای مریض - هنگامی که مریض قادر بغذا خوردن است باید با کمال مراقبت فقط غذائی را که طبیب تجویز کرده باو بدهند و اگر بیمار بسیار ناراحت است و شخصا حال غذا خوردن ندارد باید پرستار با کمال ملاحظت و مهربانی و ملامت غذا را بدهان مریض بگذارد و چیزهایی که غالباً بمریض تب دار میتوان بسیار داد عبارتست از مواد قندی و لیموناد و شیر و اگر مریض نمیتواند سررا حرکت دهد و بیاشامد میتوان پستانک بکار برد

در قسمت پانسمان - پرستاری که اطلاعات طبی ندارد باید عیناً دستور طبیب را بموقع اجرا گذارد زخم بندی باید خیلی بملامت و دقت انجام شود - زخمی که چسبیده باشد باید با پنس الکل خورده رویش را باز کنند و پس از شستشو دوباره دوازده ببندند و بطور کلی باید خیلی با نظافت و مهارت کار خود را انجام دهند



مالشها و روغن مالی

مالش را خیلی باید با ملاحظه و دقت

انجام داد زیرا دست زدن و کشش و مالش

همیشه باید در جریان خون باشد و مالش

یا با دست خشک یا الکل زده انجام میشود روغن

مالی نیز خیلی محل دقت و توجه است که

پرستار باید از عمل خود نتیجه بگیرد یعنی

بقدری هلایم و در عین حال مؤثر روغن مالی

کند که مریض از این عمل نتیجه بر دارد

خون گرفتن - برای گذاردن

شیشه مخصوص با دگش لازم است مقداری بنبه

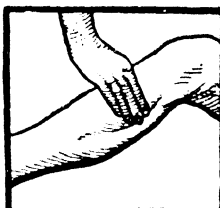
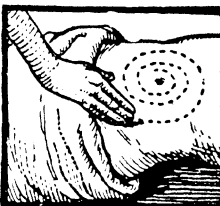
بالک بزند و روشن کنند و در شیشه مذکور

یا استکان بزرگ بیاندازند و روی موضع

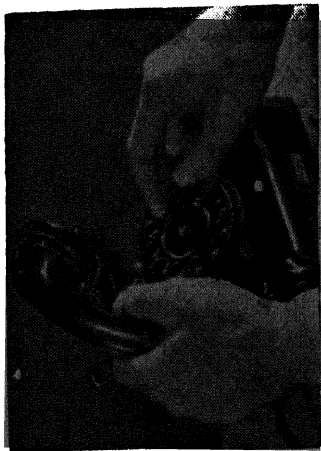
بگذارند که لا اقل تا ده دقیقه باید باقی

بماند سپس جای زخم را بودر تلق بزند و

بنبه سوخته بگذارند



« راهنمایی سود بخش »



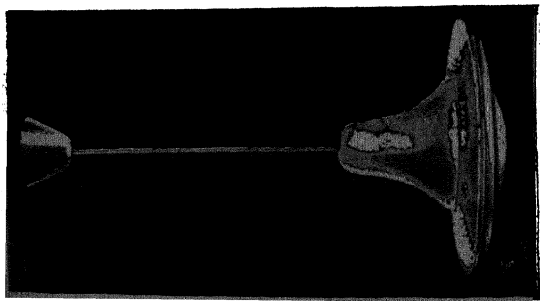
تلفن

برق

بزرگترین

مؤسسه

که بتواند



احتیاجات شما را از حیث عالیترین اجناس تلفن و برق و چراغهای الکتریکی (لوستر) که از کارخانجات درجه اول آلمان و سوئد تهیه شده و سیمکشهای زنک اخبار و برق و تلفن و تعمیرات دستگاه های آنها بنحو کامل با قیمت مناسب انجام دهد، فقط کالای تلفنی خواهد بود که میتوانید با اطمینان کامل بدانجا مراجعه نمایید

سفارشات از ولایات نیز پذیرفته میشود - نشانی خیابان اکباتان « کالای تلفنی » - تلفن ۴۷۳۱

دکتر سید ارسطو علاج

رئیس بیمارستان شماره یک شهر داری
باستثنای جمعه همه روزه از سه ساعت بتروب الی
غروب از مرضای محترم پذیرائی میکند
از مرضائی که محتاج بعمل جراحی و
کجائی باشند نیز پذیرائی میشود
خیابان سیروس (سرجشمه) تلفن ۶۵۱۶

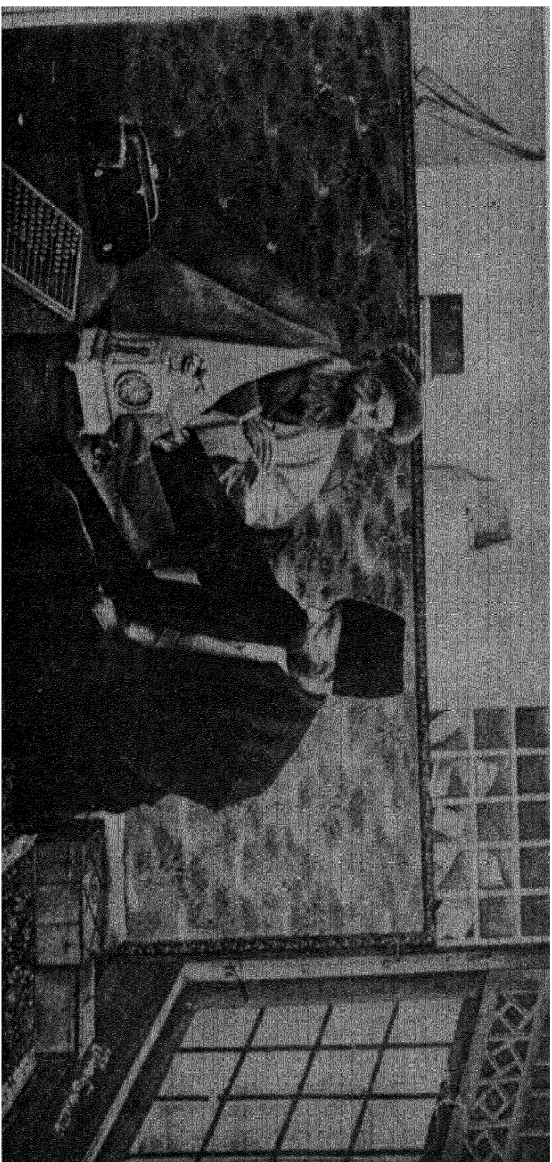
آکھسی قابل توجه

انواع واقسام کتب علمی و ادبی - تاریخی - فکاهی
رمانهای تازه طبع و کلیه کتب کلاسی وزارت معارف
از ابتدائی و متوسطه و همه قسم دفاتر بزرگ و کوچک
و لوازم التحریر و تقاویم مختلفه در (کتابفروشی
رهنمائی نماینده سالنامه پارس) بفروش
میرسد و سفارشات مطبوعاتی از قبیل کارت تبریک
و چکهای تجارنی و غیره قبول و باسرع اوقات تقدیم
مشتریان محترم مینماید.

رهنمائی - بوشهر

شرکت چاپ خودکار

با بهترین ماشین های سیستم جدید برای طبعم همه گونه
اوراق الوان و سهام به بهترین وسایل و نازل ترین
قیمت و سریع ترین اوقات حاضر است
خیابان فردوسی - تلفن ۸۹۵۱



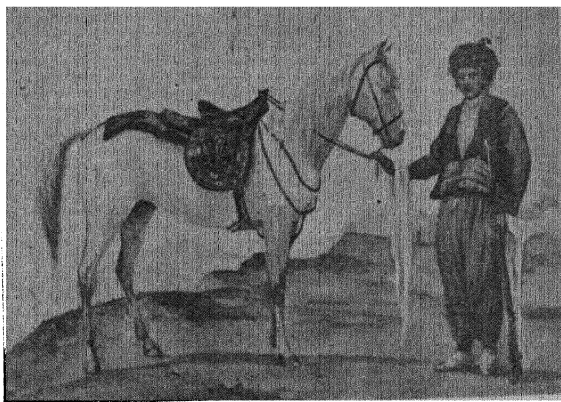
محلہ کی ازرا طحا، تقدیر - نقل و مندرجہ - مورخہ سلطنت

تزئین اتاقها



لامپهای الکتریک در منازل امروزه زینت زیبایی است و در عین حال سلیقه های اختصاصی خانهارا هم در انظار میهمانان جاوه میدهد هر ظرف کوچک قدیمی و قشنگ یا هر شمعدان کوچک منقشی را میتوان بمشعل الکتریکی مبدل ساخت با یک زینت جالب تر و زیبا تری که بان بیفزایند

خانها غالبا در بعضی خانها و خانوادهای خوش سلیقه مشاهده کرده اند که یک چراغ کوچک در یک گوشه میز یک اتاق نزرگرا زینت داده و زیبا و دلپذیر ساخته است در حالتیکه اگر خوب دقت کنند خواهند یافت که این قشنگی و ظرافت و این فروغ و لطافت فقط ناشی از یک مختصر دقت و مراقبت است، این چراغ یا زینت آن نیست که این درخشندگی و مطبوعیت را بسالان پذیرائی یا اتاق خصوصی یک خانمی بخشیده بلکه کمال ذوق و سلیقه و صنعت قابل تحسین خانه داری این خانم است که طاق و رواق اشیا نه عشق



از بیکزادگان مگری و سر دشت

و جمال زندگی را زینت کرده و جلوه داده است همه خانمها میتوانند باختلاف ذوق و سلیقه خود چراغ روی میز خود را با مخارج خیلی قایل زینت کنند بدینطریق که قبلا باندازه حلقه سر پیچ چراغ يك حلقه سیمی آماده میکنند و از همان سیم يك حلقه بزرگتری برای قسمت یائین ابازور بهم میبندند و این دو حلقه را با سیمهایی که بیک اندازه قطع کرده باشند افقی بهم وصل میکنند و سپس چهار یا هفت تا دوازده سیم بیک اندازه عمودی به حلقه بزرگ می بندند و سرسیم های هذگور را نیز بحلقه سیمی دیگری که در فوق آن قرار گرفته وصل میکنند آماده کردن این حلقهها و سیم ها هیچگونه زحمتی ندارد يك گاز انبر دستی میخواهد که هم قطع میکند وهم بهم می پیچد همینکه این جسم فلزی یا قالب ابازور آماده شد از کاغذ پارشینه یا کاغذهای خان بالفی معروف یا قشنگ تر و دافرب تر از همه پوستهای نازکی که روی تار با ضرب و غیره میکشند باندازه مطابق برش میکنند و بعضی يك یا دوسان تيمتر از سر تا آخر کاغذ را چین میدهند بعد نصف عرض این چین هارا چسب میزنند که بهم



متصل شود سپس هر لبه
کاغذ را بفاصله پنج سانتیمتر
دور تا دور هم یابین و هم
بالا را بفواصل کم بامنگنه
هائی که جای مادگی باز
میکنند سوراخ کنید و یک
رشته خوش رنگی که هم
رنگ کاغذ نباشد از آن
بگذرانید و منگوله قشنگی
بسر رشته ها بیفزائید در
صورت امکان خانمهایی که
در رشته نقاشی هم وارد
هستند نقش و نگارهای
زیبائی بر آن مزید میکنند
و با کمال قشنگی و فراغت
خاطر تجلی و فروغ دسترنج
خود را بفروغ ملایم و
خوش رنگ چراغ میفزایند
همینکه این آباזור قشنگ
در گوشه اطاق نور چراغ را

منتشر میکند بالاخص وقتی از کپه دوره کرد قدیم - آب آلو فروش

که معکوس روی چراغ بگذارند و نور را بسقف اطاق بیفشانند یک
فرح و انبساط مخصوصی در خانم خانه و مهمانان او ایجاد میکند که
قابل وصف نیست

مخصوصا توجه خانمها را باین قبیل سرگرهها جلب میکنیم که
از خستگی و افسردگی و بیکاری در خانه شکایت نکنند

فرزندان ما

چه خواهند شد؟

این سؤال که در عین حال خیلی پر معنی و بزرگ است حتی در طبقات کوچک هم محل توجه میباشد که غالباً از خود میپرسند:

آیا فرزندان ما

چه خواهند شد؟

علماء و محققین معتقدند که هر گاه فطرت و طبیعت طفل را بشناسیم میتوانیم آن را بهر طریق که مصلحت باشد سوق دهیم. حال باید دید که طبیعت طفل را بچه وسیله میتوان شناخت. میگویند باید به علم روانشناسی نظری متوسل شد، با این علم میتوان استعداد و ظرفیت



از کلاه نمندی‌ها و مشهدی‌های قدیم

و ذوق و قریحه و تمایل طفل را بکلیات زندگی مخصوصاً مشاغلی که مطلوب او است معلوم کرد و بهترین طریقه وصول بدین مقصود بزرگ علائم و آثاری است که علما و محققین بر اثر تجارب عمیق و تحقیقات دقیق خود در دسترس ما قرار داده‌اند و آنچه تا کنون در پیرامون اشخاص گفته شده و تا حدی قریب به یقین احوال و اخلاق و خصوصیات فطری و طبیعی آنها را معین کرده‌اند همه از



از مستوفیان و سر رشته داران قدیم

روی همین اساس و علائم و آثار است که ما در اینجا مختصری از آن را برای استفاده قارئین خود درج میکنیم

قر کیبیات طبیعی بشر
 باقتضای خلقت عبارت از سه رکن اساسی حیوتی است که جسم و عقل و عواطف میباشد و این سه رکن اساسی مرکب است از چهار حالت و کیفیت اصلی و طبیعی که یکی صفرائی و دیگری سودائی و سومی دموی و چهارمی بلغمی است و هر يك از این چهار حالت بمقدار و معیار مشخصی ایجاد استعداد و

جوهر حیوتی در نهاد و طبیعت بشر خواهد کرد مثلا؛

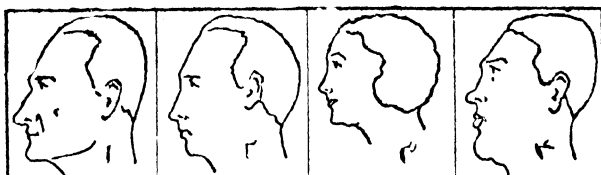
طبیعت صفرائی - بکار و تحقیق و کاوش و کوشش متمایل است - شخص صفرائی ذوق انشاء و فرماندهی دارد و در تمام امور جنبهٔ عملی و مثبت را بیشه و تعقیب میکند و همیشه صاحب اراده و تصمیم میباشد

شخص سودائی مزاج - مرد کار آمد ولی غیر منظمی است که سستی رای و اراده مانع پیشرفت مقاصد او میشود و چنین شخصی بسیار جبون است و مبانی تفکر و استدلال او نیز همیشه بر بدبینی

و منفیات قرار گرفته و بسیار زود نحت تاثیر واقع میشود
شخص دموی مزاج - این شخص بسیار تند و پرهیجان
 است ولی طرز تفکر و استدلالش کاملاً منطقی نیست و پیوسته در
 انجام آرزوهای خود افراطی و ماجراجو میباشد

شخص بانغمی - بسیار خون سرد و شکیب و کند و تنبل و
 بیکاره میباشد و پیوسته امور خود را باخیال اداره میکند و وجودش
 هیچگاه منشا، تملی نخواهد شد

بالاخره این چهار حالت در خلاصه ذیل تعریف میشود که طبیعت
 صفرائی و دموی سرچشمه فعالیت و مظهر سعی و ثمر است و سودائی
 و بانغمی هر قدر کوشش کنند مظهر تملی بزرگی نخواهند شد



اینک علائم و آثار قابل تشخیص؛

چهار حالتی که فوقاً بدان اشاره شد در اطفال یکسان نیست و
 مقدار متفاوت آنها محل توجه است - این نقشه علائم دقیقی را که
 باید در اطفال مورد مطالعه قرار داد نشان میدهد این علائم دو نوع
 است یکی از آن همیشه در انسان باقی است و دیگری بمرور زمان ممکن
 است تغییر کند

علائم ثابت و کلیات مزاجی صفرائی - هیکل درشت
 و سخت، سر مربع یا مربع مستطیل - کردن دراز و عضله دار، چشم
 سیاه، ابروها کشیده و دماغ محدب و نولداز لبهاراست و فشرده
 انگشتهای بزرگ و ماله‌ئی با شست بلند

علائم قابل تغییر - رنگ پوست سبزه و کدر، کلام و گفتارش شمرده
 شمرده و نگاهش نافذ است، تنفس عمیق دارد و خطش خیالی مستقیم
 و منظم میباشد

علائم ثابت در سودائی

هیكل متناسب و سرمثلثی
است گردن نازك و پوست
چرو كیده - ابرو كشیده
و چشم خاكستری دماغ
نازك و نوك دار و لبها فشرده
لبزیرین افتاده و بزرگتر
انگشتها نازك و بهن و كره
خورده میباشد



آثار قابل تغییر

رنگ صورت تند و گرفته -
كفتار مشوش و در هم -
نظر درخشان و ثابت -
تنفس در هم و خط قطعه
قطعه و غیر منظم است

علائم ثابت دموی

از لباسهای قدیم بعضی از ساکنین نواحی خوزستان

گوشت خیلی محکم

سریبضی یا كرد ، گردن کوتاه و قرمز ، ابرو قوسی - چشم بلوطی ،
دماغ كوچك و كشیده و لبها بیش محکم و قرمز است و انگشت
كوتاه و ناؤك

آثار قابل تغییر - رنگ سرخ و كفتارش جاندار است ، نظر

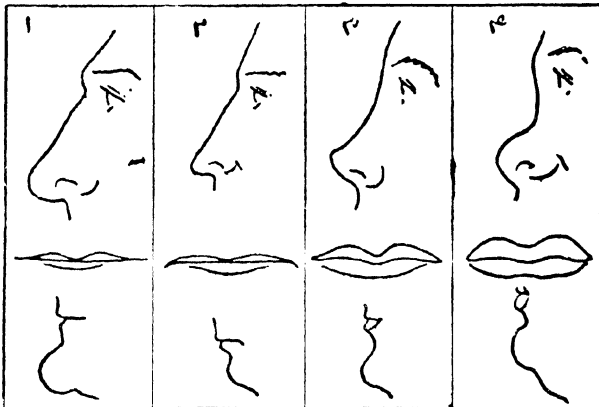
ملايم و گرم و تنفس سریع و خط كج و مایل میباشد

علائم ثابت در بلغمی - گوشت نرم - سر كرد ، گردن سفید

و خمیری و ابرو قوسی است ، چشم آبی یا سبز دماغ مقعر و نوك
كنده است ، لب كلفت و رنگ پریده و انگشت كوتاه میباشد

آثار قابل تغییر - رنگش پریده و كفتارش ملايم است نگاهش گیرنده

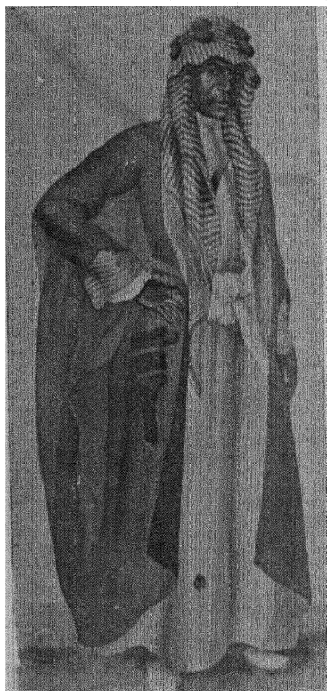
نیست تنفسش منظم و خطش راست میباشد و کلمات را در وقت مینویسد بطوریکه ملاحظه میشود این طریقه نه تنها آثار و علائم طبیعی و کمیات و کیفیات جسمی و روحی را مورد مطالعه قرار میدهد بلکه سایر مشخصات و مکتوبات را هم مورد دقت قرار میدهد مثلا خط و طرز تحریر و گردش قلم و نوع گفتار و کلام که در تشخیص وضعیت زندگی تأثیر کلی دارد - در عین حال باید دانست که این عوامل یکی در دیگری مؤثر واقع می شود مثل امراض که ممکن است خود مرض ناشی از یک عامل روحی باشد و بعداً تغییراتی در اثر مرض حاصل شود مثلا بچه چون در دوره طفولیت آماده برای هر گونه رشد و نمو و تغییراتی است هر علائمی که بنظر ما ثابت میاید ممکن است برور ایام در طفل تغییر کند مخصوصا علائمی که طفل را بجهت مختلفه میکشاند معهذا همینکه موقع آن فرا رسيد بخوبی مشهود است و میتوان از نیم رخ طفل هدف اصلی او را تشخیص داد-اولا شغلی را که او برای خود در نظر گرفته میتواند بدست آورد ثانیا میتوان دانست که طفل در بنموقع برای کاری که در ابتدا تصور میرفت آماده است یاخیر



این نقشه ها مانند چهار صورت اولی ظاهر میکند علائمی را که شرح داده ایم مثلا از چپ بر راست علائم اشخاص صفرائی و سودائی

و دموی و بلغمی را نشان
میدهد

ابرو - دماغ - لب
تمام - لب نیم رخ
حانه



یسی از خوانین ایل عرب

این آثار عینا متعلق
باشخاصی است که حالات
آنها را شرح دادیم ولی
نمیتوان مقطوعا اظهار
عقیده کرد و یقین دانست
که آنچه گفته شده مسلم
و محقق خواهد بود چه
اینکه گاه گاه خلاف آن
ظاهر شده است و چون
تربیت و پرورش و نظامات
خاصه اجتماعی و سایر علل
و عوامل ممکن است تغییرات
بازری در طبیعت اشخاص

ایجاد کند و دامنه استعداد ذاتی را وسعت دهد باید اطفال را از بدو
طفولیت زیر نظر گرفت مخصوصا با مراقبت طبیب هر یک از نواقص
جسمی و روحی طفل را معالجه کرد والدین و آموزگاران غالبا
باید از نکات دقیقه این بخش علمی آگاه بوده و بنفع فرزندان و
و دانش آموزان خود بکار برند و اصلاح جسم و روح فرزندان
و مردان آینده کشور را محل توجه قرار دهند. مخصوصا در سالنامه
ایتمه یک بخش مفصل و روشن تری در قسمت روان‌شناسی ضمیمه خواهیم
کرد که ازین طریق نیز خوانندگان سالنامه پارس به بسیاری از
مروضات طبیعی و مجهولات زندگی آشنا شوند و از آن استفاده کنند

شکار حیوانات و پوستهای ایران

در ایران مسئله شکار
بیشتر جنبه تفریحی دارد و
پوست حیوانات غالباً صادرات
مهمی نداشته

بطور کلی مناطقی
که حیوانات مختلفه در آن
زندگی میکنند سواحل بحر
خزر، فلات مرکزی،
کوه‌های لرستان و کهکلو به
ارس، خوزستان، بلوچستان
سواحل خلیج فارس است
رسته‌های ایران قشنگی و
خصوصیات و اشتهار پوستهای
نواحی شمالی سیبری و



شال و لباده و عمامه شیر شکری قدیم

کانادا را ندارد زیرا جنس آنها رابطه مستقیمی با شدت سرمای
زمستان آن نواحی دارد و در عین حال هم مواظبت کاملی از پوستهای
ایران در گذشته بعمل نمی‌آمده که ارزش حقیقی خود را بدست آورد
از جمله عیوب این است که برای بدست آوردن غالب این حیوانات
استعمال سم میکنند که در امریکا و اروپا و سیبری ممنوع است
و این سم باعث ریزش موی پوست آنها شده و بر حسب طول مدت
پاک کردن امعا و احشاء حیوانات ریزش مو کمتر یا بیشتر میشود،
برای بدام آوردن این حیوانات بوسایل دیگری باید متشبث شوند.
که گرچه برای شکار چنان زحمت زیادی ایجاد میکند ولی در عوض



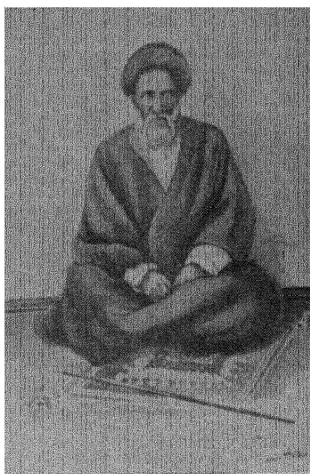
یکی از درویش قدیم با کشکول و تبرزین

از اضافه قیمت پوست شکار این زحمت جبران میشود و نیز باید امعاء و احشاء حیوانات را کاملاً خالی کرده استخوان دم آنها را بیرون کشیده و خوب خشک کرده از حیوانات طفیلی محفوظ دارند تا بدست تاجر فروشنده تحویل شود و بطرز علمی عدل بندی و بیازارهای خارجه حمل گردد. اکنون برای استفاده شکار چیان و تاجار

حیواناتی که پوست آنها در خارجه بمصرف لباس میرسد و ارزشی دارد و در ایران بکثرت میتوان یافت ذیلاً شرح میدهم

روباه - روباه حیوان گوشتخواری است از جنس سگ و به اشکال عدیده و تقریباً در کلیه نقاط وجود دارد که نمونه‌های آن در ایران از اینقرار است اول روباه قرمز (کانیس ولیس *Canis vulpes*) که اسمش رنگ اساسی پوست پشت آن را تعیین میکند، شکم این حیوان برنگ سفید و گوشهاش سیاه میباشد - دوم نوع دیگری به روباه سیاه یا زغالی (*Renard charbennier*) معروف است و نوع دیگر (ولیس ایپوملاس *Vulpes hipemelas*) از روباه مذکور بواسطه شکم سیاهش تمیز داده میشود - سوم روباه زرد است که از حیث جثه متوسط رنگ پشت آن زرد و قرمز، پهلوها و شکم خاکستری و انتهای دمش مشکی است عده این حیوان از دو حیوان سابق الذکر کمتر است و در جنوب ایران بیشتر یافت میشود - چهارم

روباہ خالدار یا (corsac)
 قد این حیوان کوتاه و
 پوستش قرمز و پشتش دارای
 موهائی است که انتهای
 آنها سفید است رنگ پوست
 رفته رفته در پهلوها روشن
 میشود و در زیر شکم
 بجا کستری کم رنگ تبدیل
 میگردد از توالد و تناسل
 این حیوان رو با های دورگی
 بوجود میاید که از یکدیگر
 امتیاز بارز دارند - پوست



از البسه قدیمی اهل علم

روباہ به چهار نمره جور و هر ده جلد یک بسته میشود پوست رو باہ
 را در صندوق میگذارند و هر صندوقی دو پوست جلد است .

سنجاب - در ایران سنجاب بکثرت یافت میشود این حیوان موسوم
 به (*Mustela foina*) است و گوشتخوار و رنگ پوستش خاکستری
 و گلویش سفید است و بقدر یک گربه کوچک خانگی است در شرق
 ایران این حیوان از حیث جثه کوچکتر و از حیث رنگ سیر تر از
 آنهائی است که در مغرب فلات ایران دیده میشود

دله (*Mustela abetium*) حیوان گوشتخوار
 دیگری است که تقریباً در و بناو حای جنگل مازندران و کیلان اختصاص
 دارد جثه این حیوان مانند سنجاب و از رنگ گلویش که زرد کم رنگ
 به نارنجی تغییر می یابد با سنجاب امتیاز دارد موهایش خیلی نرم است
 که گاهی خاکستری کم رنگ و گاهی پررنگ است ولی همیشه برق
 موهای آن کمتر از سنجاب میباشد

ذئب - (در تجارت و صنعت ذئب امریکائی بیشتر مورد استعمال دارد) و قسم دیگر آنها که موهای سخت و خشن دارند و اغلب مختص با ایران و آسیای عثمانی است مانند (ملس کانسانس *Meles canescens*) برای ساختن ماهوت پاك كن و مسواك و قلم مو و فرجه صورت طرف توجه است رنگ ذئب ایران روشن تر و قدش کوچکتر از ذئب اروپاست

شغال - پوستی که بیشتر برای آستر لباس استعمال میشود پوست شغال است که یک قسم از آن (کانیس اورنس - *Canis aurens*) در ایران فراوان و پوست آن ضخیم و سخت و کم قیمت می باشد پوست شغال درجه اول طهران دوم مازندران و گرگان سوم خراسان چهارم شیراز است . و دوپست جلد آن را بک عدل بسته بندی می کند

سمورابی - (*Loutra*) این حیوان گران قیمت تر و کمیاب تر است اغلب در رودخانهها یافت میشود و باسم (لوتر اولکاریس *Loutra vulgaris*) نامیده میشود . این حیوان که متعلق با ایران است در بازارهای اروپا به لوتر بغداد معروف میباشد مخصوصا در مغرب ایران بکثرت یافت میشود و وجود آن بسته بوجود دریاچه ها و مجاری آنهاست پوست آن خاکستری است و پس از دباغی و رنگرزی استعمال میشود .

پریسک - باقب اروپائی (*Pérsuasca*) است این حیوان در خارجه کمتر معروف است ولی در تمام نقاط شمالی ایران وجود دارد پوستش برای بالا پوش آستر مرغوبی است قسمت علیای بدن این حیوان خاکی سیر و دارای گلهای زرد غیر منظمی است رنگ سر آن خاکستری سیر و طوق سفیدی بگردن دارد گوشهایش نیز خاکستری ولی دارای حاشیه سفید است

گرگ - از انواع واقسام گرگهائی که در عالم است نوعی که در اصطلاح علمی (کانیس لویوس لانیجر *Canis Lupus laniger*) خوانده میشود مختص با ایران است پوست آن درشت و خاکستری

رنگ و دارای گامهای سیاه
است و برای آستر لباس
بکار میرود پوست کرک
طبقه بندی شده هر عدلی ۰۰
جلد بسته میشود.

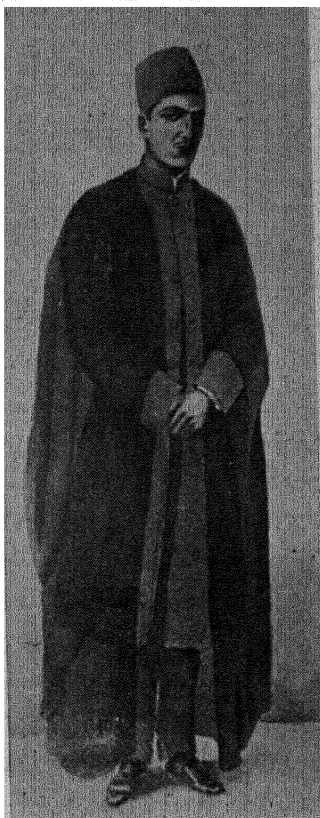
موش کور - این

حیوان در اروپا و آمریکا
پوستش برای آستر لباس
مشتری دارد ولی در ایران
شکار نمیشود.

این حیوان پستاندار
و جوانده است که رنگ آن
از خاکستری سبز به آبی
پررنگ تبدیل میشود و فقط
در اراضی بی آب و علف
دیده میشود و نوع ایرانی
این حیوان مشتق از اقسام
اروپائی است و باصطلاح
علمی آنرا تالیا می نامند.

اقسام گر به - تمام

حیواناتی که از جنس گر به



میرزا و آقا و خان قدیم

هستند پوستشان برای آستر لباس استعمال میشود و از آنها حیوانات ذیل در
ایران وجود دارند - گر به صحرائی (لینکس کارا کال *Lynx caracal*)
یا فلیس لینکس کارا کال که مختص کویرهای جنوبی است - گر به باطالقی
(فلیس شائوس *Felis chaus*) که در نواحی باطالقی کیلان و مازندران
زندگی میکنند - گر به کوهی (فلیس کانوس *Flis catus*) که

و جودش بسته به جنگلهای شمالی است - گربه وحشی یا مانول (فلیس مانول *Felis manaul*) که در بیابانهای جنوب شرقی بمعیت گربه بیابانی (فلیس ارناتا *Flis ornata*) زندگی میکنند - شکارچیان ایرانی عموماً این حیوانات را با اسم گربه کوهی میشناسند این حیوانات عموماً خیلی مهم و قابل استفاده میباشد پوست گربه‌های وحشی هر دو پوست جلد يك عدل بسته میشود

حیوانات سبع - بین حیوانات عظیم الجثه و سبع مازندران و جنگلهای نواحی بجنورد يك قسم ببری یافت میشود که علمای طبیعی جنس مخصوصی از آن را به (فلیس تیگریس ویرکاتا *Felis tigris virgta*) موسوم نموده اند اگر رنگ راه‌های پوست آن جاوه و برق پوست بره‌های ساطانی بنگاله را ندارد در عوض بواسطه عظمت قد با آن برابری میکند بر ایران یکی از بزرگترین حیوانات سبع است که تا بحال در دنیا مشاهده شده - چیزیکه از همه بیشتر اشتها دارد **پلنگ ایران است** (فلیس یار دوس تولبانوس *Felis pardus tulbanus*) که در دنیا یکی از قشنگترین حیوانات جنس خود بشمار میرود - بوز پلنگ یا الدار (سینولورس زوباتوس *Cynelurus jubatus*) در جنوب ایران کمیاب شده در صورتیکه سابقاً خیلی زیاد بوده هر عدلی ازین پوست ۵۰ جلد بسته میشود - راجع بشیر (فلیس لئو *Felis leo*) باید گفت که خیلی در ایران کم شده است در حالیکه سابقاً فراوان بوده و بیشه قدیمی شیران ایران را در اطراف شیراز دانسته و این شهر را بیشتر بهمین مناسبت شیراز گفته اند - پوست حیوانات جنس گربه و سباع دیگری که در فوق ذکر شد مخصوصاً برای فرشهای زبر تخت خواب بکار میبرند

خرس - در ایران این حیوان زیاد نیست ولی در مغرب ایران یافت میشود قد آن کوچک و رنگش خاکستری است و به (ور موس سیری اکوس *Vrsus syriacus*) یعنی خرس شامی موسوم میباشد و چون طالب زیاد ندارد کمتر شکار میشود

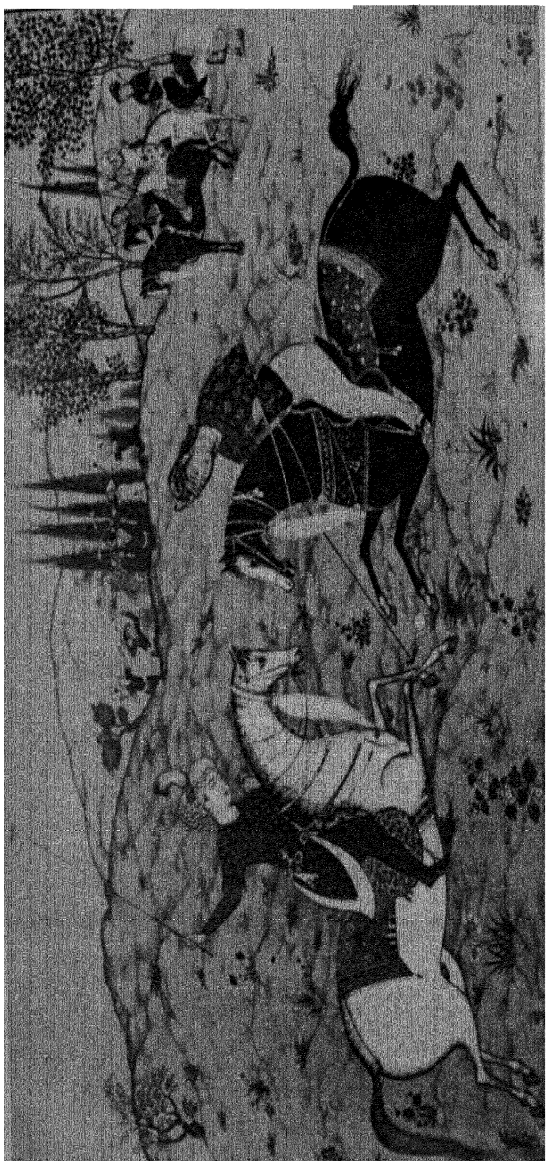
راسو- (موسستلا ولکاریس *Mustela vulgaris*) با وجود اینکه در شمال ایران بکثرت یافت میشود اهالی آن را شکار نمیکنند در حالی که پوست آن سفید و بی لک و فوق العاده مورد توجه اروپاست

موش سلطانی زردرنگ - (اسپر موفیاوس فولوس *Sperophilus fulvus*) که اسمش حکایت از رنگش میکند و موش خرمائی (کریستوس فائنس *Cricetus phaens*) که آن راهوستر ایران (Hauster de l'Pers) مینامند پوستش آبی رنگ است - دو حیوان کوچک دیگر از حیوانات چونده در ایران فراوان است که با نهانیز اهمیت داده نمیشود در حالتیکه در روسیه و آلمان طالب و اهمیت زیاد دارند

خرگوش - در همه جای ایران فراوان است طرف شمال بهتر و بزرگتر و طرف جنوب متوسط است و هر عدلی یا نصد جاد بسته میشود برای تکمیل این بخش توضیحات مختصری از پوست بره نیز داده میشود .

بره - پوستی که بیش از همه در بازار خارجه تجارت میشود پوست بره است . پوستهای عراق و پوستهای شیراز گرچه بیایه پوستهای بخارائی نمیرسد ولی خیلی طالب دارد و با اصطلاح علمی به (اویس یلانی اورا *Ovis platiuralis*) معروف میباشد .

مرغوبیت پوست بخارا که غالباً باغت آلمانی (پرسیانر *Persianer* ایرانی) یا بطریق معمول کارا کول *Caracul*) میخوانند بواسطه آنست که با مراقبت مخصوص عمل میآورند . ولی عدم مرغوبیت پوست ایران در اروپا که به اسم پوست شیراز بفروش میرسد در گذشته از آنجهت بوده است که در تربیت نژاد و نگاهداری و مراقبت و عمل آوردن آن توجه شایسته مبذول نمیشده - در انگلستان مخصوصاً پوستهایی که بمصرف کلاه و البسه زنانه میرسد پوست بره ایران یا (*Persian lamb skins*) نامیده میشود . از آن سبب که در زمان صفویه اقسام پوست از بخارا و سایر نقاط در بنادر جنوب تمرکز یافته باروپا و مخصوصاً انگلستان حمل میشد و با اسم پوست



لیکچرہ تعاستانی اراقای ہنراد مسینیا تور

ابو الحسن دیبا و بیات

خیابان اکباتان - تلفون ۵۹۱۷

فروشنده انواع ماشینهای صنعتی - فلاحتی - ماشینهای راد سازی و
اسفالت ریزی - تراکتورهای زراحتی - کبیرسورهای متحرک و
ثابت - اقسام آلات متحرکه بر سبیلک هوای فشرده - اشیا الکترونیکی
رادیو - ادوات بی سیم - تلفن و خطره

محصولات لابوراتوار سینا

واکسن ضد سوزالکسینا - واکسن جوش
صورت و تن - واکسن تب مالت - روغن
احتیاط برای جلوگیری از امراض تناسلی
خمیر عاج برای جلوگیری از پیوره و کرم
خوردگی دندان در همهٔ دواخانه‌های مهم
بقیمت مناسب بفروش میرسد .

تجارخانه کاشانی

خیابان ناصر خسرو

شعبات : شعبه ۱ خیابان بهاوی - امیریه (رو
بروی خیابان انتظام السلطنه - شعبه ۲ خیابان شاه
(نادری) جنب خیابان رفائیل (قوام السلطنه)

همه گونه لوازم التحریر - اجناس مهندسی
مطبوعات تجارتنی - مطبوعات مصور را به
مشتریان محترم با نازلترین قیمت تقدیم مینماید

آب لیموی شیراز - عطر گل قمصر کاشان
کلاب منحصر بفرد را هم برای مشتریان خود تهیه
نموده و در تمام سال بفروش میرساند

تمبرهای باطله پستی را که صحیح و سالم باشد
بقیمت خوب خریداری مینمائیم .

بره ایران بفروش میرسید - در فرانسه اقسام پوست بره به (استر خان) یا حاجی ترخان مشهور است و آن نیز بدین سبب است که پس از اختلال امور تجارتهی در عهد صفویه حاجی ترخان که یکی از بنادر مهم بحر خزر است برای معاملات تجاری مرگزیت یافت و محصول پوست آسیای وسطی در حاجی ترخان توزیع میشد

در روسیه پوست بره را کاراگل مینامند از آنجهت که قره گل قصبه کوچکی است در ۱۲ فرسنگی بخارا و بهترین پوست بره درین قصبه بدست میآید

قبل از جنگ بین المالی پوستهای ایران در ردیف پوستهای بخارا و افغانستان در نرنی گرود (محلی است واقع در منتها الیه رود ولکا) توزیع میشد و از حیث جنس با پوست درجه دوم بخارائی برابری میکرد بعد از انقلاب روسیه رمه داران اطراف بخارا اغنام تخمی خود را بترکستان افغان (اندی خوی - میمه - مزارشریف) که از جهات طبیعی شباهت تام بترکستان روس دارد انتقال دادند چون تجار افغانی از تجارت پوست اطلاع کافی نداشتند تجار ایرانی و هندی پوستهای آن نقاط را خریداری و حمل اروپا میکردند . مدتی هم شهر پيشاور هرگز معاملات پوست بود

در سنوات اخیر معدودی از رمه داران تراکمه بسرخس ایران و قسمت پائین ولایت مشهد مهاجرت کرده از قوچهای تخمی خود برمه داران محلی فروختند و گوسفند داران محلی ترتیب نگاهداری و تربیت آنها را فرا گرفتند که فعلا در اطراف سرخس سالیانه بیش از بیست هزار جلد پوست اعلانظیر پوستهای بخارا عمل میآید که از جلدی ۸۰ ریال بیا بالا فروش میرود در اطراف مشهد پوست بره هر وف به بقره زیاد عمل می آید ولی خیلی کم بهاست و باب روسهاست که ساکنین نقاط سرد سیر خریداری میکنند ، از این قسم پوست در اطراف خوزستان نیز سالیانه تا حدود پنجاه هزار جلد تحصیل می شود

شرکتهائی که با مشارکت بانک فلاحتی تشکیل شده

برای تشکیل و یا مشارکت در شرکتهای مهم قدم های باندی از طرف بانک فلاحتی ایران برداشته شده و ما بنا بقضای جمعی ازمشترکین صورت شرکتهای مذکور را از ترازنامه بانک فلاحتی در این سالنامه چاپ می کنیم .

شرکتهای تشکیل شده به پنج دسته تقسیم میشود

- ۱ - شرکتهای تجارتي - ۲ - شرکتهای تولید کننده - ۳ -
- شرکتهای کمک و مساعدت به برزگران - ۴ - مؤسسات مالی
- ۵ - شرکتهای صنعتی

شرکتهای تجارتي

۱ - شرکت سهامی مرکزی - برای توسعه امور تجارت و صناعت و فلاحت کشور از راه تاسیس شرکتهای و شرکت در شرکتهای و تهیه اعتبار برای شرکتهای و خرید و فروش و عقد هر گونه قرار داد راجع بواردات و صادرات و بطور کلی هر قسم معاملات تجارتي تاسیس گردیده حق خرید و فروش و شکر داخلی و خارجی و حق خرید و فروش کبریت خارجی با این شرکت است .

سرهایه	۶۰۰۰۰۰۰۰	ریال
تعهدی بانگ	۱۰۰۰۰۰۰۰	»
پرداختی بانگ	۵۰۰۰۰۰۰۰	»

یوست بره شیراز سالیانه تا ۴۰ هزار جاد و در داخله جادی تا پنجاه ریال بفروش میرسد - از قم و آشتیان تا ۳۰ هزار جاد بدست میآید و تا ۳۵ ریال بفروش میرسد - در طهران سالیانه تا ۲۵ هزار جاد بدست می آید که تا ۳۵ ریال فروش دارد

یوست بره اعلا مال شیراز ، اصفهان ، قم و طهران جدا جدا رنگ بندی شده و تا ۲۵۰ جاد بك عدل بسته میشود .

۲ - شرکت سهامی پنبه و پشم و پوست : از طرف شرکت سهامی مرکزی برای خرید و فروش و تهیه انواع واقسام پنبه و پشم و پوست تأسیس گردیده

ریال	۴۰۰۰۰۰۰۰	سرمایه
»	۷۲۸۵۰۰۰	تعهدی بانک
»	۲۵۴۹۷۵۰	پرداختی بانک

۳ - شرکت سهامی ابریشم : انحصاراً عمل صادرات پنبه ابریشم و ورود منسوجات ابریشمی را انجام میدهد .

ریال	۶۰۰۰۰۰۰۰	سرمایه
»	۳۰۰۰۰۰۰۰	تعهدی بانک
»	۳۰۰۰۰۰۰۰	پرداختی بانک

۴ - شرکت سهامی تجارתי خراسان : برای خرید و تهیه اجناس صادراتی و ورود اجناس مورد احتیاج کشور (مستقیماً از خارجه) تأسیس گردیده حوزه عملیات این شرکت در حدود ایالت خراسان میباشد .

ریال	۱۰۰۰۰۰۰۰۰	سرمایه
»	۷۴۷۱۱۰۰۰	تعهدی بانک
»	۲۹۸۸۴۴۰	پرداختی بانک

۵ - شرکت سهامی حمل و نقل خراسان : برای حمل و نقل صادراتی و کمک به احتیاجات داخلی خراسان تشکیل شده و در سال ۱۳۱۵ با تکمیل و توسعه که در سرمایه و تشکیلات آن واقع شد بشرکت سهامی بار تبدیل گردید (اخیراً منحل شده است)

ریال	۵۰۰۰۰۰۰۰	سرمایه
»	۴۹۹۴۰۰۰	تعهدی بانک
»	۱۹۹۷۶۰۰	پرداختی بانک

۶ - شرکت سهامی انقوزه ایران : برای تهیه و ترویج

تجارت و توسعه انواع انقوزه ایران و تسهیل صدور آن بخارجه تاسیس گردیده .

ریال	۱۴۵۰۰۰۰	سرمایه
»	۱۰۰۰۰۰	تعهدی بانك
»	۵۰۰۰۰	پرداختی بانك

۷ - شرکت سهامی فارس و بنادر : برای خرید مستقیم محصولات ایالت فارس و تهیه و صدور آن به خارجه تاسیس شده است . این شرکت میتواند به تجارت واردات اشتغال ورزد .

ریال	۸۰۰۰۰۰۰	سرمایه
»	۷۳۷۴۵۰۰	تعهدی بانك
»	۲۵۸۱۰۷۵	پرداختی بانك

۸ - شرکت سهامی تثبیت فرخ غله : برای خرید غله در ایران و فروش آن در ایران و در صورت اقتضا صدور ما زاد آن بخارجه تاسیس و اخیراً با اداره صادرات غله تبدیل شده است .

ریال	۳۰۰۰۰۰۰۰	سرمایه
»	۱۵۰۰۰۰۰۰	تعهدی بانك
»	۸۰۰۰۰۰۰	پرداختی بانك

۹ - شرکت سهامی کالای ایران : برای تهیه و تولید و اصلاح و ترویج و نمایش اجناس ایران و احداث مغازه های بزرگ جهت فروش کلیه انواع و اقسام اجناس و محصولات و امتعه ایرانی تاسیس یافته است .

ریال	۱۰۰۰۰۰۰	سرمایه
»	۵۵۳۲۰۰	تعهدی بانك
»	۵۵۳۲۰۰	پرداختی بانك

۱۰ - شرکت سهامی ماشینهای فلاحتی : برای وارد کردن ماشین آلات فلاحتی و ادوات صنعتی و فلاحتی و تسهیل عمل فروش آنها بد هاقین و ملاکین ایرانی بطور افساط تاسیس

گردیده این شرکت نیز در خرید و فروش آلات و ادوات فنی که برای ادارات مختلفه دولتی مورد احتیاج واقع میگردد دخالت دارد و اخیراً بشرکت سهامی شیار ضمیمه شده است .

ریال	۵۰۰۰۰۰۰	سرمایه
»	۴۴۰۰۰۰۰	تعهدی بانك
»	۴۴۰۰۰۰۰	پرداختی بانك

۱۱ - شرکت سهامی فرش ایران : برای بهبودی و ازدیاد محصول و تجارت فرش ایران و بخصوص تجارت صادراتی تاسیس یافته است .

ریال	۳۰۰۰۰۰۰۰	سرمایه
»	۲۹۹۴۰۰۰۰	تعهدی بانك
»	۱۰۴۷۹۰۰۰	پرداختی بانك

شرکت های تولید کننده

۱۲ - شرکت تولید کنندگان چای در لاهیجان ، برای تهیه ، خشکانیدن ، مخلوط نمودن ، باربندی و فروش چای تاسیس و بشرکت چای گیلان تبدیل شده است

ریال	۷۵۰۰۰۰۰	سرمایه
«	۷۴۹۲۰۰	تعهدی بانك
«	۴۴۹۵۲۰	پرداختی بانك

۱۳ - شرکت تولید کنندگان چای در لاکان : تاسیس این شرکت نیز بمنظور عمایاتی است که در شماره ۱۲ شرح داده شده .

ریال	۷۵۰۰۰۰۰	سرمایه
«	۶۹۴۳۰۰	تعهدی بانك
«	۴۱۶۵۸۰	پرداختی بانك

۱۴ - شرکت چرمسازی خراسان : برای خرید و فروش پوست و مشتقات آن و همچنین تهیه و تدارك اقسام مختلفه چرم تاسیس شده است .

ریال	۳۶۸۸۰۰۰	سرمایه
«	۲۳۰۴۰۰۰	تعهدی بانك
«	۲۲۰۴۰۰۰	پرداختی بانك

۱۵ - شرکت سهامی توتون: برای ترویج و بسط زراعت توتون و تهیه و بدست آوردن محصول مرغوب ممتاز جهت فروش در بازارهای داخله و خارجه تاسیس گردید (اخیراً منحل شده است)

ریال	۳۰۰۰۰۰۰	سرمایه
«	۲۹۹۰۰۰۰	تعهدی بانك
«	۱۰۴۶۵۰۰	پرداختی بانك

۱۶ - شرکت سهامی خلد شیراز: برای خرید انگور ایالت فارس و تهیه انواع مشتقات آن برای فروش در بازارهای داخله و خارجه تاسیس گردیده .

ریال	۱۵۰۰۰۰۰	سرمایه
«	۱۳۹۴۶۰۰	تعهدی بانك
«	۵۵۷۸۴۰	پرداختی بانك

۱۷ - شرکت سهامی میکده: برای تهیه هر قسم مشروبات الکلی بمنظور فروش در بازارهای داخله و خارجه تاسیس گردیده .

ریال	۲۵۰۰۰۰۰	سرمایه
«	۱۷۵۰۰۰۰	تعهدی بانك
«	۱۷۵۰۰۰۰	پرداختی بانك

۱۸ - شرکت سهامی مشروب سازی نوش: برای تهیه و صدور انواع واقسام مشروبات الکلی تاسیس گردیده .

ریال	۲۰۰۰۰۰۰	سرمایه
«	۲۰۰۰۰۰۰	تعهدی بانك
«	۲۰۰۰۰۰۰	پرداختی بانك

۱۹ - شرکت سهامی باده: برای تقطیر و فروش الكل و همه قسم مشروبات الکلی و اجناس مختلفه مربوط بمشروبات و صادرات محصولات کارخانه الکلی تاسیس گردیده .

ریال	۷۰۰۰۰۰۰	سرمایه
«	۳۵۰۰۰۰۰	تعهدی بانك
«	۳۵۰۰۰۰۰	پرداختی بانك

۲۰- شرکت سهامی نوغان ایران : برای بسط و توسعه

کلیه امور مربوط به تهیه تولید و اصلاح نژاد تخم نوغان تاسیس گردیده . (اخیراً اداره نوغان مبدل و ضمیمه وزارت صناعت شده)

ریال	۱۵۰۰۰۰۰۰	سرمایه
«	۱۴۹۰۰۰۰۰	تعهدی بانك
«	۵۹۶۰۰۰۰	پرداختی بانك

۲۱- شرکت سهامی فلاحت خوزستان : این شرکت

برای منظورهای ذیل تأسیس یافته است :

الف - تحصیل اراضی بایر خوزستان که دولت بطور مجانی بشرکتها و افراد ایرانی برای آبیاری و اکنار مینماید .

ب - نصب دستگاههای نلمبه برای آبیاری زمینهای مذکور .

ج - تهیه محصولات فلاحتی خوزستان جهت صدور .

د - اعطاء اعتبارات لازمه برای انجام منظورهای فوق اداره کل فلاحت و سایرین .

ریال	۴۰۰۰۰۰۰۰	سرمایه
«	۳۰۰۰۰۰۰۰	تعهدی بانك
«	۳۰۰۰۰۰۰۰	پرداختی بانك

۲۲- شرکت سهامی فلاحتی کرخه : برای بهره برداری

از اراضی که از طرف وزارت مالیه در خوزستان بملکیت بشرکت واکنار میشود تاسیس گردیده . این شرکت اجازه دارد که بهره

نوع عملیات فلاحتی و تجارتنی و صنعتی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم مربوط بمقصود مذکور است اشتغال ورزد .

ریال	۵۰۰۰۰۰۰۰	سرمایه
«	۱۰۰۰۰۰۰۰	تعهدی بانك
«	۵۰۰۰۰۰۰۰	پرداختی بانك

۲۳ - شرکت سهامی صادرات نمک : برای استخراج

نمک معادن نمکدان واقع در جزیره قشم و استفاده از مواد شیمیائی مستخرجه نمک محللهای مذکور و همچنین فروش آنها در داخله و خارجه تاسیس گردیده .

ریال	۵۰۰۰۰۰	سرمایه
«	۲۴۶۰۰۰	تعهدی بانك
«	۹۸۴۰۰	پرداختی بانك

شرکتهای کمک و مساعدت به بزرگان**۲۴ - شرکت سهامی محصولات فلاحتی بلوکات**

طهران : برای کمک و مساعدت بتولید کنندگان محصولات فلاحتی و برعایا بوسیله فروش اجناس ما به الاحتیاج آنها و خرید محصول و در عین حال اعطای اعتبار برای تسهیل عملیات مزبور تاسیس گردیده

ریال	۱۰۰۰۰۰۰	سرمایه
«	۷۵۰۰۰۰	تعهدی بانك
«	۷۵۰۰۰۰	پرداختی بانك

۲۵ - شرکت سهامی معاملات روستائی فارس : برای

تهیه لوازم و مایحتاج زندگانی و فراهم آوردن وسائل لازمه برای پیشرفت امور فلاحتی و زراعتی رعایای حوزه فارس تاسیس یافته بعلاوه این مؤسسه بخريد محصولات زراعتی و فلاحتی محلی و صنایع دستی آنها نیز بقسمی که مناسب بحال زارع بوده باشد اقدام مینماید

ریال	۱۰۰۰۰۰۰	سرمایه
«	۹۵۰۰۰۰	تعهدی بانك
«	۹۵۰۰۰۰	پرداختی بانك

۲۶ - شرکت فلاحتی سیستان : برای کمک و مساعدت

بتولید کنندگان محصولات فلاحتی و برعایا بوسیله خرید ما به الاحتیاج آنان و فروش بانها و در عین حال اعطاء اعتبار برای تسهیل عملیات مزبور تاسیس یافته .

ریال	۶۰۰۰۰۰	سرمایه
«	۵۹۴۰۰۰	تعهدی بانك
«	۵۹۴۰۰۰	پرداختی بانك

موسسات مالی

۲۷ - شرکت سهامی صندوق پس انداز : برای قبول وجوه صرفه جوئی از طبقات مردم و بکار انداختن آن در امریکه کاملاً مطمئن بخش باشد تاسیس گردید این شرکت برای مستخدمین دولتی و بلدی خانه های ارزان قیمت تهیه باقسطا طویل المده و اگذار مینماید (اخیراً منحل شده است)

ریال	۱۰۰۰۰۰۰۰	سرمایه
»	۵۹۱۱۰۰۰	تعهدی بانك
»	۲۱۰۰۰۰۰	پرداختی بانك

شرکت های صنعتی

۲۸ - شرکت سهامی صنایع دستی شیراز : منظور از تاسیس این شرکت ترویج صنایع دستی میباشد که برای خانواده ها و غیره مواد اولیه و ماشینهای که مورد احتیاج است تهیه نموده و باقسطا استهلاکی به آنها داده و در مقابل اشیاء ساخته شده را بقیمت عاده از آنها قبول نماید و همچنین برای تکمیل صنایع قدیمه ایران از قبیل خاتم سازی - چینی سازی و غیره اقدامات لازمه بعمل آورد . (اخیراً منحل شده است)

ریال	۳۰۰۰۰۰	سرمایه
«	۵۰۰۰۰	تعهدی بانك
«	۲۵۰۰۰	پرداختی بانك
میزان کل سرمایه شرکتها تیکه بانك فلاحتی و صنعتی ایران تا آخر اسفند ماه ۱۳۱۴ در آنها مشارکت کرده و با مستقلا تاسیس نموده بالغ است بر		
ریال	۲۲۴ ۴۳۸۰۰۰	تعهدی بانك
«	۱۰۹۶۸۱۴۰۰	پرداختی بانك
«	۵۲۷۷۶۹۰۰	پرداختی بانك

از مجله بانک ملی ایران - بازار پول

اسکناسهای در جریان و ذخیره فلزی در بانک ملی ایران

به ریال (یک ریال طلا = ۰.۷۳۲۲۳۸۲ - گرم طلای خالص)

تاریخ	اسکناسهای صادره	اسکناسهای موجود در صندوق بانک	اسکناسهای در جریان	موجودی مسکوکات نقره (قران و ریال)	موجودی طلای بانک
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۶۰۱۰۱۵	۹۱۲۸۳۴۴۵۰	۱۱۸۱۹۵۸۳۰	۷۹۴۶۲۷۶۲۰	۳۵۲۳۲۶۲۴۵	۲۹۷۰۸۸۸۵۸
۱۶۰۱۰۳۱	۹۱۲۸۳۳۴۵۰	۱۰۷۴۳۴۴۹۵۰	۸۰۵۳۹۹۹۵۵	۳۵۳۳۵۱۷۴۸	۲۹۷۱۵۱۸۵۶
۱۶۰۲۰۱۵	۹۱۲۸۳۳۴۵۰	۱۰۶۲۷۱۲۰۰	۸۰۶۵۶۲۱۵۰	۳۵۲۴۴۹۴۳۰	۲۹۷۱۵۵۸۲۲۸
۱۶۰۲۰۳۰	۹۱۴۸۳۳۴۵۰	۱۰۵۸۷۵۹۵۰	۸۰۸۹۵۷۵۰۰	۳۵۲۴۶۲۶۹۵	۲۹۷۱۶۶۶۳۷
۱۶۰۳۰۱۵	۹۱۴۹۳۳۴۵۰	۱۱۲۶۲۰۶۴۵	۸۰۲۳۱۲۸۰۵	۳۵۳۵۲۲۴۷۵	۲۹۷۱۷۸۰۵۴
۱۶۰۴۰۳۱	۹۸۴۹۲۳۴۵۰	۱۷۶۹۰۰۰۰۰	۸۰۸۰۳۴۴۵۰	۳۵۳۹۴۵۱۹۳	۲۹۷۱۷۸۱۷۱
۱۶۰۴۰۱۵	۹۹۴۹۳۳۴۵۰	۱۸۱۸۸۱۶۵۰	۸۱۳۰۵۱۸۰۰	۳۵۴۳۸۴۴۹۷	۲۹۷۱۷۸۶۱۲
۱۶۰۴۰۳۱	۱۰۰۴۹۳۳۴۵۰	۱۸۱۷۲۶۰۵۵	۸۲۳۲۰۷۳۹۵	۳۵۴۳۰۵۳۹۹	۲۹۷۱۷۸۶۱۲
۱۶۰۵۰۱۳	۱۰۱۱۴۳۳۴۵۰	۱۸۲۹۴۲۶۳۲	۸۲۷۴۹۰۸۱۶	۳۵۴۵۷۱۰۹۹	۲۹۷۱۷۸۶۱۲
۱۶۰۵۰۳۱	۱۰۱۱۴۳۳۴۵۰	۱۷۶۵۲۹۸۴۰	۸۳۴۹۰۲۶۱۰	۳۵۵۰۱۳۸۰۰	۲۹۷۱۸۰۲۷۵
۱۶۰۶۰۱۵	۱۰۱۴۹۳۳۴۵۰	۱۶۱۵۳۷۶۳۰	۸۵۳۳۹۵۸۲۰	۳۵۵۰۴۳۲۱۰	۲۹۷۱۸۰۲۷۵
۱۶۰۶۰۳۱	۱۰۱۴۹۳۳۴۵۰	۱۵۹۵۷۶۳۳۵	۸۵۵۳۵۷۱۱۵	۳۵۵۰۶۸۱۷۲	۲۹۷۱۹۲۴۳۵
۱۶۰۷۰۱۵	۱۰۱۴۷۳۳۴۵۰	۱۵۰۵۷۷۰۳۵	۸۶۴۳۵۶۴۱۵	۳۵۵۳۹۹۶۰۰	۳۰۶۵۴۸۲۶۳
۱۶۰۷۰۲۸	۱۰۱۴۹۳۳۴۵۰	۱۴۱۲۷۲۹۸۰	۸۷۳۶۶۰۴۷۰	۳۵۵۴۵۴۱۵۲	۳۰۶۶۰۴۰۸۳

ذخیره فلزی موجود در خارج جزء اعداد فوق منظور نشده است.

تجارت خارجی ایران

در سالهای ۱۳۱۳-۱۴-۱۳۱۵-۱۶

(به هزار ریال --- کلای تنها)

آمار تهیه شده طبق تعداد هوقتی مندرجه در « مجله گمرک »
بدون رسیده های معاف وبدون فرستاده های شرکت سهامی نفت انگلیس
وایران ومجموع شیلات دریای خزر
جمع رسیده ها و فرستاده ها (واردات و صادرات)

ماه	۱۳۱۳-۱۴	۱۳۱۴-۱۵	۱۳۱۵-۱۶
تیر	۹۱۹۰۰	۹۷۰۰۰	۹۳۹۸۰
مرداد	۷۰۹۰۰	۸۱۰۰۰	۸۳۸۸۰
شهریور	۸۰۱۰۰	۹۲۶۰۰	۱۰۰۵۹۲۰
مهر	۸۹۳۰۰	۱۱۹۸۰۰	۱۲۲۹۰۰
آبان	۸۸۱۰۰	۱۱۳۰۹۰	۱۱۷۹۸۰
آذر	۱۰۹۳۰۰	۱۲۸۰۰۰	۱۲۴۴۴۰
دی	۸۵۵۰۰	۱۴۱۵۰۰	۱۵۶۴۳۰
بهمن	۱۰۸۰۰۰	۱۵۱۶۰۰	۱۳۷۱۴۰
اسفند	۱۰۵۱۰۰	۱۵۱۰۰۰	۱۸۶۶۰۰
فروردین	۸۶۱۰۰	۹۷۶۰۰	۱۵۰۶۹۰
اردیبهشت	۱۰۲۸۷۰	۱۳۵۰۰۰	۱۳۰۲۵۰
خرداد	۹۶۲۰۰	۷۵۹۸۰	۱۳۲۱۸۰
تیر - خرداد	۱۱۱۳۳۸۰	۱۳۸۴۷۷۰	۱۵۴۲۳۹۰
» »	۱۱۱۸۰۳۰	۱۳۹۸۵۶۷	

ت. - اعداد قطعی طبق آمار تجارتنی سال اقتصادی ۱۳۱۴ اداره گمرک

فرستاده ها				رسیده ها				ماه
بدون فرستاده های شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران				بدون رسیده های معاف				
۱۶—۱۳۱۰۱۵	۱۳۱۴۱۴—۱۳۱۳	۱۶—۱۳۱۰۱۵	۱۳۱۴۱۴—۱۳۱۳	۱۶—۱۳۱۰۱۵	۱۳۱۴۱۴—۱۳۱۳	۱۶—۱۳۱۰۱۵	۱۳۱۴۱۴—۱۳۱۳	
۳۸۵۰۰۰	۴۳۹۰۰۰	۴۴۸۰۰۰	۵۵۴۸۰	۵۳۱۰۰۰	۴۷۱۰۰۰			تبر
۳۳۰۰۰۰	۳۲۶۰۰۰	۳۴۵۰۰۰	۵۰۸۸۰	۴۹۰۰۰۰	۴۶۴۰۰۰			مرداد
۳۹۰۰۰۰	۳۸۳۰۰۰	۳۴۷۰۰۰	۶۶۹۳۰	۵۴۴۰۰۰	۴۵۴۰۰۰			شهریور
۵۶۸۰۰۰	۶۱۶۰۰۰	۴۰۶۰۰۰	۶۶۱۰۰۰	۵۸۲۰۰۰	۴۸۷۰۰۰			مهر
۵۴۵۰۰۰	۵۱۳۰۰۰	۴۴۹۰۰۰	۶۳۴۸۰	۶۱۸۹۰۰	۴۳۳۰۰۰			آبان
۶۶۹۶۰	۵۶۳۰۰۰	۵۹۵۰۰۰	۵۷۴۸۰	۷۱۷۰۰۰	۴۹۸۰۰۰			آذر
۷۸۹۷۰	۵۴۶۰۰۰	۳۶۴۰۰۰	۷۷۴۶۰	۸۶۹۰۰۰	۴۹۱۰۰۰			دی
۷۳۰۰۰۰	۷۳۵۰۰۰	۴۵۶۰۰۰	۶۴۱۴۰	۷۸۱۰۰۰	۶۳۴۰۰۰			بهمن
۹۳۱۰۰۰	۶۱۱۰۰۰	۵۰۱۰۰۰	۹۳۵۰۰۰	۸۹۹۰۰۰	۵۵۵۰۰۰			اسفند
۵۹۴۶۰	۳۵۴۰۰۰	۴۶۰۰۰۰	۹۱۲۳۰	۶۳۲۰۰۰	۴۰۱۰۰۰			فروردین
۳۶۶۹۰	۳۷۱۰۰۰	۴۱۴۰۰۰	۹۳۵۶۰	۹۷۹۰۰۰	۶۱۴۷۰			اردیبهشت
۴۹۰۴۰	۳۶۹۰۰۰	۴۱۸۰۰۰	۸۳۱۴۰	۳۹۰۸۰۰	۵۴۴۰۰۰			خرداد
۶۷۹۰۲۰	۵۸۲۴۰۰	۵۱۰۳۰۰	۸۶۳۳۷۰	۸۰۲۳۷۰	۶۰۳۰۷۰			تیر - خرداد
	۵۹۵۶۱۸	۵۱۳۶۷۰		۸۰۲۹۴۹	۶۰۴۳۶۰			

اضافه (+) کسر (-)

ماه	۱۴-۱۳۱۳	۱۵-۱۳۱۴	۱۶-۱۳۱۵
تبر	۲۳۰۰-	۹۲۰۰-	۱۶۹۰-
مرداد	۲۱۹۰۰-	۱۶۴۰۰-	۱۷۷۱۰-
شهریور	۱۰۷۰۰-	۱۶۲۰۰-	۲۷۹۲۰-
مهر	۸۱۰۰-	۳۴۰۰+	۹۳۰۰-
آبان	۱۷۰۰+	۱۰۶۹۰-	۸۹۸۰-
آذر	۹۷۰۰+	۱۵۴۰۰-	۹۴۸۰+
دی	۱۲۷۰۰-	۳۲۳۰۰-	۱۵۱۰۰+
بهمن	۱۶۸۰۰-	۴۶۰۰-	۸۷۰۰+
اسفند	۴۹۰۰-	۲۸۸۰۰-	۴۰۰۰-
فروردین	۵۹۰۰+	۳۶۸۰۰-	۳۱۷۷۰-
اردیبهشت	۲۰۰۷۰-	۶۰۸۰۰-	۵۶۸۷۰-
خرداد	۱۲۶۰۰-	۲۱۸۰۰-	۳۴۱۰۰-
تبر - خرداد	۹۲۷۷۰-	۲۱۹۹۷۰-	۱۸۴۳۵۰-
» د	۹۰۶۸۹-	۲۰۷۳۳۱-	

بهای کالای گوناگون در نیمه سال ۱۳۱۶ طهران

صورت ذیل که از مجله بانک ملی ایران اقتباس شده فقط برای یکبار بمنظور نمونه عمده فروشی اجناس و ارزاق طهران در سالنامه پارس چاپ میشود

۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	واحد	کالاهای گوناگون
			۱ - ماکولات
			غلات و حبوبات
۹۰۰ -	۹۰۰ -	۱۰۰ کیلو گرام	۱ - کندم
۹۶۰۸۰-۹۴۰-	۹۶۰۸۰-۹۴۰-	» »	۲ - آرد کندم معمولی
۱۰۰۰-	۱۰۰۰-	» »	اعلا تا نمره ۶
۱۶۵۰۹۰	۱۶۵۰۹۰	» »	فروش شهرداری
۹۴۰۳۵	۹۴۰۳۵	» »	۳ - جو
۶۶۰۶۵	۶۳۰۳۵	» »	۴ - لوبیا فرنگی
۱۱۶۰۶۵	۱۱۰ -	» »	سفید و قرمز
۱۶۰-۱۱۶۰۶۵	۱۵۸۰۳۵-۱۲۵۰	» »	چشم بلابی
۱۳۳۰۳۵	۱۲۰۰ -	» »	۵ - نخود شاهرود
-	-	» »	اردبیل
۱۳۰۰ -	۱۳۰۰ -	» »	ریزه نخود چی
۱۰۰۰ -	۱۰۰۰ -	» »	۶ - نخود فرنگی مازندران
۸۶۰۶۵	۸۶۰۶۵	» »	۷ - لپه تبریز
۱۵۰۰ -	۱۳۶۰۶۵	» »	زنجان
۱۰۶۰۶۵	۱۱۰۰ -	» »	طهران
۱۰۰۰ -	۱۰۶۰۶۵	» »	۸ - عدس خمسه
۸۳۰۳۵	۸۳۰۳۵	» »	

۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	واحد	کالاهای گوناگون
۶۶۰۶۵	۶۶۰۶۵	۱۰۰ کیلو کرام	وراهین
۱۰۶۰۶۵	۱۱۶۰۶۵	» »	قزوین
۱۳۳۰۳۵	۱۴۰۰—	» »	اردبیل
۹۰۰—	۹۰۰—	» »	ملایر
۱۰۰۰۹۰۰	۸۳۰۳۵	» »	۹ - خشخاش
۲۲۳۰۳۵	۲۳۳۰۳۵	» »	۱۰ - کنجد مازندران
—	—	» »	شیراز
۱۴۰۰۰—	۱۶۶۶۰۶۵	» »	۱۱ - بهدانه رشت
۲۰۰۰۰—	۲۰۰۰۰—	» »	مازندران
۱۰۶۵	۱۰۵۰	» »	۱۲ - زیره سبز
۷۰۳۵	۷۰۳۵	» »	سیاه
۳۳۳۰۳۵	۳۳۳۰۳۵	» ۱۰۰	۱۳ - تخم کدو کرمانشاه
۳۳۳۰۳۵	۳۳۳۰۳۵	» »	شیراز
۳۳۳۰۳۵	۳۳۳۰۳۵	» »	تبریز
۴۰۰۰—	۳۶۶۰۶۵	» »	مازندران
۷۳۰۳۵	۶۰۰—	» »	۱۴ - تخم کرچک
۵۳۰۳۵	۵۶۰۶۵	» »	۱۵ - پنبه دانه
			مواد غذایی - حیوانی
۳۰۰۰—	۳۰۰۰—	» »	۱ - گوشت کوسفند
۱۶۰۰—	۱۶۰۰—	» »	۲ - کـاو
۱۱۸۳۰۳۵	۱۲۳۳۰۳۵	» »	۳ - روغن همدان

۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	واحد	کالا های گوناگون
۱۲۳۳.۳۵	۱۴۱۶.۶۵	۱۰۰ کیلوگرم	کرمانشاه
۱۱۶۶.۶۵	۱۲۰۸.۳۵	»	شیراز
۱۷۰۰—	۱۴۵۰—	۱۰۰۰ عدد	۴ - تخم مرغ زنجان
۱۶۵۰—	۱۴۰۰—	»	رشت
۵۱۶۰.۶۵	۵۳۳۰.۳۵	۱۰۰ کیلوگرم	۵ - پنیر
۳۵۰۰.۰۰	۳۵۰۰.۰۰	۱۰۰۰ عدد	۶ - ماهی دودی
۶۰۰۰—	۵۳۳۰.۳۵	۱۰۰ کیلوگرم	۷ - عمل
۴۰۰—	۴۰۰—	»	۸ - خاویار تازه
۳۵،—	۳۵،—	»	فشرده (پرسه)
مواد غذایی - نباتی			
۴۱۴۰.۰۰	۴۱۴۰.۴۰	»	۱ - قند کاه بلژیکی
۴۱۴۰.۴۰	۴۱۴۰.۴۰	»	کاه روسی
۳۹۵۰—	۳۹۵۰—	»	قالبی کرج
۴۹۰۰—	۴۹۰۰—	»	کاه کهر بزرگ
۱۶۶۰.۶۵	۱۶۶۰.۶۵	»	۲ - برنج صدری (مازندران)
۱۸۳۰.۳۵	۱۸۳۰.۳۵	»	(رشت)
۱۳۳۰.۳۵	۱۳۳۰.۳۵	»	کرده
۱۱۰۰—	۱۱۰۰—	»	جمیا
-۲۱۶.۶۵	-۲۱۶.۶۵	»	دمسیاه
۲۸۳.۳۵	۲۸۳.۳۵	»	
۳۲۰—	۳۴۰—	»	۳ - جای هندی معمولی «دلور»
۳۸۰—	۴۶-۳۹۰—	»	اعلا «کاکته»

۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	واحد	کالاهای گوناگون
—	—	۱ کیلوگرم	ژاپونی «شیزواکا»
---	---	» »	ژاپونی «فرموزا»
۲۲-۱۴۰	۲۲-۱۴۰	» »	ایرانی
۱۴۶۶٫۶۵	۱۴۶۶٫۶۵	» ۱۰۰	۴ - قهوه بو نداده برزیل
۱۴۶۶٫۶۵	۱۴۶۶٫۶۵	» »	آرزانتین
۵۳٫۳۵	۴۰٫—	» »	۵ - سیب زمینی معمولی
—	—	» »	اسلاهبولی
۲۳٫۳۵	۲۵٫—	» »	۶ - پیاز
۱۲٫۱۵	۱۰٫—	» ۱	۷ - روغن زیتون
۲۰٫—	۱۰٫۶۵	» »	۸ - « کرچک
۲٫۱۰	۲٫—	» »	۹ - خشخاش
۶۵۰۰٫—	۶۳۳٫۳۵	» »	۱۰ - زعفران
۷۰٫—	۷۰٫—	» »	۱۱ - فلفل سیاه
۸۰۱۵	۸۰٫—	» »	۱۲ - زردچوبه
میو جات خشک			
۱ - کشمش			
۳۳۳٫۳۵	—	» ۱۰۰	الف - سبزه خشک شده بطرز کالیفرنایی
۳۳۳٫۳۵	۸۶٫۶۵	» »	معمولی پاك نكرده
۲۵۰۰٫—	۱۰۰۰٫—	» »	» پاك كرده
۱۶۶٫۶۵	۱۴۰۰٫—	» »	ب - بيدانه پاك نكرده
۲۰۰۰٫—	۱۵۰۰٫—	» »	پاك كرده

۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	واحد	کالاهای گوناگون
۱۱۶,۶۵	۱۱۶,۶۵	× ۱۰۰	ج - عسگری
۳۳۳,۳۵	۲۳۳,۳۵	» »	د - پاوی یا آشی
			۲ - بادام
۹۶۶,۶۵	۹۶۶,۶۵	» »	الف - مغز بادام شیرین
۷۶۶,۶۵	۸۰۰,۰۰	» »	تلخ
۲۱۶,۶۵	۲۰۰,۰۰	» »	ب - بادام تلخ
۲۶۶,۶۵	۲۴۱,۶۵	» »	شیرین (سنکک)
—	—	» »	کاغذی (سمنان)
—	—	» »	(تبریز)
۱۱۶,۶۵	۱۳۳,۳۵	» »	۳ - گردو
—	—	عدد ۱۰۰۰	گردو
۵۰۰,۰۰	۵۳۳,۳۵	۱۰۰ کیلوگرم	مغز گردو
۹۰۰,۰۰	۱۰۰۰,۰۰	» »	۴ - بسته قزوین
—	—	» »	اردکان
۱۳۳,۳۵	۱۲۰,۰۰	» »	رفسنجان
۱۳۳,۳۵	۱۲۰,۰۰	» »	دامغان
۳۱۶,۶۵	—	» »	۵ - برد (زرد آلو خشک شده بطرز کالیفرنی
۱۰۰,۰۰	—	» »	معمولی
۳۶۶,۶۵	۳۰۰,۰۰ ۳۳۳,۳۵	» »	قیسی
۶۳۳,۳۵	۵۶۶,۶۵	» »	۶ - هسته زرد آلو شیرین
۴۳۳,۳۵	۴۰۰,۰۰	» »	تلخ

۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	واحد	کالاهای گوناگون
۱۱۶،۶۵	—	۱۰۰ کیلوگرم	۷ - انجیر خشک ورامین
—	—	» »	شیراز
۲۱۶،۶۵	۲۰۰،—	» »	قم
۴۰۰،—	۳۵۰،—	» »	۸ - فندق قزوین
۵۰۰،—	۵۰۰،—	» »	قم
۳۱۶،۶۵	۳۰۰،—	» »	زنجان
۴۰۰،—	۳۸۰،—	» »	قره باغ
—	—	» »	۹ - مغز فندقوق
۹۰۰،—	۹۰۰،—	» »	۱۰ - لیمو عمانی
۸۰۰،—	۸۰۰،—	» »	چهرمی
مواد اولیه - حیوانی			
۴۶۲،۲۰	۴۱۲،۶۵	» »	۱ - پشم سفید باک کرده
—	—	» »	باک نکرده
۳۲۲،۳۰	۲۸۷،۷۵	» »	رنگه باک کرده
—	—	» »	باک نکرده
۴۵۰،—	۴۵۰،—	۱۰۰ عدد	۲ - پوست گوسفند قصابی
			متفرقه
۴۰۰،—	۴۰۰،—	» »	۳ - پوست بز قصابی
			متفرقه
۱۸۰،—	۱۸۰،—	۱ جفت	۴ - پوست بره طهران
۱۲۰،—	۱۴۰،—	» »	شیراز

۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	واحد	کالاهای گوناگون
۲۰۰۰—	۲۰۰۰—	۱ جفت	قم
۸۰۰—	۸۰۰—	»	اهواز
۸۰۰—	۸۰۰—	»	اصفهان
۳۵۰—	۳۵۰—	۱ عدد	۵ - پوست روباه معمولی
۴۰۰—	۴۰۰—	»	شیر دل
۱۰۰—	۱۰۰—	»	زرد گوش
			۶ - پوست گاو
۱۰۰۰۰—	۱۰۰۰۰—	۱۰۰ کیلوگرم	الف - قصابی نمک نزده
۸۰۰۰—	۸۰۰۰—	»	نمک زده
۹۳۳,۳۵	۹۳۳,۳۵	»	ب - متفرقه نمک نزده
۷۳۳,۳۵	۷۶۶,۶۵	»	نمک زده
۶۰۰۰۰—	۶۰۰۰۰—	۱۰۰۰ عدد	۷ - روده کوسفند
۲۵۰۰۰—	۲۵۰۰۰—	»	۸ - روده بز
۲۵۰—	۲۵۰—	»	۹ - پوست گرك
۱۲۰—	۱۲۰—	»	۱۰ - پوست شغال
۱۲۰—	۱۲۰—	»	۱۱ - پوست گربه وحشی: (زرد دم کلفت)
۱۵۰—	۱۵۰—	»	(پانگی)
۹۰—	۹۰—	»	(سبز)
		» ۱۰۰	۱۲ - پوست کوسفند سیاه
۴۵۰—	۴۵۰—	»	خاکستری
		»	قهوه

۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	واحد	کالا های گوناگون
۱۷۰۰-	۱۷۰۰-	۱ عدد	۱۳ - پوست سمور
—	۶۰۰-	» »	۱۴ - پوست بوز پلنگ
۲۲۰-	۲۲۰-	» »	۱۵ - » یرسق
۸۰۰-	۸۰۰-	» »	۱۶ - » پلنگ
۱۵۰۰۰-	۱۷۰۰۰-	۱۰۰ کیلوگرم	۱۷ - پشم شتر
۱۴۰۰۰-	۱۳۳۳٫۳۵	» »	۱۸ - موم آب شده
۱۳۰۰۰-	۱۱۶۶٫۶۵	» »	آب نشده
مواد اولیه - نباتی			
—	—	» »	۱ - پنبه خام
۹۶۰۶۵	۹۶۰۶۵	» »	الف - بذر امریکائی پاک کرده
—	—	» »	وش امریکائی
—	—	» »	ب - بذر فیاستانی
۱۱۶۰۶۵	۱۱۶۰۶۵	» »	وش فیاستانی پاک کرده
—	—	» »	ج - بذر ایرانی پاک کرده
۶۹۰۱۵	۶۹۰۱۵	» »	قوزه بومی
۵۳۳۰۳۵	۵۳۳۰۳۵	» ۱	۲ - ترپاک لوله
—	—	» »	شیره ترپاک
—	—	» »	۳ - کنیرا:
۶۵۰۰۰-	۶۵۰۰۰-	» ۱۰۰	الف - کل بیج «مفتولی» نمرة ۱
۵۲۰۰۰-	۵۲۰۰۰-	» »	نمرة ۲
۳۲۵۰۰-	۲۲۵۰۰-	» »	نمرة ۳

۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت ریال	۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت ریال	واحد	کالاهای گوناگون
۱۹۵۰۰-	۱۹۵۰۰-	۱۰۰ کیلو	نمره ۴
۱۳۰۰۰-	۱۳۰۰۰-	» »	ب - اژه بر خرمنی نمره ۱
۱۰۴۰۰-	۱۰۴۰۰-	» »	نمره ۲
۹۱۰۰-	۹۱۰۰-	» »	نمره ۳
۷۸۰۰-	۷۸۰۰-	» »	نمره ۴
۱۰۴۰۰-۷۸۰۰-	۱۰۴۰۰-۷۸۰۰-	» »	ج - اژه بر خرمنی درهم
۳۳۳۰۳۵	۴۰۰۰-	» »	۴ - حنا
۲۳۳۰۳۵	۲۶۶۰۶۵	» »	۵ - رونس بزد
۲۰۰۰-	۲۳۳۰۳۵	» »	اصفهان
۳۳۰۳۵	۳۲۰-	» ۱	۶ - ثعلب
۶۶۶۰۶۵	۶۶۶۰۶۵	» ۱۰۰	۷ - صمغ عربی معمولی
۲۶۶۰۶۵	۲۶۶۰۶۵	» »	ارجن
۶۰۰۰-	۶۰۰۰-	» »	۸ - مازو
۱۰۰۰-	۸۳۰۳۵	» »	۹ - شاهدانه
—	—	» »	۱۰ - کتان
			۲ - سوخت
			۱ - نفت چراغ
۱۸۰۸	۱۸۰۸۵	۱ حلبی	شرکت نفت انگلیس و ایران } شوری
—	—	» »	
			۲ - بنزین

۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	۱۵ شهریور ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	واحد	کالاهای گوناگون
۲۳۰۷۵	۲۳۰۷۵	۱ حلبی	شرکت نفت انگلیس و ایران
—	—	» »	شوری و عوارض
۴۸۰۳۵	۴۸۰۳۵	۱۰۰ کیلوگرم	۳ - رغال چوب مازندران
۴۸۰۳۵	۴۸۰۳۵	» »	رشت
۲۵۰—	۲۵۰—	» »	۴ - چوب سوخت سیاه درخت
۲۱۰۶۵	۲۱۰۶۵	» »	بید
۳۱۰۶۵	۳۱۰۶۵	» »	۵ - رغال سنگ کلوخه
۲۰۰—	۲۰۰—	» »	خاکه
		صندوق	۶ - کبریت شوری
۲۸۷۰—	۲۹۰۰—	۳۰۰۰ قونی	علامت کارخانه « شیر و خورشید »
—	—	» »	« طیاره »
		صندوق	کبریت ایرانی :
۹۰۰۰—	۹۰۰۰—	۱۰۰۰۰ قونی	تبریز
		صندوق	طهران
۲۵۵۰—	۲۵۵۰—	۳۰۰۰ قونی	۷ - شمع هندی شیر چاپ
			سفید
۸۰—	۷۵۰—	صندوق	رنگه
۱۰۵۰—	۱۰۵۰—	»	۳ - فلزات
			۱ - آهن
۰۲۱۶۰۶۵ ۱۳۳۰۳۵	۰۲۱۶۰۶۵ ۲۳۳۰۳۵	۱۰۰ کیلوگرم	آهن تیر نمره ۱۰ - ۱۸
		» »	نمره ۲۰ - ۳۲

۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	واحد	کالاهای گوناگون
۷۶۶,۶۵	۸۶۶,۶۵	۱۰۰ کیلوگرم	آهن : سفید ورق
۱۷۴,۳۵	۱۷۴,۳۵	» »	تسمه ۳۰ - ۶۰ میلیمتر
۲۸۴,۳۵	۲۴۴,۳۵	» »	نبشی ۳۰ - ۴۰ میلیمتر
۲۰۸,۳۵	۲۴۴,۳۵	» »	۶۰ میلیمتر
۲۲۴,۳۵	۲۴۴,۳۵	» »	۷۵ - ۱۰۰ میلیمتر
۱۹۴,۳۵	۱۷۶,۶۵	» »	میله شش و نیم - ۸ میلیمتر
۱۸۴,۳۵	۱۷۶,۶۵	» »	گرد ۱۰ - ۲۵ میلیمتر
—	—	» »	۲ - مس :
—	—	» »	گرد
۱۰۰,۰۰-	۱۰۳۳,۳۵	» »	ورق
۴۷۰,۰۰-	۳۷۳۳,۳۵	» »	۳ - قائم : شمش
			۴ - مواد نسجی
			۱ - نخ ینبه سفید ایرانی
۵۳,۰-	۵۳,۰-	۱ بچه	نمره ۲۰ خام شیراز
۵۴,۰-	۵۴,۰-	» »	» » » اصفهان
—	—	» »	» » » شاهی
۶۳,۰-	۶۳,۰-	» »	نمره ۲۰ نایبده شیراز
۶۴,۰-	۶۴,۰-	» »	» » » اصفهان
—	—	» »	» » » شاهی
			۲ - نخ یشم
۱۰۰,۰۰-	۹۰,۰۰-	» »	سفید ایرانی نمره ۸
۱۲۰,۰۰-	۱۱۰,۰۰-	» »	نمره ۲۰
		» »	سفید خارجه

۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بر یال	۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بر یال	واحد	کالاهای گوناگون
۴۰۰-۳۰۰۰	۳۷۰-۳۰۰۰	۱ بقیچه	رنکه خارجه ۳ - منسوجات ینبه ململ سفید انگلیسی نمرة ۹۹۹
۳۰۵۰	۳۰۴۵	۱ یارد	۵۰ اینچ \times ۲۰ یارد دبیت مشکی و رنکه انگلیسی
۱۰۰۳۰	۱۰۰—	»	۵۰ اینچ \times ۴۰/۴۰ یارد وال باسمه و رنکه انگلیسی
—	—	»	۳۶ اینچ \times ۴۰/۴۰ یارد چلووار زایونی
۲۰۷۳	۲۰۷۹	»	۳۴ اینچ \times ۴۱ یارد جیت زایونی
—	—	»	۲۸ اینچ \times ۳۰ یارد یویاین باسمه زایونی
۳۰۲۰	۳۰۳۳	»	۲۸ اینچ \times ۳۰ یارد ۳۰ یاردی زایونی نمرة ۵۰۵
۲۰۳۳	۲۰۶۰	»	۲۶/۲۴ اینچ \times ۳۰ یارد چلووار روسی نمرة ۵۶۰
۲۰۲۸	۲۰۲۳	»	۷۷ سانتیمتر \times ۴۰ یارد دبیت مشکی روسی
۶۰۶۰	۷۰۲۸	»	۱۳۰ سانتیمتر \times ۴۰/۴۰ یارد جیت روسی نمرة ۵
۲۰۵۵	۲۰۷۰	»	۴۰/۴۰ یارد ۴ - منسوجات پشمی

۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت برریال	۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت برریال	واحد	کالاهای گوناگون
۴۰-۲۰۰	۴۰-۲۰۰	۱ متر	الف - کاباردین نازک لباس ۴۸۰-۳۰۰ گرم؛ ۱۳۰-۱۵۰ سانتیمتر
			ب - کاباردین کلفت
۶۸-۳۶۰	۶۸-۳۶۰	» »	۶۲۰-۵۰۰ گرم؛ ۱۳۰-۱۵۰
			ج - فاستونی مشکی و سرمه
۳۵-۱۸۰	۳۵-۱۸۰	» »	۱۳۰-۱۴۲ سانتیمتر
۲۶-۹۰	۲۶-۹۰	» »	د-شالهای ساده زنانه ۷۰-۱۳۰ سانتیمتر
۷۰-۳۵۰	۷۰-۳۵۰	» »	ه - فاستونی فانتزی مردانه ۱۴۰-۱۴۴ سانتیمتر
			و - یالتوی نازک مردانه
۵۸-۳۵۰	۵۸-۳۵۰	» »	۷۰-۸۵۰ گرم؛ ۱۳۰-۱۵۰ سانتیمتر
			ز - یالتوی کلفت
۸۰-۴۶۰	۸۰-۴۶۰	» »	۸۵۰-۱۲۰۰ گرم؛ ۱۳۰-۱۵۰
۴۰-۳۰۰	۴۰-۳۰۰	» »	ح- یالتوی ساده زنانه ۱۳۰-۱۳۵
۷۳-۳۵۰	۷۳-۳۵۰	» »	ط - د زنانه فانتزی ۱۳۰-۱۴۰
۸۰-۴۶۰	۸۰-۴۶۰	» »	ی-مشکی لباس رسمی، کاندگ ۱۴۰-۱۵۰
			ک- فرمی
۷۵-۳۰۰	۷۵-۳۰۰	» »	ارتش و شهر بانی ۱۴۰-۱۵۰ سانتیمتر
۵۸-۳۰۰	۵۸-۳۰۰	» »	ل- یالتوی فرمی ۱۴۰-۱۵۰ سانتیمتر
			۵ - مصالح ساختمانی
۶۶،۶۵	۸۳،۳۵	۱۰۰ کیلوگرم	۱ - چوب ساختمان
—	—	۱۰ عدد	تیر سفید ۶۰ × ۸ متر تقریباً
۱۷۵	۱۷۰	۱۰۰۰	۲ - آجر سفید
۱۳۵	۱۳۵	» »	باقی

۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بر ریال	واحد	کالاهای گوناگون
۷۰۴—	۷۰۰—	عدد ۱۰۰۰	قرمز
—	—	۱۰۰ کیلوگرم	۳ - سیمان خام روسی
۷۲,—	۷۲۰—	» »	ایرانی
۱۱,—	۱۱,—	» »	۴ - آهک
۵,۴۰	۵,۴۰	» »	۵ - کچ
			۶ - متفرقه
۶۰,—	۶۳,۳۵	» »	۱ - بونجه
۴۱,۶۵	۴۱,۶۵	» »	۲ - کاه
۵۰۰,—	۴۸۳,۳۵	» »	۳ - تنباکوی قلیان اصفهان
۶۰۵۰—	۵۴۳,۳۵	» »	کاشان
—	—	» »	شیراز
۱۳۲۱,—	۱۳۲۱,—	» »	توتون سیگار برک نمبر ۱ *
۸۳۰۰—	۸۳۰۰—	» »	نمبر ۲ *
۳۸۰۰—	۳۸۰۰—	» »	نمبر ۳ *
۲۲-۲۱,۳۵	۲۲-۲۱,۳۵	» ۱	توتون سیگار
۱۳,۳۵-۸-	۱۳,۳۵-۸-	» »	» چیق
۴۱۰۰۰—	۴۰۰۰۰—	صندوق	۴ - نیل مصنوعی « پنج کله »
۷ - اراضی طهران			
۱۷۰-۱۲۰۰-	۱۷۰-۱۲۰۰-	متر مربع	درمجه های مرغوب «حسن آباد»
۱۵۰۰۸۰۰-	۱۵۰۰۸۰۰-	» »	درمجه های متوسط « دولت »
۱۰۰۰۳۰۰-	۱۰۰۰۳۰۰-	» »	درمجه های پست «جنوب شهر»

بدون احتساب مالیات از قرار ۱۰,۱۰ ریال هر کیلو و اضافه عوارض صدی دو



من در آرزوی شوهری هستم که مانند خودم بارایش سر و زلف و صورت و لباس مقید باشد مخصوصاً مانند شما لباس که مادرزانه بیوشد! خوشبختانه منم زنی میخواستم که با حرکات بیجگانه خود همیشه خاطرات شیرین طفولیت را در من تجدید کند!

فظر خوانندگان سالنامه را بیک داستان اخلاقی که از صفحه مقابل شروع شده جلب میکنیم و بداستانی که ازین جالب تر نوشته شود پانصد ریال جایزه میدهیم

از داستانهای نو

آخرین لبخند

«بقلم داستان سرای محبوب ما ح.م. حمید»

عشق و علاقه را همه کس از خوبیهای جهان می‌شمارد، من و شما هر گاه که این کلمات را می‌شنویم، هر گاه که باین صفات بزرگ و درخشان میان‌دیشیم و کسانی را که بآنها متصف هستند در پیش چشم خیال مجسم می‌کنیم می‌پنداریم مردمی پاک و پاکیزه، بتمام معنی خوب، عاری از زشتی و نقص، چون آفتاب درخشان و چون گل دوست داشتنی هستند.

نه، اینطور نیست، چه بسیار از خوبیهای جهان که آثار بزرگ و نمایانی از آنها در نا یا کمترین مردم وجود دارد؛ عشق و علاقه مثل همه صفات پسندیده، مثل همه سجایای خوب، اختصاص به دسته خاصی ندارد، مخصوص نیکان و پاکان نیست، آفتابی است که بهر جا می‌تابد، چشمه‌ای زلی و بی پایانی است که از همه جا می‌گذرد، سفیدی و سیاهی، بزرگی و کوچکی، گلزار یا خارستان برای او فرق نمی‌کند، همه از نورش بهره می‌برند، همه از فیضش سیراب میشوند....

این آفتاب در دل خسرو هم تابیده بود... خسرو دوست میداشت؛ درین دوستی، درین عشق، تمامی روح او غوطه ور بود، اگر ادعا میکرد که این دوستی و عشق در عالم خود بیمانند است، قطعاً راست میگفت.

محبوب او کسی بود که محبوب همه عالم است ولی او بیش از همه عالم دوستدار محبوب خود بود...

از همه بالا تر عشق و دوست داشتن او چه پاک و چه آسمانی بود، عشقی بود که هیچگاه و در هیچ مورد ملامت پذیر نتواند بود؛ عشقی بود که هیچگاه از جنبه بد و نا پسند نتواند داشت، عشقی بود که بسیار کسان همانرا عشق حقیقی نامیده اند،... زیرا

خانم جان ، گفته اند
روز برای کار و شب
برای خواستگاری است ، ملاحظه
کنید که من با کار و
زحمت فردا با بد محل ول
خرجهای شمارا تامین کنم
و صورت حسابهای بی دربی
شما را بطلبکارها بپردازم
بسیار خوب آقا ... !



همینطور هم گفته اند شب
برای زن و روز برای مرد است و ملاحظه کنید که منم باید
مشقههای امشب را با اگر اما فون حاضر کنم و فردا بپرسور پس بدهم !

خسرو مادر خود را دوست میداشت ... عشق بمادر یگانه آفتابی بود
که در دلش میتابید . آری ، در همه وجود او جز بن نور و صفا
و حقیقتی وجود نداشت و عجب آنکه این نور با همه دوام و نفوذ
و درخشندگی خود چیزی از سیاهی دل او نمیکاست ، چراغ روشنی
پیش پای او نمیکند است ، از بیراهه ، از خبط و خطا ، از گناه و
جنایت ، از بدی و بدکاری بازش نمیداشت ، زیرا اینها همه جزو
فطرت او بود ، زیرا بدی و ناپاکی ، شرارت و جنایت از غرایز
اصلی او بود ، زیرا مادر او نیز چیزی جز این نبود .

خسرو از پدر خود خبری نداشت ، هیچگاه او را ندیده و اسم
او را نشنیده بود ، گاه و بیگاه که درین موضوع سخنی بمیان می
آمد مادرش جوابی مبهم و سر بسته میگفت و ظلمتی بر ظلمت می
افزود .

بعد ها خسرو دریافت که مادرش هم درین خصوص به درستی

شگفتی واژه های نو

« که تا کنون بتصویب فرهنگستان ایران رسیده و از سوی دبیرخانه فرهنگستان چاپ و پخش شده بسود خوانندگان مایکجا درین سالنامه چاپ میشود »

یاد آوری - لغت هائیکه از خرداد ماه سال ۱۳۱۴ یعنی از آغاز کشایش فرهنگستان تا کنون پذیرفته شده درین دفتر گرد آمده است . معنی لغت از روی فرهنگهای فارسی رو نویس شده و معنی لغتهای بیگانه برابر آنها از فرهنگهای همان زبان بدست آمده تا منظور فرهنگستان از برگزیدن کلمه تازه بهتر آشکار شود . چون بیشتر لغتهائی که تا کنون بر رسی شده از اداره های کشوری مانند شهر بانی و شهرداری و بانک و یا لشگری مانند نیروی دریائی بوده و هر يك در جای معینی بکار می رفته پس از نوشتن معنی فارسی و دتمالی از نظم یا نثر گذشته معین شده است که لغت از کدام اداره بوده و اکنون بچه شکل و در کجا باید بکار برود . و نیز در برابر لغتهای پراکنده دیگر که مربوط باداره مخصوصی نبوده و لغت بیگانه ای بجای آنها به کار میرفته معادل فارسی آن که بیشتر از این معمول بوده و اکنون تغییر یافته و گاهی در غیر مورداصلی استعمال نموده اند یاد آوری شده «دبیرخانه»

نمی تواند چیزی بگوید ؛ بنا برین فقط میدانست که پسر مادر خویش است و ازین نکته وقتی خشنود و راضی میشد که میدید فرقی بین او و مادرش نیست ؛ روح هر دو از يك ظلمت سرچشمه گرفته ، قاب هر دو از يك قالب بیرون آمده و حتی گذشته از چیز هائیکه پنهان و معنوی است ، در آنچه که نمایان و صوری است نیز تفاوتی ندارند .

این مادر و پسر بی اندازه شبیه یکدیگر بودند ؛ یکی پیر تر و دیگری جوانتر ، یکی آفتابی که بر لب چاه مغرب رسیده و دیگری آفتابی که بر قلّه کوه مشرق نمودار شده است .

بالاخره اتومبیل را تهیه کردیم
 اما شما متاسفانه خانم بعلت پیری
 و شکستگی نمیتوانید رانندگی
 کنید و ناچار برای این کار هم
 باید هر چه زودتر فکری کرد!
 راست است پیری و



شکستگی مانع انجام این امر
 دشوار میباشد ولی فراموش
 نکنید که در شب عروسی شما مرا بغل گرفته بخوابگاه بردید و حال

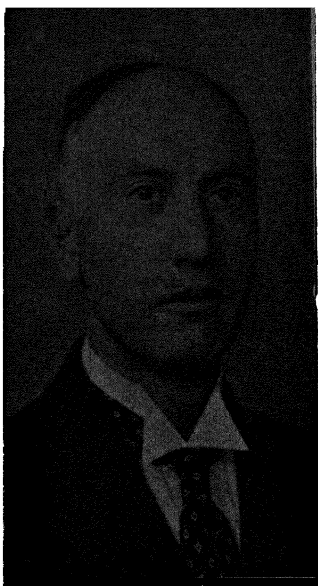
اگر من برای این کار فکری بکنم سزاوار تر است!

راستی خسرو خیلی خوشگل بود ... همسایه پیر آنها گناه به
 دخترش میگفت: سیمی است که با ما درس بدو نیمه کرده اند،
 هر وقت او را می بینم جوانی مادرش را بیاد میآورم ...

و دختر جوان او که بیش از یکسای دو ماه به عروسی او با
 نامزدش باقی نمانده بود و نامزد خود یعنی یک بنای جوان را چنان دوست
 میداشت که زادگان بهشت و فرشتگان آسمان را هم خوار می شمرد
 در جواب مادر پیر خود لبخندی پر از تمسخر میزد و میگفت:

- آری. بما در خود خیلی شبیه است. نه فقط صورتش، همه
 چیزش! .. برو مادر جان، خوشگلی صورت برای چه خوب است
 باید باطن انسان خوشگل باشد ... تو هر وقت این پسر را میبینی
 خیال میکنی خدا از آسمان بزیر آمده و صورت انسانی بخود گرفته
 ولی من هر وقت او را می بینم یقین می کنم که یک دیو سیاه و
 کتیف از دوزخ گریخته و یک «ماسک» خوشگل نمیدانم از کجا دزدیده
 بچهره گذاشته و خود را خسرو نامیده است ... مادرش هم از آن عفریت
 هاست ... نمیدانی عذرا از قول مادر خود چه چیزها از بن خانم
 تعریف میکرد ...

هم این دختر جوان، هم ما در عذرا و هم هر کس دیگر که



آقای دکتر موسی
حکیم اعلم
دارای تصدیقنامه از
اونیورسسته و مریضخانه
لندن، دیپلمه در طب و
جراحی و کحالی، متخصص
در سیفلیس و امراض
داخلی و سالک - پزشکی
سابق بهداشت شهرداری
که برای مطالعات
طبی به اروپا مسافرت
کرده بودند مراجعت
نموده و ارمغان بزرگی
آورده اند .

ارمغان مسافرت اروپا

اطفال خود را از امراض دیفتیری، کزاز و سیاه سرفه
حفظ نمایند. در نتیجه مطالعات طبی مسافرت دوم اروپا بعنوان ارمغان
انانو کسین امراض دیفتیری، کزاز و سیاه سرفه را جهت جلوگیری از
ابتلا و معالجه امراض مذکور با خود آورده و طبق آخرین دستور
لیستر لندن و انستیتو پاستور پاریس جلوگیری مینماید .
خانواده هائی که بصحت و سلامتی اولاد خود علاقمند میباشند به
دکتر موسی (حکیم اعلم) خیابان سوم اسفند (خاص) رجوع
نمایند . - « ثبت دفتر اداره بهداشت شهرداری ۴۵۱ »

شرکت سهامی غرب شعبه تهران

تیر آهن برای ساختمان

از نمره دوازده الاچهل شرکت سهامی
غرب (روبروی بازار) همیشه موجود دارد
تلفن ۶۴۶۲ به انبار شرکت خیابان نظامیه
رجوع فرمائید تلفن ۵۵۴۸ .
سفارشات از ولایات قبول میشود .

ادرس تلگرافی : غرب

کارخانه و مغازه ذوب فلزات

که در بیست سال قبل تأسیس شده از هر
قبیل سفارشات ریخته گری از هر نوع فلزات و از
هر فرم ابزار و آلات صنعتی در اسرع اوقات مطابق
مدل ساخته و تحویل مینماید و از هر قبیل اثاثیه لوله
کشی و ساختمانی و صنعتی، تامبه بنمرات مختلف از
بهترین کارخانجات آلمانی بفروش میرساند
در این مدت بانهایت جدیت رضایت خاطر از با بان
رجوع را فراهم کرده و مروجین این مؤسسه خود
آقایانی هستند که با یکدفعه مراجعه از وضعیت این
کارخانه رضایت کامل حاصل کرده اند - سفارشات
ولایات نیز پذیرفته میشود. عنوان تلگرافی «ذوب»
نشانی خیابان فردوسی - تلفن ۶۸۷۸

آبادان = نام شهر و جزیره ایست در دهانه کارون که کارخانه های تصفیه نفت در آن ساخته شده و آنرا (عبادان) مینوشتند .

آب باز = فارسی (غواص) است - نجات دهنده .

آب بها = (از آب و بها) - پولیست که برای قیمت آب پرداخته میشود ، (حق الشرب) (لغت شهرداری)

آبیار = کسی را گویند که زراعت یا مکانی را آب می دهد (میر آب) (لغت شهرداری)

آتش نشان = کسی را گویند که مامور فر و نشاندن آتش است (مامور اطفائیه) (لغت شهرداری)

آتش نشانی = (از آتش و نشاندن) - فرو نشاندن آتش - دایره ایست از شهر داری که در هنگام آتش گرفتن محلی به فرو نشاندن آن میبازد . سابقا (اطفائیه) نامیده میشد . (لغت شهر داری)

آسایشگاه = این کلمه را فر هنگستان بجای ساناتوریم sanatorium فرانسه اختیار نموده و آن جائیست که بیماران و ناتوانان را در آن نگاهداری کرده وضع خوراک و خواب و رفتار آنها را مطابق دستور پزشکی مرتب مینمایند تا بهبودی یابند .

در خصوص این مادر و پسر سخنی میگفت که ملاحظه داشت ، حتی هیچیک از آنها نمی توانستند حق مطلب را ادا کنند و آنچه را که لازمست بگویند . . . البته چنین است ، کیست که بتواند در باطن اشخاص راه یابد و آنچه را که از خوب و بد دارند بدست آورد !...
مادر خسرو یک عمر در اعماق دناات و رذالت غوطه خورده و همچون غواصی که از قعر باتلاقی چیزی بدست آورد ، خسرو را یافته و ببار آورده بود ... این نتیجه را از در و گوهر عزیز تر و گرانبها تر میشمرد ، او را میبوسید ، خرسندی خاطر و خوشی او را از همه چیز لازم تر میدانست ، به دلخواه او رفتار میکرد ، هر چه را که او میخواست ، چه بد و چه خوب فراهم می آورد ،

چندین روز است که
 دایم مشغول تهیه جشن سال
 عروسی خودتان هستید و
 ابداً در فکر لباسهای من
 بستید که در شب جشن
 باید از خانها و میهمانان
 قشنگ شما پذیرائی کنم!
 اولاً جشن عروسی من
 است نه جشن دامادی شما
 تا نیا میدانید که پذیرائی



هر مجلسی با صاحب آن مجلس است همچنین زنهای تازه عروس
 و جوانان تازه داماد از مصاحبت شما لذتی نخواهند برد بعلاوه این
 حرفها دیگر از شما قبیح است شما در آن شب بکلی از خدمت معاف هستید!
 اصلاً دلخواه او هر چه بود در نظر این مادر خوب بود ... مگر ممکن
 است آنکس که بد است خود یا همان نند خود را بد بشمارد ، خوبی
 و زیبایی در نظر بدان همان چیزها نیست که خوبان بد و زشت
 میدانند . برای یک جانی بزرگترین خوبی آنست که چنان بتی را
 با کامیابی انجام دهد . . . خسرو در نظر مادرش وقتی خوب و لایق
 و امید بخش جاوه میکرد که بهتر و ماهرانه تر میتوانست راه و
 روش دیرین مادر را دنبال کند. هر گاه که خسرو در نا پاکی ،
 در هرزگی ، در نیرنگ و فریب ، در شکستن دلها و آلوده ساختن
 دامنها بیشتر توفیق مییافت و جسورانه تر قدم بر میداشت مادرش
 خشمود تر میشد ، سر و رویش را با محبت بیشتری میبوسید و بیشتر
 زبان به تمجیدش میگشود . . . بیک مرد نیکو کار بگوئید: « آفرین
 بر تو که جانی را از خطر مرگ رهانیدی » ، خو شحال و ممنون
 خواهد شد . ، بیک جوان نا پاک و زشت کار بگوئید « آفرین
 بر تو که با مهارت بیگناهی را بدام افکندی » ، از فرط شغف مست

آگامی = فرهنگستان این کلمه را بجای sureté générale اختیار نموده و آن اداره ایست در شهر بانى که برای تعقیب جنایت کاران است و اعضاء آنرا کار آگاه می گویند (پامیس مخفی) (لغت شهر بانى)

آگهی = اعلان - نوشته ایست که موضوع حدیدی را بخوانندگان خبر میدهد - اعلامیه (در بانك) نوشته ایست که از طرف بانك برای مشتری فرستاده میشود تا او را از قصد بانك راجع بحساب و کارهای آن شخص مطلع سازد . (avis)

آمار = نهایت طلب و تفحص و تجسس حساب - استقصا و تتبع این کلمه بجای احصائیه اختیار شده و کلمه خارجی آن (استاتیستیک) است (statistique)

آمار شناس = عالمی که بقواعد علم آمار آگهی دارد متخصص احصائیه (statisticien)

آمار گر = کسی که مامور انجام کارهای آمار است (مامور احصائیه)

آموزشگاه (از آموزش و گاه) = مکانی که در آن درس خوانده میشود مدرسه بمعنی اعم . - مثال : آموزشگاه کودکان آموزشگاه ستوانی

خواهد شد و شمارا چون جان عزیز خواهد داشت . . . خسرو اگر مادری میداشت که اندرز نیکش میداد و بتربك نادرستی ها و جرائمش میخواند شاید این جوان سیاه دل نه فقط از وی بیزار میشد بلکه از فرط نفرت و غیظ دست بخونش میآلود . ولی برعکس مادرش با او همراه و همراهی بود ، تمجید و تشویقش میکرد ، هوسها و شهوات او را راهنمایی میکرد ، ظلمات موحشی را که جوانان با چشم بسته بدرونش قدم مینهند تا خوش باشند بوی مینمود و ازین راهنمایی بر خرسندی و مسرت پسرش میافزود و خود نیز راضی و خشنود میشد . میگفت : خسرو . اگر میخواهی در بهشت باشی ازین راه برو و چنین کن ! ...

آه دخترجان، تمام
 آرزوی من این است که
 شوهری بقمشنگی و خوشکلی
 بدرت برای تو پیدا کنم!
 اما مادر جان پدرم در
 نظر شما قشنگ و خوشگل
 بوده و شوهر شما است من
 باید شوهری برای خودم
 انتخاب کنم که یقین دارم
 بیش از پدرم قابل توجه
 شما خواهد شد!



آنان که مخاوق دوزخند نیز بهشتی دارند ، بهشت آنان در
 یائین ترین طبقهٔ دوزخ است . . . خسرو بدست مادرش باین طبقه
 رانده میشود . . .

اینها همه موجب آن بود که خسرو مادر خود را بیرستند و او را
 یگانه مایهٔ زندگی خود بشمارد . . . این جوان تیره روز و سیاه دل
 جزین عشق و محبت خوبی دیگری در نهاد نداشت ، در میان همهٔ
 عواطف و احساسات او نقطهٔ روشن و بسندیده ای جزین دیده نمیشد؛
 هیچگاه کسی را جز برای هوسرانی و خوشگذرانی نخواسته بود ،
 هیچگاه کلام شیرین و دلنواز : « دوست میدارم ، را جز باشوخی و
 مسخره بگوش کسی نخوانده بود . . . هرگز در خارج از خانه و
 جز آن موقع که مادرش را ناخوشی و کسالتی فرا میگرفت دلش
 در مقابل چیزی ناززیده و اضطراب و غمی در جانش راه نیافته
 بود ، رحم و مروت ، وفا داری و صداقت ، دلسوزی و شفقت ، هر
 آنچه که در این جهان نیکی و فضیلت نام دارد در قاموس زندگی آن

آئین = زیب و زینت رسم و عادت و طرز و روش - بجای این کلمه سابقاً (تشریفات) یا انیکت (etiquette) یا سر مونی (cérémonie) بکار میرفت .

ارز = سندهای تجارتی که ارزش آنها بیول های خارجی معین شده این کلمه را فرهنگستان بجای (اسعار) اختیار نموده است .
devises , لغت بانکی)

ارزش = اعتبار يك سند یا متاع - یولی که در سند نوشته شده (valeur) مثال : ارزش این سند دو هزار ریال است . (لغت انکی)
ارزنده (اسم فاعل از ارزیدن) = دارای ارزش - پذیرفتنی - دارای اعتبار (valable) . مثال : این سند ارزنده است . یعنی اعتبار دارد . (لغت بانکی)

ارزیاب = (مخفف ارزیابنده) کسی که ارزش چیزی را معین میکند . بجای (مقوم) اختیار شده .

ارزیابی = (از ارز و یافتن) - عمل یافتن ارزش هر چیز این کلمه بجای (تقویم) اختیار شده است .
مثال : خانه‌های شهر باید ارزیابی شده و اجاره بندی گردد .

ارزیافت = نتیجه‌ای که از ارزیابی بدست آمده مانند ارزش خانه و ملک .

جوان معنی و مفهومی نداشت ... در پیرامون او همه چشمها گریان باشد ، بزیر پای او کسانی که سیلی نا پاکی و قهر از دستش خورده اند خود را بروی خاک کشند و ناله و زاری کنند ، در قفای او بیگناهانی که زهر او را چشیده اند صدا به نفرین و لعنت بر آورند برای او اهمیت ندارد ؛ به هیچیک نمینگرد ، بهیچکدام اعتنا نمیکنند ، شاد و خندان پیشش میروند تا در صحنه سیاه کاری خود نقش دیگری بیازد ، میروند تا بشیوه خود زندگی کنند ، یعنی خوش بگذرانند .. خسرو چیزی جزین نبود و در زندگانی و برای زندگانی یار حقیقی و پشتیبان محکمی جز مادر خود نداشت . در جریان زندگی ، در محافل عیش و طرب ، در مراحلی که میپمود ، در پاه هائی که

خانم ملاحظه میفرمائید که این
بازیگر چقدر قشنگ و خوش اندام است
حقیقتاً اندام باریک و متناسب دوست
داشتنی است!



در تمام دوره همسری فقط همین یک
سخن راست و درست را بمن گفته اند
آری، همینطور است منم بازیگر دیگری
را که با او بازی میکند میخواستم بشما نشان بدهم که ملاحظه
کنید چقدر خوش هیکل و ظریف است!

یائین میرفت، هیچگاه تنها نبود، کسانی را در نزدیکی خود مییافت
که بتواند ساعتی با آنها همساز و همقدم باشد، ولی از اینها هرگز
صداقت و صفا، صمیمیت و وفا، نه میدید و نه منتظر بود که ببیند...
ازین گذشته نه احتیاجی به وفا و صداقت کس داشت و نه کسی یافت
میشد که بتواند در کنار روح او قدم بردارد و با تاملات او هم آهنگ
باشد... مادرش او را ازین جهت بی نیاز میکرد و بهتر از همه
به دل او پاسخ مناسب میداد.

صبحها، اگر شب را در خانه خود گذرانیده بود، دیده از خواب
نمیگشود و از بستر خود بیرون نمی آمد تا مادرش بیدار او آید، بروش
لبخندزند، گونه هایش را ببوسد و کلمات شیرین با او بگوید و شب
ها در هر حال که بود و هر ساعت که بخانه باز میگشت بخواب
نمیرفت تا گزارش روز و شب خود را برای مادر بگوید، روی او را
ببوسد، از وی اجازت گرفتن بگیرد...

که به مادر خود میگفت: مادر جان، راستی من هر چه فکرمی
کنم در دنیا جز تو دلخوشی حقیقی ندارم... و مادرش میگفت:
من نیز در زندگی خود مبهوه ای جز تو ندارم... راستی خسرو
اگر من بمیرم توجه خواهی کرد؟...

ارسباران = بخشی است در شمال آذربایجان که شعبه های رودارس از آن جاری شده بارس میریزند چون نام قدیمی این قسمت که ارسباران بوده بتدریج فراموش شده بود و آنرا (قراچه داغ) میگویند فرهنگستان مقرر داشت از نو بهمان نام ارسباران نامیده شود.

ارش = نام فارسی (ساعد) و آن از سرانگشت تا آرنج است.

از گرو در آوردن = بیرون آوردن چیزی که بگرو داده شده است *dégager* (لغت بانکی)

اژدر - (در افسانه های قدیم فارسی وار بسیار بزرگی بوده که از دهانش آتش بیرون میریخته) = در فرهنگستان این کلمه بجای ترپیل *torpille* اختیار شده و آن یکی از اسباب جنگ است که دارای مواد قابل انفجار بسیار و برای شکستن و غرق کردن کشتیهای دشمن بکار میرود . (نیروی دریائی)

اژدر افکن مر کباز اژدر و افکن مخفف افکننده) . کشتی بخاری کوچک و درازی که اژدر بطرف کشتیهای دشمن میاندازد و این کلمه بجای *torpilleur* اختیار شده است . (نیروی دریائی)

اژدر انداز (اژدر و انداز مخفف اندازنده) - اسبابی است دراز شبیه به لوله توپهای بزرگ که در کشتیهای اژدر افکن برای اوه ! اینگونه افراد نیز به مرگ میندیشند ؟ آری ! با وحشتی بیشتر و مرارتی بی پایا تر ! ...

خسرو را این پرسش خوش نیامد ، ابرو در هم میکشید و میگفت : اه ! اینها چه حرفی است ! مگر صحبت قحط است ! ... من ازین حرفها خوشم نیامد ...

نه فقط خوشش نیامد ، بلکه هر گادچنین کلامی از زبان مادر خود میشنید فشاری در قلب خود احساس میکرد ؛ می پنداشت که گیتی در نظرش تاریک شده است ، یک لحظه خوبستن را همچون کسی میدید که بدون تکیه گاه و دستاویز در فضا معلق مانده باشد ، و بلا اراده میارزید . . . نمیتوانست روزی را فرض کند که مادرش

شما دنیا خورده‌ها دیگر
 تا نصف شب توی کوچه
 چه میکنید؟! آخر فکر
 کلفت بیچاره هم باشید
 که تک و تنها تا صبح باید
 بیدار و کوش بزنگ در
 باشد....! خواهر جان
 هیچ بگو بتو گفتم که باید
 بعد از بن گاه گاهی این
 پیر گفتار را هم با خود
 به-ریم تا از نیش زبانش
 راحت باشیم!



بدرود زندگی گفته و روی از جهان بر تافته است! -

ولی بالاخره چنین روزی در دنیا برای هیچکس نایاب نیست...
 همه کس ، چه بد و چه خوب ، از ینگونه روز های تیره در دوران
 زندگانی خود می بینند .. داغ عزیزان باید هر دل را بسوزاند ،
 دل خسرو نیز از ین داغ در امان نماند . . .

(۲)

پیر مرد سفید مو ، با عینه‌گی که بر چشم و نوری که
 بر پیشانی داشت آنشب نیز مثل شبهای پیش هر يك از دو دختر
 خود را بیک سمت خویش نشانیده بود و صحبت میداشت ؛ آهسته و
 آرام ، با صدائی که کوش را خوش میامد چون خوش آهنگ و
 متین بود در دل می نشست چون شیرین و با مغز بود حکایت ها
 میگفت و با هر حکایت بدون اینکه نصریج کند اندرزی میداد ...
 این دودختر ، پروین و اختر ، مادرنداشتند ، در آن هنگام که پروین

انداختن اژدر بطرف کشتیهای دشمن است این کلمه بجای lance torpille اختیار شده است (نیروی دریائی)

اسپریس - عرصه اسب دوآیندن و میدان نمایش - فرهنگستان این کلمه را برای عموم میدانهای اسب دوآینی و چوگا بازی و نمایش ورژه اختیار نموده - میدانهای درونی شهر بهمان اسم میدان خوانده می شود (لغت شهرداری)

استهلاک - یال کردن حسابی بوسیله قسط های معین amorissement (لغت بانکی)

اعتبار - اعتباری که از طرف بانك یا شخصی بشخص دیگر داده میشود و تا حد معینی بان شخص اجازه میدهند که از سرمایه بانك استفاده کند (crédit)

مثال : اعتبار من در بانك صد هزار ریال است

مثال : اعتبار شما در تجارخانه فلان تمام شده است (لغت بانکی)
اعتبار نامه در اصطلاح بانکی نوشته ای را گویند که بانك بیکی از مشتریان خود میدهد تا اعتبار او را در پیش یکی از کارگزاران یا نمایندگان کی های خود معین کند . accreditif (لغت بانکی)

اعتبار نامه - نوشته ایست که از طرف بانکی بشخصی داده

می نشست و نمیتوانست برخیزد اختر چشم بنورزند کی میکشود و نمی توانست ببیند مادر شان بدرود زندگی گفته بود ... پدرشان ، آن روز هم موی سپید داشت زیرا بیش از آن چه بسیار رنجهای کشیده و چه مصیبت ها دیده بود ! ...

مصیبت آخرین ، مرگ همسر مهربان و بجا گذاشتن دو کودک بی زبان او را یکباره پیر کرد و با این پیری ناگهانی یک دنیا فلسفه ، فلسفه حقیقت زندگی بوی روی آور شد ... از حاصل زحمات و جانفشانی های روزگار جوانی لقمه نانی داشت و از کرایه خانه پدری اندک پولی همه ماهه بدستش میرسید . تصمیم گرفت که زندگانی فانی و پر از رنج و مصیبت جهان را آقدرها دشوار و

خانم این پارچه ها بقدری
مد و شیک و محکم و ارزان
است که من برای خانم
خودم هم از همین پارچه
لباس دوخته ام و چندین سال
است که یکبند میپوشد و
هنوز کهنه نشده و از مد
نیفتاده است !!



عجب اشتباهی من
کرده بودم که میگفتم
خوش بحال خانمهای پارچه
فروشها که لا اقل میتوانند

روزی یکدست بیوشند و عوض کنند! بهر حال من متأسفانه بعکس
خانم شما نمیتوانم یک لباس را در دو مجلس بیوشم و چنین پارچه
با دوامی که میفرمائید بدرد من نمیخورد!

بر بیج و خم نگیرد ، به سادگی و قناعت گراید ؛ تلاش و کوشش
خود را در راه مال و منال ، در راه نان سفیدتر و آب گوارا تر ، در
راه چیزها نیکه زحمت امروز آن امروز لذتی نا معلوم دارد و فردا
هیچ ، در راه اموری که برای امروز خستگی بسیار و برای فردا
سود اندک دارد یا یان دهد و در راهی بکوشد که فردای او را
روشن تر سازد .

همانروز که زن محبوب خود را بخاک تیره می سپرد ، نگاه
روحش از پشت قطرات در خشان اشک همه جای گیتی ، سراسر
عالم خاقت ، این جهان و آن عالم ، همه را بدید ، سیر و سیاحتی سریع
در همه جا کرد و بازگشت و بالاخره بر چهره دو کودک بیگناه ،
دو دختر زیبا و شیرین که هنوز نه پا داشتند و نه زبان دوخته
شد ... این دو صورت کوچک در میان قطره اشک نقش بست و پدر

شده و اعتبار آن شخص را معین میکند و آن شخص بهر بانکی که طرف حساب بانک اول است برود میتواند برابر آن مبلغ دریافت دارد و مبلغ دریافت شده در پشت آن ورقه نوشته میشود *lettre de crédit* **افزارمند** = (از افزاز و مند) کسی که کارهایی را بوسیله افزار و آلات انجام میدهد بجای لفظ فراسه *artisan* اختیار شده .
(لغت شهرداری)

انجمن شهرداری - انجمن بادی

اندام - بدن و عضو آدمی است. این کلمه برای عضو بدن اختیار شده و در کتابهای طب قدیمی فارسی همیشه باین معنی بکار رفته است ولی آنرا نمیتوان در غیر عضو بدن استعمال نمود. مثلاً عضو اداره آمار یا عضو وزارت طرق را نباید راندم اداره آمار) یا (اندام وزارت طرق) گفت

اندوخته = پولی است که در شرکت‌ها و بانکها برای احتیاط ذخیره میشود این کلمه بجای (*réserve*) اختیار شده .
سابقاً *épargne* و *réserve* هر دو را ذخیره میگفتند فرهنگستان مقرر داشته است که اولی پس انداز و دومی اندوخته نامیده شود .
(لغت بانکی)

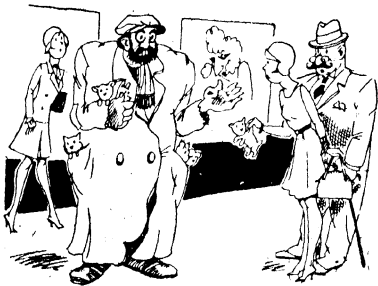
بیر و غم‌نیده که کلید آینده خود را یافته بود آن اشک را بسترد و لبخندی بر جای آن نهاد . میخواست حتی يك لحظه این دو کودک دل‌بند در میان اشک خانه گفتند ..

تصمیم گرفت و بر سر خاک مادر شان سوگند یاد کرد که همه وقت خود را ، از امروز تا آدمی که زنده است بش از همه چیز و بجای همه چیز صرف تربیت این دو دختر کوچک کند ؛ این دو گل بوستان زندگمی را بصورت دو گل حقیقی ، دو گل بهشتی دو گل جاویدن بیاراید ، آنچه را که از زندگانی آموخته و آنچه را که از خوبی و بدی اندوخته است درهم ریزد از آن میان اصولی خوب و پسندیده ، روشن و عملی بوجود آورد ، آنرا بصورت اکسیری

آهای بیکاره الـدنک

بتو گفتم که ما سک نمی
خواهیم این کثافت هارا
بیر خانه پدرت بریز!

آه خانم جان شما
بخود تان نگاه نکنید من
از بی پدری و بی کسی با این



بدبختی دچار شده ام بعلاوه خانه ندارم و شب در کوچه میخوابم!
خیر خانم جان، باور نکن، اینها همه از ولگردی و تنهایی است
والا منم پدر ندارم ومی بینید که با چه سرعتی برای کسب علم
و هنر قدم بر میدارم.

بسازد و در کام دختران خود بچکاند، بصورت کلابی در آورد و
آندورا در آن غسل دهد... اگر موفق شود، اگر آندورا بهتر و
درخشان تر از آنچه که ممکن است بیار آورد حکمت زندگی
را خوب بکار بسته ودر واپسین دم حق دارد باخرسندی دیده برهم
نهد و چون از آنسوی کور دیده میکشاید زن مهربان خود و مادر
ناکام پروین و اختر را لبخند زنان در مقابل خود ببیند... مگر این
مادر بیچاره در آن هنگام که بتلخی جان میداد بوی نگفته بود:
...خدا حافظ، حالا دیگر این بچه ها جز تو کسی ندارند؟ ..

مگر فلسفه زندگی چیزی بجز این است؟ مگر ما نباید در راه
کسانی که جز ما کسی را ندارند بکوشیم، جان نثاری کنیم و هنگامی
که آنها را دیگر نیازی بما نباشد رخت بر بندیم و مسافرت ابدی
خود را دنبال کنیم؟ ..

پیر مرد هما ندم اشک از دیده بستر د و بتر بیت دو دختر خود همت
گماشت؛ شب و روز خود را وقف سعادت و آسایش آنها ساخت،

انگشت نگاری (از انگشت و نگاشتن) = بجای کلمه فرانسه (داکتیلوسکپی dactyloscopie) اختیار شده و آن عملی است که از روی اثر انگشتها میتوان اشخاص مختلف را شناخت زیرا که خطهای مختلف سر انگشتان هر کس با دیگری اختلاف دارد - در شهر بانی شعبه مخصوصی است که بواسطه انگشت نگاری میتواند بدکاران را زود بشناسد زیرا که در هنگام دزدی و جنایت اثر خطهای انگشتان آنها بر روی چیزهایی که دست زده‌اند بخوبی میماند و از روی همان خطها شناخته میشوند .

ایذه = نام قدیمی مکانی است در ناحیه بختیاری که این اواخر مال امیر نامیده میشد و فرهنگستان مقرر داشته است که از نو به همان اسم نامیده شود .

باجه = بفارسی دریچه و روزنه را گویند این کلمه را فرهنگستان بجای لفظ کبشه اختیار نموده است .

Guichet

بار آور = صفت سرمایه‌ایست که سودی میدهد (productif) مثال - سرمایه من در بانک بار آور است و پنج درصد سود میدهد (لغت بانکی)

هیچکس را درین کارش کت نداد، برای انجام کارهای جزئی خدمتکار پیری که یاد کار همسرخ بود کفایت میکرد ... بچه‌های کوچک، مثل آئینه، مثل گل، مثل شراره‌های کوچک و بید و ام‌هستند، نفس‌های تاریک، دست‌های ناپاک، خاکسترهای سیاه، آنها را تیره، پژمرده و خاموش میکند ... این کوچولو، این که از یک مشت پنبه سبک‌تر ولی از آن سفیدتر و رنگ پذیرتر است در یک چشم برهم زدن ممکن است صدها رنگ پذیرد، آنهم در نگارستانی که بیش از همه چیز رنگ‌های تیره دارد! ... او! خداوند! این نگارستان سقفی چون آسمان دارد که چنین باصفا و خوشرنگ است و چشمه‌ای چون خورشید در آن جریان مییابد که چنین روشن و

چگونه تا این ساعت هنوز در
کوچه هستی مگر منزل نخواهی
رفت؟! یقین تو هم مثل من خانه
را کم کردی!
خیر ما که بچه نیستیم خانه
خودمان را کم کنیم منم مثل شما
وقتی بخانه بروم یا مادرم خوابست
یا باو خواهم گفت در مدرسه مشغول
انجام تکالیف فوق العاده بودم!



درخشان است، پس این تیرگی ها از کجاست؟ . . . قلم موی نقاش
از کجا به سیاهی آلوده شده است! . . .

بچه ها رفته رفته بزرگتر و زیباتر شدند، پروین از پروانه های
بهاری خوشتر نگتر و اختر از آفتاب درخشان تر و هر دو از گل یاک تر
بودند . . .

وقتی که سال عمرشان از دوازده و چهارده بگذشت، وقتی که
تاریکی ها و بیجبری ها از میان رفت و باد میدن بامداد جوانی، قاعد
این بهار خرم خبرها از زندگانی باز آورد و نسیم صبحدم شباب
کوشه ای از یرده احتقارا از چهره حقایق زندگی برگرفت پروین
واختر دو دختر خوب، دو دختر دانا، دو دختر فهمیده، دو دختر
بیمانند بودند، بیمانند در زیبایی و جمال، نه فقط جمال صورت،
بلکه هر دو روحی به مراتب زیباتر از جسم خود داشتند، تناسب
وهم آهنگی و خوشگلی و لطفی که در جسم آنها وجود داشت و
آنها را بین دیگر دختران بیمانند میساخت در مقابل اعتدال و درستی
وصفای روح آنها ارزشی نداشت، زیرا آنها بیش از آنکه جسم
باشند روح بودند و بیش از آنکه زمینی باشند بمخلوق ملکوت، به
دوشیزگان بهشت، به یا کترین و درخشانترین دختران مجرد

بارکشی (از بار و کشیدن) = بردن بار از جایی بجای دیگر - سابقا نقایه نامیده میشد مثال : بارکشی ارتش : بارکشی تفد

بارکشی تند = نقایه سریع السیر

بارکشی کند = نقایه بطئی السیر

بارنامه کشتی = سندی است که بواسطه آن بارهای

فرستاده شده بتوسط کشتی معاوم میشود - در جنوب ایران عموما آنرا ستمی میگویند ولی لفظ تجرف شده خارجی است .

(connaissance) (لغت بانکی)

بازبین - بجای (کنترلر (contrôleur) اختیار شده و

آن کسی است که کالا و جنس های تجارتنی را رسیدگی کرده مطابقت آنها را با بارنامه تصدیق می نماید - کسی که در راه آهن ها و تماشاحانه ها بایط های فروخته شده را رسیدگی میکند ناهرکس مطابق ارزش بایط درجای خود قرار گیرد .

بازجو - کسی که از طرف رئیسی مامور میشود که از

روی سندها یا از روی دفترها راستی یا ناراستی کاری را معین

کند - سابقا آنکس را محقق میگویند . (enquêteur)

بازجویی = عمل بازجو سابقا بجای این کلمه (تفتیش

و مقدسی که درتخیل قدسیین راه داردشبهت داشتند

پدرمهربانان ، آن پیر مرد رنج دیده و تجربه اندوخته درراه تربیت آنها بیهوده نکوشیده و زحمت بیحاصل نکشیده بود . همه چیز را بجای خود به آنها آموخته و همه پرده های رنگارنگ زندگانی را بهنگام به آنها نموده بود . . . همچون معلمی هنرمند و زبر دست این شاگردان عزیز را به فضائل آراسته ، آنچه را که امروز یاد داده بود روز دیگر به آزمایش در آورده و درس دیگر را وقتی شروع کرده بود که درس اول به روح آندو چسبیده و جزو آن شده بود ... برای تعلیم و تربیت آنها روح آنها را بدست گرفته و آنچه را که خواسته بود به آنها بیاموزد در روحشان راه داده بود .

در این شب تاریک و جنگل مخوف
مگر خدا بفریاد من برسد و الا عقل و
تجربه اگر برای رهبری و هدایت من
کافی بود که باین مخاطره دچار نمیشدم!
گفته اند که جنگل گردی و صحرا
نوردی خوب است ولی نه برای اطفال
آنها تنها و در دل شب!



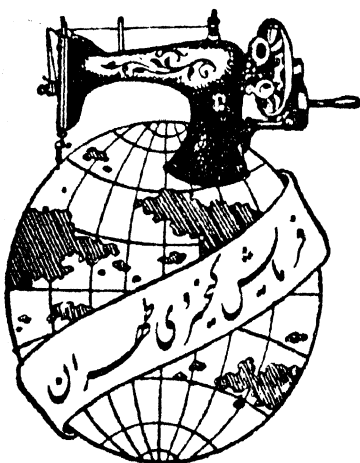
بنا برین پروین و اختر چون یازده ساله شدند همه چیز را میدانستند ،
همه جای دنیای خود را میشناختند ، از زیر و روی زندگانی ، از بدو
خوب و تلخ و شیرین و فراز و نشیب آن خبر داشتند ، بدون اینکه
بدبین باشند میدانستند که بد زیاد است و از بدان چه زیاده به انسان
مخصوصا به دختران جوان ممکن است وارد آید ؛ بدون اینکه تسلیم
خوش بینی صرف شده باشند مردم را دوست میداشتند ، مردان را
برادران ، و زنان را خواهران خود میسر دند ، اعتراف میکردند که
زندگی برای آنها فقط بکمک مردم میسر است و بنا برین آنها
نیز باید بنوبه خود درین کمک دستی داشته باشند و آنچه را که از یک
دست میگیرند از دست دیگر بدهند . . .

ولی پدریرشان درین مرحله ، برای انجام این تعاون و برای این دادن و
گرفتن رسم و راه بهتری به آنها آموخته بود ... پیوسته به آنها گفته
و با امتثال و حکم و اندرزها و سر مشق های روشن و صریح به آنها فهمانیده
بود که دیده بکشایند ، آنچه را که میگیرند اول با دقت و هوشکافی
بنگرند و سپس بگیرند و آنچه را که در مقابل تسلیم میکنند با ارزش
و مقدار گیرنده متناسب سازند . . .

آنشب که چون شب های دیگر دو دختر زیبا در کنار پدرنشسته
برای شنیدن کلمات شیرین و اندرزهای سودمند او گوش خود را با همه

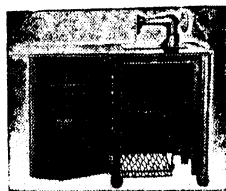
ساخت مسکو - کارخانه تکنو اکسپرت

چرخهای دستی مارک کیخسروی



این چرخهای دستی که
تجارتخانه بهمن کیخسروی
به مشتریان محترم خود
تقدیم میکند از حیث زیبایی
و استحکام و صرفه جوئی
رقابت پذیر نیست.

چرخهای سالونی
این چرخها که از حیث
ساختمان و ظاهر بسیار زیبا
و جالب توجه است از حیث
دوام و استحکام نیز نسبت
بنظایر خود بر جسته و بی نظیر است.



هر يك از این چرخها را که از تجارتخانه کیخسروی خریداری
کنید تا سالیان دراز از آن استفاده خواهید کرد - تعمیرات آن
نیز مجانی است. خیابان بوذرجمهری - مقابل مسجد سلطانی

ساخت مسکو - کارخانه تکنو اکسپرت

چرخهای مبلی کیکسروی



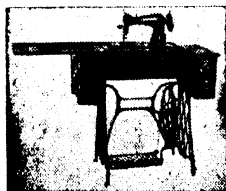
این چرخها تا کنون بایران نیا مده بود ولی اسباب های ید کی آنها از هر قسم همیشه در تجارخانه کیکسروی موجود است و برای کسانی که این چرخها را خریداری کنند در تمام مواقع

هیچوانند لوازم ید کی یا وسایل تعمیر آنرا با نازلترین قیمتها از تجارخانه



کیکسروی خریداری کنند - تعمیرات نیز برای مشتریان محترم مجانی است
دستور دوزندگی
این چرخها هر یک دستوری سهل و ساده

دارد که بزبان فارسی ترجمه و چاپ شده و درموقع خرید مجانا



بمشتریان محترم تقدیم میشود .

محل فروش بهترین چرخهای دستی ویائی وهلی شعبه تجارخانه کیکسروی واقم در خیابان

بوذرجمهری رو بروی مسجد شاه است .

کتبی) و (اقتراح و تحقیق) بکار میرفت (euquête) مثال: از باز جوئی نوشته های فلان معلوم شد که حق با او نیست.

باز دید = دائره باز دید - رسیدگی به مالیا تها و عوارض دولتی (ممیزی)

بازدید = (بانك) از نو رسیدگی کردن بحساب یا چیزی (contrôle)

بازرس = کسی که از طرف وزارتخانه ها و اداره ها به کار های اعضاء و کارکنان رسیدگی کرده درستی یا نادرستی کارهای آنها را به رئیس یا وزیر آگاهی میدهد سابقا مفتش نامیده میشد (inspecteur) مثال: بازرس وزارتتی بازرس دبیرستان

بازرسی = عمل بازرس (تفتیش)

بازکردن = باز کردن و آغاز حساب (ouverture des comptes) (لغت بانکی)

بازگرداندن = بازگشت دادن اضافه پرداختی از بابت سرمایه (ristourner) (بانکی)

بازگشت = به جای ristourne اختیار شده و آن بر گرداندن اضافه بولی است که شرکاء از بابت سرمایه بشرکت پرداخته اند. (لغت بانکی)

جان خود در چشمان خوبستن جای داده بودند بپرورد پس از بیان حکایتی کوچک و شیرین میگفت: «مثلا بنظر شما يك نگاه چه قدر ارزش دارد؟ يك نگاه، يك نگاه خیلی كوچك، نه زحمتی ایجاد میکند نه چیزی از شما کم میشود، فقط چشم بطرفی متوجه میشود، پلكهای آن حرکتی میکند، می بیند و بسوی دیگر بر میگردد... پس اهمیت و ارزشی ندارد؟!.. چرا! برعکس همین نگاه كوچك اگر بدقت در آن بنگرید يك دنیا ارزش دارد؛ زیرا شاید در آن لحظه که بچیزی مینگرید از چشم شما در بجهای بر و حتان باز شود و روح شما با آن نگاه بیرون آید و بر چیزی که بدان نظر افکنده ابد افتد... آیا خوب است که با این يك نگاه روح پاك و درخشان شما در کثافتی

آه که عاقبت از جهل و نادانی بیچاره
افتادم! هر چه بما گفتند آقا بیا! خانه-!
ورزش روی برف و یخ جای معینی باید
داشته باشد و هر کوه و دره نا همواری
جای این هوسها نیست! بگوش ما نرفت!



غوطه ور گردد؟ پس ارزش و قدر يك نگاه را باید دانست ...
چه بسیار تیره روزی ها که از يك نگاه بیجا ، از يك نگریستن بیمورد
سرچشمه گرفته و زندگانی خوش و خرمی را تاريك ساخته است !..»
سخنان پدر پیر همیشه در دل دختران جای می گرفت و بزودی
آنچه را که از او می شنیدند با زندگانی منطبق ساخته و موارد
آنرا می یافتند و اگر باشکالی بر می خوردند بیمجا با از پدر می پرسیدند
و او بیمضايقه بتوضیح می پرداخت .

آنشب وقتی که صحبت بنگاد رسید دو خواهر نگاهی بهم کرده
قدری سرخ شدند ، چشم بزیر انداختند ، دوباره بهم نگریستند ، این
نگاه طولانی تر شد ، پنداشتی بدان وسیله مشورت میکنند و برف
تر دید خود میگویند و بالاخره یروین گفت :

- پدر جان ، برفرض ما قدر نگاه خود را هم بدانیم اولی با هزاران تیر
نگاه که بسوی ما دوخته میشود چه کنیم ؟ ...

این حرف برای پدر پیر تازه کی داشت ، تاکنون ازین مقوله
باین بی بردگی سخن بمیان نیامده و پدر پیر احساس نکرده بود که
کل باوغ رفته رفته در روح دخترانش میشکفتد و چشم آنها بانگاه
های دیگری بروی زندگانی متوجه میشود . باین جهت نکانی خورده
سر برداشت و گفت :

- شمارا نگاه میکنند زبرا زیبا هستید وهمه کس زیبائی را دوست

بانک (از کلمه فرانسه بانک banque) = مؤسسه صرافیه و معاملات نقدی

بانکدار = کسی که بانک دارد و بکارهای بانکی میپردازد
(banquier)

بایگان = نگاهدارنده و ضابط - کسی است که نامه ها و نوشته های اداری را در مجلی نگاه میدارد تا در هنگام احتیاج بتوان به آسانی از آنها استفاده کرد (archiviste)

بایگانی = عمل بایگان - ضبط

بخش = مجموعه کشتی های جنگی که بفرماندهی یک نفر است و این کلمه را فرهنگستان بجای escadre اختیار نموده است (نیروی دریائی)

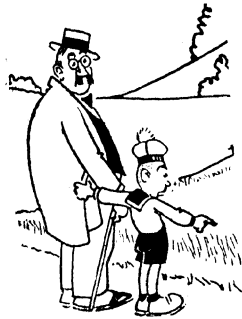
بخش = جزء و قسمت - فرهنگستان آنرا بجای (ناحیه) که قسمتی از شهر است اختیار کرده (لغت شهرداری)

بخش نامه = نامه ایست که در یک یا چند نسخه نوشته شده برای آگاهی چند نفر فرستاده میشود .

نامه ایست که از طرف رئیس های اداره ها برای آگاهی عموم یا قسمتی از کارکنان اداره و انجام دستور معینی نوشته شده . و به

میدارد ولی بین کسانی که دوستدار زبانیند همه گونه اشخاص وجود دارند ، همه کس گل را دوست میدارد ولی بین کسانی که بگلستان میروند فرق بسیار است . یکی گل را میچیند ، میبوید ، درمشت میفشارد و بدور میافکند ، دیگری آنرا بدست میگیرد و بدون اینکه متوجه باشد پریش میبکند و بر زمین میریزد و ناگهان متوجه میشود که جز ساقه ای عریان چیزی بدست ندارد . یک نفر دیگر آنرا با ذوق و شغف بر سینه خود جای میدهد و چون پژمرده شد جای آنرا به گل دیگر میبخشد ؛ ولی یکمده نیز هستند که بتمشاشای گل و تحسین رنگ و بوی آن قناعت میکنند بدون اینکه دست بر آن زنند و غباری بر چهره اش بنشانند ؛ از اینگونه کسان هیچگاه آسیبی به گل نمیرسد . . .

پدر جان پدرجان ، به بین عکس من
و تو چقدر قشنگک در این آب افتاده
- خیر طفل عزیزم اشتباه نکن ! این
قورباغه دریائی است که بطفل خودشناوری
یاد میدهد، ما اول باید ورزش کنیم و بعد
بجای عکسمان در آب بشناوری پردازیم



ازین روز بیعد پدر میر روش خودرا در تربیت دخترانش تغییر
داد یعنی آنرا متناسب با سن و احساسات آنها ساخت و کوشید
که چشم و گوششان را بمسائلی که در دوران بلوغ آنها را فرا
می گیرد بکشاید و درین راه نیز چراغ روشنی در پیش پایشان
بگذارد . . .

ولی چون شبی چند بگذشت پدر میر موفق بانجام مساعی خودنگر دید.
دردیهامو که ازجندی بیش کما بیش آزارش میداد بسختی حمه ور
شده در بسترش افکند . ذوق و مسرت از خانه رخت بر بست ، پدر
مهربان بیمار شده بود . . . سر نوشت با عجائب خود این دو دختر
زیبارا محکوم کرده بود که در یانزده و شانزده سالگی دو ماه روز
و شب در بیرامون بستر پدر میر و دلبنده خود بیقرار باشند و بالاخره
هنگام طلوع آفتاب یکی از روز ها جسد بیجان او را از دو طرف
در آغوش کشیده و از پرده دل ناله بر کشند و از جسم و جان
اشک بریزند ! . . .

(۳)

روز های بعد خانه برای دو دختر جوان چه تاریک و چه غم
انگیز بود ! . . .

چشمان اشک آلود آنها همه جا ، گاه باد کارها و آتار پدر
و گاه که تسایم نخیلات دردناک میشدند ، منظره خیالی موی سفید ،

امضای هر يك از كار كنان ميرسد سا بقا متحد المال و circulaire گفته ميشد .

بدفتر بردن = نوشتن رقم‌های خرید و فروش در دفترهای رسمی تجارتي (passation)

بدهكار = کسی که بديگري پولی مقروض است (débiteur) (لغت بانکی)

بدهی = آنچه کسی از کالا و خواسته از ديگران وام گرفته و بايد بانها بدهد - در حساب سرمايه حساب مخصوصی بنام حساب بدهی است که بزبان فرانسه ياسيف passif ناميده ميشود و حساب ديگري در برابر آن بدارائی موسوم است (لغت بانکی)

برابر = دوچيز هم ارزش . (pair)

برابری = هم ارزی دوچيز (parité) (بانکی)

برات = نوشته ايست که بموجب آن پرداخت پولی را بديگري واگذار میکنند (traite) (بانکی)

برات کش = کسی که چك يا براتی را مينويسد .

سابقا محيل میگفتند (tireur) (بانکی)

چشمان عميق و نگاه مهربان او را اينجا و آنجا ، زير سایه تاريك درختان ، يا ميان چهره روشن گلها مجسم ميديد . . .
ميبنداشتند که ديگر هيچگاه خنده بر لبانشان راه نخواهد يافت ،
کمان ميگر دند که مرگ بدر شان پرده اي سياه در پيش روی آفتاب کشيده و از اين يس چشم آنها چيزی جز سياهی و ظلمت نخواهد ديد . . .

ولی آدمی چقدر اشتباه میکند ! . . . نمیداند که دست آفرینش در مغز او چاهی آفریده و آنرا فرا موشی نام نهاده است ؛ نمیداند که دیر یا زود برشکنجه ترين دردها ، موخس ترين آتاری که رنج و مصيبت در مغز آدمی بجای میگذازد در بن چاه سرنگون خواهد شد .

آقا آخر این چه وضعی
است؟ من یکساعت است
پشت این میز با بشقاب و
قاشق بازی میکنم و از
گر سنگی نزدیک است هلاک
شوم!

آقا خیلی ها پشت میز
می نشینند و پس از دو ساعت
فقط یک کیلاس آب خوردن
میخواهند! - کنساز از ما



نیست، تا مشتری فریادش بلند نشود نمیفهمیم گرسنه است!!

دو خواهر جوان نیز پس از چند ماه احساس کردند که خواه
و نا خواه نیمی بیشتر از مصیبت و ما تمزدگی هر ک پدر را از
یاد برده اند، ساعت ها میگذرد که بیاد او نمیا فتند، بکار زندگی
مشغولند، بفکر فردای خود هستند، نقشه هایی برای آینده میکشند
و در عین حال، آفتاب روشن، هوای فرح بخش، شیرینی ها و
زیبائی های زندگی، نعمات مرموز و آرزوهای اسرار آمیز،
آنها را بسوی خویشتن میکشد، صدائی میگوید: زندگی کنسید
صدای دیگر میگوید، خوش باشید، و صدائی لطیف تر، دور دست تر
و فریبنده تر از همه بالحنی خوش و آهنگی دلنواز در گوششان
میسراید: دوست بدارید! ...

از آغاز عمر خود دوست میداشتند. تا چشم بزند کی گشوده
بودند خود را محصور در محبت پدر دیده و پیوسته از دل و جان
دوستش داشته بودند. پس از هرک پدر، پس از فرو نشستن ناله ها
و خشکیدن اشکهای نخستین، احتیاجی که دل آدمی به محبت دارد
روی به آنها نموده و خارخار مرموزی در دلشان افکنده بود ...

برات گیر = کسی که چک یا براتی را برای او نوشته اند و باید
بیردازد سابقا محال عایبه گفته میشد (tiré) (بانکی)

بر آورد = عمل تعیین کردن قیمت چیزی که بهر بی تقویم گویند
(évaluation)

بر آورد کردن = معین کردن قیمت چیزی - تقویم نمودن
(evaluer) (بانکی)

براه انداختن = بکار انداختن سرمایه ای که در کار تجارت
نبوده است (mobiliser) (بانکی)

بر حسب (برو حسب) = علامتی است که بچیزهای ساخته
شده مختلف میچسبانند تا معلوم شود که در کجا ساخته شده یا برای
چکار است : بر حسب بطری، بر حسب سیگار ؛ در فرانسه آن را
étiquette میگویند

برداشت = عمل برداشتن قسمتی از چیزی یا سرمایه ای پیش از
آنکه هنگام تقسیم آن چیز یا سرمایه برسد (prélèvement)
مثال : فلان شریک از درآمد تجارتخانه تاکنون یا نصدر بال برداشت
کرده است (بانکی)

بررسی = مطالعه ، از نو دیدن ، اقتراح . (revision)
مثال از نظم فارسی :

با آنکه روز و شب در کنار هم بودند احساس میکردند که تنها
هستند و با آنکه یکدیگر را از دوست داشتن گذشته می پرستیدند
در دل اعتراف میکردند که این دوستی ، این پرستش ، این عشق
برای هیچیک از آن دو کافی نیست . . . بچیز دیگری احتیاج
داشتند که خود نمیدانستند چیست و فقط احساس میکردند که بی داشتن
آن زندگی بر آنها دشوار و بلکه محال خواهد بود . . .

ولی خواهران بیچاره پیش از آنکه در صدد تاهین این احتیاج
خوبستن بر آیند ، پیش از آنکه با دل خود گفتگوی روشنی بمیان
آورند ، خواهش آنرا بدرستی دریابند و برای بر آوردن آن به
پیرامون خود بنگرند ، احتیاج دیگری احساس کردند که چهره ای

ملاحظه کنید که از خوشحالی و شادی چه محشری بر پا کرده اند معذک آب از آب تکان نمیخورد ، و گوش بدهید کوچکترین صدائی سکوت هجاس را بر هم نمیزند ! فقط باید چراغها را خاموش کرد که بیجهت مقدار کثیری برق مصرف نشود تا ازین راه لا اقل منافع مختصری برده باشیم !!



تاریک و مخوف داشت ، لرزه بر اندام میافکند و غم و اندوه در دل راه میداد . . .

یکی از روزها ، یک روز آفتابی و با صفای پایان زمستان بود که ناگهان با بهت و حیرت بروی یکدیگر نگر بستند و قطره اشگی که در آن واحد از چشم هر دو فروریخت با بیانی صریح میگفت : چرا پیش ازین باین مطاب فکر نکرده بودیم ؟

درین روز خدمتکار پیر آنها ، زن مهربانی که موی خود را درین خانه و در خدمت این خانواده سفید کرده بود با وضعی اندوهگین پیش آمد ، یک دقیقه ساکت و محزون ، رودر روی دختران بایستاد ، پنداشتی مرتکب ناروایی شده و از اظهار آن شرم دارد ، یا مطالبی بر سر زبان اوست که جرئت گفتن ندارد . . .

دختران چیزی ازو نپرسیدند ولی بمشاهده چشمان فرو هشته

برخوان تو زقرآن و باخبار تو بر رس
يك مرید او را در آن دم بر رسید

برش = قسمتی از يك ورقه سهم تجارتي . سهم های تجارتي
بچند برش ممکن است تقسیم شده و هر برش آن جداگانه خرید و
فروش شود (coupon coupure) (بانکی)

برگردان = بجای لفظ فرانسه (Virement) اختیاری شده
و آن در بانک برداشتن پولی است از حساب یکنفر و نهادن آن در
حساب دیگری بموجب نوشته ای که بیانک دادشده است (سابقاً انتقال
بانکی گفته میشد) (بانکی)

برگشت پذیر - چیزی که ممکن است برگشت کند. révocable.
مثال : اعتبار برگشت پذیر (بانکی)

بستان - قصبه ایست در لرستان که سابقاً بساتین گفته میشد
یعنی بستان فارسی را مطابق عربی جمع بسته بودند .

بستانکار - کسی را که از دیگری پول یا متاعی طلب دارد
بربی دائن گویند Créditeur

بستون حساب - عملی است که بواسطه آن حسابی را در بانک
ختم میکنند (clôture) (بانک)

وسیمای حزن آلودا و گرفتگی و اندوهی دردل احساس کردند ...
پیرزن وفادار بالاخره باصدائی آهسته و لرزان گفت ؛ دیگر
پول نداریم !

تأثیر این کلام در دو خواهر چنان بود که سقف برسرشان فرود
آید یا زمین از زیر پایشان کشیده شود ؛ هر دو بيك صدا گفتند

- او ! .. چطور ! .. هیچ نداریم ؟

- نه عزیزانم ، يك ماه است که نداریم ..

- يك ماه ! پس تاکنون چه میکردی ؟

- نسیه میاوردم ، قرض میکردم ...

- ولی حالا ؟ ...

متأسفانه اقبال یاری
نمیکند که ما از خودمان
طفلی داشته باشیم و شمام
که دست از این علاقه فرط
نمیکشید، پس لااقل بقاعده
بیجه داری عمل کنید و
طفل را در اطاق خودتان
بخوابانید!



- صحیح است، اگر روزی خودمان واقعا بیجه دار شدیم همین کار را
خواهیم کرد اما امشب خواستم چند لحظه درین حال بگذرانید شاید
کمتر بخواستگاری بروید!

- ولی حالا دیگر هیچکس نسپه نمیدهد، هیچکس قرض نمیدهد...
- کرایه خانه چطور؟
خدمتکار پیر قطره اشکی را که از گوشه چشمش سرازیر شده
بود از روی گونه سترده گفت:
- دیگر روندارم به آنجا مراجعه کنم... چه مردم نجیبی هستند،
یک ماه کرایه را پیش داده اند، با اندازه یک ماه هم کم گرفته ام!...
... چند دقیقه سکوت برقرار شد، دو خواهر و خدمتکار پیر هر سه
سر برافکنده بودند: گوهر اشک در گوشه چشم هر سه نمایان شده
بود و آه دردناک از میان دلب هر سه بیرون میآمد...
سپس هر دو خواهر بابک حرکت از جای برخاستند، مثل آن بود
که قصد یکدیگر را در یافته اند، باهم ازین اطاق باطاق دیگر
رفتند، هر یک از آنها در صندوق کوچکی را بگشود، جمبه محقری
از آن بیرون کشید، آنرا باز کرد و محتوی آنرا برداشت...
آنگاه بهم نگر بستند، لبخندی حزن آلود بر لب راندند، بهم
نزدیک شدند، اختر آنچه را که دردست داشت بر آنچه که دردست

بسته = این کلمه بجای (کلی colis) فرانسه اختیار شده است
بها = فارسی قیمت است (prix)
بهداشت = وسیله های نگاهداری سلامت، این کلمه بجای
 حفظالصحه اختیار شده است (hygiène)
بهداری = اداره ای که برای مواظبت بهداشت مردم تاسیس
 شده است (این کلمه بجای صحیه اختیار شده)
بی برگشت = اعتبار بی برگشت - اعتباری است که نمیتوان
 برگرداند (اعتبار غیر قابل فسخ) (credit irrevocable)
بیمارستان شهر = سابقا (مریضخانه بلدی) گفته میشد
بیمه = (بانك) عملی است که اشخاصی با پرداخت پولی مسئولیت
 کالا یا سرمایه یا جان خود را بعهده دیگری میگذارند و بیمه کننده
 در هنگام زیان باید مقدار ضرر را بپردازد (assurance)
بی نام = (بانك) شرکته ای است که بنام هیچیک از شرکا
 نامیده نمیشود و تنها بنام تجارت آنها خوانده میشود (anonyme)
 مثال : شرکت بی نام ینبه ، شرکت بی نام قند .
بهل = پس از رسیدن بحساب چون دو نفر طب و واهی نداشته
 باشند بهل میشوند (quitte)

پروین بود بیفزود . . . هشتی پول سفید و سیاه تشکیل یافت ،
 اندوخته ناچیز دختران بود . . . آخرین پولی بود که در خانه
 یافت میشد . . .

پروین نظری به پولها افکند ، سر برداشت و باختر نگر بست ،
 قطرات درشت اشک از چشمانش بریخت ، درین حال با صدائی گرفته
 و لرزان گفت :

- ببین اختر ، یادتهست ؟ بیشتر این پولهای سفید را پدرمان
 بدست خود بما داده بود . . .

. . . هنگامی که خدمتکار پیر این مشت پول را گرفته از خانه
 بیرون رفته بود نااند کسی از قروض را بپردازد و نان و آبی برای شام

دوست عزیز ببخشید ، میخواستم از شما خواهش کنم اجازه دهید با هم بارایشگاه جدیدی که در همسایگی مفتوح شده است برویم که مانند پروانه دور مشتری می چرخد و بعد روزانسان را آرایش میدهد ! - بسیار خوب آقای من ، با تشکر بسیار حاضرم و خیلی هم مسرور خواهم شد که در آرایش اندام شما حضور داشته باشم ضمناً این پروانه قشنگ را هم ببینم !



و ناهار فراهم آورد ، دوخواهر مهربان ، دو دختر زیبا ، این گاهای خوش رنگ نوشگفته که در بهار زندگی بودند و باید سرمست باشند و بخندند ، دست در گردن یکدیگر افکنده بودند و اشک میریختند ، نه بدان جهت که تهیدست و بد بخت شده بودند ، نه بدان جهت که اندوخته پدرشان بیابان رسیده بود ، بلکه بدان جهت که بیشتر از روزهای پیش بیاد پدر مهربان خود افتاده بودند . . . آری ، هیچ چیز مثل پیدایش یک بدبختی و رنج ، مصائب و دردهای گذشته را زنده و بیدار نمیسازد ! . . .

**

- خواهر جان ، اینطور که نمیشود . . باید فکری کنیم . .
 - چه فکر میتوانیم بکنیم اختر ؟ مگر چیزی بنظر تو رسیده ؟
 - نه نمیدانم . . .
 - بالاخره بهر سو که رفتیم نتیجه ای نگرفتیم . . . کاری که با ما مناسب باشد پیدا نشد . . .

- خوب ، پس عقیده تو اینست که همینطور زندگی کنیم و اگر گرسنه ماندیم و بیچاره شدیم اهمیت ندهیم ؟ علاوه بر بدبختی هائی که تا کنون دیده ایم منتظر هزاران بدبختی دیگر هم باشیم ؟

مثال : فلانی از بابت حساب خود پانزده ریال بشرکت پرداخته بهل شد . (بانکی)

پاس = نگاهداشتن و نگاهبانی و حراست کردن و استوارداشتن .
در فرهنگستان مقرر شد این کلمه مخصوص (موعده قراولی) و (عمل قراول) بکار رود

مثال : پاس منوچهر از ساعت هفت تاده است .

فربدون امروز پاس دارد

پاسبان = کسی که از طرف شهربانی مامور حفظ نظم و آسایش شهر است فرهنگستان این کلمه را به جای آژان پلیس (agent de police) اختیار نموده

پاس بخش - (از پاس و بخش) = کسی که پاس را عوض کرده و دیگری را بجای او میگمارد .

پاسداران = کسا نیکه به پاس میپردازند
پیش از این (هیئت قراولی) گفته میشد

پاسگاه = محل پاس - جای قراولی - سابقا بجای این کلمه (پست) بکار میرفت .

پاسیار = پایه و ریشه شهربانی - نظیر سرهنگ ارتش

بروین در جواب این کلمات ساکت ماند ، يك لحظه با نگاهی ملامت بار بروی او نگر بست و سپس گفت :

- اختر ، مگر یادت رفته است که پدرمان مکرره میگفت در گرسنگی و بدبختی مردن بهتر از تحمل بعضی چیزها

اختر کلام او را قطع کرد و گفت : نه ، یادم نرفته است . . ولی مقصود من این نیست که برای رفع بدبختی و تهی دستی خود دامن آبرو و درستی و تقوی را از دست بدهیم . . . من یکبار دیگر اگر فراموش نکرده باشی میخواستم چیزی ازین بابت بگویم ، نمیدانم چه شد که حرفمان ناتمام ماند . . .

بروین حرکتی از عدم رضایت بخود داد و گفت : حقیقت آنست

غصه نخور! من امروز
وسایل آزادی تو را فراهم
خواهم کرد فقط کاری که
تو باید بکنی اینست که
درین تنهایی و آزادی خیال!
دست نیاز بسوی خدا دراز
و دعا کنی که من محکوم
نشوم و الا با کمال تأسف



درین آخرین دیدار از تو خدا حافظی میکنم!

که من نمیتوانستم و نمیتوانم با تو هم عقیده باشم . . .

- مگر چه عیب دارد

- نمیدانم ، قابم گواهی نمیدهد . . .

- برای اینست که تو از دور درین مطالب فکر و قضاوت میکنی

ولی من آنچه دیده و فهمیده ام از نزدیک بوده است . .

- ولی خواهر جان بسیار چیزها در زندگانی هست که از دور بهتر

میشود در آنها نگر است و به حقیقت آن بی برد . . . از آن روز که

تو آن راز را با من در میان گذاری تا کنون هر گاه که به آن

میاندیشم بی اختیار احساس گرفتگی در قاب خود میکنم . . .

حالتی من دست میدهد کاملاً شبیه بحالتی که من و تو یک هفته پیش

از مردن پدرمان احساس میکردیم . . . اختر، بروح پدرمان سوگند،

ازین قضیه بوی خوشی بمشام من نمیرسد . رنج و بدبختی در آن

احساس میکنم . . .

اختر دودست خواهرش را بگرفت و گفت . نه بروین ، اولاتو اورا

ندیده ای و من شاید در شرحی که از او با تو گفتم خوب نتوانستم از

عهده بر آیم . . . ثانیاً مگر حرفها و اندرزهای پدرمان را فقط تو

پاکت (از کلمه فرانسه papuet که بمعنی بسته است) در فارسی بمعنی لفافه ابست که نامه را در آن نهاده و سر آنرا میچسبانند .

پایمزد = مزدی که به یزشک برای عیادت و معالجه بیمار میدهند (حق القدم)

پایه ور = صاحبمنصب شهربانی و کشوری . صاحبمنصبان ارتش را افسر مینامند

پزشک = نام فارسی طبیب است اسدی گوید :

پزشکی نه خوب آید از میزبان و حکیم ناصر خسرو گوید :

عرب برره شعر دارد سواری پزشکی گزیدند مردان یونان

پذیرا = کسیکه قبول میکند . در اصطلاح بانگی کسیکه پرداخت سندی را قبول میکند (accepteur)

پذیرش = عمل پذیرفتن - قبولی . در اصطلاح بانگی عملی است که شخصی پرداخت سندی را میپذیرد (acceptation)

پذیرفتن = قبول کردن .

در اصطلاح بانگی قبول پرداخت سندی در موقع معین accepter مثال : این پذیرفتن برات شما مشکل است .

شنیده ای ؟ ... او در روزهای آخر که یکی دودفعه درین خصوص ، در خصوص محبت ، در خصوص شوهر داری ما حرف زد چیزهایی گفت که من کلامه بکلامه آنها را هنوز در گوش دارم ، هر چه فکر میکنم ، هر چه دقت کرده ام ، سرسوزنی جای نگرانی برای خود نمی بینم ... یرون سر میزیر افکنده بود ، هیچ نمیگفت ، میخواستید که گفته های خواهرش را بهتر بشنود و اختر میگفت :

- او که مرا دنبال نمیکند ، او که توقعات بیهوده از من ندارد ، او که تا کنون حتی یکدفعه نه نوك انگشت مرالمس کرده و نه چنین توقعی داشته است ؛ چند دفعه که با او مصادف شده ام با کمال احترام و وقار با من حرف زده : کلمات او از کلمات فریبنده ای که پدرم اشاره میکرد نموده ، فقط از من اجازة خواسته است که به

ای ایله باز بیموقع وبدون
اجازه وارد شدی مگر يك
حرف را چند هزار بار
باید گفت ؟ !

- آخر آقا يكبار هم
كسی بمن تعلیم نداده است
شما حالا هر چه میفرمائید
بنده فراموش میکنم ، بعلاوه
من نیم بار هم نمیخواهم شما
را به بینم ! این تقصیر خانم
است که بمن سفارش کرده اند



شمارا مخصوصا شبها تنها نگذارم !!

خواستگاری من آید . . . میدانند که من خواهری هم دارم ، حتی
میدانند که تو از من بزرگتر ، عاقلتر و زیباتر هستی . . .

- از کجا ؟ مگر مرا دیده است !
- نه ، هرگز . من خودم با او گفته ام . . . بانهايت اشتیاق حاضر
شده است که پس از عروسی با من ، با ما ، در يكجا زندگی کند
ترا مثل خواهر خود محترم شمارد و تا روزی که شوهری مناسب
برای تو فراهم شود از تو با دل و جان نگاهداری کند . . .
پروین که رفته رفته عصبانی شده بود کلام او را قطع کرد
و گفت : - بس است اختر . . . بس است ، دل من گواهی نمیدهد . .
حالا نمیتوانم درین مطالب تصمیمی بگیرم . . . بگو بینم تو او را
خیلی دوست میداری . . . ؟

اختر جوابی نگفت و سر بزیر انداخت .

- چرا ساکت ماندی ؟ دانستی این نکته برای من کمال اهمیت
را دارد . . .

اختر سر برداشت ، در چشمانش قطره اشکی میدرخشید . . .

پذیرفتنی = چیزی که میتوان آنرا پذیرفت (لغت بانگی)
(acceptable) مثال : این سند پذیرفتنی است .

پذیره نویسی = نوشتن و امضا کردن در پای نوشته ای
برای انجام کاریکه در آن نوشته شرح داده شده souscription
هنگام تشکیل شرکتهای از کسانیکه میخواهند شریک باشند دعوت
میشود و هر یک از آنها قسمتی از سهام شرکت را می پذیرند کار
هر یک از شریکههارا پذیره نویسی مینامند .

پرداخت = عمل دادن پول (paiement)
پرداخت = عمل پرداختن = دادن پول بکسی که طلبکار
است (versement)

پرداختن = (اصطلاح بانگی) دادن پولی که دریافت شده
(acquitter)

پرداختنی = چیزی که باید پرداخته شود . چیزی که قابل
پرداختن است (payable)

پرستار خانه = جائیست که در مدرسه ها و سر باز خانهها
بیماران را پرستاری میکنند و برای بیماران همان مؤسسه است .
این کلمه بجای (infirmerie) فرانسه اختیار شده

يك لحظه با نگاهی ساده تر از نگاه کودکان بروی اونگریست
و سپس با صدائی سوزان گفت :
- آری یروین چرا دروغ بگویم . - آری ...

یروین سر اختررا بسینه خود چسبانید ، روی و موی او را
بیوسید و آهسته و آرام مانند ما دری مهربان که میخواهد فرزند
خودرا بخواباند با وی به سخن گفتن پرداخت و این صحبت مدتی
بطول انجامید ...

روز بعد اختر بدون اینکه اعتراضی کند تسلیم اراده و فرمان
خواهر خود بود ...

پرسش‌نما = ورقه ایست که بر روی آن چندسؤال نوشته شده و بدوطلبان کاری میدهند تا پاسخ‌های آنها را بنویسند
(سؤالنامه questionnaire)

پروانه = علاوه بر معنی حشره معروف در زبان فارسی بمعنی اذن و اجاره بطور عموم است . در زبان فرانسه ليسانس licence بمعنی اجازه نامه است خواه اجازه نامه‌ای که بدانشجویان دانشگاه میدهد خواه اجازه نامه ورود یا خروج کالا که از طرف اداره تجارت یا کمرک بتاجران داده میشود .

درفر هنگستان لغت پروانه بجای ليسانس اختیار شده ولی میتوان آنرا در تمام موردهائی که مقصود اجازه نامه باشد بکار برد - مثال در این قسمت از شعر سعدی که میفرماید :

پروانه را چه حاجت پروانه دخول در پروانه اولی بمعنی حشره و پروانه دوم بمعنی اجازه نامه است .

پرورشگاه یتیمان = جائی است که کودکان یتیم را در آن نگاهداری و پرستاری میکنند (دارالایتام)

پرونده = بسته قماش و اسباب و لفافه قماش و اسباب را نیز گفته‌اند - پارچه‌ای که قماش را بر آن ببچند - کیسه هانندی که

خدمتکار پیرشان آنروز فعالیت بیمانندی داشت ، بسرعت میرفت و میامد ، اشیاء مختلف را در یکجا جمع میآورد ، چمدانها و خورجین هارا میبست ، زیرا آن روز پیر وین و اختر قصد تغییر منزل داشتند ... در محلی دوردست دو اطاق کوچک اجاره کرده و خانه خود را نیز اجاره داده بودند تا با بن وسیله عایدات کافی برای زیستن ، زیستن با قناعت ، زیستن فقیرانه ولی آبرو مندانه داشته باشند . . . نزدیک غروب آفتاب بود که دست یکدیگر را گرفته برای ترک خانه بدری بسوی در رفتند ؛ هنگامی که آخرین قدم را از حیاط به دالانی که بدر منتهی میشد میگذاشتند هر دوسر بگردانیدند ، نگاه‌اهی بر از حسرت و نومیدی به در و دیوار ، اطاقهای خالی ،

استادان ابرار و اسباب دکان خود را در آن نهاده بار بسمانها بندنند .
مثال : کیسه ام زو یرست از بدره خانه ام زوست یرز یرونده
سندا و نوشته های راجع بیک موضوع یا بیک کار و بیک نفر را که بیک
جا جمع آوری شده و غالباً غلاصه مطالب آن نوشته ها را برای آسانی
دریشت پوشه های آن مینویسند بفرانسه دوسیه dossier میگویند
بجای دوسیه کلمه یرونده که بمعانی فوق است اختیار گردید

پس ادست - معامله ای که بول آن چندی پس از دریافت متاع
پرداخته میشود و بهر بی (نسبه) میگویند (a crédit)

پس انداز = پولی است که از صرفه جوئی در هزینه پیدامیشود
و این کلمه بجای (épargne) اختیار شده است .
مثال : صندوق پس انداز .

پشت = بجای (ظهر) عربی اختیار شده (verso)
مثال : صد ریال که پرداخته ای در پشت سند بنویس . (بانکی)
پشت = فارسی (ظهر) است (اصطلاح علمی)
پشت نویسی = نوشتن در پشت سند (ظهر نویسی)
پشت نویسی = سندی که در پشت آن نوشته شده (endossé)
پشتوانه = سپرده ایست که کسی برای اعتبار خود در بانک معین
میکند . (couverture)

به شاخهای خشك درختان افکنند و در حالی که بغض گلویشان
را میفشرد هر دو بیک صدا گهتند : خدا حافظ ! . . .
با چه چیز وداع میکردند ؟ شاید خودشان هم نمیدانستند !

(۴)

در زیر سقف کوتاه اطاق کوچک خود زندگانی را به آرامش
می گذرانیدند ، از حال نگرانی و غمی نداشتند ، و آینه را بچشم
حکیمانہ می نگر بستند ، ولی از آنجا که شباهت کامل بین دو
موجود در عالم هستی امکان پذیر نیست با آنکه زندگانی روزانه
را با هم آهنگی و توافق بسر میبردند ، با آنکه در هر مورد از
موارد حال ، حرف بکی حرف دیگری و رأی هر یک از آن دورآی

پوشاندن = معین کردن پشتوانه دربانك (couvrir)
پشیز = پول سیاه مس و نیکل و غیر آن (billon) مثال :
 سخن تا نکوئی بدینار مانی ولیکن چه کفتمی پشیز مسینی
 (ناصر خسرو)
پوسته = نام فارسی قشر است . مثلا بجای قشر زمین باید
 گفت : پوسته زمین

پوست کن = کسی که در گشتار گاه حیوانات را پوست میکند
 (عربی سلاح گویند)

پوشه = در فارسی هر چیزی را گویند که آنرا پوشند و در بر
 کنند در فرهنگستان اختیار شده است برای لفافه کاغذی که نوشته های
 اداری را در آن گذاشته و چند ورق آنها را در یک جزوه دان قرار
 میدهند که از مقواست و سابقا شمیز گفته میشد که کامه فرانسو و بمعنی
 پیراهن است .

پول - قطعه فازی که از طرف دولتها برای آن ارزش معینی
 معلوم شده و شکل مخصوصی دارد این کامه بجای
 (numéraire, monnaie) بکار میرود

هر دو بشمار میرفت ، در خصوص آینده نظر موافق نداشتند .
 شب ها ، هنگامی که دیگر کاری باقی نمانده بود ، هنگامی که
 گل دوزی و نقاشی چشم پروین را خسته کرده و قلابدوزی و کش
 باقی حوصانه اختر را بسر میاورد ، برای رفع خستگی ، برای تفریح
 در کنار هم می نشستند ، و ساعتی چند بصحبت میبرد داشتند ؛ بهترین
 ساعات زندگانی آنها همین ساعت های شبانه بود .

درین ساعات از کارهای زندگانی روزانه ، از پیش و کم زندگانی ،
 از غذای امروز و لباس فردا ، از پولی که باید بگیرند و خرجی
 که باید بکنند صحبتی بمیان نمی آمد ، این مطالب موضوع صحبت
 های روزانه آنها بود و ساعات بیصدا و آرام شب به آینده آنها
 اختصاص داشت .

پی = نام فارسی عصب و آن رشته‌های سفیدی است که در تمام اندام آدمی پراکنده و بمغز مربوط میشود .

پیش آگهی = (بانك) آگهی مختصری که پیش از سر رسیدن هنگام پرداخت سندی از طلبکار یا بانکی برای بدهکار فرستاده میشود (préavis)

پیش بها = (بانك) چیزی که پیش از دریافت کالا بفروشنده دهند . (بیعانه) (arrhes)

پیشه = کسب و حرفه .

پیشه وران (از پیشه و ور) = پیشه بمعنی شغل و کار و عمل و کسب و حرفه است . فرهنگستان مقرر داشته که بجای (کسبه و اصناف) بکار رود

مثال : که هر پیشه ور پیشه خود کند (نظامی)

پیک = کسی است که مامور رساندن بارها و نامه‌های پستی از جایی بجای دیگر است (چاپار)

مثال : این چو پیکان بشارت بر شتابان در هوا

وین چو پیلان جواهر کش خرامان در قطار

پی گرد (از پی) : دنبال و گردیدن) - کسی که در پی چیزی

ولی مگر دختران جوان وقتی که به آینده خود می اندیشند چه می بینند و چه میگویند ؟ آینده در نظر آنها و برای آنها ، چه زیبا ، چه دلپذیر ، چه خوش رنگ و بو ، چه اسرار آمیز ، و در عین حال چه بزرگ و چه کوچک است ! . . . زیرا دنیای بیکرانی است که در یک نقطه جمع می آید ، زیبا ئیها و لطافتی است که در یک لبخند خلاصه میشود ، کتاب بزرگی است که از آغاز تا انجام چیزی جز یک کلمه ندارد و آن « عشق » است . .

آری ، دو دختر زیبا ، دو گل بهاری ، هر گاه که به آینده می نگر بستند جز عشق چیزی نمی دیدند ، ولی این موجود عجیب ، این دنیای مرموز در نظر هر یک از آنها ط.ور دیگر

میگردد بجای (explorateur) اختیاری شده

پی گردی = عمل کشتن در پی چیزی - بجای exploration
پی نوشت = نوشتن در پی چیزی است - بجای لفظ آیوستیل
 apostille اختیار شده و آن دستوری است که رئیس های اداره ها
 در باین نامه ها نویسدند

پیشنهاد = عمل بکنفر تاجر یا هنر پیشه یا فروشنده یا خریدار
 که انجام کاری را با شرایط معین آگاهی میدهد (عرضه) offre
پیوند = علاوه بر معانی دیگر نام رشته هائیکه ماهیچه
 هارا بیکدیگر وصل میکند - در فرانسه آنرا ligament میگویند
تراز = (بانک) مبالغی مساوی اختلاف دارائی و بدهی حساب
 که در آخر ستون کمتر مینویسند تا مجموع دو ستون مساوی شود
 اختلاف دارائی و بدهی در حساب (balance)

تراز کردن - قرار دادن تراز در آخر حساب برای مساوی
 کردن دو حاصل جمع (balancer)
ترازنامه - (بانک) صورتی است که خلاصه دارائی و بدهی
 در آن نوشته شده است (bilan)

ترافزیت - (از کلمه فرانسه transit) هر گاه کالای کشوری
 جاوه میکرد ... فرشته عشق بروی هر دو می نگریست ولی به
 هر يك با وضعی مخصوص لبخند میزد ... پروین از عشق چیزی
 میفهمید که بتصور اختر راه نمی یافت و اختر چیز هائی احساس
 میکرد که پروین نه میخواست و نه میتواندست احساس کند ...
 هر دو میدانستند که باید دوست بدارند ولی هر دو هیارزیادند
 زیرا پروین نمیدانست که چگونه دوست باید داشت و میترسید که
 دوست ندارد ، و اختر یکبار این زهر لذیذ را چشیده ، و چندین
 روز نعمات دلپذیر عشق بگوشش رسیده ، چندین شب بادل خود
 بجنک و ستیز پرداخته و بالاخره هنوز عطری از آن گل آسمانی
 به مشامش نرسیده ، کوشیده بود که عشق خود را به دست
 فراموشی بسپارد .

از کشور دوم گذشته و باید در کشور سوم بفروش رسد در کشور دوم از پرداخت گمرک و مالیات معمولی ورود و خروج معاف است و فقط حقی میبرد دازد که آنرا حق ترانزیت گویند (حق عبور) مثال : متاع ترانزیتی : کالای ترانزیتی

تعرفه = صورت قیمت و ارزش متاع یا صورت مالیاتی که به متاع تعلق میگیرد . مثال تعرفه گمرکی . (tarif)

تلذخه رود = نام رودی است که از مشرق آذربایجان شرقی از کوه ها فرود آمده پس از گذشتن ارشمال شهر تبریز بدریاچه رضاییه میریزد سابقا (آجی چای) نامیده میشد

تن پیمائی = عمل اندازه گرفتن قسمت های بدن انسانی . این کاره بجای anthropométrie اختیار شده است

تنخواه گردان = پولیست که در صندوق اداره و تجارتخانه گذاشته میشود تا در هنگام لزوم به مصرف خرید چیزهای لازم و فوری برسد و آنرا سابقا (اعتبار متحرك) می نامیدند . (fond de roulement)

توپدار = (هر کب از توپ و دار مخفف دارنده) کشتی کوچکی است که چند توپ دارد و در رودهای بزرگ یا نزدیک

جوانی که دل از او ربوده بود زیبا و آراسته و محبوب بود ، کلمات شیرین عشق را با صدائی آرام و دلپذیر در گوش او فرو خوانده بود ، بنظر هیرسید که فرشته صلاح و یا کداهنی است ، از آنگونه جوانان مینمود که دختران دلپاک هیتوانند عشق و آبنده خود را با چشم بسته بدستشان بپارند . . . اختر ماه ها مقاومت کرده و بالاخره اعتراف کرده بود که دوستش میدارد ، ولی کسی که نخستین دفعه این اعتراف را شنیده بود آن جوان زیبا و محبوب نبود ، بلکه خواهرش پروین بود . . .

از آن روز دو خواهر مه ربان دانستند که در يك امر بزرگ اختلاف دارند زیرا پروین احساس کرد که خواهرش کور کورانه

چشم پزشکی = پزشکی که درد های چشم را علاج میکنند سابقا (کجبال) گفته میشد

چك = (بانك) سندی است که برات کش بدیگری میدهد تا پولی را از شخص سوم یا بانکی دریافت دارد . ممکن است شخص دوم آن سند را بدیگری واگذار کند (chèque)

چك بسته = (بانك) چکی است که بر روی آن دو خط کشیده اند و فقط بانك دیگری میتواند آن چك را دریافت کند و با شخص متفرق پرداخته نمیشود . (chèque barré)

حسابدار = کسیکه حسا بها را منظم نگاه میدارد . رئیس حسابداری . (comptable)

حسابداری = ۱ - عمل منظم نگاهداشتن حسا بها ۲ - اداره ایست که در وزارتخانه ها بحسا بها رسیدگی میکند وسابقا محاسبات نامیده میشد . این کلمه را فرهنگستان بجای (comptabilité) فرانسه اختیار نموده است مثال :

درس حسا بداری درد برستان تجارت : حسا بداری اداره كمرک
حواله کرد - پول یا چیزی که پرداخت آن به دیگری واگذار میشود . بجای (ordre) فرانسه اختیار شده است .

میگردد و این رنگ غاری است که با چند قطره اشک زایل میشود
اختر نیز چند شب پنهانی گریسته و سپس آرام شده بود . . .
از خانه بیرون نمیرفت ، محبوب خود را نمیدید ، چیزی از او نمی شنید ، کاغذ یا پاپامی از او دریافت نمیکرد ، زیرا محبوب او با امیدانست که دخترک زیبا بکجا رفته و با خیالی زود توانسته بود زنجیر عشق او را از گردن بر دارد و حلقه دیگری را در گوشش کشد . . .
ولی باز در گوشه ای از دل اختر جراحت کوچک ، خراش نا پیدائی وجود داشت . . . همیشه سوزشی از آن احساس نمیشد ، ولی هر گاه که نسیمی از دیار عشق میوزید ، دل او بایک آه کوچک حکایت میکرد که هنوز جراحتی باقی است . .

خبرگزاری = اداره ایست که خبر هارا به دست آورده و منتشر مینماید .

خرده باج (از خرده و باج) = خرده کوچک و ریز و باج مال و اسبابی باشد که پادشاهان از زیر دستان و رعایا ستانند خرده باج بجای عوارض متفرقه اختیار شده است .

خرم شهر = نام تازه ایست که به محرمه داده شده

خزانه = اداره یا جائیکه درآمدهای کشور در آن جمع و هزینه ها از آنجا پرداخته میشود (trésorerie)
خزانه دار = رئیس خزانه (trésorier) مثال : خزانه دار کشور .

خسته خانه = جائی است که پیران ناتوان و بیماران علاج ناپذیر و کودکان بی کس را در آن نگاهداری میکنند این لفظ بجای (hospice) فرانسه اختیار شده

خوار بار = خوراك - آنچه میخورند : دایره خوارباریکی از دایره های شهرداری است که بکار خوراك مردمان شهر میپردازد سابقا دایره (ارزاق) نامیده میشد مثال :

اگر مصریان را کنم کار راست شود خوار بار همه زود کاست (فردوسی)

يك شب ، یکی از آن شبها که دوخواهر صحبت میداشتند و برای آینده خود نقشه میکشیدند پروین پرسشی را که چندین ماه بود بر زبان داشت و جرات نمیکرد برب راند بیاد آورد و گفت :

- اختر چقدر خوشم میاید که می بینم کاملا عاقل هستی ! . . از روزی که تغییر منزل داده ایم تما کنون هیچگاه سخنی از آن موضوع بمیان نیآورده ای . . .

اختر ساکت ماند و سر بزیر افکند و پروین گفت :

- امیدوارم که کاملا فراموش کرده باشی -

- شاید . . .

- البته انسان ممکن است شخص را فراموش کند ، ولی اصل موضوع فراموش شدنی نیست . .

خورد = (اسم مصدر از خوردن) در فارسی عمل تغذی را گویند و این کلمه بجای (nutrition) فراسه اختیار شده است
داده = پول یاسندی که بیانگی داده میشود تا بحساب پرداختی برسد ، این کلمه بجای (remise) اختیار شده است .

دارائی = آنچه از خواسته و کالا متعلق بکسی باشد - در حسابداری سرمایه دارای دو قسمت است قسمتی از آن حساب دارائی است که بزبان فرانسه اکتیف (actif) نامیده میشود - حساب مقابل آن بدهی و اختلاف این دو حساب سرمایه اصلی تجارتخانه یا مؤسسه است .

دام پزشک = کسی است که چار پایان بیمار اهلی را معالجه میکند چه دام در فارسی بمعنی حیوانات اهلی میباشد و دامیار صیاد را گویند ؛

جهان دامیاری است نیرنگ ساز هوای دلش چینه و دام آرز (اسدی)

دام پزشک را فرهنگستان بجای (بیطار) که اصل آن از یونانی بوده اختیار نموده است

دانش جو (از دانش و جو مخفف جوینده) = شاگردی

- مقصودت از اصل موضوع چیست ؟

- موضوع محبت را میگویم . . . انسان نمیتواند فراموش کند که بالاخره باید بکنفر را دوست بدارد . . . اختر جوابی نمیکفت و گوش میداد ، بروین پس از لحظه‌ای تفکر گفت :

- ولی پیدا کردن اشخاص دوست داشتنی کار مشکلی است . . .
 - بنظر من اگر انسان بخواهد گردش و کاوش کند تا بکنفر را کاملاً مطابق سلیقه خود و دوست داشتنی پیدا کند و عاشق وی بشود یا اصلاً باید این ینبه را از گوش بدر آورد یا بر فرض اگر هم چنین کسی را بعقیده خود پیدا کند بیشتر صدمه خواهد دید و بیشتر در چاه خواهد افتاد . . .

که در مدرسه های عالی تحصیل میکند و آن نظیر (طلبه) عربی و (اتودیان etudiant) فرانسه است

دبیرخانه (مر کب از دبیر و خانه) = دبیر بمعنی نویسنده و دبیر خانه دفتری است که دبیران و نویسندگان اداره ای در آن بکار های نوشتنی می پردازند سابقا آنرا دار الانشاء یا سکر تار یا (secrétariat) می گفتند مثال : دبیر خانه گمرک

درآمد = عایدات - آنچه بکسی عاید میشود **revenus**

درخواست = خواستن چیزی - نوشته که در آن چیزی خواسته یا پیشنهاد شود (demande)

درصد = نرخ سودی که بهر صد ریال سرمایه بسته میشود

(pourcent) مثال : سرمایه شما چند در صد سود میدهد

درماندگی = حال تاجری که نمیتواند اموال خود را بپردازد. سابقا توقف گفته میشد. فرهنگستان این کلمه را بجای (faillite) اختیار نموده است.

دروغ = کسیکه اسباب و آلائنی از چوب میسازد و

عربی (نجار) گویند.

دریابان = (رجوع به نیروی دریائی شود)

پروین ابرودر هم کشید و گفت : پس چه باید کرد ؟ ..

اختر گفت : هیچ، یا انسان باید در بروی دل خود ببندد ، یا هر

کس را که دلش بستید دوست بدارد ...

- شاید دل، همه دنیا را ببستند ؟ ...

- چه ضرر دارد که انسان همه دنیا را دوست بدارد ...

- اینکه سفاقت است ، اینکه سعادت و آینده ای برای انسان

درست نمیکند ، یکنفر دختر وقتی خوشبخت است که یکنفر را

دوست بدارد و امید و آینده خود را با او بندد ... و این یکنفر

را باید با چشم باز و فکر روشن انتخاب کرد و گرنه اگر انسان

اختیار را بدست دل هوسران و بی درو بند خود بدهد روز کارش

را سیاه میکند ...

- در یادار** = (رجوع به نیروی دریائی شود)
- دریاسالار** = (رجوع به نیروی دریائی شود)
- دریافت** = فارسی (وصول و réception) است . مثال
از دریافت نامه شما خرسند شدم دریافت پول برات را بشما آگهی
می دهم .
- در یافتی** = آنچه تاجر از دیگران میگیرد (recette)
و بحساب خود میبرد . مثال در یافتی امروز ما پانصد ریال است
- دریانی** = منسوب بدریا (بحری)
- دریانیان** = کسان مربوط بدریا (بحریه)
- دریانورد** = بحر ییما (navigateur)
- دستگیری** = پیش از این (تعاون بادی) گفته میشد و آن
اداره ایست از شهرداری که به بیماران و رنجوران بینوا مساعدت
و همراهی میکند
- دست مزد** = مزدی که برای کاری بکسی دهند به عربی
(اجرت و حق الزحمه) گویند
- دست ورز** - (از دست و ورز) - کسی که کارهای
دستی میکند چه ورزیدن بمعنی حاصل و کسب است

اختر آهی کشید و گفت : ولی خواهر جان ما که زیر
دست چنان پدری بزرگ شده ایم ، ما که محصول اندرزاها و
سرمشق های درخشان او هستیم ، ما که روحمان از عفاف و
صلاح و مناعت و قناعت ساخته شده است گمان نمیکنم دل هوسران
و بی در و بندی داشته باشیم ...

بروین گفت : اصلا خواهر جان دل موجودی است که این
خاصیت ها از روز اول در آن وجود داشته است ... تربیت
خوب ، بدر خوب ، اخلاق و صفات خوب فقط پرده ای بروی
این موجود وحشی میکشد ، فقط ریسمان نازکی بدست و پای او
می بندد، آن پرده نازک با وزش نسیمی برطرف میشود و آن

دستورزی = پیشه نمودن کارهایی که با دست انجام داده میشود.

دسته = (نیروی دریائی) دو کشتی ، این کلمه به جای (section) اختیار شده و آن دو کشتی جنگی است که بفرماندهی یک نفر هستند - نظیر (هنگ) در ارتش

دستیار = معاون - یاری کننده - شاگرد - زیر دست این کلمه بجای (معاون فنی) اختیار شده

دشت میشان = نام قدیمی محلی است در خوزستان که طایفه های بنی طرف در آن ساکن شده اند و فرهنگستان آنرا بجای (بنی طرف) انتخاب کرده است

دغل = ۱ - عمل تغییر دادن متاعی برای همراه کردن خریدار (falsification) ۲ - کسیکه چیزی را برای همراهی خریدار تغییر می دهد falsificateur

دفتر - ۱ - کتاب و مجموع ورق ها بیکه دبیران نوشته دارند . ۲ - جائی که دبیران در آنجا بکارهای دفتر نویسی میپردازند - کلمه خارجی آن کابینه و بورواست . مثال : دفتر وزارتی دفتر پست

رشته با اشاره انگشتی میگسند و باز دل همان وحشی لجام کسمیخته، همان موجود هوسران و بی در و بند است . . . باین جهت باید بیشتر مواظب او بود ، نباید اختیار را بدست او داد ، نباید بدنبال او رفت . . . یادت هست پدرمان سرگذشت آن شکارچی و آن آهو را چگونه حکایت میکرد .

«شکارچی ماهر ، در میان گلهای و سبزه ها يك آهوی خوشگل دید که دو شاخ کوچک طلائی بسر داشت و از سم های او برق فرح انگیز بیرون میجست، نخواست که او را به تیر بزند یا به کمند در کشد ، فریفته اش شد ، آزادش گذاشت و بدنبالش افتاد ، تا پایان روز آهو از چمنی به چمن دیگر و از کازاری

دفترچه = دفتر کوچک (carnet)
دفتر دار = کسیکه دفتر های حساب را بدستور حسابداری مینویسد (teneur de livres) رجوع شود به (حسابدار)
دفتر داری = عمل نگاشته شدن و نوشتن حساب بموجب قواعد حسابداری (tenue de livres)
دفتر رسید = نامه هایی که از اداره ها باید برای اشخاص متفرقه فرستاده شود در دفتری ثبت شده و هنگام تحویل آن نامه ها امضائی از گیرنده یا کت گرفته میشود، این دفتر که سابقاً دفتر ارسال مراسلات مینامیدند اکنون دفتر رسید نامیده میشود .
دفتر نماینده = دفتر بست که در اداره ها خلاصه نامه های رسیده و فرستاده را در آن می نویسند ، بیشتر اند بکاتور indicateur گفته میشود

دکتر - (از کلمه فرانسه Docteur) = کسیکه بالاترین رتبه علمی را از دانشگاه میگیرد .

دلال = (بانك) کسیکه با دریافت حق معینی واسطه مابین خریدار و فروشنده میشود (courtier)
دلالی = عمل دلال (courtage)

بگلزار زیبایاری رفت ، صیاد غافل را بدنبال خود کشید ولی ناگهان صیاد بخود آمد و دید شب در رسیده آهونمایان نیست او دوازده چمن و گلستان در لجن زاری فرو رفته از هیچ سوراخی بجاده نجات ندارد . . . » یادت هست خواهر جان پدرم میگفت این سرگذشت کسی است که بدنبال دل خود برود ، در پی هواهای دلفریب خود راه بسپارد ، فریفته گلهای و گلستانها و زیباییها و خوشیهای نخستین آن گردد ، تا روز روشن و آفتاب درخشان بر جاست دیوانه وار و کور کورانه ، شادی کنان و خنده زنان برود در آغاز شب ناگهان خود را در گرداب بلا ، در لجن زار بدبختی مشاهده کند . . .
 اختر حرف او را قطع کرد و گفت : خواهر جان من که تصمیم

- دم** = علاوه بر معنیهای دیگر در فارسی بمعنی نفس است .
دم زدن = تنفس کردن
دم فرو بردن = فرو بردن هوا در ریه که به عربی -
 (شهبق) میگویند
دم بر آوردن = بر آوردن هوا از ریه که به عربی (زفیر)
 میگویند
دنده = هر استخوان کوچک را بفارسی دنده می نامند -
 استخوانهای پهلو را که به عربی (ضلع) نامیده میشود دنده میگویند .
دوفلزی = (بانك) قرار دادن واحد پول بر اساس دوفلز
 یعنی طلا و نقره (bimétallisme)
دیداری = چیزی که در هنگام دیدن باید انجام گیرد - سند
 دیداری سندی است که در هنگام دیدن باید پول آن پرداخته شود .
 (عندالرؤیه) (à vue)
دیر کرد = عمل عقب افتادن - تاخیر . بجای (retard)
 اختیار شده است .
 مثال : چك شما هفت روز دیر کرد دارد یعنی هفت روز از هنگام در
 یافت آن گذشته است

گرفته ام نه بادل و نه با کار دل کاری نداشته باشم ، اگر روزی
 پس از آنکه توسر و سامانی پیدا کردی برای من نیز زندگانی
 مناسبی فراهم آید باعاطفه‌ای که خواه و ناخواه در آن زندگانی
 ایجاد خواهد شد خواهم ساخت ، و روز کار بسر خواهم برد ...
 عشق و محبت با اسم قشنگ و دل‌فریب و مفهوم شیرین و خوش آیندی
 که دارد موجودی دل آزار است ، من خوشی‌های او را به سختی‌هایش
 میبخشم و کاری به کارش ندارم . . .

یروین لبخندی پر مرارت بزد و گفت : تازه میخواستی با من هم
 عقیده شوی ؟ . . .

اختر گفت : نه ، باز هم با عقیده‌ی تو مخالفم . تو از یکطرف معتقدی

راه‌نمائی و رانندگی = سابقا (شعبهٔ تامين وسایل عبور وسایط نقلیه) نامیده میشد که یکی از قسمتهای اداره شهر بانی است
رزم‌ناو (مرکب از رزم و ناو) = بجای (Croiseur)
 فرانسه اختیار شده و آن کشتی تند روی است که مواظب حرکت کشتی های دشمن است و ناگهان بر کشتی های جنگی یا تجارتي دشمن حمله میکند و ممکن است از اقامتگاه دائمی خود نیز بسیار دور رود
رژه = بجای کلمه فرانسه (defilé) اختیار شده

رژه رفتن = دفايه رفتن

رسته = دکانهای بازار که در يك صف واقع است

چنانکه جمال‌الدین سامان گوید :

در رستهٔ جمال تو هر دل که عاشق است

جانى سبک نظر دهد و رایگان دهد

صف انسان را نیز گفته‌اند چنانکه فاریابی گوید :

بصاعت سخن خویش بینم از خواری

بسان آینهٔ چین میان رستهٔ زنگ

فرهنگستان مقرر داشته است که این کلمه بجای (صنف) بکار رود

مثال : رستهٔ آهنگران - رستهٔ کفشدوزان

که عشق و محبت لازمست و باید در جستجوی عشق بود و از طرف دیگر همه دنیا را بد و ناشایسته میدانی . نمیدانم چگونه ممکن است که میان این دو عقیده راجع کرد و تو چگونه موفق خواهی شد زندگانی رضایت بخشی موافق میل خویشتن برای خود فراهم کنی ولی من دیگر اسلا به کار دل و عشق کاری ندارم . . . اصلا میخواهم جوانی ندیده، پیر باشم . . . میخواهم مانند زنی سی‌چهل ساله باشم که بیوند خود را با عشق گسسته و بازندگانی آرام و بیسر و صدائی بیوسته است . . . پس از آنکه تو بسعادت خود رسیدی اولین کسی را که بخواستکاری من آید و ظاهرا مناسب باشد خواهم پذیرفت ، با او زندگی خواهم کرد و به نیروی قناعت و سلامت

رسدبان = پایه و ریشه بانی - نظیر ستوان ارتش
رسید - نوشته ای که رسیدن و در یافت کردن چیزی را معاموم
 میکند (*récépissé*) بجای قبض رسید اختیار شده است
رسیدگی = بجای (*vérification*) اختیار شده رسیدن و
 رسیدگی کردن فعل آنست (*vérifier*) مثال : حساب فلان را
 رسیدگی کنید - چون حساب فلان را رسیدند هزار ریال کم بود داشت
رسیده = وارد نامه هائی که میرسد مثال : نامه های رسیده
 بجای مراسلات وارده

رفتگر = کسی که بکار رفتن کوچه میبرد دازد (ماهور تنظیم)
رفت وروب = عمل پاک کردن - در شهر داری نام دایره ایست
 که بکار رفتن و صاف کردن کوچه ها و خیابانها میبرد دازد .
 (دایره تنظیم و تسطیح)

رو = کاغذ سند دو طرف دارد طرفی که نوشته سند بر آن
 است رو (*recto*) و مقابل آن (پشت) است که برعبری ظهر و
 برانسه (*verso*) میگویند

روزنامه - (بانك) دفتری است که خرید و فروش های روزانه
 را بطریق معینی در آن مینویسند . (*journal*)

نفس خود خواهم کوشید که موافقتی بین او و خود فراهم کنم . .
 یروین با تعجب نظری به خواهر خود افکند ؛ او را دید بالا تر
 از سن خود سخن میگوید . . .

آری ، این چنین بود ، ولی یروین در خواهر خود فقط يك
 چیز را نمیدید و آن جراحتی بود که دختر زیبا در دل داشت و که
 و بیگانه سوزشی از همان احساس میشد . . .

*
 *

. . . ماهها بگذشت ، و بارها اینگونه گفت و شنود بین دو
 خواهر تجدید شد بدون آنکه در روحیه و منطق و عقیده آنها
 تغییری روی دهد . . . اختر خا کستر سازش و قناعت را بیشتر بر

رونوشت = نوشته‌ای که از روی نوشته دیگر نویسد (copie)
رونویس = کسی که از روی نوشته‌ای نوشته دیگر مینویسد
ریز حساب = صورت جزء حساب (décumpte)
زایچه = (مر کب از زای وچه) احکام طالع مولود - فرهنگستان
 این کلمه را بجای (ورقه ولادت) اختیار نموده و آن ورقه ایست
 که در هنگام ولادت کودک نوشته میشود و اداره آمار از روی آن
 ورقه شناسنامه را تهیه میکند

زر = فاز قیمتی - طلا

زردپی = نام فارسی رباط یعنی رشته‌های زردی است که دو
 استخوان را بهم متصل میکند (بفرانسه tendon گویند)
زرددار (مر کب از زره و دار مخفف دارنده) = کشتی است
 که از صفحه‌های محکم آهنی پوشیده شده و گلوله‌های دشمن بدان
 اثری نمیکند. بفرانسه آنرا (cuirassé) میگویند

زرینه‌رود = نام رودی است که از کوه‌های کردستان فرود
 آمده بدریاچه رضائیة میریزد و پیش تر از این (جغتوچای) گفته میشود
زمین‌پیما = (از زمین و پیما مخفف پیما بنده) - پیمودن بمعنی
 اندازه گرفتن و زمین پیما اندازه گیرنده زمین است بر بی مساح گویند

سر اخگر عشق خود میریخت و بروین در جستجوی عشق و دلباختگی،
 در جستجوی خوشی‌ها و لذات بهار جوانی یا فشار تر بود ولی هر
 روز عصائی ضخم‌تر از بدبینی بدست میگرفت . . .

بروین زیبا بود، روز بروز هم زیباتر میشد، از آنگونه دختران
 بود که همه چشمها را بسوی خود خیره میکنند، مثل آن بود که
 چهره اش برق و درخشندگی مخصوصی دارد و آن برق چشم هر
 کس را میزند . . . البته اختر نیز زیبا بود ولی خاق و روش
 مخصوص او بر چهره اش بگونه تیرگی، بگونه رنگ پیری بخشیده
 بود؛ با آنکه کوچکتر از بروین بود هر کس او را میدید نمیتوانست
 بگوید دوشیزه ایست که میتوان دل باو سپرد و دوستش داشت و در

زندان = جایی که مجکومین و جنایتکاران رادر آن نگاه می دارند (محبس)

زندان بان = مستحفظ زندان

زندانی = کسی که در زندان نگاهداشته شده (محبوس)
 کلمه فرانسه نظیر آن (prisonnier) است که در آن زبان دو معنی دارد یکی کسی که در زندان است و دیگر کسی که در جنگ گرفتار میشود و بر بی اورا (اسیر) میگویند - زندانی رافرهنکستان فقط برای معنی اول اختیار کرده و اگر در معنی دوم بکار رود غلط است چنانکه پس از تصویب این کلمه مترجمان روزنامه‌ها هر جا کلمه (prisonnier) دیده اند به زندانی ترجمه کرده اند مثلاً نوشته اند (سربازان دولتی یا نصد تن زندانی گرفتند) در صورتیکه باید بنویسند (یا نصد تن را اسیر کردند)

زیان = نقصان و ضرر (perte) مقابل سود

زیر دریائی (از زیر و دریائی) = آنچه در زیر آب دریاست کشتی کوچک جنگی است که میتواند در زیر آب حرکت کند و در زیر کشتی های دشمن از در بگذارد

این کلمه را فرهنکستان بجای (sous-marin) اختیار نموده

آغوشش بهره از خوشیها و کامروائیهای زندگانی برد، بلکه میبیداشت فرشته ایست که باید با ادب و احترام فقط یک نظر بر او افکند، در مقابش سرفروود آورد و بسرعت از پیش رویش دور شد...
 پروین با آنکه از همه کس متنفر بود جاذبه ای داشت که همه را پیش میخواند و اختر با آنکه همه را نیک میسرمد خاصیتی داشت که همه را بدور شدن و امیداشت...

غالباً باتفاق از خانه بیرون میرفتند و عشق و احترام در پیرامون خود میگسترده، درین گونه مواقع بینندگان فقط با نگاه و لبخند شیفتگی خود را به پروین مینمودند و چون اختر را با او میدیدند جرئت نمیکردند نزدیکتر آیند و کلامی بر زبان

وقبل از این (تحت العجری) نامیده میشد

ساختمان = معماری (شهرداری)

سپارنده = کسی که می سپارد (ودیعه دهنده) *déposant*

سپردن = گذاشتن چیزی در جایی تا مدت معینی . (بهر بی ودیعه)

déposer

سپرده = چیزی که در جایی گذاشته شده (*dépôt*)

مثال : فلان در بانک دوهزار ریال سپرده دارد : کسانی که میخواهند

در این معامله داخل شوند باید سه هزار ریال سپرده بگذارند

سر آبیاری = کسی است که چند آبیاری زبر دست او هستند

سر بهر یا بهر شهر بانی نظیر سروان ارتش (رجوع به شهر بانی

شود)

سر پاس = یا بهر شهر بانی - نظیر سر تیپ ارتش (رجوع

بشهر بانی شود)

سر پاسبان = یا بهر شهر بانی - مانند گروه بان ارتش

(رجوع بشهر بانی شود) .

سر رسید = هنگام پرداخت پول سند . (*échéance*)

سر رسید نامه = دفتری است که سر رسید سند ها را معین

میکند *échéancier*

رانند ، ولی هر گاه که پروین بننهائی پای از خانه بیرون می-

گذاشت از صد زبان هزاران حکایت از عشق و دلباختگی می-

شنید و باز چون بخانه باز میگشت نهی دست تر و بی نصیب تر

از همیشه بود ... زیرا همه کس ، هر شکل و صورت ، هر سن

و هر وضع که داشت و با هر زبان که سخن میگفت ، موحش

و نفرت انگیز بنظر او جاوه میکرد ، کسی را نمی یافت که

لایق دوست داشتن باشد ، چهره ای نمی دید که نورصلاح در

آن بدرخشد ، کلامی نمیشنید که بوی حقیقت از آن بمشامش رسد ...

... ولی يك روز ... یکی از روزهای با صفای بهار که

پرندگان خوش صدا بیشتر نغمه سرائی میکردند و پروانه های

سرکلانتری = اداره ایست در شهر بانی برای نگاهداری
انتظام عمومی که سابقاً آنرا (اداره پلیس) می‌گفتند

سرمایه = فرهنگستان این کلمه را بجای (capital) فرانسه
اختیار نموده و آن تمام متاع یا پولی است که برای تجارت گذاشته
می‌شود .

سرمایه‌دار = کسی که دارای سرمایه زیاد است capitaliste
سرفاوی = سر جوخه در بانی (رجوع شود به نیروی دریائی)
سند = ۱ - نوشته ایست که مطابقی را ثابت میکند acte
۲ = (بانك) نوشته‌ای که وام یا طلبی را معین مینماید (effet)
مثال : چك سند تجارتنی است . سند خرید خانه من پیش شماست
سفته = سندی است که بواسطه آن بکنفر از شخص دیگری در
خواست می‌کند که پولی را بشخص سوم بپردازد (فته طلب
(lettre de change

سفته بازی = (بانك) خرید و فروش سندهای تجارتنی و ورقهای
بهادار بقصد استفاده زیاد و بکار بردن وسایلی که دارندگان سندها
را فریب دهد که ارزانتر از قیمت حقیقی بفروشند (agiotage)
سفیدرود = نام رود بزرگی است که از کردستان سرچشمه

زیبا در شماع آفتاب بهتر میرقصیدند ، پروین هنگامی که بخانه
باز میگشت سرخی مخصوصی بر گونه ها داشت و فشار دل پذیری
در قاب خود احساس میکرد ، زیرا آنروز کسی را که لایق
دوست داشتن باشد یافته و دل از دست داده بود ...

چه منظر دلنشین و مؤثری ! ... هرگز فراموش نخواهد
کرد .. چه جوان زیبایی ... از چشمان فتانش قطرات اشک
بر گونه میغلطید و لبانش لبخندی چنان شیرین و دلشکاف میزد ! ..
... پروین دل باخته بود و راز دل باختگی او را اختر زودتر
از همه کس آگاه شد

همان شب اختر در بابان صحبت شبانه خواهرش که با هر شب

گرفته پس از گذشتن از جنوب آذربایجان از دره رودبار و اتصال به شاهرود بدریای مازندران میریزد سابقاً قسمت بالای آنرا قبل از رسیدن بشاهرود (قزل اوزن) مینامیدند - فرهنگستان مقرر داشت که تمام رود را سفید رود بنامند

سنگتراش = کسی که سنگ می تراشد (بعبری حجار)
سنگ و اندازه و نرخ = بجای (اوزان و قیاسها و نرخ)
 اختیار شده و در شهرداری شعبه ای بدین نام است .
سود = ۱ - فارسی نفع است . این کلمه را فرهنگستان بجای intérêt اختیار نموده است .

مثال : سرمایه من با سود صدی پنج بیانک داده شده
 ۲ - بجای منفعت حاصل از تجارت نیز بکار برده میشود
 مثال : سود من از این خرید دو بیست ریال است لغت فرانسه معادل آن (profit) و لغت مقابل آن زبان است (bénéfice)
سودناویژه = نفع غیر خالص

سود ویژه = نفع خالص
سودوزیان = نفع و ضرر - سوزیان مخفف آنست
سوسن گرد = نام قدیمی شهر بست در خوزستان که مدتی بنام

خود فرق بسیار داشت میگفت : خواهر جان ، خدا کند که آن اشکهای درخشان و آن لبخند شیرین دام هولناک شیطان نباشد .
 - نه اختر خاطر جمع باش ، دل من اشتباه نمیکند ... اگر تو اورا ببینی فوراً تصدیق خواهی کرد که بظانرفته ام ...
 دخترک شیرین با آنهمه دقت و بد بینی بالاخره بیک نگاه دل باخته بود ...

خسرو زیبا سه چهار روز بود که در تعقیب خوشگذرانیهای خود از شهر بدور بود . در یکی از زیبا ترین باغهای بیلاقی که درختانش تازه برک آورده و گیاهانش تازه به گل نشسته بود چهار روز و

خفاجیه خوانده شد و فرهنگستان همان نام قدیمی را از نو برای همان شهر اختیار کرد - سابقاً این شهر بواسطهٔ پارچه‌های سوزن زده خود مشهور بود

سیاه‌چمن = نام فارسی قراچمن است که رودی به‌این اسم از آن گذشته بسفیدرود میریزد .

سیاهه = صورت ریزجنسهای خریده‌شده با پولهای پرداختی یا دریافتی که از طرف خریدار یا فروشنده تهیه میشود (صورت حساب) (facture)

شادگان = نام قدیمی شهر بست در خوزستان که مدتی آنرا فلاحیه می‌خواندند فرهنگستان همان نام قدیمی را مجدداً برای همان شهر اختیار نمود .

شاهین‌دژ = ام شهر بست در جنوب دریاچه رضائیه که بیشتر آنرا صایقه‌قلعه می‌گفتند .

شفاخانه = اداره ایست که به بهداشت شاگردان مدرسه‌ها رسیدگی و بیماران را علاج مینماید سابقاً پست‌صحی امدادی مدارس (گفته میشود)

شمش = قطعه فاز که هنوز چیزی با آن ساخته نشده و معمولاً

سه شب باجمعی از دوستان خوش گذران در کنار یکدیگر ماه‌روی شکر خنده به شادکامی گذرانیده بود ...

در پایان روز چهارم هنگامی که ازین خوشگذرانی طولانی بسوی شهر باز میگشت احساس میکرد که دلش بی اندازه برای مادرش تنگ شده و با خود میگفت همینکه بخانه برسم خود را در آغوشش خواهم افکند ، هزاران بوسه بر دست و پا و روی و مویش خواهم زد

مخصوصاً هر گاه که دیو شهوتش سیراب میگشت فرشتهٔ عشقش بیدار میشد و او را بر زنان بسوی مادرش میکشید و ایندفعه چون خوشگذرانیش بیش از همیشه طول کشیده و بیشتر از هر وقت از

بشکل میله دراز یا مکعب است . (lingot)

شناسنامه = ورقه ایست که از اداره آمار و ثبت احوال بهر شخصی داده میشود و از روی آن ورقه آن کس را میشناسند . سابقا ورقه هویت نامیده میشد

شهر = آبادی بزرگ دارای خانهها و عمارتها و خیابانها و کوچه ها و میدانها و جمعیت بسیار است (بعبقربلی بلد)

شهربانی اداره ایست که در کشورها بحفظ انتظام عمومی می پردازد فرهنگستان این کلمه را بعبقربلی (نظمیة) اختیار نموده است . بایه و ران شهر بانی چنانکه در فرهنگستان پذیرفته شده دارای نامهای ذیل هستند

یاسبان = آزان - سر یاسبان سه - گروهبان سه - سر یاسبان دو = گروهبان دو - سر یاسبان یک - گروهبان یک - رسد بان سه = ستوان سه - رسد بان دو - ستوان دو - رسد بان یک - ستوان یک - سر بهر - سروان - یاور - سر کرد - یاسیار دو = سرهنگ دو - یاسیار یک - سرهنگ یک - سر پاس - سرتیپ

شهر دار - رئیس شهرداری (رئیس بادیه)

مادرش بدورمانند بود بی تاب و بی طاقت و دیوانه وار به خانه میرفت . . . وقتی که بنزدیک خانه رسید دلش میارزید ، احساس می کرد که تا دستش بزنگ در برسد در باز خواهد شد و مادرش با آن خنده شیرین و پر محبت آغوش برویش خواهد کشود ، ولی بزودی به تحیری سخت دچار شد زیرا چند بار زنگ بزد و صدائی بگوشش نرسید . . .

چند بار دیگر بروی تکه زنگ فشار آورد تا بالاخره کلفت خانه آهسته آهسته بیامد و در را بگشود .

خسرو قدم بدرون دالان تاریک خانه بنها دو گفت :

- خاور ، چرا چراغها را روشن نکرده ای . . خانم بیرون رفته اند ؟ . .

شهرداری = اداره ایست که در شهرها بکار ساختمانها و پاکیزگی کوچه ها و خیابانهای شهر رسیدگی میکند (سابقا بلدیة گفته میشد)

شیر خوارگاه = جائیست که از طرف شهرداری کودکان شیر خوار را در آن نگاهداری میکنند (دار الرضاعة)

صرف = (بانك) اختلاف ما بین قیمت واقعی پول و قیمتی که در بازار خرید و فروش میشود (agio)

صندوق = جعبه چوبی یا فازی برای نگاهداشتن یا بردن کالا از جائی بجای دیگر (در اصطلاح بانك) - محلی که پولهای پرداختی را بدیگران داده وبولهای دریافتی را میگیرد (caisse)

صندوقدار = کسی که در اداره ها و در بانکها پول را دریافت یا پرداخت مینماید (caissier)

طلبکار = کسی که پول یا متاعی ازدیگری باید باو برسد (créancier)

فرسودگی - ضایع شدن و کهنه شدن اسباب است بقسمی که از آن توان دیگر استفاده نمود - سابقا آنرا (اسقاط) میگفتند

فرستاده - صادر که اصلا بمعنی بیرون رونده است به جای

- خیر آقا ، در خانه هستند ...

- عجب ! ... پس چطور ؟ ..

زن خدمتکار باصدائی آهسته تر گفت : آقا ، دوروز است خانم

ناخوش است ...

- ناخوش ! . ناخوش ! . برای چه ؟ ..

این خبر در او اثری موحش بخشید ، دیوانه وار و دوان دوان بسوی اطاق مادرش رفت ، در باز بود ، در بالای اطاق در روشنائی خفیف يك چراغ ، مادرش بروی تختخواب افتاده ، رنگش بی اندازه زردگونه هایش فرورفته وچشمانش فرو بسته بود ...

خسرو با شتاب بسیار نزدیک رفت ، دست مادرش را بگرفت

فرستاده شده استعمال میشود فرهنگستان مقرر داشته است که بجای (صادر) فرستاده گفته شود مثال: نامه های فرستاده به جای (مراسلات صادره)

فزونى = مبالغه یا بولیکه زیاد تر از ارزش متاع است (هازاد) (excédent)

فهرست = این کلمه بجای (repertoire) فرانسه اختیار شده و آن جدول و یا دفتری است که عنوان مطلب های کتابی را در آن نوشته و بشماره صفحه که شرح مطلب را در آن داده اند رجوع شده است

قیاننداری = مالیاتی است که از بابت قیان کردن کالا به شهرداری پرداخته میشود (باج قیان)

قرارداد = نوشته ایست که هابین دو یا چند نفر رد و بدل میشود و هر يك از آنها انجام کاری را برعهده میگیرند contrat

کار آگاه = پلیس مخفی - بجای détective اختیار شده

کارپرداز = رئیس کار بردازی (رئیس مباشرت یاامزومات)

کارپردازی = اداره ایست که لوازم کار و اثاثیه وزارتخانه و مؤسسه ای را تهیه میکند - بیشتر آن را (مباشرت و اعازومات) می گرفتند.

و بلافاصله با وحشت بسیار رها کرد، زیرا این دست بسر دی بخر بود... با دقت به چهره زن بیمار نگریست... دندانهای او بهم فشرده بود، از وسط دلب پریده رنگ و منقبضش نفسی کوتاه و سنگین بیرون میامد... جز این نشانه ای از حیات نداشت... چهره او که پیش ازین از زیبایی بهشتی بهره مند بود وضع دوزخی بخود گرفته بود... خسرو دیوانه وار با طرف نگریست، دریا بین اطاق يك پرستار که از آشنایان بود ایستاده کارهای خود را انجام میداد و از زیر چشم باناثر بخسرو مینگریست...

خسرو بسوی او رفت، دودستش را بگرفت و گفت:

- مادرم چه شده است؟ چرا اینطور است؟... مگر چه پیش آمده؟...

کارکنان = تمام کسانیکه در وزارت خانه بکار مشغولند
کارگزار = (بانك) کسی که کار های بانك را در شهر
 دیگر انجام میدهد (correspondant)
کارگزاری = مؤسسه هائی است که معامله های اشخاص
 را بر عهده گرفته برای خرید و فروش خانه یا سایر راهنمایی ها
 مزدی گرفته و کاری انجام میدهند

کارگزین = رئیس کارگزینی
کارگزینی (از کار و گزیدن) = اداره ایست که در
 وزارت خانه بکار اعضاء رسیدگی کرده شغل آن ها را معین و
 تغییر ماموریت آنها را مطابق اطلاعات و شایستگی هر يك
 تعیین مینماید (سابقا استخدام و پرسنل نامیده میشد)

کالا = مال التجاره و متاع و لباس و اسباب خانه است .
 حکیم سنائی گوید :

تو علم آموختی از حرص اکنون ترس کاندر شب
 چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا

کرجی = قایق یارویی یا دارای موتور
کرو = کرجی که با باد حرکت میکند

- برروز ناگهان اینطور شد ؟ . .

- چرا ؟ چرا ؟

- نمیدانم ، من که اینجا نبودم ، بعد شنیدم که ناگهان فریاد
 کشیده ، مدتی مثل مار گزیده بخود پیچیده و بعد به این حالت
 افتاده است ! . . .

- وای ! . . پس سکنه کرده ، طبیب ، د کتر ؟ . . .

- چندین د کتر تا اکنون آمده اند ، صد ها سوزن زده اند . . .
 نمی بینید اطاق مثل دواخانه شده است . . . ولی فایده نبخشیده ، نه
 بهتر شده است نه بد تر ، چند دقیقه پیش د کتر اینجا بود ، رفت
 که با چند طبیب دیگر برگردد . . .

کشتارگاه = جایی است که در آن حیوانات را کشته و گوشت آنها را بمصرف خوراک شهر می‌رسانند (بهر بی مساخ گویند)
کلانتر = رئیس کلانتری (commissaire)
کلانتر هرز = کمیسر سرحدی - کلانتری که بکارهای مرز رسیدگی مینماید

کلانتری = شعبه ای از شهربانی که بکار تنظیم بخشی از

شهر می‌پردازد (commissariat)

کمبود = چیزی یا پولی که در هنگام تراز کردن حساب یا پرداخت وام کم می آید. مثال: کمبود صندوق: کمبود کالا
کوچه (از کو و چه علامت تصغیر) - راه کوچک و باریک
کوره پز (از کوره و پختن) = کسیکه آجر و آهک و کچ می‌سازد سابقاً (فخار) گفته میشد

کوی = گذر و محله - فرهنگستان این کلمه را بجای محله اختیار نموده است. مثال: این شهر دوازده کوی دارد

گاو صندوق = صندوق بزرگ آهنی را گویند (coffre-fort)
گداز (از گداختن) = آب کردن چیزی است و بهر بی
 (ذوبان) می‌گویند (fusion)

خسرو با دو دست چنگک در موها زده چهره خود را به ناخن می‌خراشید، چند دقیقه در طول و عرض اطاق قدم زد، چند دفعه بی‌الین مادر باز کشته، دست، چهره، قاب او را امتحان کرد و بالاخره بدون اینکه کلاه خود را بردارد، بدون اینکه هوی خود را مرتب کند بطرف در روانه شد و گفت: بروم، دکتر «آ...» را بیاورم... او بهتر از همه است، با من هم آشناست...
 ... یکساعت بعد دکتر آ... و چند پزشک دیگر داخلی و خارجی در تعقیب معاینه ای دقیق و امتحاناتی دانشمندان، این دو سطر را در صورت مجاس مشاوره خود نگاشتند:
 «... عرض او سگته است که در تعقیب یک سیقیایس قدیمی

گزارش = غیر از معنی های بسیار که برای آن نوشته شده شرح و تفسیر چیزی گفتن و ادا کردن سخن است - این کلمه بجای راپرت rapport فرانسه که در نوشته های اداری معمول شده بود انتخاب گردیده است .

گذر = محل عبور کردن و گذشتن - بجای (معبر) اختیار شده
گذرنامه = نوشته ایست که برای گذشتن و مسافرت از شهر بانی یا اداره دیگری بکسی داده میشود - فرهنگستان این کلمه را بجای (تذکره) و (پاسپورت) اختیار نموده

گرانبها = چیزی که ارزش و بهای زیاد دارد précieux (نفیس، قیمتی) مثال : طلا و نقره دو فاز گرانبها هستند .
گردش = بهر بی جریان گویند = در اصطلاح بانگی بجای (circulation) اختیار شده است

گردش خون - بجای (دوران دم) که در کتابهای علمی اصطلاح شده بود اختیار شده است

گرمابه = نام فارسی حمام است

گرو - چیزی که مقابل در یافت پول از کسی نزد او گذاشته میشود که هر گاه پول را رد کند آن چیز را بگیرد (وثیقه)
 روی داده، علاج پذیر بنظر نمیرسد و با يك حماة دیگر کار مریض را خواهد ساخت ... ،

این صورت مجلس را خسرو ندید ولی دومین حماة مرض روز دیگر هنگام سیمیده دم در رسید و مادر خسرو را باهماة عشقی که پسرش بوی داشت در ربود ...

خسرو خود را بروی جسد مادر افکند ، ساعتی بی حرکت ماند نخستین اشکهای خود را بر آن جسد بیجان فرو ریخت و چون آشنایان برای انجام مراسم جمع شدند و خسرو سراز روی سینه مادر برداشت ، چهره اش شکل دیگر بخود گرفته ، در چشمانش برق مخصوصی میدرخشید ...

گشتی = دسته‌ای از نگهبانان که باید مسافت معینی را نگهبانی کنند و پیوسته در آن مسافت حرکت میکنند این کلمه بجای *patrouille* فرانسه اختیار شده است .

گوارش = نام فارسی عمل هضم است . ترکیبانی را هم که برای زود گذراندن غذا میسازند گوارش گویند (جوارش) معرب آن است

گواهی نامه (مرکب از گواهی و نامه) = گواهی بمعنی شهادت و تصدیق است و نامه بمعنی کتاب و فرمان و مکتوب - فرهنگستان گواهی نامه را بجای تصدیق نامه و شهادت نامه (certificat) اختیار نموده

مثال : فلان از مدرسهٔ فلاحت گواهی نامه گرفته است .

گوشت فروشی = بهربی (قصاب) گویند

ماما = فارسی (قابله) است

مانده - تفاوت جمع دریافتی و یرداختی يك تجارخانه (solde) مانده بدهکار هنگامی است که دریافتی پیش از یرداختی باشد و مانده بستانکار هنگامی که یرداختی بر در یافتی فزونی دارد

ماهپچه = نام فارسی عضله است و چون اغلب عضله‌ها دارای

خسرو تغییر یافته بود ، تغییری عجیب و موحش ، تغییری که کرک درنده ای را به شیطان موحشی تبدیل کند ، تغییر ناگهانی و خطرناکی که سمنک سیاهی را به آتش هولناکی تبدیل سازد . از وجودی چنان ناپاک و شریر یگانه فضیلتی که داشت رخت بر بسته بود ، در ساختمان از جز یک خوبی ، یک حقیقت ، یک عشق واقعی یعنی عشق مادر وجود نداشت و آن نیز بامرک مادر نابود شده بود . . .

حالا دیگر زندگانی برای او صورت دیگر داشت و نگاه او امروز و آینده را طور دیگر مینگرست . . . در اطاق دیگر ، خیلی دور تر از اطاقی که جسد مادرش در آن آمادهٔ حرکت بود

دوسر باریک و شبیه ب ماهی کوچکی هستند ماهیچه نامیده میشوند
 هزینه - این کلمه بجای (مخارج) یعنی خرجها اختیار شده
 خاقانی گوید . بدخل و خرج دلم بین بدان درست که هست
 خراج هر دو جهان يك شبه هزینه من

کمال اسمعیل گوید

کردم هزینه در ره مدح تو نقد عمر

و ر اند کی بمانده از آن هم برای تست

ابوالفرج رونی گوید

همه عالم عیال جود و بند او دهد شان هزینه و کابین

هنر پیشگان = بجای ارباب صنایع ظرفه اختیار شده و بفرانسه

آنرا (artiste) گویند

هم ارز = دو چیز که ارزش آنها برابر یکدیگر باشد .

(équivalent)

هم ارزی = برابری ارزش دو چیز (équivalence)

همچشمی = عمل رقابت میان دو کس - رقابت مابین دو تا جر

پشت میز نشسته ، پیشانی خود را بدست تکیه داده و فکر میکرد ...
 دیگر اشک نمی ریخت ، آه نمیکشید ، سوزشی دردل خود
 احساس نمیکرد و فقط دل و جان خود را مملو از کینه ای موخس
 و آتشین میدید ... فقدان این عشق یکدنیا بغض و عداوت در وجود
 او جای داده بود ... بجای آنکه درمرک ما درس سوگوار باشد
 و ناله کند همچون جانور زخم خورده میگریه و زیر لب این جمله
 را تکرار میکرد :

«پس از این آتش خواهم افروخت ، هر کس و هر چیز را که
 بدستم رسد خواهم سوخت ، از این دنیای زشت و روزگار جنایت
 کار که مادر مرا از دستم گرفته است انتقام خواهم کشید ...»

... مدتی بود که آفتاب طلوع کرده بود ... سرخ گلهای
 حیاط باز شده عطری دلفریب در همه جا گسترده بود ، گنجشکها

concurrency

هویره = نام فارسی حویزه و آن محلی است در خوزستان در کنار رود کرخه

یاد آوری = در زبان فرانسه rappel یاد آوری بطرف مکانبه است برای زود فرستادن جواب و انجام کار و گاهی نیز بجای آن تذکاربه استعمال میشود در فرهنگستان مقرر شد که یاد آوری گفته شود .

مثال : وزیر گفت بر رئیس اداره ساختمان در جواب دادن بفلان نامه یاد آوری کنید یا یاد آوری بفرستید .

یادداشت دریافت = یادداشتی است که در هنگام دریافت پولی از طرف بانک برای مشتری فرستاده میشود (note de crédit)

یادداشت پرداخت = یادداشتی است که در هنگام پرداخت پولی از طرف بانک برای مشتری فرستاده میشود (note de débit)

یاور = یابهور شهر بابل - نظیر سرگرد در ارتش
یکتی کردن = بجای لفظ فرانسه (unifier) اختیار شده

روی چند درخت کوچک حیاط جست و خیز و جیک جیک میکردند بهار با همه زیبایی خود میدرخشید و در همین لحظه يك عده زن و مرد نابوتی را از اطاق بیرون آورده بسوی در میبردند . . . شیون و فریادی در کار نبود ، زن سیه روز کسی را نداشت که برای او اشک بریزد . . . خدمتکار خانه شب پیش ، هنگامی که خانمش در کبیر و دار جان کندن بود مقداری بول و جواهر او را دزدیده و گریخته بود ، زن پرستار اجرت خود را گرفته و پی کار خود رفته بود . . . خسرو که مادرش با همه عشق و مهر بانی از دستش بدر رفته بود ، به جنازه بیجان او اهمیت نمیداد و احترامی برای آن قائل نبود؛ او دیگر از آدمیت استعفا کرده و مراسم آنرا نیز خوار می شمرد . . . جانوری بود که به جسد بیجان هم نوع خود با بی اعتنائی مینگریست . . . در آن موقع در اطاق خود قدم میزد و ندان از غیظ بهم میفشرد . . .

لغات پیشاهنگی

لغت اجنبی	لغت نو
Scout troop	رسد پیشاهنگی
Scout master	سر رسد
Assistant scout master	رسد یار
Ptrot	جوخه
Ptrot leader	سر جوخه
Assistant patrol leader	جوخه یار
Quarter master	کار پرداز
Scribe	نویسنده
Bugler	شبیور زن
Troop committee	سرپرستان رسد
Troop officers	پایوران پیشاهنگی

یکی از اشنایان که در اجرای مراسم حضور داشت ، هنگامی که جنازه از در بیرون میرفت اورا صدا زد و گفت :
 .. مادرت رفت ، دیگر با او کاری نداری ؟ ..

این کلام که بیش از غم و تاتر ، شوخی و تمسخر در آن وجود داشت خسرو را بخود آورد ، يك لحظه دیگر بیاد مادرش ، بیاد زیبایی و لطف او ، بیاد عشق و علاقه او افتاد ، يك لحظه دیگر برقی از انوار انسانیت در دلش بدرخشید ، فشاری در قلب خود احساس کرد ، بطرف کوچه براه افتاد ، یاد مادر در قلبش بود و سیمای او در نظرش مجسم شده بود و اینها همه چند قطره اشک بر چشمان او راه داد . . .

وقتی بکوچه رسید چند تانیه بود که اتوموبیل حامل جنازه دور شده بود . . خسرو يك لحظه بایستاد و سپس برای فرار از نگاه های کنجکاو اهل محل بطرفی براه افتاد ، در خم خیابان بسوی دیگر

Scouters	پیوستگان
Chef scout executive	مدیر فنی
Assistant scout executive	معاون فنی
Local headquarter	سرپیشاهنگی
Local council	انجمن پیشاهنگی
National council	انجمن پیشاهنگی ایران
Troop council	شورای رسد
Tender foot	نو آموز
Court of honor	دیوان پاداش
Senior patrol leader	رهنمون
Scout commissioner	رهبر پیشاهنگی
Merit badge	نشانه هنر
Provincial scout executive	سر پیشاهنگ

پیدا کردیم. آنجا، در پایان خیابان، اتوموبیل حامل جنازه بسرعت می رفت و غباری در پی خود میکشید. . . . خسرو با چشم تخیل بر این منظره بنگریست، چهره مادر را در میان آن غبار مجسم دید و دو قطره اشک بی در پی و آهسته از دید کانش بروی گونه غلطید.

در همین لحظه از پیاده روی سمت دیگر خیابان دختر کمی برای آنکه بخوابان دیگر بیچد، بدین سوی آمد. . . . نزدیک به نقطه ای که خسرو ایستاده بود مهیای گذشتن از جوی آب شد و درین موقع خواهد و نا خواه نگاهش به چهره خسرو افتاد. . . .

دختری بود بسیار زیبا، رو و موی او، قد و بالای او، تناسب اندام و برجستگی های دل فریب بدن او نظر پیر و جوان را جلب میکرد، سختی ها و تلخی های زندگی را از یاد هر بیننده میبرد و او را متوجه زیبایی، خوشی، کامروائی و سعادت میساخت. . . .

خسرو بلا اراده چشم از دنبال اتوموبیل برداشت و بروی این دختر زیبا که بیش از یک قدم با او فاصله نداشت افکند؛ هنوز قطرات

اشک از گونه اش بیابن نریخته بود که خواه و نا خواه لبخندی بروی دخترک زد . . . زیرا دختر زیبا مثل این بود که ایستاده است و باوهینگرد ، مثل آن بود که یابش در داهی گیر کرده و قادر بر رفتن نیست . . . مثل آن بود که میخواهد نزدیک بیاید ، اشک از دیدگان خسرو بستر دو بگوید : عزیزم ، چرا اشک هیزی ؟ . . . اما همینکه لبخند بر لبان منقبض خسرو راه یافت ، دخترک بالرزشی نمایان بخود آمده براه افتاد ، چند قدم بسرعت دور شد ، باز نمیدانم با اراده یا بلا اراده سر بگردانید ، یک نظر دیگر هم بخسرو افکند و سپس با قدمهای آهسته و شاید لرزان راه خود را در پیش گرفت . . . خسرو یک نگاه دیگر بیابان خیابان افکند ، اتوموبیل ناپدید شده و جسد مادرش را برده بود تا با حضور یکی از آشنایان به خاک تیره تحویل دهد . . . خسرو شانه بالا افکند سر بگردانید ، دخترک زیبارا از پشت سر نگریست ، حر کتی دیگر بشانه خود داد ، زیر لب گفت : - آری ، آنش خواهم شد ، خواهم سوزاند ، انتقام خواهم کشید . . .

و دست به جیب روی سینه خود برده دستمال ابریشمین نازکی بیرون آورد و اشک از چشم بسترد ، حر کتی بخود داد و بدنبال دخترک براه افتاد . . .

دختر زیبا هنگامی که پس از عبور از خیابان و چند کوچه بدرخانه کوچک خود رسید سر بگردانید و پنداشت که جوان زیبارا دیده است که از سر کوچه میگذرد ، یک لحظه بایستاد ، مگر باز گردد ، چون چیزی ندید بسر کوچه رفت ، به خیابان باز گشت ، همه طرف را بنگریست ولی جوان را ندید و هنگامی که میخواست از در خانه بدون رود زیر لب میگفت . . .

- خیال نمیکنم آنقدر خوشبخت باشم که او باین زودی مرا دوست داشته و بدنبال من نابدینجا آمده باشد . . . بهر حال ، الان میروم و به اختر میگویم . . . این دختر زیبا پروین بود . . .



خسرو تا سر کوچه بدنبال پروین آمده خانهٔ او را شناخته ، از آنجا باز گشته ، در آن نزدیکی درخم کوچه ای ایستاده ، باز گشتن و نگرانی پروین را دیده ، دانسته بود که دخترک زیبا بدام افتاده است ولی مصلحت چنان دیده بود که آنروز او را بحال خود گذارد و برای فردا قشقی نکوتر فراهم آورد و دامی محکمتر تهیه کند ... آنگاه آهسته آهسته بسوی خانهٔ خود باز گشته در زیر لب گفته بود :

- ای دخترک قشنگک ! ... تو نخستین قربانی انتقام من خواهی بود ...

جوان در هنگامی که این کلام را بر زبان میراند فشاری عجیب در قلب خود احساس میکرد ... به گمانش میرسید که باین زودی عشقی آتشین ازین دختر دردل گرفته است . ولی عشقی که ازخشم و کینه ، از انتقامجویی و شهوت ساخته شده باشد .

(۶)

اختر بیا امروز با هم برویم ، تا او را بتو نشان بدهم ؛ ببین چه خوب است ، چه مهر بان است ، چه شیرین سخن میگوید ، خدا را شکر که به آرزوی خود رسیدم ، این عیناً همان کسی است که من میخواستم ... اگر تمام دنیا را میگشتم ازین بهتر نمییافتم ... آخر مگر تو خواهر من نیستی ، بیا برویم تا بتو نشانش دهم ، میائی ؟ ها ؟ میائی ؟

اختر که خود نیز بی میل به دیدن محبوب خواهر خود نبود گفت : آری ، خواهم آمد ...

نیمساعت بعد در کوچه در کنار هم میرفتند ، پروین میگفت و میخندید و اختر میشنید و لبخند میزد ... تا کنون چندین دفعه خسرو را دیده بود ، با هم کلمات کوچکی رد و بدل کرده ، لبخند های شیرین بروی هم زده و با نگاه های آتشین عشق و دلباختگی خود را بیکدیگر فهمانده بودند ... فرار گذاشته

بودند که یکروز درمیان، درخیابانی خلوت که در آن نزدیکی بود یکدیگر را ملاقات کنند. هر دفته پروین سر موقع به محل ملاقات میرفت، ولی خسرو دو دقیقه دیر تر میآمد و همین دیر آمدن عشق دختر را تیز تر میکرد...

چیزی نگذشت که به آن خیابان خلوت رسیدند، خسرو هنوز نیامده بود و پروین به اختر گفت: تا یکدقیقه دیگر خواهد آمد برویم سر آن کوچه در کنار درختها ایستیم...

براستی بفاصله یکدقیقه خسرو ازدور نمودار شد و پروین شادی کفان دست اختر را بگرفت و گفت:

نگاه کن خواهر، دارد می آید... ببین چه قشنگ است، چه با وقار است!...

اختر سر بر گردانید و خسرو را که بیش از صد قدم از آنجا دور بود بنگریست، همینکه نگاهش بچهره وقد و بالای او افتاد پای تا سر بلرزید، احساس کرد که برده سیاهی بیش چشمش کشیده میشود، و زانویش چنان میلرزد که طاقت نگاهداشتن جسمش را ندارد... فشاری سخت بر خوبستن وارد ساخت تا خون سرد و آرام بماند، لبخندی ساختگی بر لب راند و گفت:

آری، دیدم، مثل اینست که بیش ازین هم او را دیده ام، حق با تست، خیلی قشنگ و با وقار است، اما...

اما چه اختر؟

اما خوب نیست من هم اینجا باشم، من میروم.. در آن کوچه

دیگر قدم میزنم تا تو بیائی.

نه اختر، بگذار ترا باو معرفی کنم...

بگذار بروم، خجالت میکشم، حالا همینقدر که او را شناختم

کافی است، اصلا من بخانه برمیگردم...

و بدون اینکه مجال اعتراض بخواهر خود دهد با قدمهای تند دور شد، بکوچه دیگر پیچید و آنجا چون خود را تنها دید بدیوار

تکیه کرد، سینه خود را در مشت بفشرد، ناله ای از دل بر کشید و زیر لب با صدائی لرزان و کلماتی بریده گفت:

- ای خدا ... ای عشق من! ...

چند دقیقه بعد به خانه رسید، وارد اطاق شد، در بروی خود بست و در حالی که اشک سوزان بر چهره می ریخت در صندوق را بگشود و جعبه مخمض پوش کوچکی از آن بیرون کشید، دستمال بسته ای از میان آن برداشت و از درون آن از میان کاغذ های رنگارنگ، لوله های دعا، یک صفحه کاغذ بدر آورد، آنرا بگشود و با چشمان اشک آلوده این سطور را بخواند:

« عزیزم، تا گمان نبری که چون دیگر جوانان اهل نیرنگ و فرییم، تا تصور نکنی که قصد بدی دارم، تا مرا دروغگو و هوسران نپنداری ازین پس بجای آنکه همه روزه و هر روز چند دفعه در سر راه تو باشم سخت ترین شکنجه ها را تحمل میکنم و فقط هر هفته دو دفعه در راه تو میایستم ولی تو لااقل درین دو دفعه کلام مراجوایی بگویی و لبخندی بروی من بزنی ... »

« کسی که ترا هیپرستد . خ . »

کاغذ را در مشت بفشرد و زیر لب گفت:

- اوه! .. هم اوست! ... خسرو، خسرو، اسم مرا نمیدانست، اسم خود را با من نگفته بود، خیال میکردم وفا دار است، خیال میکردم هنوز با آنکه مدتی مدید از آن روزها میگذرد، مرا دوست میدارد ... خداوندا! .. فراموش کرده است! .. دل بخواهرم بسته ... خواهرم بیقرار اوست، چه شکنجه ای! چه درد بیدرمانی! کاغذ را بگشود، یکبار دیگر بخواند، چشمش در پایان کاغذ بروی این جمله خیره و بیحرکت ماند، « کلام مراجوایی بگویی و لبخندی بروی من بزنی ... » زیر لب گفت: اوه! .. پس ازین کاغذ یکبار دیگر او را دیدم ... خواهش او را پذیرفته بودم، کلمات او را جواب گفتم، بروی او لبخند زدم! ... نخستین لبخند عشق من بود که آخرین لبخندم شد ...

قسمت دوم

انکه این کشند کی رات تو آموخت از چه طریق زندگی را بمن آموخت

مرگ و حیوة قصد ازین نقض غرضت مرگ و او زندگی غیر مرضت

عمر کرانی بعشق بازی میگذرانی و مفت بازی

ای بشر. ای بشر. ای بشر آخر تو نه آسان بجان آدمی

مفت مده خویش که بسیار کران آدمی

جاهد و آثار وی آثار تو است مایه کفار من اسرار تو است

آهنگ از مصنف است

رو نویس زرین خط

قسمت اول

باهل دل میتوان دل بستن نه سر دلی را بدل پیوستن

مده عبت قول کیدی بگردل که میکشی رنج دل بستن

دل است مگیر، تا سختی نکشد شهد از عشق میخواه، جز تلخی نهد

صحت شیفته سنگ است دل عثمان - مشوای دوست دمی غافل ازین عشوہ کران

که کرت بخیر انکار کنند و کرت کجیره انکار کنند

باید از عشق خون برداری دل بگذاری خون برداری

کولی از عشق تو ای یار تو انم افروختن خسر ای یار بیا جانم سوختن

آهنگ ترانه نون سگاه

Andante. (1. = 72)

The image shows a handwritten musical score for a piece titled "Song of Non Sogah". The score is written on ten staves. The first staff begins with a treble clef and a 6/8 time signature. The music consists of a single melodic line. The notation includes quarter notes, eighth notes, and rests. There are several dynamic markings, specifically the word "ti" written above certain notes on the third, sixth, seventh, and ninth staves. The score concludes with a double bar line and a fermata over the final note. At the bottom right of the page, there is a handwritten signature and the text "ترانه نون سگاه" (Song of Non Sogah).

آنگاه لحظه‌ای بخود پیچید ، چین بر جبین افکند ، سپس سر بر داشت و گفت :

- چرا ؟ برای چه آخرین لبخند باشد ؟ برای چه من که اینهمه رنج برده ام ، من که بارها قطرات سوزان اشکم بر خاک ریخته و حاصلی نداده است اکنون که عشق خود را باز دیده ام دست از او بشویم ؟ چرا او را بخواهر خود وا گذارم ؟ میروم او را میبینم ، وعده های او را بیادش میآورم ، میروم با چشم اشگیار برویش مینگریم ، و کلماتی را که پیش ازین بامن گفته است تکرار میکنم
سر بزیر افکند و خاموش ماند و پس از یک دقیقه درحالی که قطره قطره اشک از دید گانش میریخت گفت :

- نه ، بگذار سر نوشت کار خود را بیایان رساند ، بگذار عشق و سعادت من ، لذتی که من از جوانی خود ، از هوا و هوس خود ، از عشق خود بردم منحصر به همان يك لبخند باشد . . . بگذار هستی من ، خوشبختی من ، آینده من يك روز فدای اندرز خواهر و روز دیگر فدای عشق او شود . . .

کاغذ را بجای خود نهاد ، در جعبه و صندوق را بیست ، اشک از دیده بسترد ، از اطاق بیرون آمد و به آشپز خانه رفته با خدمتکار پیر خانه به صحبت پرداخت . . .

نیمساعت بعد پروین مست از باده عشق و مسرت به خانه بازگشت و همینکه پا از در بدرون نهاد بصدای بلند گفت :

- اختر ، اختر ، کجا هستی ؟

اختر از آشپز خانه بیرون آمد و پروین گفت :

- بیا اختر ، بیا يك چیز خوب بتو بگویم . . .

و چون اختر نزدیک شد گفت :

- اختر ، خسرو را دعوت کرده ام که بخانه ما بیاید . . .

• - بخانه ما ؟

- آری ، چه عیب دارد ؟

- چه لزوم دارد که زندگانی محقر و فقیرانه ما را ببیند ؟

- چه عیب دارد ؟ من که دو رنگی نسبت باو ندازم ، همه چیز را باو گفته ام ...

- اوه ! ... توجه بی احتیاطی ! ...

- بی احتیاط چرا ؟ ... من که از او چیزی جز عشق و علاقه حقیقی ندیده ام و یقین دارم که قصدی جز مزاجت با من ندارد چرا با او برخلاف یگانگی رفتار کنم . . . بعقیده من خیلی بهتر است که بیاید و از نزدیک با ما آشنا شود . . . امروز خانه را باو نشان دادم و گفتم که فردا عصر باینجا بیاید . . .

اختر که بزحمت خونسردی خود را محفوظ میداشت گفت :- پس من در آن موقع از خانه بیرون میروم .

پروین نگاهی مملو از ملامت و عدم رضایت باو افکند و گفت :

- اختر ، تو چرا اینقدر بد اخلاق شده ای ! . . . مگر تو خواهر

من نیستی ! . . . مثل اینست که

و لب خود را گزیده سر بیزیر انداخت و کلام خود را ناتمام گذاشت . . .

اختر دانست که خواهرش چه می خواهد بگوید ، فهمید که پروین

بوجود حسادت بی برده است . . . بی اختیار قطره اشکی از گوشه

چشمش سر زد ، و گفت :

- پروین ، چرا اینطور بمن نگاه میکنی ! . . . چرا اینطور با من

حرف میزنی ! . . . هنوز عشق و علاقه مرا نسبت بخود نمیدانی .

ولی بالاخره خواهی دانست . . . چشم وقتی که خسرو بیاید من نیز

در خانه خواهم بود . . .

و برای آنکه خواهرش از انقلاب حالش آگاه نشود به بهانه اینکه

کاری ناتمام دارد به آشین خانه بازگشت و زرب لب میگفت :

- خداوند ! . . . چکنم ؟ . . . فردا چه خواهد شد ؟ . . . قطعا

خسرو مرا خواهد شناخت ! . . .

. . . ولی اختر اشتباه کرده بود ، خسرو در زندگانی هوس

با لود خود بیش از آن با دختران مختلف آشنا شده بود که بتواند به

آسانی یکی از آنها را تشخیص دهد . . . سال پیش روزی چند

اختر را دیده و برای آنکه بدامش افکند و به کام خود سیاهروزش کند دانه‌هایی افشانده بود . . . از آن پس دیگر او را ندیده ، بفاصله روزی چند جای او را بدیگری سپرده فراموشش کرده بود . . .

ازین گذشته ، چهره درخشان و خندان اختر درین مدت تغییر بسیار یافته بود ، و هرزه بیفکری همچون خسرو نمیتوانست در روی افسرده و لاغر امروز او آن گلستان خرم پیشین را بشناسد

خسرو بیامد ، پروین اختر را باو معرفی کرد ، خسرو نگاهی کرد ، سری فرود آورد ، و او را نشناخت . . .

اختر نفسی براحتی کشید ولی جراحی که در دل داشت دهان باز کرد . . .

اوه ! . . . این خسرو ، این مظهر لطف و زیبایی ، این جوان که دل را باسانی اسیر عشق خود میکند چه بیوفا و چه فراموشکار است ! . . . کسی که يك روز چنان شیفته عشقش بود باین زودی از یاد برده است ، دیگر او را نمیشناسد ! . . .

وروز بعد هنگامی که پروین برای دیدن خسرو از خانه بیرون میرفت اختر این کلام را که یکبار دیگر نیز بر زبان رانده بود بدرقه راهش کرد :

- خواهر جان ، خدا کند که آن اشکهای درخشان و آن لبخند شیرین دام هولناک شیطان نباشد !

. . . ولی این گفتارها چه فایده داشت ، هنوز یکماه نگذشته بود که عشق پروین به مرحله جنون رسیده بود و دیگر چیزی نمیتوانست او را ازین راه باز دارد . . .

خسرو بخوبی دریافته بود که نوبت بهره مند شدن ازین شکار زیبا در رسیده است . . . باو گفته بود که بیست روز دیگر عروسی خواهند کرد ، ولی تصمیم داشت و وسیله فراهم میآورد که يك هفته دیگر کام دل از او برگیرد و نخستین قربانی انتقام خود را در گرداب بدبختی سرنگون کند

(۷)

آنروز اختر در خانه تنها بود ، در گوشه ای نشسته بود ، فکر میکرد ، از میان قطره اشگی که در چشم داشت دنیا را که برای او چنان دلشکن و موحش بود مینگریست .

دختر بیچاره در مدت يك ماه بانداره چندین سال زیسته و با آنکه هنوز هیجده سال نداشت زنی سی چهل ساله بنظر میرسید . . .

درین مدت ، چه رنج ها دیده ، چه عذابها تحمل کرده ، چه فشارها بردل و جانش وارد شده ، و شبها در آن هنگام که همه کس در خواب است چه بیداری ها کشیده و چه بسیار گریسته بود

عشق خود را فدای خواهر خود کرده و خوبشتن را نیز فدای این فداکاری میساخت . چند روز پیش در دفتر کوچکی که با خاطرات کودکی ، با یادداشت های زمان مدرسه شروع شده و هر چه بیشتر آمده بود ، به بدبختی و مرگ نزدیکتر شده بود ، این سطور را نگاشته بود ؟

« . . . روزی که برای نخستین دفعه نام عشق را میشنیدم گمان نمیکردم که این موجود بهشتی برای من چهره ای چنین دوزخی دارد . . . و این کلمه که از لفظ « خوشبختی » بگوش خوشتر میاید برای من جز بدبختی و رنج معنی دیگری نخواهد داشت

« روزی که ترا ای دیو آدمی روی ، ای فرشته عشق من و ای قاتل عشق من ، برای نخستین دفعه میدیدم و دردل اعتراف میکردم که دوست داشتنی هستی ، نمی پنداشتم که دست سرنوشت در جبین تو چه نو میدی و چه تلخکامی و چه حسرتی برای من نوشته و در دست تو چه بیشتر زهر آلودی برای آزردن دل من جای داده است . . .

« روزی که اولین لبخند بهار جوانی و عشق خود را بروی تو میزدم ، تصور نمیکردم که همان آخرین لبخندم خواهد بود و هنگامی که برای نخستین دفعه در مدت عمرم کلام شیرین ، ، ترا دوست میدارم ، ، را بر لب میراندم ، نمیدانستم که با این کلام فرمان تلخکامی و مرگ نا بهنگام خود را نگاشته ام : نمیدانستم که تو مرا دوست نخواهی داشت . . .

« ولی آیا تو ، کسی را دوست میداری ؟ ... »
 « آیانو قرشته‌ای هستی که خواهر من ، پروین عزیزم را خوشبخت
 خواهی کرد ؟ ... »
 « اوه ! خدایا ، تو میدانی که اگر پروین خوشبخت باشد من به
 خرسندی و رضایت جان خواهم داد ... »
 « ای کاش ، حیات من که چیزی جز اشک و آه نبوده است بایک
 لبخند بیایان رسد ... و آن آخرین لبخند نشانه خوشبختی پروین باشد ... »

امروز هم اختر تنها نشسته سطور دیگری در دفتر خاطرات خود
 مینگاشت ، ولی آنچه را که میخو است بنویسد نا تمام ماند زیرا
 ناگهان در کوچه صدا کرد ، از طرز کوبیدن در معلوم بود که
 شخص ناشناسی است . . .

اختر دفترچه را در زیر پیراهن خود گذاشته ، برخاست و در را
 بگشود ، زنی جوان ، شاید بیست ساله پشت در ایستاده بود
 اختر گفت : خانم چه فرمایش دارید ؟

- اجازه بدید بدرون بیایم ، مطلبی دارم که میخواهم بشما
 بگویم ، زیرا میدانم تنها هستید و خواهرتان در خانه نیست ، او را
 دیدم که با خسرو خان قدم میزد ، صحبت من را جم بهمان خسرو
 خان است ... اسم من عذراست ؛ همسایه دیوار بدیوار خسرو خان
 هستم ...

اختر فشاری در قلاب خود احساس کرد ، عذرا را بدرون آورد ،
 بنشست و گوش باظهارات او فرا داد ...

... یکساعت بود که صحبت میداشتند ، عذرا آنچه را که
 خود و مادرش از خسرو و مادر او میدانستند حکایت کرد و بالاخره
 به اختر که رنگش زرد شده بود و تنش میارزید گفت ،

- خانم ، خلاصه آنکه ، مادرش نا درست بود ، و پدرش نامعلوم
 است ، به هیچ چیز یابند نیست ، چندروز است که مادرم و من او را

با دختری می بینیم ، دیروز مادرم بمن گفت این دختر خیلی ساده است باید هوشیارش کرد ، من همان دیروز بدنبالش آمدم ، خانه را یاد گرفتم ، دانستم که او خواهر شماسست و جز شما کسی را ندارد

وقتی که عذرا برفت اختر خود را دگرگون یافت ، احساس میکرد که وظیفه بزرگی برعهده اش گذارده شده است ، تا کنون رنجش از آن بود که عشق و هستی خود را فدای خواهرش میکرد ولی اکنون خود را موظف میدید که او را حفظ و حمایت کند

میدانست که خواهرش باین زودی باز نخواهد گشت و چون اصرار عذرا را به رفتن دید خواهش کرد که روز بعد باز آید و آنچه را که میداند خود به پروین بگوید . . .

ولی عذرا هنگامی بسر کوچه رسید که خسرو و پروین در آنجا ایستاده صحبت میدادند و خدا حافظی میکردند .

به مجرد دیدن عذرا رنگ از روی خسرو پرید ، شتابان با پروین وداع کرده به دنبالش دختر همسایه به راه افتاد و چون باو رسید با صدائی خشن گفت :

- کجا رفته بودی ؟

- رفته بودم خانه پروین خانم !

- اوه ! برای چه ؟ برای چه ؟ !

- برای آنکه تو بدجنس جنایتکار را به آنها بشناسانم ، برای

آنکه جنایت های ترا به پروین و خواهرش بگویم . . .

- اوه ! بدجنس ! چگونه جرئت میکنی ؟ . . .

البته که جرئت میکنم ! . . . تو گمان کردی من نیز مثل دیگر

کسان که بدست تو سیاه روز شده اند بیکاروساکت خواهم نشست ؟

حالا کجاش را دیده ای ! امروز برای اختر شرح دادم . . . فردا

خواهم رفت و برای پروین خواهم گفت ، مخصوصاً فردا نزد او اعتراف

خواهم کرد که من نیز یکی از قربانیهای پستی تو هستم ! . . .

- پوستت را میکنم ، حق نداری ، جرئت نداری ... بی وجه خود را بخاطر نینداز .

اختر با خواهر خود از گفته های عذرا چیزی نگفت ، بهتر دانست که عذرا خود بیاید و مطلب را برای او شرح دهد ... بنا بر این روز بعد اختر با کمال بی صبری منتظر عذرا بود ، ولی روز بیایان رسید و عذرا نیامد ... و همین خاف وعده اختر را نسبت به اظهارات او بدگمان ساخت .

اما اختر اشتباه میکرد ، عذرا دختری نبود که خاف وعده کند و اگر نیامده بود برای آن بود که نمیتوانست بیاید ... آنروز درخانه عذرا جار و جنجالی بر پا بود ، مادر بدبخت او شیون میکرد و موی خود را میکند جمعی میآمدند و میرفتند ، زیرا آنروز برخلاف همه روز عذرا از بستر خود بیرون نیامده و دوساعت بعد یزشگان تشخیص داده بودند که شب پیش او را در بستر خفه کرده اند ! ...

(۸)

خسرو آهسته از خانه خود بیرون آمده نگاهی با طرف افکند ، يك لحظه بایستاد ، غوغا و رفت آمدی را که در خانه همسایه ، خانه عذرا و مادرش حکمفرما بود بنگریست ، گوش فرا داد تا بشنود مردم چه میگویند و علت این غوغا را چگونه بیان میکنند ، سپس شانه بالا افکند و شتابان براه افتاد . . . همچون کسانی که مقصد معینی ندارند چند خیابان را پیمود ، در چند نقطه بایستاد ، بدرشکه سوار شد ، چند دقیقه بعد فرود آمد ، باین ترتیب نیمی از شهر را سواره و پیاده طی کرد ، و بالاخره بمیدان بزرگ شهر رسیده اتوموبیلی بگرفت و بسوی یکی از نقاط ییلاقنی درسه فرسخی شهر روانه شد . . .

اتوموبیل از میان درختان سبز و خرم بسرعت میگذشت و خسرو که ابرو درهم کشیده و در گوشه اتوموبیل تقریباً دراز افتاده بود باخود میگفت :

- صبر و حوصله بس است ، باید کار را تمام کنم . . . فردا نه پس فردا . . . مسلما خواهد آمد . . . امروز همه وسایل را فراهم می کنم . . . امشب یا فردا به خانه بروم ، هر دو را دعوت می کنم ، اگر هر دو بیایند چه بهتر ! بیک تیر دو نشان خواهم زد . . . مگر اختر بد است ؟ . . . مثل ماه است ! . . . روانیست که دست رد به سینه اش بخورد . . . آری هر دو را دعوت می کنم . . . در آنجا ، دور از آبادی ، در آن باغ بزرگ ، هیچکدام جز تسلیم چاره ندارند . . . آنها تنها هستند و من میتوانم دو سه نفر دستیار داشته باشم . . . قطعا موفق خواهم شد . . . بیش ازین نباید بتعویق افتد ، ممکن است مشکلاتی پیش آید . . . ممکن است حقیقه عذرا به آنجا رفته و به اختر چیزهایی گفته باشد . . . گرچه رفتن و گفتن او دیگر تجدید نخواهد شد ، ولی احتیاط را نباید از دست داد . . .

. . . خسرو نقشه کار خود را ، نقشه فردا و پس فردا را طرح می کرد ، برای تامین خواهش نفسانی خود ، برای سیر کردن غرایز آتشین خود دور از شهر دامی هولناک میگسترده و در شهر بروین نگران و اندوهگین بود که چرا روزی را بی دین خسرو بسر میبرد . . . ولی اندوه و اضطراب اختر خیلی بیشتر از او بود ، خواهرش را در خطری بزرگ میدید ، میخواست حماقتش کند ، میخواست نجاتش دهد و میدانست که این کار به آسانی میسر نخواهد شد . . .

عشق بروین به آن مرحله رسیده بود که دیگر به خوبی و بدی معشوق نظر نداشت ، گوشش حاضر نبود راجع باو ملامت و سرزنشی بشنود ، چشمش در او چیزی جز لطف و زیبایی ، جز عشق و شیفتگی نمیدید و اختر در عین حال که خود آتشی سوزنده در دل داشت اندازه عشق و بیقراری خواهر را میدانست و احساس میکرد که بروین رفته رفته اراده خود را در مقابل خسرو از دست داده و نیروی مقاومت ندارد . . .

پس چگونه خواهد توانست او را از خطر در امان گذارد ، چگونه

اگر هواره خواهی کامکاری

ره سعی و عمل باید سپاری

قدس شاهین و کارکنان
 آن از بدو تاسیس الی
 کتون پیوسته سعی و عمل
 را پیشه خود قرار داده و با
 مجرم و اراده فوق التصوری
 کوشیده اند که در همه
 فصل بهترین جوهراب و
 البسه یشمی ونخی را
 با نازلترین قیمت در
 دسترس عموم قرار دهند



گواه صادق شهرت بسزائی است که در مدت کوتاه تاسیس خود کسب دنوچه همکاران را به روش
 نیکوی خویش جلب نموده است . لالهزار - مقابل سهنما ایران - قدس شاهین

اصفهان - کتابفروشی سعدی

کتابخانه سعدی بشهر اصفهان
نموده خدمت ده ساله بهموطنان
رمان و کارت و مجلات و سالنامه پارس
کتابهای قدیم و جدید از هر سان
نموده جمله مهیا که استفاده کنند
عموم خاصه دبستان وهم دبیرستان
برای خدمت ابناء میهن ایمانی
همیشه حاضر و آماده بوده از دل و جان
سزد که هموطنان قدرزحمتش دانند
که مهر میهن و اولاد اوست از ایمان

دارا رضیایع نورجهان

تارهای جدید

آقای نورجهان
که در چند قطعه
منفصل ساخته شده
است بطوریکه
ملاحظه میشود خیلی
ساده و سبک و قابل
حمل و نقل و استفاده
و قشنگ است



آقای نورجهان جوان باذوق و استاد هنرمندی است تارهای خوب و ظریف
و خوش صدا میسازد و کارهای ایشان در طهران معروف است مخصوصاً
تارهای جدیدالاخرتایی که اخیراً ساخته فوق العاده ظریف و قابل حمل و نقل
و جالب توجه و محل استفاده میباشد - سفارش و لایات را نیز قبول مینماید

موفق خواهد شد که در پس جهره زیبا و دلربا خسرو شیطان مخوف و دبو نابکار را به خواهر غافلش بنماید . . . منتظر بود که زن جوان دیروزی ، عذرا همسایه خسرو بیاید و چیزهایی را که باو گفته است به پروین نیز بگوید ولی درعین حال گمان نمیرد که سودی ازین راه حاصل شود، پروین گوش به اظهارات عذرا بدهد یا بر فرض گوش دادن باور کند . . .

ولی شب در رسید و عذرا نیامد . . . اختر آسب باخواهر خود چیزی نکفت ، خستگی را بهانه کرد و زودتر به بستر خود رفت ، تا صبح خواب بچشمش راه نیافت ، فکر میکرد ، زیر و روی کار را میسنجید و برای پیش آمدهای احتمالی راه چاره‌ای میاندیشید .
و صبح چون باخواهر خود نگر بست و اشتیاق و بیقراری او را بدید در دل اعتراف کرد که قوی ترین وسائل در مقابل این شوق و رغبت ناچیز خواهد بود . . .

پروین قدری زود تر از هر روز مهبای بیرون رفتن شد ولی پیش از آنکه از خانه بیرون رود خسرو شاد و خندان بدرون آمد . . .
... دو ساعت بعد پس از آنکه خسرو بیرون رفت پروین باخشم و خشونت به اختر گفت :

- چرا اینقدر بیمزه شده ای ؟ . . . چرا دعوت خسرو را رد کردی ؟
مثلا اگر با ما بیسانی چه میشود ؟ . . . خسرو از مدتی پیش وعده کرده بود که یکروز بیایم و خواهیم رفت ، اکنون با اینهمه التماس و احترام و خواهش دعوت میکند که باهم به آنجا برویم ؟
تو برای چه با اینهمه تلخی دعوتش را رد میکنی ؟ . . . راستی چرا نمی آئی ؟ . . .

اختر گفت : من نمیایم و امیدوارم که تراهم نگذارم بروی ؟ . . .
- من ؟ بچه مناسبت ، تو میخواهی بیا ، میخواهی نیا . . .
- بهر صورت تو خواهی رفت ؟
- البته ، دلیل ندارد که نروم . . .

- نمیترسی که ...

یروین با حرکتی بیصبرانه حرف او را قطع کرد و گفت :
 ترس ؟ برای چه ؟ از چه ؟ ... خیر ، نمیترسم ، افعال اطمینان را
 به خسرو دارم ، اگر بگویند که با او بجهنم بروم بدون ترس و
 تشویش خواهم رفت ، فهمیدی ؟ ... من از خیلی پیش احساس کرده
 بودم که حسادت و کینه ای در تو نسبت بمن ایجاد شده ...
 اختر با رنگ پریده و لبان لرزان گفت : یروین ، هرچه بگوئی
 حق داری ، ولی من نمی گذارم تو با این جوان از شهر بیرون
 بروی ...

یروین فریاد کژان گفت : تو برای خودت میکنی ! .. اختیاردار
 من نیستی ... بهیچوجه بتو مربوط نیست ! ..
 اختر روی از او بگردانید و قطره اشکی را که از چشمش سر
 زده بود بسترد و آهسته گفت : بسیار خوب ، خواهی دید که
 چگونه از رفتن تو جاو گیری میکنم ...

روز موعود در رسید ، درین دو روزه خسرو بخانه خود نرفته
 بود و خبر نداشت ، شب پیش را درخانه یکی از آشنایان دیرین
 بسر برده و صبح از آنجا مستقیماً بخانه یروین آمد .
 یروین آنروز زودتر از هر روز از خواب برخاسته و بدون
 آنکه چیزی با اختر بگوید مهبای حرکت شده بود ...
 درعین حال که از رفتار خواهرش خشمگین بود شوقی در دل
 داشت که روزی را در دامن طبیعت با محبوب مهربان خود به
 سر خواهد برد ...

در دل احساس میکرد که نیامدن خواهرش خیلی بهتر است ،
 اگر او نباشد آزادانه تر و شیرین تر معاشقه خواهند کرد و از
 عشق خود بیشتر لذت خواهند برد .
 ولی خسرو برخلاف او نگران بود ، اصرار داشت که اختر را
 هم به همراه ببرد و چون دید که یروین آماده حرکت شده و خبری
 از اختر نیست با او گفت :

- پس اختر کجاست ؟ ..
 - نمیدانم کجاست ؟ .. چه کارش داری ؟
 - بالاخره با ما نخواهد آمد ؟ ..
 - نه ، بهتر ! .. آمدنش چه فایده دارد ..
 - ولی خود او کجاست ؟ مثل اینست که در خانه نیست ...
 - چرا ، در خانه است ، ممتها از دیدن ما بیزار است ...
 ولی در عین حال خود نیز از غیبت اختر نگران شده صدازد :
 - اختر ، اختر ،
 جوابی شنیده نشد ، یکبار دیگر صدازد ، باز جوابی نشنید و
 خدمتکار کهن سال که همین موقع از کوچه باز میگشت گفت :
 - اختر خانم دو ساعت است که از خانه بیرون رفته است ...
 درین لحظه در کوچه صدا کرد ، پروین و خسرو و خدمتکار
 هر سه بیک صدا گفتند :
 - اختر است ! ..

آری اختر بود

اختر که شب پیش تابسحر خواب بچشمش راه نیافته و در انقلابی
 عجیب و وصف ناپذیر بسر برده بود ، از تفکرات درهم و پربشان
 خود به صدها نتیجه رسیده ، از هر نتیجه تصمیمی گرفته ، هر تصمیم
 را بدلیلی درهم شکسته و بالاخره چون شب بیابان رسیده و سپیده
 دمیده بود خود را بیش از پیش مشوش و مردد یافته بود ...
 میخواست دست خسرو که عشق او را با همه رؤیاهای جوانیش
 کشته و بخاک سپرده بود بدامن خواهرش نرسد ، میخواست لطمه
 نایاک آن جوان پس از آنکه به چهره آرزوهای او خورده بود
 چهره طهارت و تقوی پروین را سیاه نکند ... میخواست ابن جوان
 را که اکنون پس از يك چند دوست داشتن و پرستیدن با وحشت
 مینگرست بیرون کند ، نا امید سازد ، رو سیاه و بی آبرو کند ،
 پرده تزویر و ریا را از چهره اش برگیرد و او را با همه وحشت و

باآجرها و پله های محکم و قشنگ موزائیک ساختمانهای شما را جلوه مینهد

مخافش نمودار سازد بدون آنکه خواهرش آسیبی ببیند و از پایان زشت و نکبت بار عشق خود مصیبت و حزنی امدی بدل پذیرد! ... بی آنکه از سلسلهٔ برخم و پیچ تفکرات خود بیرون آمده باشد از بستر خود بیرون آمد. از زیر چشم بیرون را نگر بست، روی او را از شادی به صفای بهشت دید و آن مشاهده بیشتر خون در دلش ریخت؛ آنگاه بدون آنکه چیزی بگوید از اطاق بیرون رفت، و چند دقیقه پیش نگذاشت که ناگهان حر کتی بخود داد، سرعتی در رفتارش پیدا شد، با طاق دیگر رفت، پس از اندک مدتی لباس پوشیده بیرون آمد همه جا را بنگریست و چون خواهر خود را ندید بانوک یا ولی بسرعت بسوی در کوچه رفت، آهسته در بگشود و بلافاصله در کوچه پشت سر او بسته شد.

از رفتار او معلوم بود که مقصدی معین و عزمی جزم دارد... بهیچ سوی خود نمینگریست، تردیدی در او احساس نمیشد. کوچه‌ها و خیابانها را بی‌ممود و بالاخره بکوچهٔ باریک و طولی رسیده سر بر داشت، اسم کوچه را بر فراز دیوار آن بخواند، وارد کوچه شد، چند قدم پیش رفت و خواست بکوچهٔ دیگر پیچد ولی ناگهان باستاند و قدمی بقهرا رفت...

در پایان این کوچهٔ باریک دری باز و حیاطی نمایان بود؛ در حیاط صدائی شنیده میشد و اشخاصی دیده میشدند، صدا از زنی بود که گریه میکرد، و آن اشخاص دوپاسبان بودند که بدنبال مردی اسرار آمیز بیرون می‌آمدند

اختر زیر لب گفت: آیا اشتباه کرده‌ام؟ مگر اینجا خانهٔ عذرانیست؟ آنگاه به تحیری بی پایان دچار شد زیرا در همین لحظه مرد اسرار آمیز بدون اینکه سر بگرداند پاسبانان گفت:

- تردیدی نیست، قاتل همان جوان همسایه است، همان خسرو است... ولی اکنون کجا میشود او را پیدا کرد؟

شنیدن این کلام وحشت و حیرتی ناگهانی در اختر ایجاد

آجرهای سمتی پروانه که هیچ آب نمیکشد برای بام و ایوان پوشش حکم و مسمنی است

کرد... سر کیه ای او را فرا گرفت ، پرده سیاهی جلو چشم کشیده شد ، اغتشاش و انقلابی عجیب که هیچگاه مانند آنرا ندیده و احساس نکرده بود در مغزش راه یافت ، همه چیز را فراموش کرد ، چون مستان دو قدم پیش رفت و بی اراده با صدائی خشن و لرزان گفت :

- من میدانم خسرو کجاست . من میدانم ...

... چند دقیقه بعد با وضعی دیوانه وار ، بارفتاری نامرتب ، بسوی خانه باز میگشت ، در بین راه با خود سخن میگفت ، ولی خود نمیدانست که چه میگوید و کسانی که آن دختر زیبا را باین وضع میدیدند بدون آنکه چیزی از گفته هایش بفهمند سری تکان داده با تأثر میگفتند : بدبخت دیوانه است ...



وقتی که بدرخانه رسیده همچون کسی که فرسنگها پیاده پیموده باشد خسته بود ، و چون در باز شد چنان بدرون رفت که گفتی محکومی است که از مرگ میگریزد یا جانی نکاری است که از تعقیب عدل و قانون فرار میکند ...

وضع او همه را بحیرت افکند ... پروین با اضطراب تمام بسوی او رفت و گفت :

- اختر کجا بودی ، ترا چه میشود ؟ ...

اختر جوابی نگفت و خسرو که وی نیز از مشاهده آشفتنگی و پریشانی ، یزیده رنگی و نا توانی اختر متحیر شده بود پیش آمده گفت :

- راستی خانم شمارا چه میشود ؟ ... این چه حال است ؟ ...

اختر ناگهان سر برداشت ، دندان خود را بروی هم فشرده و با صدائی لرزان ولی مخوف و تهدید آمیز گفت :

- خوب حالی است .. فهمیدی ! .. خوب ! ..

خسرو سری تکان داد و زیر لب گفت : اوه ! بیچاره ! ..

او نیز یمنداشته بود که دختر بدبخت دیوانه شده است ،
ولی اختر با صدائی درشت تر گفت : بیچاره تر از تو کسی
نیست ، ای شیطان وحشت آور که روزی در نظر من فرشته بودی !
پروین و خسرو هر دو بیک صدا و باحیرت گفتند : در نظر تو ؟
- آری ، من نیز یکی از آن بیچارگان چشم بسته بودم که
نایاکی و دروغ تو روزگار جوانی و سعادتمندان را سیاه کرد ، ببین ،
مگر این کاغذ از تو نیست ! ..

پروین باچشمان دریده ازحیرت باین منظره مینگریست و خسرو
دندان به رویهم فشرده بطرف اختر جست و در عین حال گفت :
این بدبخت دیوانه شده است ، خطر ناک شده است ! .. و با خشم
و خروشی وحشیانه مشتهای متشنج دختر جوان را که یاره های
کاغذی را بهم می فشرد گرفته کوشید که کاغذ را از کفش
بدر آورد ..

اختر دیوانه وار ناسزا میگفت و خسرو وحشیانه میفریاد و برنلاش
و کوشش خود میافزود و رفته رفته اندام دختر ، انوان را در میان
دست و پای خود بهم می پیچید .

پروین همچنان مبهوت بود ولی خدمتکار بی رطقت نیاورد ، پیش
دوید و فریاد کنان گفت :

- نا کس ، بی انصاف ، کسی بازن اینطور رفتار نمیکنند ! ..
اختر ناله کنان گفت : خاموش باش ، بگذار مرا بکشد ، بگذار
که من دومین قربانی او باشم .. بگذار مرا هم به پیش عنذرا ...
خسرو نگذاشت حرف او تمام شود ، فریاد زد :
- خفه شو ! ...

و چون جانور درنده ای که بیک حمله بخواهد کارشکارش را بیابان
رساید دستهای اختر راها کرده دهان او را محکم بچسبید ... آنگاه
هر دو دستش بلا اراده یائین تر آمده بانشنجی عجیب در پیرامون
گلوی اختر حلقه شد ...

این حقیقت موحش پروین را بخود آورد ، دیوانه وار و فریاد گمان بدانسو جست ، صدای او با فریاد پیر زن و ناله اختر و غرش خسرو درهم آمیخت ... ولی این صحنه در یک چشم بر هم زدن دگرگون شد ، خسرو ناگهان اختر را رها کرد ، دختر بیچاره دو قدم دور تر بر زمین افتاد و او با وحشت به قهقرا رفت ... از حملهٔ پیرزن و پروین نترسیده بود ، از جنایتی که مرتکب میشد بوحشت دوچار نشده بود ، بلکه در یک لحظه از آن گیرودار موحش ، رو در روی خود منظره ای دیده و در عین حال صدائی شنیده بود که پشتش را بلرزه افکنده ، دستش راست کرده و وحشت را تا مغز استخوانش کارگر ساخته بود ؛

زیرا در آن لحظه در باز شده مردی با قیافهٔ تند و جدی به درون آمده ، بدنبال اودو یاسمان بر آستانهٔ در نمایان شده و بلا فاصله آن مرد جدی بدرون دویده و فریاد زده بود :

- بایید ، قاتل دارد مرتکب قتل دیگری میشود ! ..



پنج دقیقه بعد در پیش چشمان پروین که از فرط وحشت از حدقه بیرون آمده بود ، دره قابل پیرزن خدمتکار ، خسرو را که از مقاومت باز داشته و دست بند بدستش زده بودند دو یاسمان در میان دو تنگ از خانه بیرون میبردند ، و در همین لحظه اختر که دو قدم دور تر بی حرکت افتاده و دیده فرو بسته بود همچون کسانی که در خواب سخن گویند با صدائی آهسته و عجیب زیر لب میگفت :

.... پدرجان ! ... ازین پس دگر آسوده بخواب ، پروین دیگر گول نخواهد خورد ، اندر زهای شیرین تو آمیخته با این تجربه تلخ ، همیشه راهنمای او خواهد بود ...

« پایان »

بقیه فروشندگان سالنامه در ولایات

پهلوی کتابفروشی اقبال - آشتیان دواخانه آقا سیدهاشم
آباد آقا علی واعظ زاده - آمل آقا اسد الله اخوان - اردبیل
شرکت اتفاق - بندر لنگه سید جلال الدین حیدری - بانه محمد
امین بختیاری - بندر جز اسحاقیان - عبد الله اصغر زاده - پاریز
آقای صفاری - توپسرگان آقا علی اصغر سلیم زاده - آقای
نوروز علی سلیم زاده - خرم آباد آقای عبد الحسین خرمی -
خلخال آقای حاجی سید محمد بروجردی - رودسر آقای علی
اصغر داداش زاده - خیاو آقای محمد فروغی - خور آقای
افسر یغمائی - سقز آقای مصطفی تیمور زاده - سیرجان آقای
خدا داد رشید پور - شاهین کتا بفروشی مشهوری - آقای
گرشاسبی - شاهپور کتا بفروشی عزیزبی - شهسوار آقای
حسن طلوعی - آقا مشهدی لطفعلی کتا بچی - شهر کرد آقای
حیدر اعتدالی - شهرضا آقای عبد الجواد ثابت - شوشتر آقای محمد
حسن سراج - آقای محمد علی ملک احمدی - صالح آباد آقای
حاجی علی محمد افتخار - خمین شعبه کتا بفروشی توکل -
فیروزکوه آقا سید حسین طاهری - کرج آقای بهادرانی -
لاهیجان آقای حسن اسلام نظر - بهبهان - آقای محمد کاظم
دوافروش - دزفول - آقای محمد رضا معرفت زاده - بابل - کتاب
فروشی زمانی - اردبیل - کتاب فروشی نجات - خوی - شرکت
سنائی - ساوه - آقای صالحی - گلپایگان - آقای حسین میمی
آبادان آقای غلامرضا لگون - خرمشهر - کتا بفروشی انجاد -
قزوین آقای قائمی - سمنان آقای اسد الله قوامی - آقای سید
محمد مرتضوی - دامغان مغازه خرمیه مسجد سلیمان کتاب
فروشی کرامت میانج - کتا بفروشی محمدیه - مراغه - کتا بفروشی
نوبهار - نوشهر - تجارتخانه زارع لاریجانی - نهاوند - آقا سید احمد
کتاب فروش - دهخوارقان - کتاب فروشی صداقت - هفتگل
آقای اسد الله کرامت - رفسنجان - آقای معاون التجار - مرند



البته فراموش نمیکنید
محکمه دند انسازی
اسرائیل غریبان را که
حاضر است از ساختن دندان
های خوب و جاو گیری
از امراض دهان و دندان
بشما خدمتهای مهمی بنماید
آدرس چهارراه کنت
قسمت فوقانی

کتا بفروشی جودت - بحرین - آقای محمد امین خنجی - اهر -

آقای حاجی میر جواد باغبانی - بندر ديلم - آقای عبدالحسین دبیری
نگرود - آقای عبدالحسین نصر تیان خرازی - آقای محمدرضا
دهقان - آستارا - آقای اسحق کلانتری - حسن کیاده - آقای
رضا درخشان - انار یزد - آقای سعیدی رئیس بست - اشرف -
آقای ابراهیم توفیقی - شعبه غفاری پاکزاد - اردستان - آقای
نصرالله آزادگان - آقای سیداحمد یزدان بخش بیجار گروس
آقای آقا جان بدیعی - سراب - آقای ابراهیم صالح - صومعه سرا
آقای حسن فرمی - مه آباد - آقای سید عبدالله صدر زاده - آقای
صدیق صدری - ماکو - آقای ورقانیان - گنبد قابوس - آقای
لطفعلی توفیقی - زامهر مز - کتابفروشی شرافت - قصر شیرین
شرکت اتفاق - سنقر آقای خیرالله بابائی - میاندواب آقای بدالله
جیبی - طالقان برادران ابوالفضل زاده - بر ازجان محمد اسمعیل
و بد کازرونی - لار - آقای محمد باقر نیکنام

فروشنندگان سالنامه در خارجه

بغداد آقای عباس صیقل - کویت آقای یعقوب بن یوسف

بهبهانی - بصره آقای حسین تنگستانی

نمایندگان فعلی تجارتخانه کیخسروی

در ولایات

پهلوی - تجارتخانه آقا محمد حسین احمد زاده

رشت - خیابان شیک - آقا بالا علی زاده

بابل - تجارتخانه شهابی

قزوین - بازار بزازها تیمچه سر پوشیده - حاجی دادا سر

صلاحی

همدان - سرای نو - شرکت جمشید پارسا و مهربان

ایرانی نژاد

تبریز - بازار حرمخانه میر ابراهیم نیکدل

تبریز - راسته بازار - حاجی محمد تقی پور اسکوئی

اهواز - تجارتخانه علی زاده

قم - بازار نو آقا محمد چرخچی

عراق - خیابان خونساری - حسین محبوبی چرخچی

کاشان - سرای گمرک - آقا حسین هاشمیان

بروجرد - قیصریه مشهدی حسین فولادی

اصفهان - سرای مخلص حاجی مرتضی چرخ فروش

اصفهان - خیابان سپه مغازه آهن - نصر الله مکان

شیراز - تجارتخانه رامشنی

شیراز - حاجی احمد صراف

یزد - سرای والی ارباب نامدار کیخسروان

مشهد - فلکه گلدوزیان

کرمان - سرای چهارسو - ارباب بهرام وهمنی

کرمان - بازار - سیدمهدی شبیانی

فروشندگان سالنامه پارسی در تهران

بازار — علی آقا فرهومند - محمود آقا پرورش - محمد آقا
دفترجی - حاجی احمد فرهومند - عباس آقا سیگاری امید - کتابفروشی
گودرزی - کتابفروشی سعیدی - کتابفروشی شرف .

ناصر خسرو - تجارتخانه اساسی - کتابفروشی خیام - شرکت
پاپ کتاب تبریز - ضیاء جورابچی - کتابفروشی گلپهار - کتابفروشی
بهرافت - شرکت شباعی - کتابفروشی رجائی - کتابفروشی علمی -
کتابفروشی گنج دانش - محمد آقا تاجر برچی - دواخانه خجسته - کتاب
فروشی دانش - کتابفروشی اسلامیة - شرکت کانون کتاب - احمد آقا
گلشهر - کتابفروشی مظفری - کتابفروشی فردوسی - کتابفروشی
سرف - کتابفروشی مهدیه - کتابفروشی اقبال - دواخانه انور - کتاب
فروشی مرکزی - میدان سپه سیگاری ثاقب .

لاله زار - قدس جورابچی - مغازه یگانه - کتابفروشی خاور
شاه آباد - کتابخانه ابن سینا - کتابفروشی سیروس - شرکت
محصلین تجارت - دواخانه سیروس - دواخانه مخصوص - جواد ایزد
پناه - علی اکبر بهارستان .

خیابان نادری - کتابفروشی نسرین - مغازه تابان - دواخانه نو .
خیابان پهلوی - دواخانه ملی - مغازه پروانه - کتابفروشی خیر .
چهار راه حسن آباد — رحیم آقا مگری - سیگاری امیدبان
ازم التحریر فروشی کاوسی - رحیم آقا صدریان - مغازه پیروز .
خیابان شاهپور - کتابفروشی نجات - محمود آقا بیگارزاده -
علامه حسین نورجهان . خیابان اسماعیل بزاز - مغازه مروت .



REGISTERED
TRADE MARK

ایلفورد

سازنده محصولات سلو

« بزرگترین و نامدارترین کارخانه اشیا عکاسی »

فیلم شیشه - کاغذ - کارت پستال - فیلم ریون ایکس و جزآن
برای هرگونه عکاسی آئینه - اماتورسی - ریون ایکس - فیزو تریپ

از موهنای شیارشبهت رسانیده است که بهترین و کاملترین
و زیباترین عکسها با محصولات عکاسی ایلفورد - سلو انجام میشود .
عکسهای مربوط بحبشهای سلطنتی و ورزشی و جزآن در انگلستان بیشتر
کشورهای گیتی توسط فیلم سلو و شیشه و کاغذ ایلفورد برداشته شود

« نماینده در ایران »

تجارتخانه ضیایان

جلال ناصر خسرو - طهران

SELO

Post Graduate Library

College of Arts & Commerce. O. I.

